

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پلیس، امنیت و چشم انداز ۱۴۰۴
جمهوری اسلامی ایران
(مجموعه مقالات)

گروه نویسندگان

دفتر مطالعات سیاسی
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران: مجموعه مقالات/ گروه نویسندگان. -- تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۸.
۲۳۴ ص: جدول، نمودار. (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۸/۷۴)
ISBN: 978-964-8427-62-2: ۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. پلیس - ایران. ۲. امنیت داخلی - ایران. الف. مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها. دفتر مطالعات سیاسی. ب. عنوان.

پ۸/۵۶/۸۲۴۲ HV

۱۳۸۸

ویژه‌نامه همایش پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران

دبیر علمی همایش: دکتر محمد خوش‌چهره

دبیر اجرایی همایش: دکتر یوسف ترابی

نهادهای مشارکت‌کننده در همایش: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دانشگاه تهران، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز مطالعات تحقیقات و آموزش کشور، مرکز مطالعات راهبردی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

اعضای هیئت علمی همایش: دکتر علی‌محمد احمدوند، دکتر محمد اخباری، دکتر حسن اسدی، سردار سرتیپ حمیدرضا اشراق، دکتر حسن‌علی اکبری، دکتر بهادر امینیان، دکتر یوسف ترابی، دکتر ناصر جمال‌زاده، دکتر جعفر حق‌پناه، دکتر محسن خلیجی، دکتر محمد خوش‌چهره، محسن سویزی، دکتر رضا سیف‌الهی، دکتر توحید عبدی، دکتر محمد قصری، دکتر رضا کلهر، دکتر سیدمحمدعلی موسوی، دکتر مهدی ناظمی.

دبیر علمی ویژه‌نامه: دکتر ناصر جمال‌زاده

داوران ویژه‌نامه: دکتر بهزاد پورسید، دکتر یوسف ترابی، دکتر ناصر جمال‌زاده، دکتر لطفاله فروزنده، دکتر ابوذر گوهری مقدم، مصطفی دلاورپور اقدم.

عنوان: پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)

مؤلف: گروه نویسندگان

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۱۳۸۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

مسئولیت صحت مطالب کتاب با نویسندگان مقالات است.

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
مقدمه	۳
بخش اول الزامات تقنینی و سیاستگذاری	۷
ناجا و توسعه امنیت نرم در محیط سایبر با تأکید بر سند چشم‌انداز	۹
دکتر ناصر جمال‌زاده	
کاستی‌های قانونگذاری و عملیاتی ناجا در ساختار امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴	۴۱
مصطفی دلاورپور/اقدام	
بخش دوم الزامات ساختاری و سازمانی	۷۷
کاربرد مدیریت استراتژیک در نیروی انتظامی با رویکرد تأمین رضایت عمومی در چشم‌انداز ۱۴۰۴	۷۹
دکتر لطف‌اله فروزنده	
الزامات تحول ساختار سازمانی پلیس جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴	۹۹
دکتر محمدهادی مؤذن جامی، دکتر سیدرضا حسینی و دکتر علیرضا جبه‌دار	
پلیس چابک و متغیرهای تأثیرگذار در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴	۱۲۷
محمدحسین دیده‌گاه و علی‌اصغر جمراسی	
بخش سوم الزامات و رویکردهای امنیتی	۱۶۳
عصر اطلاعات و الزامات امنیتی پلیس کشور در ایران ۱۴۰۴	۱۶۵
مرتضی نورمحمدی	
گامی به‌سوی پلیس مطلوب: ارائه یک الگوی علمی با رویکرد ایران ۱۴۰۴	۱۸۷
دکتر یوسف ترابی و دکتر قاسم فرج‌پور	
سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در فرایند مبارزه با مواد مخدر در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴	۲۰۵
دکتر یوسف ترابی و سیدحسین حسینی	

سخن ناشر

توسعه زیرساختی و زیربنایی مدیریت دانش انتظامی به عنوان یکی از ملزومات نهادینه سازی امنیت پایدار و فراگیر، نقش مهمی در مدیریت پیش رویدادی تهدیدات امنیت ملی ایفا می کند و نه تنها موجب کاهش هزینه های انتظام بخشی خرد و کلان پلیس کشور در بازه زمانی برنامه پنجم و افق ایران ۱۴۰۴ می شود، بلکه به مثابه چراغی بستر تسهیل و تسریع دستیابی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را به اهداف کلان اسناد بالادستی فراهم می نماید.

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، افزایش اهمیت مقوله تهدیدزدایی از فضای مجازی، انعطاف پذیری آفندهای چالش محور امنیت ملی، محدودیت منابع مادی و معنوی پلیس، وجود ناپایداری انتظامی - امنیتی در حلقه های محاطی جمهوری اسلامی ایران، گذر مخالفان نظام از مرحله تهدید سخت به سمت براندازی نرم و به تبع آن برنامه ریزی آنان برای ملت بهب سازی جامعه از طریق ایجاد و گسترش تنش های چندبعدی در سطوح دانشجویی، قومی، فرقه ای، صنفی و اجتماعی از مهم ترین مؤلفه هایی است که بر ضرورت تدوین منشور جامع مدیریت دانش انتظامی می افزاید.

در سند چشم انداز، مختصات انتظامی - امنیتی ایران ۱۴۰۴ به صورت کلی ترسیم شده و تحقق حداکثری اهداف آن، مستلزم توجه ویژه پلیس به پیاده سازی مطلوب برنامه ها و اهداف قوانین برنامه و رفع کاستی های احتمالی است. به همین منظور نیروی انتظامی ضمن نگاه راهبردی به دورنمای ایران ۱۴۰۴ باید سازوکارهای مناسبی را نیز در بازه زمانی برنامه پنجم تبیین کند. از طرفی امنیت افزایی و مهندسی انتظامی پایدار، مقوله ای شبکه ای و فرابخشی است که تقویت کار گروهی و هم افزایی ظرفیت ساختارهای مرتبط یکی از بایسته های آن محسوب می شود.

به همین منظور مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان برگزارکننده همایش پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، با رویکرد ارتقای شاخص‌های پلیس مطلوب در ساختار امنیت ملی ایران ۱۴۰۴، مجموعه مقالات حاضر را منتشر می‌کند تا ضمن برداشتن گامی مؤثر در راستای تقویت نگاه جامع و زیربنایی به رفع حوزه‌های چالش‌محور مدیریت انتظامی کلان کشور، زمینه‌های تداوم هم‌اندیشی و تعامل پویا میان نهادهای پژوهشی و ساختارهای انتظامی - امنیتی را فراهم کند.

دکتر بهزاد پورسید

معاون پژوهشی مرکز پژوهش‌ها

مجلس شورای اسلامی

مقدمه

براساس اصل پویایی و کارآمدی، رفع خلأهای سیاستی و ساختاری سیاست‌های کلان انتظامی همواره به‌عنوان یکی از اولویت‌های امنیت ملی کشورها مطرح بوده است. در همین راستا، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با توجه به عواملی همچون ضرورت‌ها و الزامات محیطی، آسیب‌شناسی تهدیدات راهبردی و همچنین واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور بایسته است در راستای همسویی حداکثری با اولویت‌های اسناد بالادستی کشور گام بردارد تا طی بیست سال آینده بتواند بنیان‌های شکل‌گیری پلیس مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴ را فراهم کند.

سند چشم‌انداز، فراگیر و کلی‌نگر بوده و نقشه راهی است که تصویر آینده را برای کشور مشخص می‌کند. پلیس کشور نیز برای هماهنگی حداکثری با سیاست‌های کلان سند چشم‌انداز باید بنیان‌های مدیریت استراتژیک انتظامی را در بازه زمانی برنامه پنجم توسعه ارتقا بخشد که تحقق آن مستلزم شناسایی، طبقه‌بندی، تهدیدسنجی، اولویت‌بندی، ظرفیت‌سنجی و تبیین پدافند ملی منسجم برای مهار آسیب‌هایی است که می‌تواند هزینه‌های امنیت‌افزایی و انتظام‌بخشی خرد و کلان کشور را افزایش دهد. میزان مطلوبیت و اثربخشی این روند ارتباط مستقیمی با سطح کمی و کیفی تعامل و هم‌اندیشی پلیس کشور با مراکز علمی - پژوهشی و سایر ساختارهای حاکمیتی به‌ویژه مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه دارد.

توسعه سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌تبع آن افزایش حجم تهدیدات انتظامی - امنیتی در فضای سایبر، اهمیت حداکثرسازی ثبات فکری (هدف‌محوری) و رویه‌ای (برنامه‌محوری) در سطح اثربخشی سیاست‌های کلان انتظامی، نقش بالای مراکز تصمیم‌ساز

در ارتقای نظام تصمیم‌گیری پلیس کشور، نقش تأثیرگذار نیروی انتظامی در صیانت از حقوق شهروندی و سرمایه‌های اجتماعی، لزوم پیشگیری از سیاست‌های جزیره‌ای و اقدام‌های موازی، لزوم رصد، طبقه‌بندی و اولویت‌سنجی خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی در راستای تحقق پلیس مطلوب، توسعه مدیریت پیش‌رویدادی در ساختار برنامه‌ریزی‌های ناجا، دستیابی به الگویی پایدار و بومی در حوزه مدیریت استراتژیک انتظامی، نقش بالای امنیت‌پژوهی در اقتدارافزایی پلیس کشور و بسترسازی برای شکل‌گیری منشور جامع مدیریت دانش انتظامی از مهم‌ترین دلایلی هستند که بر اهمیت تبیین بسته مطالعاتی منسجم و یکپارچه در ساختار انتظامی ایران ۱۴۰۴ افزوده است.

کتاب حاضر مجموعه مقالات پژوهشی است که پژوهشگران دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای همایش پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران با رویکرد آینده‌پژوهی کاربردی، تقویت بنیان پژوهش‌های قانونگذاری و رفع خلأهای سیاستی و ساختاری تهیه کرده‌اند تا به‌عنوان مرجعی مطالعاتی، روند دستیابی ناجا به آرمان‌های پلیس مطلوب در سند چشم‌انداز را تسهیل و تسریع کند.

اثر حاضر مشتمل بر سه بخش و هشت مقاله است که ابعاد مختلف نقش پلیس را در تأمین امنیت با لحاظ افق ایران ۱۴۰۴ بررسی می‌کند. در بخش اول که به الزامات تقنینی و سیاستگذاری اختصاص دارد دو مقاله گنجانده شده است که مؤلف در مقاله اول با توجه به گسترش تهدیدات نامتقارن انتظامی در فضای سایبر، ضمن کنکاش دلایل اهمیت و شاخص‌های امنیتی تهدیدات نرم در فضای مجازی، به مهم‌ترین اقدام‌ها و تدابیری که ضرایب امنیتی - انتظامی فضای سایبر و به‌تبع آن ظرفیت بازدارندگی ناجا برای مهار حداکثری تهدیدهای نرم‌افزاری در افق ایران ۱۴۰۴ را ارتقا می‌دهند اشاره کرده است. در مقاله دوم نویسنده با رویکرد گستره‌افزایی امنیت‌پژوهی راهبردی، تقویت زیربنای پژوهش‌های قانونگذاری و بهره‌گیری بهینه و حداکثری از ظرفیت‌های پارلمانی در حوزه مدیریت استراتژیک انتظامی، ضمن واکاوی خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی تحقق پلیس مطلوب در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران ۱۴۰۴، راهکارهایی را ارائه کرده که موجب ارتقای اثربخشی و کارآمدی سیاست‌های انتظام‌بخشی پلیس کشور می‌شوند. در بخش دوم به الزامات ساختاری و سازمانی برای تحقق اهداف پلیس در تأمین امنیت شهروندان پرداخته شده که سه مقاله را به‌خود اختصاص داده است. در مقاله اول

نویسنده با استفاده از دانش مدیریت استراتژیک و با تأکید بر مأموریت نیروی انتظامی در راستای سند چشم‌انداز قصد دارد با به‌کارگیری مدل‌های مدیریت استراتژیک راهی برای افزایش کارایی پلیس و در نتیجه افزایش رضایتمندی مردم در بخش عمومی بیابد. در مقالات دوم و سوم این بخش نویسندگان با رویکردی سازمانی خواهان تغییر در ساختار سازمانی پلیس شده‌اند و معتقدند ساختار متمرکز و نظام بوروکراسی پیچیده و سنگین فعلی آن باید به پلیسی چابک با قدرت پاسخ‌گویی و واکنش سریع در افق ۱۴۰۴ تبدیل شود. بخش سوم نیز با سه مقاله و رویکردی نظری - تطبیقی به الزامات امنیتی فراوری پلیس برای حضور در فضای مجازی در عصر اطلاعات و مبارزه با مواد مخدر پرداخته است تا راه رسیدن به پلیس مطلوب در ایران ۱۴۰۴ را تسهیل نماید.

بخش اول

الزامات تقنینی و سیاستگذاری

ناجا و توسعه امنیت نرم در محیط سایبر با تأکید بر سند چشم‌انداز

دکتر ناصر جمال‌زاده*

مقدمه

گستره مفهوم امنیت شبکه در پنج حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و قضایی ریشه دوانده که نبود بسته سیاستی منسجم برای مدیریت پیشگیرانه تهدیدهای احتمالی در فضای مجازی می‌تواند، زیربنای توسعه مطلوب انتظامی در افق ایران ۱۴۰۴ را با چالش‌های جدی مواجه کند؛ از طرفی رفع خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی مدیریت تهدیدات امنیت اجتماعی در فضای وب زمانی دارای ضریب اثربخشی بالایی است که از شش مشخصه همسویی با اسناد بالادستی، فرابخشی، کلان‌نگری، راهبردی، هدف‌محوری (انسجام فکری) و برنامه‌محوری (ثبات رویه‌ای) برخوردار باشد و هرگونه نگاه سطحی نسبت به تهدیدهای انتظامی - امنیتی کشور در محیط مجازی می‌تواند نطفه شکل‌گیری وقوع بحران‌های پنج‌گانه منزلت، مشروعیت، نفوذ، توزیع و مشارکت (ن.ک: سیف‌زاده، ۱۳۶۸: ۱۷۳؛ پای، ۱۳۸۰: ۲۰۸) را در سیاست‌های کلان انتظامی برنامه پنجم و سند چشم‌انداز به‌وجود آورد.

ایمن‌سازی فضای مجازی به‌عنوان یکی از اصول راهبردی دولت‌ها برای ارتقای ضرایب امنیت داخلی و خارجی محسوب می‌شود، به‌طوری‌که همسو با توسعه زیرساخت‌های تدابیر حفاظتی و ایمنی مرزها و زیرساخت‌های حساس نظیر نیروگاه‌ها، سدها، پادگان‌ها، مراکز و تأسیسات هسته‌ای، توسعه ضرایب امنیت شبکه نیز به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها درآمده است. به همین منظور کشورهای توسعه‌یافته،

* مدیر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع)؛
E-mail: jamalzadeh@yahoo.com

مانند ایالات متحده آمریکا، کمیته مشورتی ویژه‌ای را برای افزایش امنیت در فضای مجازی ایجاد کرده‌اند تا بتوانند با هماهنگی بین دو بخش خصوصی و دولتی امنیت فضای سایبر را فراهم کنند (افتخاری، ۱۳۸۲: ۹-۱۰)، به‌طوری‌که امروزه مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت ملی در فضای مجازی به یکی از کارویرهای مهم وزارت امنیت داخلی^۱ تبدیل شده است (White & Collin, 2006: 37).

فضای مجازی که در آن میلیون‌ها رایانه به‌وسیله تعدادی سرور با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و به تبادل اطلاعات می‌پردازند از دستاوردهای توسعه فناوری‌های نوین است که موجب آسایش بشر، سرعت و دقت معاملات و ارتباطات بشری شده و به‌صورت یک نیاز در ردیف سایر نیازهای بشری مانند غذا، سوخت، حمل‌ونقل و غیره درآمده است و مشاغل جدیدی چون تجارت الکترونیک، دانشگاه مجازی، پزشکی و مشاوره حقوقی از راه دور را به‌وجود آورده است. به‌گونه‌ای که طبق آمار شرکت‌ها سالیانه حدود یک تریلیون دلار در زمینه تجهیزات، نرم‌افزار و خدمات فناوری هزینه می‌کنند و اگر مبالغ مربوط به هزینه خدمات مخابراتی را به این مبلغ اضافه کنیم رقمی معادل ۲ تریلیون دلار خواهد شد (گراه، ۱۳۸۶: ۱۰۹)، اما با همه این مزایا، فناوری‌های نوین مشکلات و چالش‌هایی را نیز برای امنیت ملی کشورها به‌وجود آورده که تهاجم سایبر، سرقت اطلاعات محرمانه، هک کردن سایت‌های اینترنتی وزارتخانه‌ها و نهادهای راهبردی، نفوذ در شبکه‌های مالی و پولی و حساب‌های شخصی، هتک حرمت افراد و تهدید حاکمیت ملی از سوی اشخاص و گروه‌های سازمان‌یافته بین‌المللی از مهم‌ترین مصادیق آن است.

اهمیت مهندسی ایمن‌سازی محیط سایبر در حدی است که پنتاگون در سند امنیت ملی بر لزوم اتخاذ تدابیر بازدارنده و پیش‌دستانه مناسب برای مقابله با تهدیدهای اینترنتی چین که در حوزه شبکه‌های جاسوسی مجازی^۲ پیشرفت چشمگیری داشته تأکید کرده است. از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به نفوذ و دستیابی جاسوسان شبکه‌ای پکن به اطلاعات محرمانه ناسا یا جامعه تبتی‌های در تبعید اشاره کرد (Janczewski, 2007: 27- 35).

گستره فضای مجازی در محیط امنیت ملی با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و

1. Department of Homeland Security

2. Cyber Spionage Networks

قرار گرفتن کشورها در دهکده جهانی افزوده شده و به‌غیر از لزوم حفظ و ارتقای امنیت فیزیکی، مانند امنیت اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مرزی، توسعه زیرساخت‌های امنیت فضای شبکه نیز به یکی از پیش‌نیازهای توسعه انتظامی مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴ تبدیل شده است. از این‌رو در این مقاله، با یک رویکرد آینده‌پژوهی کاربردی، ویژگی و ابعاد جنگ‌های شبکه‌ای با ذکر مصادیقی بررسی و در چارچوب ساختار امنیت ملی برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز به مهم‌ترین تهدیدهای انتظامی - امنیتی و بایسته‌های سیاستی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهاجم شبکه‌ای اشاره می‌شود.

۱ ویژگی جنگ‌های شبکه‌ای در ساختار انتظامی - امنیتی

هر اقدامی که برای دسترسی، بهره‌برداری، مختل‌سازی، عدم دسترسی، افت کیفیت و انهدام اطلاعات ذخیره شده در محیط‌های وب، حذف اطلاعات دشمن و حفاظت از اطلاعات ملی - راهبردی صورت می‌گیرد در چارچوب جنگ شبکه‌ای^۱ تعریف می‌شود (Westly, 2005: 15- 23).

محیط وب، اینترنت و فضای مجازی اصطلاحاتی هستند که همسو با توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کمرنگ شدن مرزهای فیزیکی به‌صورت مستقیم در حوزه امنیت نرم وارد شده است. آینده‌های تهاجم شبکه‌ای به دو دسته فعال و غیرفعال یا مخرب و غیرمخرب طبقه‌بندی می‌شوند. جنگ‌های شبکه‌ای به قسمت‌های زیر قابل تفکیک هستند:

- جنگ فرماندهی و کنترل^۲ با هدف حداقل‌سازی و تضعیف انسجام فکری - روبه‌ای ساختارهای نظام به‌ویژه در وضعیت بحران؛

- جنگ بر پایه اطلاعات با هدف حفاظت از زیرساخت‌ها و زیربنای اطلاعاتی کشور؛

- جنگ الکترونیک با هدف شنود تلفن همراه و مخابرات رادیویی مانند بی‌سیم‌ها، رمزنگاری عباراتی که نهادهای جاسوسی به‌کار گرفته‌اند، اخلال در فرایند مخابرات رادیویی و ماهواره‌ای و ایجاد پالس‌های هدایت شده الکترومغناطیس که باعث سوختن مدارهای الکترونیکی، مختل‌سازی یا تخریب کامل سخت‌افزار شبکه‌های رایانه‌ای می‌شوند؛

1. Cyber Warfare

2. Command & Control Warfare (C2W)

- جنگ روانی با هدف مدیریت و مهندسی افکار عمومی؛

- جنگ هکرها با هدف مختل‌سازی شبکه‌های وب.

جنگ‌های سایبری برخلاف جنگ کلاسیک هیچ‌گونه خط مقدم و جبهه مشخصی ندارد. در جنگ جهانی اول، به دلیل وقوع انقلاب صنعتی، ارتش‌های مجهز و بزرگ شکل گرفت، ولی دیپلماسی نظامی کشورها در جنگ‌های نوین به سمت بهره‌گیری تلفیقی از انقلاب صنعتی و انقلاب اطلاعاتی متمایل شد و کشورها با آموزش افرادی که به هکرها^۱ معروف‌اند به شبکه‌های اطلاعاتی کشور هدف نفوذ کرده و به سرقت اطلاعاتی و یا ورود اطلاعات نادرست اقدام می‌کنند (Checkwick, 2006: 13).

برای مثال پنتاگون بررسی طرح فوق سری مدل اینترنت آینده را در دستور کار قرار داد که در آن روش‌های هک کردن به منظور از کار انداختن شبکه‌های برق، ارتباطات، فرودگاه‌ها و بازارهای مالی مطالعه شده و همچنین روش‌های دفاعی توسعه نسل‌های تکامل یافته تسلیحات مجازی بررسی شده است.

در مثال دیگر می‌توان به نفوذ هکرهای چینی به شبکه رایانه‌ای کاخ سفید و اطلاعات پست‌های الکترونیکی برخی مسئولان ایالات متحده آمریکا در نوامبر ۲۰۰۸ اشاره کرد. همچنین در مارس ۱۹۹۹ هکرهای چینی توانستند به یک سرور در ناحیه سان آنتانیو^۲ که کنترل‌کننده اطلاعات حساس شبکه‌ای چندین پایگاه نظامی است، آژانس اطلاعات هوایی،^۳ مرکز اطلاعات تسلیحات نیروی هوایی^۴ و مرکز کنترل عملیات و فرماندهی ستاد مشترک ارتش^۵ نفوذ و به اطلاعات محرمانه نظامی دست یابند (Miklaszewski, 1999: 18). مهم‌ترین ویژگی جنگ‌های شبکه‌ای عبارت‌اند از:

- کاهش هزینه و افزایش سطوح تأثیرگذاری: توسعه جنگ‌افزارهای اطلاعاتی برخلاف تسلیحات کلاسیک، نیاز به منابع مالی گسترده ندارد. کلید اولیه ورود به این حوزه از عملیات‌های نامتقارن مدیریت دانش در سامانه‌های اطلاعاتی و الکترونیکی است.
- کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی: در نبردهای اطلاعاتی به‌سختی می‌توان بین منابع

1. Hackers

2. San Antonio

3. Air Intelligence Agency

4. Air Force Information Warfare Center

5. Joint Chiefs of Staff Command and Control Operation

داخلی، خارجی یا منشأ تهدید تمایز قائل شد، به طوری که نمی توان هدف حمله یا عامل اصلی تهاجم را شناسایی کرد (Libicki, 2007: 49-62).

- **جلوگیری از خدمات شبکه:** این ویژگی جنگ شبکه ای را که ممکن است هکرها انجام دهند راه استفاده از اطلاعات را سد می کند و کاربر دیگر قادر به استفاده از منابع، اطلاعات و سرور نیست. این حمله از نوع فعال بوده و به وسیله کاربران داخلی یا خارجی صورت می گیرد.
- **استراق سمع:** در این نوع حمله مهاجم، بدون اطلاع طرفین تبادل داده، اطلاعات و پیامها را شنود می کند. این حمله غیرفعال از سوی کاربر داخلی یا خارجی صورت می گیرد.
- **تقلیل سرعت شبکه:** در این حمله هکرها بر اساس یک سری بسته های اطلاعاتی سرعت شبکه را تقلیل داده و اطلاعات ارزشمندی را به دست می آورند. این حمله از نوع غیرفعال بوده و بیشتر از سوی کاربران خارجی صورت می گیرد.
- **دستکاری پیامها و داده ها:** این حمله از نوع فعال است و در آن هکرها جامعیت و صحت اطلاعات را با تغییرات غیرمجاز مختل کرده و معمولاً از سوی کاربر خارجی انجام می شود.
- **جعل هویت:** یک نوع حمله فعال است که در آن هکرها هویت کاربر مجاز شبکه را جعل می کنند که از سوی کاربران خارجی صورت می گیرد.
- **افزایش جاسوس ها:** در جهان مجازی با افزایش ماهواره های متصل به شبکه های الکترونیکی و با وابستگی روزافزون نهادهای اجرایی به شبکه های رایانه ای که امکان دسترسی به آنها از طریق فضای وب وجود دارد، زمینه لازم برای جاسوسی بیگانگان و تهدید نظام جامع امنیت اطلاعات در محیط سایبر فراهم شده است. به عنوان مثال، گروه های تروریستی یا کشورهای متخاصم نه تنها می توانند از اطلاعات موجود در اینترنت که در دسترس عموم است، استفاده کنند بلکه می توانند به طور مخفیانه به شبکه های رایانه ای نیز دست یابند.

۲ مختصات تهاجم شبکه ای در ساختار انتظامی - امنیتی افق ایران ۱۴۰۴

مهم ترین شاخص های تهاجم سایبر و شبکه ای مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد افزایش هزینه های انتظام بخشی پلیس کشور در برنامه پنجم و سند چشم انداز عبارت اند از:

۲-۱ سازمان‌دهی تنش‌های متراکم و گسترده با رویکرد تضعیف نظام امنیت اجتماعی

رصد تحرکات مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در فضای وب بیانگر برنامه‌ریزی شبکه‌ای هدفمند آنان برای بحران‌سازی و ایجاد تنش‌های متراکم و گسسته در ساختار انتظامی کشور است. تنش‌های اجتماعی متراکم بخشی از جامعه را متأثر می‌سازند و کنترل آن برای پلیس کشور امکان‌پذیر است. درحالی‌که وقوع بحران‌های اجتماعی فراگیر در سطحی است که توانمندی‌های ناجا برای کنترل آن کافی نیست.

از طرفی رویکرد آمریکا پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران براساس دو رهیافت دولت ناکام و تهاجم نرم پایه‌گذاری شده به‌طوری‌که از یک‌طرف دولت دهم را در مدیریت کلان کشور ناکارآمد نشان می‌دهد و از طرف دیگر با گسترش کاربست آینده‌های نرم‌افزاری برای پیشبرد دکترین تنش از پایین، چانه‌زنی از بالا برنامه‌ریزی می‌کند که با گسترش آشوب‌های اجتماعی می‌تواند هزینه‌های انتظام‌بخشی را افزایش دهد.

بحران‌سازی شبکه‌ای در قالب تهاجم نرم بیشتر بر قومیت‌ها، کارگران، دانشجویان، نخبگان، روزنامه‌نگاران و سرمایه‌داران متمرکز است، به‌طوری‌که دانشجویان، نخبگان و روزنامه‌نگاران با آفند تبلیغاتی نقض آزادی‌های مدنی و حقوق بشر؛ کارگران و دهک‌های متوسط و پایین جامعه از طریق بزرگ‌نمایی آسیب‌های اقتصادی و ناامنی شغلی؛ طیف سرمایه‌داران از طریق فقدان امنیت سرمایه‌گذاری و سرانجام گروه‌های قومی - فرقه‌ای با تبلیغ فقدان آزادی‌های مذهبی، نگاه تبعیض‌آمیز حاکمیت به آنها، بی‌توجهی دولت به توسعه استان‌های مرزی و تهییج ناسیونالیسم قومی تحریک می‌شوند.

به عبارتی، مهم‌ترین مختصات امنیتی تهاجم شبکه‌ای بر تنش‌افزایی چند بعدی^۱ در پنج سطح قومی، فرقه‌ای، صنفی، دانشجویی و اجتماعی متمرکز شده که از مصادیق آن می‌توان به تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، مانند فیس‌بوک^۲ و تویتر^۳ در ایجاد، گسترش و انعکاس ناآرامی‌ها پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد

1. Multi Dimensional Tension Maximizing

2. Facebook

3. Twitter

۱۳۸۸ اشاره کرد و حتی دولت آمریکا با هدف تنش‌سازی‌های متراکم و گسترده از مدیریت سایت‌های اجتماعی، مانند تویتر، فیس‌بوک، یوتیوب^۱ و فیلکر^۲ درخواست کرد خدمات خود را بدون وقفه با تمرکز بر تحولات ایران ادامه دهند که خود بیانگر ارتباط تنگاتنگ محیط سایبر با امنیت ملی است.

سایت‌های اجتماعی به سایت‌هایی گفته می‌شود که در آنها تولید محتوا و یا فعالیت کاربران از حالت یک‌طرفه بیرون آمده و کاربران در تولید محتوا مشارکت فعال دارند (Milstein, 2009: 5) و عقاید و نظریات خود را در قالب متن و تصویر به اشتراک می‌گذارند.

شرکت جست‌وجوگر گوگل نیز برای تقویت ضریب نفوذ آینده‌های شبکه‌ای، یک نرم‌افزار ترجمه انگلیسی به فارسی و بالعکس با هدف تسریع و تسهیل تبادل اطلاعات در وب‌سایت‌ها، وبلاگ‌ها و پیام‌های پست‌الکترونیک ایجاد و اقدام خود را با عنوان حمایت از دستیابی ایرانیان به اطلاعات در شرایط افزایش محدودیت‌های رسانه‌ای توجیه کرد. زبان فارسی به عنوان چهل و دومین زبان در ترجمه آن‌لاین گوگل است.

مجلس نمایندگان و سنای آمریکا نیز همسو با آینده‌های شبکه‌ای در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۹ (۲۹ خرداد ۱۳۸۸) با صدور قطعنامه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به دلیل اعمال خشونت علیه مردم معترض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری محکوم کرد. ۴۰۵ عضو مجلس نمایندگان به این قطعنامه رأی مثبت دادند. مهم‌ترین اهداف بحران‌سازی، تضعیف ثبات امنیت اجتماعی و افزایش هزینه‌های انتظام‌بخشی کلان جامعه عبارت‌اند از:

- مشروعیت‌زدایی از نظام با شکاف‌سازی میان جامعه و سطوح حاکمیت؛
- به چالش کشاندن تعادل و انسجام تصمیم‌گیری‌های استراتژیک با تفرقه‌افکنی و تضعیف انسجام فکری - رویه‌ای متولیان امر در مقوله‌های راهبردی؛
- بهره‌گیری از ترفند شایعه‌سازی با رویکرد به چالش کشاندن ثبات امنیت اجتماعی^۳ و ایجاد ترس و رعب در جامعه مانند شایعه ارتباط وقوع برخی زلزله‌ها در استان‌های جنوب شرقی با برخی آزمایش‌های هسته‌ای زیرزمینی با هدف ناکارآمدسازی یا تضعیف اعتماد مردم به نهادهای انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی؛

1. Youtube

2. Filkr

3. Social Security Stability

- ایجاد بحران هویت با تضعیف وحدت ملی و تداعی شائبه نگاه تبعیض‌آمیز حاکمیت به اقلیت‌های قومی - فرقه‌ای؛
- تضعیف مقاومت ملی در شرایط بحران از طریق افزایش سطح انتظارات و مطالبات جامعه؛

- امنیتی کردن مطالبات قومی - فرقه‌ای؛
رصد خبرگزاری‌ها و مراکز پژوهشی مخالف نظام در محیط‌های وب بیانگر این است که مهم‌ترین اهداف آینده‌های شبکه‌ای، ایجاد تنش‌های اجتماعی با ترفند تداعی شائبه نگاه تبعیض‌آمیز حاکمیت به آنان و تشویق ناسیونالیسم قومی است.

۲-۲ بهره‌گیری از ظرفیت مکمل دیپلماسی رسانه‌ای

یکی از تدابیر مجریان تهاجم شبکه‌ای تأکید بر تهاجم رسانه‌ای به‌عنوان نقش مکمل آینده‌های شبکه‌ای است. از این‌رو همسو با گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و تویتر شاهد افزایش رسانه‌های صوتی و تصویری مخالف نظام نیز هستیم. گسترش شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای مانند شبکه خبری بی.بی.سی فارسی^۱ و صدای آمریکا^۲ در این راستا قابل ارزیابی است.

۲-۳ بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای تقنینی

یکی از شاخص‌های مختصات تهاجم شبکه‌ای حمایت نهادهای تقنینی و نظارتی کنگره آمریکا از آینده‌های شبکه‌ای است که از مصادیق آن می‌توان به تصویب قانون قربانیان سانسور در ایران^۳ اشاره کرد که مجلس سنای آمریکا با اتفاق آرا در ۲۳ جولای ۲۰۰۹ (۱ مرداد ۱۳۸۸) آن را به تصویب رساند و به‌موجب آن مبلغ ۵۵ میلیون دلار با هدف شکستن فضای فیلترینگ و گسترش فضای اطلاع‌رسانی در ایران اختصاص یافته است. سناتورهای دمکرات باب کیسی و تد کافمن، سناتورهای جمهوری خواه جان مک‌کین و لیندسی گراهام و سناتور مستقل جوزف لیبرمن^۴ از طراحان این قانون بودند.

1. British Broadcasting Corporation (BBC) Farsi Language Programming

2. Voice of America's Persian News Network

3. Victims of Iranian Censorship (Voice) Act

4. Senators Bob Casey (D-PA), Ted Kaufman (D-DE), John McCain (R-AZ), Lindsey Graham (R-SC) & Joseph Lieberman (ID-CT)

از مبلغ ۵۵ میلیون دلار، ۳۰ میلیون دلار آن برای گسترش برنامه و افزایش کارمندان رادیو اروپای آزاد (رادیو آزادی یا رادیو فردا)، شبکه خبری فارسی صدای آمریکا، خنثی‌سازی پارازیت‌های ماهواره‌ای،^۱ مقابله با بسته شدن پیامک‌های شبکه تلفن همراه، افزایش وبسایت‌ها، حمایت از برنامه‌های فارسی بی.بی.سی و حمایت از سایت‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و تویتر و مبلغ ۲۰ میلیون دلار نیز برای رفع و دور زدن فیلترینگ در فضای سایبر اختصاص یافته است. در این طرح همچنین مبلغ ۵ میلیون دلار به وزارت امور خارجه اختصاص داده شده تا در زمینه تهیه گزارش از موارد نقض حقوق بشر در ایران به‌ویژه پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری هزینه کند. در این قانون دولت باراک اوباما ملزم شده فهرستی از شرکت‌هایی که به دولت ایران ابزار کنترل فضای اینترنت را فروخته‌اند از پروژه‌های دولتی آمریکا کنار گذاشته شوند.

۲-۴ بهره‌گیری از ترفندهای شایعه‌سازی مخرب

از مهم‌ترین مختصات تهاجم شبکه‌ای تمرکز آینده‌ها بر ایجاد و ترویج شایعه‌های براندازانه و مخرب با هدف ایجاد تنش‌سازی و بی‌ثباتی در دو سطح گسسته و متراکم است. شایعه یعنی خبر یا اطلاع غیرموثق که به‌صورت غیررسمی مبتنی بر مشهودات و قول اجماع بوده و اعتبار خود را از تواتر و شیوع می‌گیرد.

ساختارهای شبکه‌ای مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران با شایعه‌سازی به برنامه‌ریزی در محیط‌های شبکه‌ای و مجازی پرداخته و عمق استراتژیک اقتدار نظام را در دو بعد داخلی و خارجی به چالش می‌کشانند. عمق استراتژیک سیاسی در بعد داخلی عبارت است از راهبردی که بتواند زمینه پشتیبانی حداکثری و مستمر مردم را از سیاست‌ها و برنامه‌های نظام در داخل و خارج به‌دست آورد. مجریان تهاجم شبکه‌ای سعی دارند با بهره‌گیری از ترفند کاریکاتوریسم امنیتی اخبار واقعی را از طریق تصاویر مجازی تحریف و در راستای شکاف‌سازی میان سطوح حاکمیتی و جامعه و به‌تبع آن تضعیف اقتدار ملی برنامه‌ریزی کنند.

۲-۵ بهره‌برداری ابزاری از ظرفیت گروهک‌های ضدانقلاب در فضای سایبر

یکی از برنامه‌های گروهک‌های تروریستی مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران بهره‌گیری از فضای سایبر با هدف تنش‌افزایی، بحران‌زایی و شکاف‌زایی میان سطوح جامعه و حاکمیت است که از مصادیق آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بهره‌گیری منافقان از پیامک‌های تلفن همراه یا بلوتوث در راستای ناامن‌سازی فضای جامعه و یا شایعه‌سازی آنان مبنی بر بیماری شدید رهبر فرزانه انقلاب؛
- ارتباط تلفنی با برخی مسئولان رده میانی و تلاش برای تخلیه اطلاعاتی آنان در فضای سایبر به‌ویژه در حوزه فعالیت‌های موشکی، هسته‌ای، امنیتی یا انتظامی؛
- رخنه در وبلاگ شخصی خبرنگاران و اعلام تمایل برای جذب هدفمند خبرنگار آزاد در محیط‌های مجازی (به‌عنوان مثال گروهک منافقان بدون افشای هویت خود با نفوذ در وبلاگ خبرنگاران، ارتباط‌دهی و ابراز تمایل برای همکاری با آنان تلاش می‌کنند از آنها در راستای جمع‌آوری اطلاعات بهره‌برداری ابزاری کنند).

۲-۶ تضعیف ثبات امنیت روانی جامعه

یکی از شاخص‌های تهاجم شبکه‌ای دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران، تضعیف بنیان‌های اعتقادی و امنیت روانی جامعه است که از مصادیق آن می‌توان به شایعه‌سازی در خصوص شیوه زندگی پیامبر اکرم (ص)، ایجاد و نشر تصاویر غیراخلاقی و کلیپ با بلوتوث و تشکیک جامعه به قوانین مجازات اسلامی مانند احکام ارتداد، قصاص و سنگسار اشاره کرد.

۲-۷ گسترش شیعه‌هراسی و هزینه‌افزایی ضرایب انتظام‌بخشی استان‌های مرزی

تمرکز جنگ شبکه‌ای مخالفان نظام بر گستره‌افزایی آفنده‌های شیعه‌هراسی مبین برنامه‌ریزی هدفمند تهاجم نرم برای تضعیف زیرساخت‌های استان‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران است که برخورداری اکثر این استان‌ها از موزاییک‌های قومی باعث می‌شود در صورت نبود بسته سیاستی منسجم بستر شکل‌گیری برخی تنش‌های فرقه‌ای در سرحدات و شهرهای مرزی را فراهم کند و هزینه‌های انتظام‌بخشی کلان کشور در برنامه پنجم توسعه را افزایش دهد. برخی شیوه‌ها و اهداف ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در ساختار تهاجم شبکه‌ای عبارت‌اند از:

- بهره‌گیری از بار منفی واژه‌ها، کلمات و مفاهیم حساسیت‌برانگیز در افکار عمومی (مانند نسبت دادن بنیادگرایی به الگوی حکومتی جمهوری اسلامی ایران یا کاربرد مکرر کلمه ناکارآمدی ساختارها و کارگزاران نظام در وب‌سایت خبرگزاری‌های بین‌المللی)؛
- انعکاس چهره مخدوشی از هویت ایرانی - اسلامی (مانند نمایش فیلم فتنه در محیط‌های سایبر که گرت ویلدرس، نماینده مجلس و رهبر حزب ضد‌مهاجرت هلند،^۱ آن را ساخته است)؛
- تداعی تصاویر خشنی از اهداف، ماهیت و دورنمای انقلاب اسلامی ایران؛
- انگاره‌سازی‌های هدفمند (تداعی شکلی و قرار دادن تصاویر کارگزاران نظام در کنار تصاویر افراد غیرمحبوب در محیط‌های وب).

۳ محیط سایبر و بایسته‌های مدیریت پیشگیرانه پلیس کشور در سند چشم‌انداز

به‌منظور حداکثر بهره‌گیری و هم‌افزایی بهینه ظرفیت‌های نظام برای مقابله با آفندهای تهاجم شبکه‌ای، متولیان امر باید در سطح کلان در لایحه برنامه پنجم توسعه تدابیر بازدارنده‌ای که به ارتقای امنیت فضای سایبر منجر می‌شود را به‌عنوان یکی از اصول سیاست‌های انتظامی کلان کشور مورد توجه قرار دهند. در سطح خرد نیز نیروی انتظامی می‌تواند با اتخاذ تدابیر و ایجاد نهادهای امنیتی لازم به ارتقای امنیت فضای مجازی کشور کمک کند. از طرفی در شرایطی که تهاجم نرم همسو با تهدیدهای نیمه‌سخت (گسترش احتمالی دامنه تحریم‌ها) به یکی از اولویت‌های دیپلماسی خصمانه مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده به‌تبع بر اهمیت تبیین پاداستراتژی منسجم برای مهار آسیب‌های تهاجم سایبر افزوده شده است. مهم‌ترین تدابیری که می‌تواند ظرفیت مدیریت پیشگیرانه پلیس کشور را برای مقابله با جرائم انتظامی - امنیتی در فضای سایبر ارتقا دهد عبارت‌اند از:

۳-۱ بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها متناسب با شرایط بومی کشور

اهمیت مدیریت نرم‌افزاری فضای سایبر در ساختار انتظامی - امنیتی کلان سایر کشورهای توسعه‌یافته به حدی است که کشورهایی مانند ایالات متحده آمریکا، انگلیس و فرانسه

1. Geert Wilders (Dutch Parliamentarian & Anti-immigration Party Leader)

که صاحب بسیاری از سرورهای محیط وب هستند، نظام‌مند کردن فضای سایبر را به‌عنوان یکی از اولویتهای امنیت ملی خود تعریف کرده و برای سامان‌دهی چارچوب فعالیت کاربران در شبکه مجازی قوانین متعددی را وضع کرده‌اند که مطالعه تطبیقی و بهره‌گیری از تجربیات آنان متناسب با شرایط بومی کشور نه تنها می‌تواند ضرایب انتظام‌بخشی در سه سطح کلان‌شهری، استانی و ملی را ارتقا دهد بلکه موجب کاهش محسوس هزینه‌های مدیریت خرد و کلان پلیس کشور در سند چشم‌انداز شده و درعین حال باعث افزایش وحدت و امنیت اجتماعی در سطح جامعه می‌شود، به‌ویژه اینکه توسعه جهانی فناوری اطلاعات و ارتباطات و قرار گرفتن کشورها در دهکده‌ای جهانی بر اهمیت مهندسی انتظامی - امنیتی محیط‌های شبکه‌ای افزوده و ارتباط تنگاتنگی را با ضرایب اقتدارسنجی نظام به‌وجود آورده است.

جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورها متناسب با شرایط بومی کشور نقش مهمی را در ارتقای امنیت فضای مجازی ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال مهم‌ترین قوانینی که کنگره آمریکا در راستای ارتقای ضرایب انتظامی - امنیتی فضای سایبر تصویب کرده در جدول ۱ مشخص شده است که ما می‌توانیم با بومی کردن برخی از این قوانین بر امنیت فضای سایبر محیط خود بیافزاییم.

جدول ۱ قوانین کنگره آمریکا برای مهار تهدیدات انتظامی - امنیتی در فضای سایبر

ارتباط قانون با توسعه زیرساخت‌های امنیت اجتماعی	معادل لاتین قوانین	قوانین مرتبط با مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت اجتماعی
مهار پیشگیرانه جرائم امنیت اجتماعی در فضای سایبر مستلزم رفع خلأهای سیاستی در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. کنگره آمریکا با تصویب قانون امنیت رایانه مصوب ۱۹۸۷ یک چارچوب حقوقی را برای توسعه مدیریت سخت‌افزاری تهدیدات امنیت ملی در محیط‌های مجازی فراهم کرده است.	Computer Security Act of 1987	قانون امنیت رایانه مصوب سال ۱۹۸۷

جدول ۱ قوانین کنگره آمریکا برای مهار تهدیدات انتظامی - امنیتی در فضای سایبر

قوانین مرتبط با مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت اجتماعی	معادل لاتین قوانین	ارتباط قانون با توسعه زیرساخت‌های امنیت اجتماعی
قانون ارتقای امنیت فضای سایبر مصوب سال ۲۰۰۲	Cyber Security Enhancement Act of 2002	این قانون با رویکرد پیشگیری از وقوع مؤلفه‌های گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و ناامنی‌های مدنی در محیط‌های مجازی و جلوگیری از نفوذ هکرها به حریم خصوصی افراد تصویب شده است. براساس قانون ارتقای امنیت فضای سایبر هرساله کنگره بودجه‌ای را برای پیشگیری از وقوع جرم در فضای سایبر اختصاص می‌دهد. پس از حوادث یازده سپتامبر، بخش مهمی از قوانین ایالات متحده آمریکا که به صیانت از امنیت اجتماعی در فضای سایبر مرتبط می‌شود؛ به پیشنهاد وزارت امنیت داخلی تدوین شده است.
قانون ارتقای امنیت فضای سایبر مصوب سال ۲۰۰۷	Cyber Security Enhancement Act of 2007	با افزایش جرائم در فضای سایبر و تهدید بهداشت امنیت روانی جامعه، صدودهمین کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۷ با تأکید بر مقابله با سرقت، کلاهبرداری، سوءاستفاده از اطلاعات شخصی دیگران، جرائم سازمان‌یافته و جرائم جنایی؛ قانون ارتقای امنیت فضای سایبر را به تصویب رساند.
قانون جرائم رایانه‌ای مصوب سال ۲۰۰۷	Cyber Crime Act of 2007	این قانون بخشی از خلأ سیاستی در حوزه جرائم کیفری آمریکا که در محیط سایبر اتفاق می‌افتد را پوشش می‌دهد و از مصادیق آن می‌توان به سرقت اطلاعات شخصی دیگران، جعل هویت و اخاذی اشاره کرد. این قانون در راستای مدیریت نرم تهدیدات امنیت ملی در فضای سایبر است و برای افراد و شرکت‌هایی که در قالب هکر یا اقدام تروریستی ثبات امنیت اجتماعی ایالات متحده آمریکا را به چالش می‌کشند، مجازات‌هایی را مشخص کرده است.

جدول ۱ قوانین کنگره آمریکا برای مهار تهدیدات انتظامی - امنیتی در فضای سایبر

ارتباط قانون با توسعه زیرساخت‌های امنیت اجتماعی	معادل لاتین قوانین	قوانین مرتبط با مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت اجتماعی
با گسترش فناوری‌های نوین، قرار گرفتن کشورها در دهکده جهانی و افزایش وابستگی متقابل کشورها در تجارت جهانی؛ مجلس سنا با رویکرد حفاظت از اسرار تجاری شرکای اقتصادی، پیشگیری از مختل شدن ثبات امنیت اقتصادی، حراست از اطلاعات و اسناد طبقه‌بندی شده شرکت‌های آمریکایی در فضای سایبر و ایمن‌سازی فضای اینترنت، کنگره در دهم آوریل ۲۰۰۹ قانون امنیت سایبر را به تصویب رساند که سناتور جمهوری‌خواه ارین هاچ از ایالت یوتا و سناتور دمکرات، جوزف بایدن، پیشنهاد داده بودند. این قانون همچنین بخشی از خلأهای سیاستی در حوزه اخاذی را پوشش می‌دهد.	Cyber Security Act of 2009	قانون امنیت سایبر مصوب سال ۲۰۰۹
کنگره آمریکا به‌منظور حفاظت از امنیت اطلاعات خصوصی افراد در محیط‌های مجازی، نظام‌مند کردن چارچوب فعالیت کاربران در شبکه پست‌های الکترونیکی و ایمن‌سازی و ارتقای امنیت فضای مجازی در سال ۱۹۸۶ قانون ارتباطات الکترونیکی خصوصی را با استناد به اصلاحیه چهارم قانون اساسی به تصویب رساند.	Electronic Communication Privacy Act of 1986 (ECPA)	قانون ارتباطات الکترونیکی خصوصی مصوب سال ۱۹۸۶

Source: Compilation of the Social Security Laws, Provisions Affecting Social Security Programs, <http://www.ssa.gov/OP-home/comp2/comp2toc.html>.

۳-۲ تدوین بسته سیاستی منسجم برای مقابله با آفندهای تهاجم شبکه‌ای

یکی از تهدیدات امنیت ملی در برنامه پنجم، وجود برخی خلأهای تقنینی - نظارتی یا عدم حسن اجرای مناسب قوانین مصوب برای مقابله مؤثر با جرائم امنیت ملی در فضای مجازی

است؛ زیرا محیط‌های وب (اینترنت و پست‌های الکترونیکی)، مجازی (پیام‌های کوتاه تلفن همراه و بلوتوث) و رسانه‌ای (شبکه‌های ماهواره‌ای) به دلیل ارتباط تنگاتنگ با اقشار مختلف جامعه از ظرفیت قابل توجهی برای اثرگذاری و مدیریت رفتار جامعه برخوردارند و در صورت نبود پاداستراتژی منسجم می‌توانند ثبات امنیت اجتماعی را به چالش کشند.

از طرفی با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی، تأمین امنیت اطلاعات در محیط سایبر یکی از الزام‌های امنیت‌سازی راهبردی در برنامه پنجم توسعه است. به‌ویژه اینکه دو شاخص شبکه‌ای و مجازی بودن اطلاعات در فضای سایبر باعث می‌شود گردش اطلاعات متوقف نشود به همین دلیل کنترل متمرکز آنها امکان‌پذیر نیست و سیاست‌های امنیتی خاص خود را می‌طلبند زیرا در صورت نبود برنامه‌ریزی و توسعه مطلوب زیرساخت‌های شبکه‌ای می‌تواند ضریب حفاظت از اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده در محیط سایبر را با چالش‌هایی مواجه کرده و تضادهایی را میان بنیان‌های امنیت ملی و بازیگران جهانی اطلاع‌رسانی و شبکه‌های مجازی به وجود آورد. به همین منظور متولیان امر لازم است با رفع خلأهای تقنینی - نظارتی توسعه متناسب زیرساخت‌های شبکه‌ای را مورد توجه قرار دهند. همچنین با توجه به سرعت بالای جهانی شدن اطلاعات، افزایش وابستگی متقابل کشورها در حوزه امنیت نرم و قرارگیری بازیگران نظام بین‌الملل در دهکده‌ای جهانی؛ تقویت ضریب ایمنی و امنیتی^۱ زیرساخت‌های شبکه اطلاعات راهبردی به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی توان دفاعی در مواقع بحران تلقی می‌شود، به‌ویژه اینکه هجوم آینده‌های نامتقارن برای انهدام یا مختل‌سازی نظام اطلاعات شبکه‌ای نهادهای استراتژیک، یکی از اهداف جنگ اطلاعاتی^۲ است. برخی اقدام‌ها و تدابیری که می‌تواند ظرفیت نظام برای مقابله با آینده‌های جنگ شبکه‌ای را ارتقا دهد عبارت‌اند از:

۱-۲-۳ ایجاد شبکه اینترنت ملی (اینترنت)

در بند «۳-۴۴» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه بر ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری - اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌منظور صیانت از

1. Safety and Security

2. Information Warfare

فضای تبادل اطلاعات و مقابله با تخلفات رایانه‌ای تأکید شده که تحقق آن مستلزم شناسایی و آسیب‌شناسی تهدیدها در فضای سایبر است.

اکثر سرورهای شبکه اینترنت در اختیار و کنترل ایالات متحده آمریکا است که در صورت تحریم رسانه‌ای^۱ احتمال دارد تداوم خدمات‌رسانی را متوقف و باعث مختل شدن نظام بانکی و اقتصادی شود، به عبارتی با توجه به مبهم بودن عمق، دامنه و نوع تحریم‌ها و همچنین فقدان ایمنی کامل شبکه فیبر نوری؛^۲ توصیه می‌شود ایجاد اینترنت ملی (اینترنت)، تنوع‌سازی ارتباط با شبکه جهانی اینترنت مانند ارتباط ماهواره‌ای و سیستم عامل ملی و نرم‌افزارهای کاربردی^۳ هرچه سریع‌تر عملیاتی شود تا عمق آسیب‌پذیری نظام از جانب جنگ‌های اطلاعاتی کاهش یابد. ایجاد اینترنت ملی به مفهوم قطع ارتباط با خارج از کشور نیست، بلکه فقط بانک اطلاعات در داخل کشور نگهداری شده تا اگر دشمن تمام ورودی‌های اینترنت را قطع کرد، بتوان سایت‌های داخل را با حداقل مشکل مدیریت کرد. از دوازده سرور موجود در محیط‌های وب، یازده سرور در آمریکا و یک سرور در کانادا است.

۳-۲-۲ تقویت ضریب ایمنی داده‌های راهبردی

در حال حاضر وضعیت امنیت فضای تبادل اطلاعات کشور به‌ویژه در حوزه دستگاه‌های دولتی در سطح نامطلوبی قرار دارد که از دلایل آن می‌توان به فقدان زیرساخت‌های فنی و اجرایی برای ایمن‌سازی فضای تبادل اطلاعات و فقدان نظام تحلیل و مدیریت مخاطرات امنیتی در محیط سایبر اشاره کرد، بنابراین هم‌زمان با تدوین سند راهبردی امنیت فضای تبادل اطلاعات، توجه به مقوله ایمن‌سازی فضای سایبر و مدیریت امنیت نظام اطلاعات^۴ به‌ویژه در ساختارهای استراتژیک نظام از نیازهای حیاتی برنامه پنجم توسعه است.

1. Media Sanction

۲. یکی از مجاری ارتباط جمهوری اسلامی ایران با شبکه جهانی اینترنت، اتصال با شبکه زیرساخت دیگر کشورها به‌ویژه امارات و کویت است ولی در مقاطع زمانی به‌وسیله وقوع حوادث عمدی یا سهوی مانند برخورد لنگر کشتی‌ها به فیبر نوری ایران در فجیره امارات، اختلال‌هایی برای کاربران ایجاد شده است.

3. National Applied Software

4. Information Security Management System (ISMS)

همچنین یکی از اهداف اصلی جنگ‌های سایبر، بهره‌گیری از بمب‌های الکترومغناطیس^۱ و نفوذ هکرها برای مختل‌سازی شبکه نرم‌افزاری داده‌های استراتژیک بوده که توصیه می‌شود با کاربست فناوری‌های نوین و یا میکروفیلیم‌های پشتیبان، ضریب ایمنی داده‌های راهبردی را افزایش داد. از طرفی هرچقدر جمهوری اسلامی ایران بتواند با بهره‌وری مناسب از فنون جنگ اطلاعاتی، قدرت تمیز و چشم الکترونیک نیروهای مهاجم را مختل کند ضریب آسیب‌پذیری بانک‌های اطلاعاتی کاهش می‌یابد که موفقیت آن مستلزم توسعه تعامل ساختارهای عملیاتی و مراکز تحقیقات هوا - فضا است.

تصویب کنوانسیون جرائم رایانه‌ای و گزارش توجیهی آن در نوامبر ۲۰۰۱ و امضای آن از سوی سی کشور، تصویب قوانین مبارزه با این جرائم در قوانین داخلی و ایجاد واحدهای مبارزه با جرائم سایبر در ساختار پلیس این کشورها، تجهیز نیروهای پلیس به جدیدترین سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای کشف این‌گونه جرائم و جذب و به‌کارگیری نیروهای متخصص برخی دیگر از مهم‌ترین اقدامات پیش‌رویدادی پلیس کشور در فضای سایبر است (گنجی، ۱۳۸۲: ۱۹).

۳-۲-۳ ایجاد زیرساخت‌های تقنینی مناسب به منظور حمایت و صیانت از حقوق شهروندی

مجریان تهاجم سایبر عمق استراتژیک اقتدار ملی را هدف قرار می‌دهند که به معنای مدیریت آینده‌ای است که بتواند پشتیبانی حداکثری و تضمین شده مردم، کشورها و مجامع بین‌المللی را از سیاست‌ها و برنامه‌های دولت تضعیف کند. به همین منظور در برنامه پنجم توسعه باید به تدابیری توجه شود که به اقتدارافزایی ساختارهای حاکمیتی کمک می‌کند.

یکی از تدابیر پیش‌دستانه جمهوری اسلامی ایران برای مقابله مؤثر با تهاجم شبکه‌ای، تضعیف پیش‌زمینه‌های اثربخشی تهاجم سایبر است و از مهم‌ترین موارد آن می‌توان به حمایت نهادهای تقنینی و نظارتی در راستای رفع خلأهای قانونی برای حمایت و صیانت از حقوق اساسی ملت اشاره کرد که می‌تواند در دو حوزه زیر پیگیری شود:

1. Electromagnetic Bomb

۱. کاربست سازوکارها، تدابیر، اقدام‌ها و زیرساخت‌های تقنینی - نظارتی لازم برای تسهیل و تسریع توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای متناسب با حجم تهدیدهای سایبر در برنامه پنجم توسعه؛

۲. کاربست مؤثر سازوکارهای تقنینی - نظارتی برای صیانت از حقوق شهروندی و تحقق نظام مردم‌سالاری دینی در چارچوب قانون اساسی.

۴-۲-۳ توسعه زیرساخت‌های مهندسی انتظامی - امنیتی دیجیتال

استفاده از ابزار فناوری اطلاعات و ارتباطات برای تبیین، گسترش و ارتقای نظام امنیت اجتماعی با بهره‌گیری از فضای مجازی را مهندسی انتظامی سایبر می‌گویند که درواقع بخشی از فرایند توسعه ضرایب انتظام‌بخش کشور است و تأثیر مثبتی بر امنیت‌افزایی ایفا می‌کند که منظور از آن، کاربست مناسب روش‌های پلیسی در فضای مجازی و شبکه اطلاع‌رسانی آن‌لین به جامعه با مناسب‌ترین شیوه، کمترین هزینه و بالاترین کیفیت در حداقل زمان است که بتواند بستر تعامل پویا میان مردم، شبکه نخبگان و پلیس کشور را فراهم کند.

۵-۲-۳ ایجاد پلیس سایبر برای شناسایی و پیگرد مجرمان در فضای مجازی

یکی از کاستی‌های پلیس کشور برای مقابله مؤثر با جرائم امنیت ملی در فضای سایبر وجود سیاست‌های جزیره‌ای در حوزه مدیریت پیشگیرانه امنیت نرم است. در این راستا رفع خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی شکل‌گیری پلیس سایبر در ساختار انتظامی کشور نقش مهمی را در نظام‌مند کردن و اثربخشی حداکثری سیاست‌های پلیس کشور ایفا می‌کند. سهولت فعالیت در فضای سایبر و نبود محدودیت دنیای واقعی در آن باعث شده تا جرائم ارتكابی انسان‌ها گسترده‌تر، پیچیده‌تر، سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر شود. ازاین‌رو فضای مجازی بسته‌های سیاستی خاص خود را می‌طلبد تا در قالب آن تعقیب و دستگیری مجرمان در محیط سایبر فراهم شود. چنین نظامی را پلیس سایبر می‌نامیم. وظیفه پلیس سایبر ردیابی، شناسایی و ایجاد محدودیت برای مجرمان در فضای مجازی است. لازمه این امر رفع خلأهای تقنینی - نظارتی، تربیت افراد متخصص، داشتن ابزارهای پیشرفته عملیات در فضای سایبر و همکاری مردم است. آمریکا، فرانسه، چین، هند و

ژاپن از جمله کشورهایی هستند که در زمینه پلیس سایبر فعالیت می‌کنند. پلیس سایبر، وب یا شبکه در حوزه مقابله پیشگیرانه با جرائم فضای سایبر از قبیل نفوذ غیرمجاز، خرابکاری اطلاعات و کلاهبرداری اینترنتی فعالیت می‌کند.

در معاونت آگاهی نیروی انتظامی ایران نیز بخشی برای مبارزه با جرائم رایانه‌ای ایجاد شده است. پلیس سایبر بخشی از توسعه فناوری اطلاعات در کشور است. با توجه به این نکته که نیروی انتظامی مسئولیت برقراری نظم در جامعه را دارد، رفع خلأهای تقنینی - نظارتی ایجاد و توسعه پلیس سایبر می‌تواند نقش مهمی در تهدیدات امنیت اجتماعی در فضای مجازی ایفا کند.

پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر و چیرگی گفتمان امنیت‌محور، دولت بوش با هدف مقابله با سایبر - تروریسم^۱ اصلاحیه قانون بدون مجوز شنود تلفنی^۲ را توشیح کرد که براساس آن شرکت‌هایی که در حوزه جاسوسی داخلی^۳ و یا زیر نظر آژانس امنیت ملی فعالیت می‌کردند، دیگر برای شنود تلفنی نیازی به اجازه دادگاه نداشته و از مصونیت قضایی برخوردار می‌شوند (Sofaer, 1999: 34). پیروان حقوق بشر به دلیل اینکه اجرای این قانون برخی آزادی‌های مصرح در اصلاحیه چهارم قانون اساسی آمریکا^۴ را نقض می‌کند با آن مخالفاند.

تنوع، پیچیدگی و لزوم مقابله با تهدیدها در فضای مجازی به حدی اهمیت یافته که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا دفتر ویژه‌ای را در کاخ سفید با عنوان ناظر و هماهنگ‌کننده کاخ سفید در امنیت فضای سایبر^۵ برای خنثی‌سازی آسیب‌های ناشی از تهاجم هکرها به شبکه سایبر نهادهای فدرال ایجاد کرده است.

باراک اوباما در ۲۹ مه ۲۰۰۹ اعلام کرد: «این مرکز در کاخ سفید مستقر و با همکاری شورای عالی امنیت ملی، سازوکارهای مبارزه با تهدیدهای شبکه‌ای را بررسی می‌کند؛ زیرا در شرایط کنونی ارتقا زیربنای امنیت دیجیتال و شبکه‌های اینترنتی از سرمایه‌های استراتژیک ملی هستند و بایستی مراقبت شوند» (Finkle, 2009).

1. Cyber- Terrorism

2. Warrantless Wire-tapping Program

3. Domestic Spying

4. Fourth Amendment to the U.S. Constitution

5. White House Coordinator to Oversee Cyber Security

پنتاگون همچنین برای مقابله با افزایش سرقت اطلاعات محرمانه نظامی در محیط سایبر، مرکز جدیدی را در ستاد فرماندهی نیروهای راهبردی آمریکا به‌وجود آورده که نظارت و کنترل بر زرادخانه‌های هسته‌ای ایالات متحده آمریکا از وظایف این ستاد است.

۶-۲-۳ بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت فناوری‌های نوین در ساختار مدیریت بحران‌های

امنیت اجتماعی

یکی از روش‌های توسعه انتظامی مطلوب در سند چشم‌انداز، بهره‌گیری بهینه پلیس کشور از ظرفیت فناوری شبکه سایبر است به‌طوری‌که یکی از ابزارهای ارتقای مهندسی امنیتی، کاربست فناوری‌های نوین مانند بیومتریک در ساختار امنیت ملی بوده و اهمیت آن در حدی است که در ماده (۱۱۹) قانون برنامه چهارم توسعه بر لزوم ارتقای فناوری‌های نوین، هوشمند و نظام‌های اطلاعاتی در توسعه سامانه‌های دفاعی به‌ویژه سامانه‌های الکترونیکی، هوا - فضا، دریایی و پدافند هوایی تأکید شده است. از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به گسترش کاربست فناوری بیومتریک در توسعه نظام جامع امنیت مرزی، تشکیل بانک اطلاعات مجرمان، صدور گذرنامه‌های بیومتریک و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مجرمان سابقه‌دار اشاره کرد. مشخصات و کاراکترهای بیومتریکی عموماً به دو دسته بیولوژیکی و رفتاری^۱ تفسیر می‌شوند.

- شاخص‌های بیومتریکی بیولوژیکی مانند: اثر انگشت،^۲ هندسه دست و کف دست،^۳ اسکن شبکیه و عنبیه،^۴ تحلیل دی.ان.ای^۵ و شناسایی چهره؛

- شاخص‌های بیومتریکی رفتاری مانند: امضانگاری، تایپ‌نگاری،^۶ صورت‌نگاری، نحوه راه رفتن، بوی بدن، چهره‌نگاری سه‌بعدی، چهره‌نگاری حرارتی، شکل گوش، عروق لاله گوش، دستخط، اندازه‌گیری جمجمه، بافت پوست و بازتابش نور از آن و نحوه گرفتن اشیا با دست.

سهولت کاربرد، سرعت عملکرد، صحت عملکرد، هزینه کم، میزان پذیرش بالای

1. Physiological & Behavioral

2. Finger Print

3. Hand & Plam Geometry

4. Iris & Retina Recognition

5. Deoxyribonucleic Acid (DNA)

6. Typing Rhythm

کاربری، سطح امنیتی بالا، دوام و پایداری بالا از مهم‌ترین فرصت‌های توسعه کاربرست دانش بیومتریک در ساختار امنیتی - نظامی و انتظامی است. به‌عنوان مثال، مهم‌ترین کاربردهای نهادینه‌سازی دانش بیومتریک در ساختار انتظامی - امنیتی برنامه پنجم عبارت‌اند از:

- امنیت دسترسی فیزیکی (ارتقای ضریب امنیت دسترسی به محیط‌های استراتژیک)؛

- امنیت فضای سایر (ارتقای ضریب امنیت دسترسی به اطلاعات شبکه‌های نهادهای استراتژیک نظام)؛

- امنیت نظام مالی و پولی (ارتقای ایمنی امنیت تراکنش‌های مالی و اعتباری)؛

- افزایش اهمیت کارت‌های هوشمند؛

- رأی‌گیری الکترونیکی؛

- کنترل و نظارت دقیق‌تر رفت‌وآمد مسافران در مبادی ورودی و خروجی کشور؛

- صدور گذرنامه‌ها و شناسنامه‌های بیومتریکی؛ یکی از ابزارهای اتحادیه اروپا برای

کنترل مهاجرت و پیشگیری از وقوع حوادث تروریستی است. ۲۷ کشور اروپایی به صدور

گذرنامه‌های بیومتریکی و حک یک تراشه الکترونیکی در یکی از صفحات گذرنامه که در

آن تمام اطلاعات صاحب گذرنامه ذخیره شده، ملزم شدند؛

- تقویت نظارت نامحسوس در اماکن عمومی؛

- تشکیل بانک اطلاعاتی مجرمان و نظارت دقیق‌تر بر زندانیان آزاد شده، بزهکاران

و یا مجرمان سابقه‌دار؛

- توسعه ضریب امنیت مرزی؛

- تأیید سریع هویت و آمارگیری دقیق از بازماندگان، مجرمان و متوفیان در شرایط

وقوع بحران‌های طبیعی، امنیتی و نظامی.

۷-۲-۳ آسیب‌شناسی گسترش روزافزون وبلاگ‌نویسی و تأثیر آن بر ضرایب

انتظامی برنامه پنجم توسعه

از ملزومات مهار تهدیدات امنیت اجتماعی در محیط سایر، آسیب‌شناسی گسترش

وبلاگ‌های ساختارشکن در فضای وب و تأثیر آن بر شکل‌گیری نافرمانی مدنی و

گسترش آشوب‌های اجتماعی است که در صورت نبود راهبردی منسجم می‌تواند هزینه‌های انتظام‌بخشی برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز را افزایش دهد. وبلاگ‌های ساختارشکن و ساختاربرانداز که معمولاً به‌سادگی ایجاد شده و نیاز به تخصص بالای بلاگرها ندارد، به راحتی در محیط‌های مجازی به یک هویت مستقل تبدیل و بدون اینکه شناسایی شوند به گسترش بسترهای ناامنی اجتماعی اقدام می‌کنند. در این راستا مجلس شورای اسلامی با قانونمند کردن دامنه فعالیت و نحوه تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، نظارت دقیق بر حسن اجرای قوانین مرتبط با جرائم رایانه‌ای و حمایت تقنینی - نظارتی از توسعه هدفمند شبکه‌های رسانه‌ای برون مرزی؛ نقش مهمی را در خنثی‌سازی تهدیدهای مخرب محیط سایبر ایفا می‌کند. توسعه گشت‌های اینترنتی پلیس یکی دیگر از تدابیر پیش‌رویدادی یا کشف پیش‌دستانه جرائم رایانه‌ای است.

۸-۲-۳ تقویت رایزنی پلیس کشور با سایر ساختارهای مرتبط با مدیریت امنیت فضای مجازی

مدیریت انتظامی فضای شبکه به عنوان یک موضوع فرابخشی مستلزم هم‌اندیشی، همکاری و هم‌افزایی ظرفیت نهادهای متعدد بوده و لازم است پلیس کشور برنامه‌ریزی منسجمی را برای نحوه تعامل با سایر ساختارهای مرتبط تعریف کند. به عبارتی مدیریت انتظامی پیشگیرانه فضای وب نیازمند وجود راهبرد تصمیم‌گیری میان ساختارهای حاکمیتی است و تصویب قوانین انتظامی صرف به تنهایی برای ارتقای امنیت فضای سایبر کافی نیست.

اهمیت و جایگاه اصل یکپارچگی و همسوسازی سیاستگذاری‌ها در پیشگیری از وقوع تهدیدات امنیت اجتماعی در فضای شبکه به حدی است که در کشور توسعه‌یافته‌ای مانند ایالات متحده آمریکا بخشی با عنوان سازمان تأمین امنیت اجتماعی بنیان گذاشته شده و قسمتی از فعالیت خود را بر ارائه خدمات رفاهی و درمانی به سه طیف سال‌خوردگان، معلولان و بازماندگان بی‌سرپرست در فضای شبکه متمرکز کرده که نقش مهمی در ارتقای سطح رضایتمندی عمومی، پیشگیری از نارضایتی طیفی از اقشار جامعه و به تبع آن کاهش هزینه‌های انتظام‌بخشی کلان کشور ایفا می‌کند که این خود جلوه‌ای از مفهوم

فرابخشی بودن مدیریت انتظامی و نقش تأثیرگذار سایر نهادها در فضای سایبر است.

۹-۲-۳ تدوین سند جامع امنیت شبکه در ساختار انتظامی کشور

یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند ضریب کارآمدی تدابیر پیشگیرانه مجلس شورای اسلامی یا پلیس کشور برای مقابله با آینده‌های نرم‌افزاری محیط سایبر را کاهش دهد وجود سیاست‌های جزیره‌ای در حوزه مهار تهدیدات انتظامی - امنیتی در فضای شبکه است که در صورت نبود پاداستراتژی مناسب می‌تواند موجب پتانسیل شکل‌گیری بحران‌های اجتماعی شود. به عبارتی یکی از خلأهایی که چگونگی رفع آن باید در بازه‌های زمانی سند چشم‌انداز مورد تأکید متولیان امر قرار گیرد، مهندسی نرم‌افزاری امنیت شبکه است که به مفهوم بررسی روش‌ها و ابزار واکسینه کردن نظام در برابر آینده‌های ثبات امنیت ملی در محیط وب بوده و تحقق آن جز با تبیین منشور مدیریت راهبردی امنیت شبکه در ساختار ناجا میسر نیست.

۱۰-۲-۳ آسیب‌شناسی روابط عمومی ناجا در ساختار مدیریت پیشگیرانه تهدیدات

امنیت ملی

رسانه‌ها به دلیل اثرگذاری مستقیم در هنجارسازی و فرهنگ‌سازی از ظرفیت بالایی برای پیشگیری از وقوع بحران‌های اجتماعی برخوردارند. همچنین رسانه‌ها نقش مهمی را در نهادینه‌سازی فرهنگ خودکنترلی در جامعه و کاهش هزینه‌های انتظام‌بخشی ناجا ایفا می‌کنند؛ زیرا تقویت خودکنترلی به ایجاد حالتی ثابت درون فرد منجر می‌شود که طی آن بدون کاربست ابزار قهریه به انجام درست وظایف و مسئولیت‌ها رهنمون شده (برزنویی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

۱۱-۲-۳ تبیین طرح جامع حمایت شبکه‌ای ناجا از سرمایه‌های اجتماعی

یکی از ریشه‌های شکل‌گیری تهدیدات انتظامی، نبود نگاهی جامع، فرابخشی و راهبردی برای حراست از سرمایه‌های اجتماعی^۱ در ساختار امنیتی برنامه پنجم است. اصطلاح

سرمایه اجتماعی که تحت برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است، برای اولین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب^۱، به نام مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی (۱۹۶۱ به کار رفت (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۳).

به‌طور خلاصه سرمایه اجتماعی شبکه تعاملی درهم‌تنیده‌ای میان مردم، ساختارهای حاکمیتی و نهادهای مدنی است که زیربنای آن را اعتماد متقابل^۲ تشکیل می‌دهد و به‌تبع هر قدر ریشه‌های آن گسترده‌تر باشد به همان میزان ضریب وقوع بحران‌های اجتماعی کاهش می‌یابد، زیرا وجود اعتماد متقابل میان مسئولان و مردم، ضریب آستانه مقاومت ملی در برابر مؤلفه‌های بحران‌زا را افزایش می‌دهد.

تقویت نظارت همگانی ناجا در فضای سایبر نقش مهمی در انسجام‌بخشی اعتماد جامعه به ساختار پلیس کشور ایفا می‌کند. به عبارتی حمایت‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی در توسعه کمی و کیفی مرکز نظارت همگانی ناجا نقش مهمی در پیشگیری از وقوع بحران‌های اجتماعی و پرهیز از نگاه تشریفاتی به این مرکز، که در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد، ایفا می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

متناسب با پیچیده‌تر شدن روابط و شبکه‌های اجتماعی در عصر پست‌مدرنیته و خارج شدن این روابط از حالت‌های ساده اولیه که جنبه فیزیکی و محسوس داشت، بر اهمیت افزایش امنیت شبکه و بررسی فرصت‌ها و آسیب‌های احتمالی آن بر ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی افزوده شده که این خود ضرورت تبیین نظام جامع مدیریت نرم‌افزاری تهدیدات امنیت اجتماعی در فضای شبکه‌ای را دوچندان کرده و باید به‌عنوان یکی از بنیان‌های توسعه امنیت ملی در برنامه پنجم توسعه و سند چشم‌انداز مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.

از طرفی با توجه به پررنگ شدن آینده‌های تهاجم نرم‌افزاری و برنامه‌ریزی مخالفان نظام برای حداکثر بهره‌گیری از فضای مجازی با رویکرد سامان‌دهی و سازمان‌دهی تنش‌های چندبعدی در سطوح دانشجویی، قومی، فرقه‌ای، صنفی و اجتماعی و ارتباط

1. Jean Jacobs

2. Reciprocity Trust

نزدیک آن با کارویژه‌های ناجا، ضرورت تبیین نقشه راهی منسجم برای مدیریت نرم فضای سایبر در ساختار انتظامی برنامه پنجم و سند چشم‌انداز را دوچندان کرده که هر میزان ضریب هدف‌محوری (انسجام فکری) و برنامه‌محوری (انسجام رویه‌ای) متولیان امر افزایش یابد به تبع بر سطوح اثربخشی و کارآمدی مدیریت انتظامی نرم‌افزاری در محیط شبکه نیز افزوده می‌شود.

مدیریت نرم‌افزاری فضای شبکه مستلزم ریشه‌یابی مؤلفه‌هایی است که می‌توانند پتانسیل ایجاد و گسترش نافرمانی مدنی یا وقوع آشوب‌های اجتماعی در سطوح خرد و کلان را فراهم کنند. به همین دلیل در جدول ۲ به مهم‌ترین چالش‌ها و راهکارهای فراروی مدیریت انتظامی مطلوب ناجا در فضای وب اشاره می‌شود.

جدول ۲ تهدیدهای شبکه‌ای و بایسته‌های ناجا در سند چشم‌انداز

چالش‌ها، موانع و کاستی‌ها	راهکارها
- تبلیغ رسانه‌ای و سایبری سازمان‌های تروریستی فرقه‌ای (وابسته به وهابیت) در حلقه‌های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و افزایش ضریب احتمال شکل‌گیری تنش‌های اجتماعی در استان‌های مرزی به‌ویژه شهرهای برخوردار از موزاییک‌های قومی-فرقه‌ای، - برنامه‌ریزی هدفمند شبکه‌های وب مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران برای نفوذ، تبلیغ و ترویج برخی فرقه‌های الحادی مانند وهابیت، سلفی‌گری و بهائیت در استان‌های مرزی با رویکرد بسترسازی برای ایجاد و مدیریت آشوب‌های اجتماعی قومی - فرقه‌ای،	- توجه پلیس شبکه به رصد، شناسایی و خنثی‌سازی آینده‌های تضعیف‌کننده وحدت ملی و تفرقه‌انداز میان شیعه و سنی، - مقابله با جریان‌های انحرافی و فرقه‌های الحادی در فضای مجازی، - لحاظ کردن تدابیر پیشگیرانه لازم برای توسعه زیرساخت‌های امنیت شبکه در ساختار طرح جامع ارتقای ضرایب انتظامی استان‌های مرزی، - توسعه امنیت الکترونیک همسو با گسترش امنیت فیزیکی،
- عدم بهره‌وری بهینه از ظرفیت فناوری‌های نوین در حوزه انسداد و نظارت بر امنیت مرزی،	- رفع خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی توسعه فناوری‌های نوین مانند فناوری بیومتریک در ساختار امنیتی ناجا با هدف انسداد، نظارت، کنترل دقیق سرحدات و همچنین تقویت نظارت بر ورود اتباع بیگانه،

جدول ۲ تهدیدهای شبکه‌ای و بایسته‌های ناجا در سند چشم‌انداز

چالش‌ها، موانع و کاستی‌ها	راهکارها
	- توسعه زیرساخت‌های پدافندی غیرعامل ناجا در ساختار برنامه‌ریزی‌های کلان فرماندهی مرزبانی کشور، - بهره‌گیری از فرصت‌های محیط مجازی با رویکرد توسعه اشراف اطلاعاتی ناجا در استان‌های مرزی،
- نبود راهبردی منسجم برای حمایت زیربنایی ناجا از حقوق شهروندی در فضای سایبر،	- ایجاد سازوکارهای مناسب برای تقویت نظارت همگانی بر فعالیت پلیس کشور در فضای وب با توجه به تأثیر بالای رضایتمندی عمومی در پیشگیری نرم‌افزاری وقوع بحران‌های اجتماعی، - توسعه برنامه‌های شبکه‌ای ناجا با رویکرد نهاده‌سازی حمایت‌های مجازی پلیس کشور از چارچوب‌های حقوق شهروندی با رویکرد انسجام‌بخشی میان نیروی انتظامی و سرمایه‌های اجتماعی، - رفع خلأهای تقنینی - نظارتی برگزاری انتخابات رایانه‌ای، - بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت رسانه‌ای کشور برای آگاه‌سازی جامعه و متولیان ساختارهای انتظامی و امنیتی با مفاهیم حقوق شهروندی، - تعیین سازوکارهای مناسب برای توازن بخشی میان سیاست‌های امنیتی ناجا و بنیان‌های حفاظت از حقوق اساسی جامعه مانند حقوق شهروندی،
- نبود نقشه راهی منسجم برای نهاده‌سازی زیرساخت‌های توسعه مهندسی انتظامی فضای سایبر در ساختار مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت اجتماعی،	- نظارت بر حسن اجرای ابلاغیه مقام معظم رهبری راجع به سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای مورخ خرداد ۱۳۸۰ از سوی شورای انقلاب فرهنگی، - تدوین طرح اصلاح ساختار جامعه اطلاعاتی

جدول ۲ تهدیدهای شبکه‌ای و بایسته‌های ناجا در سند چشم‌انداز

چالش‌ها، موانع و کاستی‌ها	راهکارها
	کشور (موضوع ماده (۱۲۴) قانون برنامه چهارم توسعه)، - حمایت‌های تقنینی - نظارتی از شکل‌گیری پلیس سایبر در ساختار انتظامی - امنیتی برنامه پنجم، - تبیین سازوکارهای منسجم و بسترسازی مناسب برای تقویت فضای هم‌اندیشی ناجا با شبکه نخبگان در فضای وب، - الگوسازی امنیتی تهدیدها، فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها در فضای سایبر معروف به مدل خطی یا اسوات^۱،
- برنامه‌ریزی هدفمند شبکه‌های رسانه‌ای و مجازی مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد و گسترش تهدیدات امنیت اجتماعی در کلان‌شهرها، - نبود ساختار شبکه‌ای منسجم برای نظارت مؤثر بر اتباع بیگانه به‌ویژه افغانه از رویکرد امنیت ملی و کلان‌شهری،	- تبیین طرح جامع امنیت شبکه‌ای کلان‌شهرها: • کنترل نامحسوس مجرمان سابقه‌دار، • تشکیل بانک جامع اطلاعات مجرمان سابقه‌دار، • توسعه اصول مهندسی انتظامی کلان‌شهرها در فضای وب، • بهره‌گیری بهینه از اطلاعات مردمی در فضای مجازی با رویکرد مدیریت پیش‌رویدادی آشوب‌های اجتماعی - منطقه‌ای، - سامان‌دهی مجازی اتباع بیگانه در کلان‌شهرها و استان‌های مرزی، - تشکیل بانک جامع اطلاعات اتباع بیگانه، - توسعه سنسور اطلاعاتی گشت‌های پلیس اینترنتی با هدف کشف پیش‌دستانه جرائم رایانه‌ای، - رعایت ملزومات مهندسی امنیتی فضای سایبر در چارچوب طرح جامع ارتقای امنیت اجتماعی

جدول ۲ تهدیدهای شبکه‌ای و بایسته‌های ناجا در سند چشم‌انداز

چالش‌ها، موانع و کاستی‌ها	راهکارها
	یا رفع خلأهای قانون جرائم رایانه‌ای، - ایجاد بانک اطلاعات مجرمان با هدف کنترل و نظارت مؤثر ناامنی‌های اجتماعی و نظارت دقیق‌تر بر بزهکاران و مجرمان سابقه‌دار،
- درهم‌تنیدگی مؤلفه‌های مدیریت نرم‌افزاری فضای سایبر با متغیرهای امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، - ضعف نگاه فرابخشی در حوزه ارتقای ایمنی و امنیت‌افزایی فضای سایبر در سیاست‌های انتظامی کلان جمهوری اسلامی ایران،	- تبیین نظام جامع مدیریت نرم تهدیدات امنیت اجتماعی با رویکرد حداکثر بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های نظام در فضای مجازی، - بهره‌گیری از فنون شبیه‌سازی رایانه‌ای برای پیشگیری از کاربست مدل آزمون و خطا در حوزه مدیریت بحران‌های امنیت اجتماعی،
- نبود بسته سیاستی منسجم برای حداکثر بهره‌وری از ظرفیت بخش خصوصی در ساختار ایمن‌سازی و ارتقای امنیت فضای شبکه،	- تبیین منشور جامع فعالیت بخش خصوصی با رویکرد پیاده‌سازی اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی در ساختار مدیریت انتظامی کلان کشور (این رویکرد نقش مهمی در سرشکن کردن هزینه‌های مدیریت تهدیدات امنیت اجتماعی و شکل‌گیری چارچوب‌های مدیریت مشارکتی ایفا می‌کند)،
- نبود سیاستی منسجم برای مقابله با پیش‌زمینه‌های وقوع آشوب‌های اجتماعی در فضای مجازی، - فقدان توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای ناجا متناسب با نوع، جنس و حجم تهدیدها در محیط سایبر و به تبع آن کاهش توان نظارتی پلیس کشور برای پیشگیری یا مهار تهدیدات نرم‌افزاری امنیت اجتماعی، - گسترش پورنوگرافی (هرزه‌نگاری) در محیط سایبر، افزایش توزیع، نشر، خرید و فروش تصاویر، صداها یا متن‌های مستهجن و به تبع آن تهدید امنیت اخلاقی در جوانان،	- تدوین یا بازتولید نظام جامع فیلترینگ متناسب با آسیب‌های امنیت اجتماعی کشور، - آسیب‌شناسی گسترش وبلاگ‌های مخرب و تأثیر آن بر ضرایب امنیت عمومی، روانی و اخلاقی، - بازاندیشی دوره‌ای قانون مبارزه با جرائم رایانه‌ای به دلیل تنوع روزافزون ابزار و روش‌های مخرب و گستردگی فضایی روزافزون محیط‌های مجازی، - ریشه‌یابی و خنثی‌سازی آینده‌های امنیت اجتماعی در محیط‌های شبکه‌ای، - توسعه گشت‌های اینترنتی پلیس کشور در فضای سایبر،

جدول ۲ تهدیدهای شبکه‌ای و بایسته‌های ناجا در سند چشم‌انداز

چالش‌ها، موانع و کاستی‌ها	راهکارها
- تمرکز بخشی از جنگ تبلیغاتی غرب برای تخریب وجهه ناجا در جایگاه افکار عمومی مانند شائبه‌سازی مبنی بر حمایت نیروی انتظامی از جریان سیاسی خاص در زمان رقابت‌های انتخاباتی با هدف بی‌اعتمادسازی بخشی از جامعه به پلیس کشور،	- ریشه‌یابی، آسیب‌شناسی و خنثی‌سازی شایعه‌های مخرب در شبکه مجازی با رویکرد مدیریت رسانه‌ای تهدیدات امنیت اجتماعی،
- نبود بسته سیاستی منسجم برای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت رسانه‌ها در مدیریت امنیت اجتماعی، - تهاجم نرم‌افزاری غرب برای تهدید باورهای دینی، ارزش‌های حیاتی و الگوهای رفتاری در سه سطح دولتمردان، جامعه و نیروهای مسلح، - حمایت‌های تقنینی اتحادیه اروپا و آمریکا از گسترش رسانه‌های صوتی - تصویری ضدانقلاب با رویکرد گسترش نافرمانی مدنی، بحران‌سازی اجتماعی، مشروعیت‌زدایی از ساختارهای حکومتی و مخدوش جلوه دادن میزان مشارکت و نتایج آرای انتخاباتی،	- آگاه‌سازی جامعه با ابزار و شیوه‌های جنگ تبلیغاتی روانی غرب، - آسیب‌شناسی گسترش رسانه‌های صوتی - تصویری ضدانقلاب، - رصد تحرکات عوامل ضدانقلاب در فضای رسانه‌ای و سایبر، - حمایت‌های تقنینی - نظارتی مجلس شورای اسلامی برای مقابله با آینده‌های جنگ روانی کنگره آمریکا،
- عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های روابط عمومی ناجا در ساختار انتظام‌بخشی کشور،	- آسیب‌شناسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران در قالب مدیریت پیشگیرانه تهدیدات امنیت اجتماعی، - آگاه‌سازی جامعه نسبت به آسیب‌های اجتماعی ازدواج رایانه‌ای،

منابع و مآخذ

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). *استراتژی ملی برای تأمین امنیت در فضای مجازی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکبری، امین (۱۳۸۳). «نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم اجتماعی.
- برزنویی، محمدعلی (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی*، «نظارت همگانی از منظر اسلام»، تهران.
- پای، لوسین (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۶). *نوسازی و دگرگونی جامعه*، تهران، سفیر.
- گراه، جفری (۱۳۸۶). «جنگ شبکه‌ای متمرکز»، ترجمه محمود فیروزی، فصلنامه *مطالعات بسیج*، سال دهم، شماره ۳۴.
- گنجی، علیرضا (۱۳۸۲). «امنیت شبکه: چالش‌ها و راهکارها»، *مجله علوم اطلاع‌رسانی*، دوره ۱۸، شماره ۳ و ۴.
- “Compilation of the Social Security Laws”, Provisions Affecting Social Security Programs, <http://www.ssa.gov/OP-Home/comp2/comp2toc.html>.
- Checkwick, William R. (2006). *Firewalls and Internet Security*, Washington, MIPS Computer Corporation.
- Gallaher, Michael P. (2008). *Cyber Security Economic Strategies and Public Policy Alternatives*, North Carolina, Edward Elgar Publishing.
- Janczewski, Lech (2007). *Cyber Warfare and Cyber Terrorism*, IGI Global Publishing, Auckland.
- Jim, Finkle (2009). <http://www.whitehouse.gov>
- Jim, Miklaszewski (1999). *The Pentagon has been Warning about a Future War*, Washington D.C.
- Libicki, Martin C. (2007). *Conquest in Cyberspace (2007)*, The Rand Corporation, Cambridge University Press.
- Milstein, Sarah (2009). *The Twitter Book*, Oreilly Publications.
- Sofaer, Abraham D. (1999). “Transnational Dimension of Cyber Crime and Terrorism”, Hoover Institute Press, Vol. 2.

Westly, Jody R. (2005). *International Guide to Cyber Security*, American Bar Association Privacy & Computer Crime Committee Section of Science & Technology.

White, Richard and Kevin Collins (2006). *The United States Department of Homeland Security*, Pearson Custom Publishing.

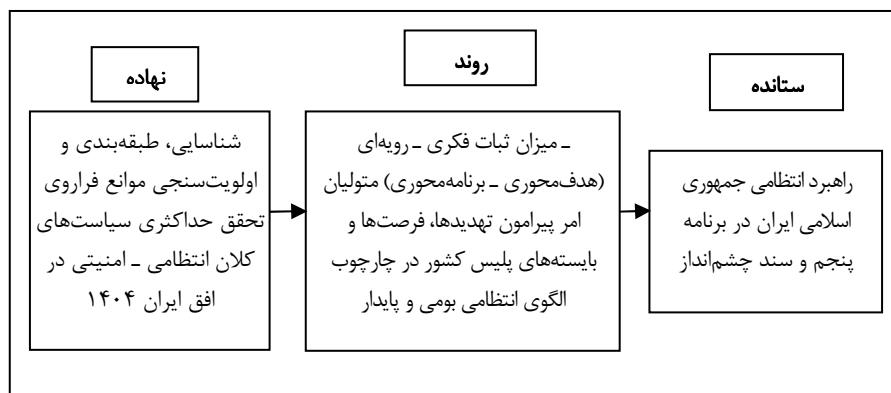
کاستی‌های قانونگذاری و عملیاتی ناجا در ساختار

امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴

مصطفی دلاورپور اقدام*

مقدمه

امنیت به عنوان مفهومی ذهنی، نسبی و مقوله‌ای چندوجهی ارتباطی متقابل و دوسویه با توسعه دارد و به تبع هر میزان چارچوب‌های حقوق امنیت ملی منسجم‌تر باشد به همان اندازه تحقق پلیس مطلوب با موانع کمتری روبه‌رو خواهد شد.



نمودار ۱ روند‌کاوی مهندسی انتظامی افق ایران ۱۴۰۴

پلیس کشور نقش مهمی در مقوله امنیت‌سازی راهبردی و صیانت از حقوق شهروندی

* پژوهشگر ارشد دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: modelavarpour@gmail.com

ایفا کرده و می‌تواند از طریق هم‌افزایی بهینه ظرفیت‌ها با سایر ساختارهای مرتبط، بنیان‌های امنیت ملی در افق ایران ۱۴۰۴ را مستحکم کند که تحقق آن مستلزم تبیین مهندسی انتظامی^۱ و شناسایی، طبقه‌بندی، آسیب‌شناسی، ظرفیت‌سنجی، الگوسازی (معماری امنیتی) و تدوین بسته سیاستی منسجم و متناسب برای مهار هرکدام از تهدیدها و کاستی‌هایی است که هزینه‌های انتظام‌بخشی ناجا را افزایش می‌دهد. روند کلی مهندسی انتظامی ایران ۱۴۰۴ را می‌توان در نمودار ۱ نشان داد.

۱ واکاوی موانع فراروی توسعه امنیتی - انتظامی ناجا در افق ایران ۱۴۰۴

امنیت راهبردی به مفهوم نبود تهدید در عمق استراتژیک داخلی و خارجی است. مدیران استراتژیک پلیس کشور باید در دو بعد معرفت‌شناسی و ماهیت‌شناسی نسبت به شاخص‌گذاری، توصیف و طبقه‌بندی کاستی‌های فراروی توسعه انتظامی اقدام کنند تا حداکثر بهره‌وری از منابع محدود ناجا حاصل شود.

با توجه به اینکه تحقق سیاست‌های کلان پلیس کشور در سند چشم‌انداز، مستلزم موفقیت در اجرای اولویت‌های برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است به موانع و کاستی‌های فراروی توسعه انتظامی - امنیتی مطلوب برنامه پنجم اشاره می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱-۱ نبود سیاستی منسجم برای مهار آینده‌های شبکه‌ای

با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی، تأمین امنیت اطلاعات در محیط سایبر یکی از الزام‌های امنیت‌سازی راهبردی در افق ایران ۱۴۰۴ است. به‌ویژه اینکه دو شاخصه شبکه‌ای و مجازی بودن اطلاعات در فضای سایبر باعث می‌شود گردش اطلاعات متوقف نشده و تضادهایی میان بنیان‌های امنیت ملی و بازیگران جهانی اطلاع‌رسانی و شبکه‌های مجازی به‌وجود آید. به همین دلیل کنترل متمرکز آنها امکان‌پذیر نیست و سیاست‌های امنیتی خاص خود را می‌طلبند.

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در حدی است که اکثر فعالیت‌های اجتماعی با محیط سایبر عجین شده و نبود سازوکارهای قانونی و نظارتی لازم می‌تواند ثبات امنیت روانی و اجتماعی را به چالش کشد؛ زیرا با گستره‌افزایی فضای سایبر مفهوم مرزهای فیزیکی

کم‌رنگ و مقوله جهانی شدن به صورت مستقیم در حوزه امنیت اجتماعی وارد شده است. جرائم امنیت ملی در فضای سایبر کم‌هزینه، مبهم، پیچیده و سریع است و مقابله با آن جز با توسعه زیرساخت‌های فنی - حرفه‌ای پلیس سایبر در ساختار ناجا میسر نیست (James & Gilliland, 2007: 18)، از طرفی با توجه به جهش فناوری‌های رایانه‌ای، عمق و گستره محیط سایبر افزوده شده و به تبع آن پتانسیل وقوع جرم و تهدید ثبات امنیت اجتماعی را در میان مدت (برنامه پنجم) تقویت کرده است، به طوری که مقابله با جرائم رایانه‌ای نسل‌های اول کامپیوتر راحت‌تر از مقابله با جرائم رایانه‌ای نسل‌های چهارم است. نیروی انتظامی با هدف کنترل مؤثر محیط فیزیکی، ساختارهایی مانند پلیس ۱۱۰، پلیس راه، پلیس راهنمایی و رانندگی، پلیس نامحسوس در بزرگراه‌ها و ... را به وجود آورده ولی برای محیط سایبر که از شاخص محدودیت محیط‌های فیزیکی برخوردار نیست هنوز نهاد مستقلی در ساختار انتظامی کشور شکل نگرفته درحالی که مجرمان در محیط‌های مجازی با بهره‌گیری از شاخص گستره بالای فضای سایبر به راحتی می‌توانند محل ثبات امنیت روانی و اجتماعی شوند.

از مصادیق آینده‌های شبکه‌ای^۱ با تمرکز بر سازمان‌دهی آشوب‌های اجتماعی می‌توان به نقش شبکه‌های اینترنتی اجتماعی مانند فیس‌بوک^۲، تویتر^۳ و یوتیوب^۴ در ایجاد، گسترش و انعکاس مجازی ناآرامی‌ها پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ اشاره کرد که خود بیانگر ارتباط تنگاتنگ محیط سایبر با امنیت ملی است. سایت‌هایی مانند فیس‌بوک و تویتر به شبکه‌های اجتماعی معروفاند که در آنها کاربران، عقاید و نظریاتشان را در قالب متن و تصویر به اشتراک می‌گذارند (Milestein, 2009: 5).

۱-۲ توسعه نامتوازن زیرساخت‌های امنیت مرزی با حجم تهدیدها

یکی از مؤلفه‌هایی که هزینه‌های پلیس کشور را در برنامه پنجم افزایش می‌دهد، پتانسیل بالای افزایش ناامنی‌های مرزی با توجه به مختصات امنیتی محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران است.

1. Cyber Offenses
2. Facebook
3. Twitter
4. Youtube

هرگونه ناامنی مرزی به‌دلیل اینکه سرحدات کانون تلاقی با نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مختلف است به‌عنوان دروازه کشور تلقی شده و عدم تناسب میان زیرساخت‌ها با حجم تهدیدها می‌تواند به تسری ناامنی در لایه‌های داخلی کشور منجر شود.

مجاورت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران با نیروهای نظامی - امنیتی آمریکا و ناتو، ناپایداری امنیتی - سیاسی و تنش‌های فرقه‌ای در همسایگان شرقی ایران، تشابهات فرهنگی اکثر استان‌های مرزی با کشورهای همسایه، فقدان توسعه اقتصادی مناسب اکثر استان‌های مرزی و عدم توسعه متوازن زیرساخت‌های امنیت مرزی با حجم تهدیدها از مهم‌ترین دلایلی است که بر اهمیت سرحدات و استان‌های مرزی در راهبرد امنیتی پلیس کشور افزوده و لازم است ساختارهای تقنینی، امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی با رویکرد استراتژیک مقدمه تدوین نظام جامع امنیت استان‌های مرزی را فراهم کنند به‌ویژه اینکه در بند «۴-۴۵» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه بر امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها نیز تأکید شده است (برای مشاهده متن کامل سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ن.ک: <http://www.iri1404.ir>).

برای مثال اختلاف سطح توسعه، رفاه اقتصادی، تفاوت فاحش درآمد، قیمت کالاها و خدمات در دو سوی مرز ایران با افغانستان و پاکستان، به‌طور قطع تأثیر منفی بر ثبات امنیت مرزهای شرق کشور دارد. چنان‌که یکی از عوامل اصلی افزایش عبور غیرمجاز افراد، قاچاق کالا و مواد مخدر، وجود اختلاف درآمد بین جمهوری اسلامی ایران و افغانستان است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۷۱).

دلایل مهاجرت افغان‌ها از سه خاستگاه مذهبی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است. افزایش فشار گروه‌های سلفی و طالبان برای شیعه‌زدایی به‌ویژه در استان نیمروز، حاکمیت نسبی دولت مرکزی افغانستان، فقدان آشنایی نیروهای آیساف با ساختار جامعه‌شناختی منطقه و عملیات‌های متناوب جنگنده‌های آمریکایی به مناطق مرزی پاکستان و افغانستان مؤلفه‌هایی هستند که روند مهاجرت غیرقانونی افغانه و به‌تبع آن هزینه‌های نیروی انتظامی برای انسداد و کنترل مؤثر مرزهای شرق کشور را افزایش داده است.^۱

۱. انسداد مرزها از طریق روش‌هایی مانند کانال‌زنی، دیوارکشی، الکترونیک و حضور فیزیکی مرزبانان انجام می‌شود.

۳-۱ نبود بسته سیاستی قومی منسجم در ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

وجود موزاییک‌های قومی درحالی که می‌تواند فرصت‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد، در صورت نبود سیاست قومی منسجم در ساختار امنیت ملی می‌تواند هزینه‌های انتظام‌بخشی کلان کشور را افزایش دهد به‌طوری که نقش مهمی را در تقویت پتانسیل‌های گسترش آشوب‌های اجتماعی و شکل‌گیری برخی کانون‌های تنش‌زا به‌ویژه در استان‌های مرزی ایفا می‌کند؛ زیرا اکثر استان‌های مرزی جمهوری اسلامی ایران از نوعی تشابه مذهبی - فرهنگی با کشورهای همسایه برخوردارند و امنیتی کردن مطالبات قومی به یکی از اهداف تهاجم نرم تبدیل شده که حضور نظامی، امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مجاورت سرزمینی جمهوری اسلامی ایران بر ضریب تهدید آن افزوده (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۶۸) به‌طوری که به یکی از پیش‌زمینه‌های وقوع ناامنی اجتماعی در این استان‌ها تبدیل شده است (کشکولی، ۱۳۷۸: ۲۷۸). این مسئله وقتی حساس‌تر می‌شود که منافع کشور همسایه در تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد که از مصادیق آن می‌توان به نگرش خصمانه طالبان در زمان حکومت این گروه بر افغانستان اشاره کرد. این گروه با انجام اقدام‌هایی مانند حمایت و تسلیح اشرار و قاچاقچیان، اسکورت قاچاقچیان بین‌المللی برای عبور از مرز و حمایت و تسلیح مخالفان نظام در مسیر ناامن‌سازی مناطق مرزی گام برمی‌داشتند به‌طوری که شاخص‌های ناامنی در مناطق مرزی شرق کشور در سال ۱۳۸۰-۱۳۷۹ افزایش محسوسی را نشان می‌دهد (زرقانی، ۱۳۸۰: ۱۸۰).

در جمهوری اسلامی ایران آمایش موزاییک‌های قومی - فرقه‌ای به‌گونه‌ای است که به‌صورت نواری در حاشیه و در مناطق مرزی کشور متمرکز شده‌اند که این امر می‌تواند ضریب امنیت سرحدات را کاهش دهد. به همین منظور ناجا باید در راهبرد انتظامی خود در برنامه پنجم در تعامل با مجلس شورای اسلامی، بسته سیاستی مشخصی را در قبال استان‌های مرزی تبیین کند که بتواند حداکثر همخوانی را با مختصات اجتماعی و فرهنگی این مناطق داشته و از امنیتی شدن مطالبات قومی - فرقه‌ای و اجتماعی نیز جلوگیری کند.

۴-۱ نبود نظام جامع آمایش جمعیتی در ساختار حقوق امنیت ملی

آمایش جمعیتی ماهیتاً نوعی برنامه‌ریزی فضایی است که در آن بسته‌های جمعیتی براساس

تعداد سازی امنیتی و سازمان‌دهی فضایی^۱ مرتب و از شکل‌گیری قطب‌ها یا خلأهای جمعیتی که در هر دو حالت ثبات امنیت ملی را به چالش می‌کشند پرهیز می‌شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۲۱). کم‌توجهی به اجرای اصول آمایش جمعیتی باعث می‌شود تنش‌های اجتماعی متراکم با سرعت به تنش‌های گسترده تبدیل شده و با تضعیف توان بازدارندگی و اقناع‌سازی نظام، نهادهای انتظامی-امنیتی را به بهره‌گیری از ابزار قهریه وادار کند که علاوه بر هزینه‌افزایی سیاست‌های انتظام‌بخشی کشور، اقتدار ناجا را نیز به چالش می‌کشد.

از طرفی شکل‌گیری قطب‌های جمعیتی، بدون توسعه متوازن مراکز انتظامی، می‌تواند ضریب اثربخشی سیاست‌های پیشگیرانه ناجا را برای جرم‌زدایی در این نواحی با چالش‌هایی مواجه کند.

نکته قابل تأمل این است که موضوع مهم آمایش جمعیتی از مواردی است که در محورهای برنامه پنجم به آن اشاره نشده درحالی‌که امروزه با توجه به افزایش جمعیت جهانی و اهمیت روزافزون حقوق شهروندی در ساختار سیاست‌گذاری‌های کلان، مقوله جغرافیای انسانی و تأثیر آن بر امنیت به یکی از اولویت‌های راهبردی نهادهای تقنینی، انتظامی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته مبدل شده است. به عبارتی پیش‌بینی می‌شود خلأ طرح جامع آمایش جمعیتی در ساختار حقوق امنیت ملی، هزینه‌های انتظام‌بخشی کلان کشور در برنامه پنجم و افق ایران ۱۴۰۴ را تا حد قابل توجهی افزایش دهد.

۵-۱ نبود قانونی منسجم برای سامان‌دهی اتباع بیگانه

رویکرد پلیس کشور در برنامه پنجم باید بر مبنای تقویت مدیریت پیشگیرانه انتظامی با هدف اثربخشی حداکثری برنامه‌ها، جلوگیری از هزینه‌افزایی بی‌مورد، پرهیز از اقدام‌های موازی، جرم‌زدایی و پیشگیری از تضعیف اقتدار ناجا در ساختار اجتماعی برنامه‌ریزی شود. در این راستا یکی از مؤلفه‌هایی که هزینه‌های انتظام‌بخشی ناجا را افزایش می‌دهد، نبود طرح جامع سامان‌دهی اتباع بیگانه در ساختار حقوق امنیت ملی است، به‌ویژه اینکه بررسی آسیب‌های اجتماعی کلان‌شهری مانند تهران مبین این است که بخش مهمی از جرائم اخلاقی یا آسیب‌های اجتماعی از سوی اتباع افغانه صورت می‌گیرد که نبود مدیریت استراتژیک

متولیان امر می‌تواند به یکی از چالش‌های مدیریت انتظامی مطلوب برنامه پنجم منجر شود. از طرفی در اکثر مواقع اتباع بیگانه مکان‌های مشخصی را برای سکونت انتخاب می‌کنند که این خود پتانسیل تهدیدزایی آنان در صورت وقوع آشوب‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد.

۶-۱ نبود الگوی انتظامی پایدار متناسب با مختصات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مدل‌سازی، هزینه اجرا و پیاده‌سازی، بسته‌های سیاستی ناجا را در برنامه‌های پنج‌ساله کاهش می‌دهد به‌طوری‌که دستیابی به الگویی پایدار و بومی (مهندسی معماری امنیت) از پارادایم‌های (الگوواره‌ها) غالب و یکی از ملزومات حسن اجرای قوانین بالادستی است که باعث می‌شود پلیس کشور با اجتناب از اتخاذ سیاست‌های تک‌بعدی و جهت‌دهی فکری - رویه‌ای به چارچوب‌های ذهنی، با ضریب خطای کمتری نسبت به شناسایی، به اولویت‌بندی و طبقه‌بندی تهدیدها، فرصت‌ها، آسیب‌ها و اتخاذ راهکار مناسب اقدام کند. بسط و توسعه هر نظریه یا الگو به‌طور معمول دارای چهار مرحله زیر است:

۱. انجام مطالعات تجربی خاص،
۲. سامان‌دهی مطالعات انجام شده در یک مدل تشریحی،
۳. گذر از مرحله تبیین نظری علت و معلول برای ورود به مرحله پیش‌بینی،
۴. تبیین نظریه یا الگوی کلی (Stacy, 1993: 15).

۷-۱ سیاست‌های جزیره‌ای و نبود راهبردی منسجم در حوزه امنیت کلان‌شهرها

مؤلفه دیگری که هزینه‌های انتظام‌بخشی پلیس کشور را افزایش می‌دهد، گسترش افقی و عمودی کلان‌شهرها و ایجاد شهرهای بزرگ بدون توسعه متوازن زیرساخت‌های امنیتی است. مهم‌ترین چالش‌ها و کاستی‌های توسعه کلان‌شهرها در ساختار انتظامی - امنیتی افق ایران ۱۴۰۴ عبارت‌اند از:

۱-۷-۱ کم توجهی به مهندسی امنیتی آمایش جمعیتی کلان‌شهرها

یکی از پتانسیل‌های وقوع آشوب‌های اجتماعی در کلان‌شهرها، کم‌توجهی به پیاده‌سازی اصول آمایش جمعیتی در حوزه مدیریت راهبردی توسعه شهری است که باعث هزینه‌افزایی امور انتظامی و تضعیف اثربخشی مدیریت پیشگیری از جرم می‌شود، به‌طوری‌که تمرکز

جمعیت در شهرهای بزرگ ایران و خلأ جمعیتی در برخی نواحی به افزایش شهرک‌های اقماری و حاشیه‌نشینی در حلقه‌های محاطی کلان‌شهرها منجر شده که علاوه بر ایجاد ناپایداری امنیتی^۱، فرایند پیشگیری، کنترل و مدیریت تنش‌های متراکم و گسترده را نیز با چالش‌هایی مواجه کرده است. به‌عنوان مثال تراکم بالای جمعیت تهران، فرصت‌های برابر اشتغال‌زایی، رفاه همگانی و بهره‌وری از خدمات عمومی را کاهش داده و با کاهش سطح رضایتمندی عمومی و ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی، پتانسیل وقوع ناامنی‌های شهری را افزایش داده است که در صورت نبود سیاستی یکپارچه، راهبردی و منسجم می‌تواند چالش‌هایی را برای توسعه انتظامی - امنیتی کلان‌شهرها در برنامه پنجم به‌وجود آورد.

۲-۱- نبود قانون جامع مدیریت بحران‌های امنیتی - انتظامی در ساختار حقوق امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین آسیب‌های امنیتی کلان‌شهرهای جمهوری اسلامی ایران، وجود پتانسیل بالای تبدیل تنش‌های موضعی به تنش‌های گسترده است. آشوب‌های اجتماعی اکثراً زیرمجموعه بحران‌های پنهان^۲ بوده که حالت خزنده و گاهی مزمن داشته و به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای شکل می‌گیرند که بسیار خطرناک‌تر از بحران‌های آشکار و ملموس است. معمولاً قبل از وقوع آشوب‌های اجتماعی، پیش‌زمینه‌ای به نام تهدید یا خطر بالقوه^۳ وجود دارد. در این راستا نبود نقشه راه عملیاتی که در آن حدود و نوع وظایف پلیس کشور در شرایط بحران مشخص شده باشد به یکی از مؤلفه‌های تهدیدکننده ثبات امنیت شهری تبدیل شده است. پیشتر قانون مدیریت بحران در مجلس شورای اسلامی تصویب شده که وظایف ساختارهای مرتبط و چارچوب‌های حقوقی را در شرایط وقوع بحران‌های طبیعی مانند سیل و زلزله مشخص کرده است، ولی هنوز قانون مدونی برای نظام‌مند کردن حدود وظایف ساختارهای انتظامی - نظامی در شرایط وقوع بحران‌های امنیتی مشخص نشده و از مهم‌ترین کاستی‌های تقنینی، عملیاتی شدن الگوی پلیس مطلوب است.

فرایند شکل‌گیری تهدیدهای امنیتی کلان‌شهرها مشکلات آغاز و به آسیب‌پذیری،

1. Security Instability

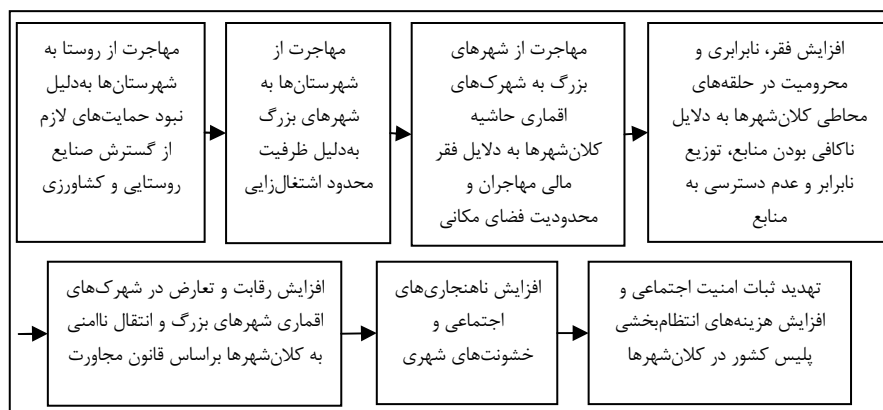
2. Latent Crisis

3. Potential Threat

تهدید و شکل‌گیری ناامنی‌های اجتماعی ختم می‌شود، به عبارتی وقوع یک چالش امنیتی در کلان‌شهری مانند تهران به دلیل نبود یک مرجع قانونی منسجم که در آن چارچوب‌ها مشخص شده باشد، پتانسیل شکل‌گیری پیش‌زمینه وقوع بحران‌های امنیتی فراگیر در شهرهای بزرگ جمهوری اسلامی ایران را افزایش داده که می‌تواند در برنامه پنجم چالش‌هایی را برای اقتدارافزایی و کاهش هزینه‌های ناجا تحمیل کند.

۳-۷-۱ کاهش ضریب امنیت روانی کلان‌شهرهای جمهوری اسلامی ایران

یکی از آسیب‌های گسترش افقی و عمودی کلان‌شهرهای جمهوری اسلامی ایران، با توجه به منابع محدود انتظام‌بخشی پلیس کشور که پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به معضل انتظامی - امنیتی را دارد، نبود بسته سیاستی منسجم و راهبردی برای پیشگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ است.



نمودار ۲ روند کاوی مهاجرت به کلان‌شهرها و تأثیر آن بر هزینه‌های انتظام‌بخشی پلیس کشور

از طرفی به دلیل افزایش قیمت و اجاره مسکن در کلان‌شهرها معمولاً مهاجران داخلی یا اتباع بیگانه در حومه‌های اقماری شهرهای بزرگ سکنی می‌گزینند که به صورت غیرمستقیم بر سطوح رضایتمندی شهروندان کلان‌شهرها تأثیر منفی می‌گذارد و در صورت تداوم می‌تواند موانعی را برای صیانت ناجا از حقوق شهروندی به وجود آورد. روند مهاجرت به شهرهای بزرگ را می‌توان طبق نمودار ۲ نشان داد.



نمودار ۳ خلأهای انتظامی کلان‌شهر تهران در ساختار حقوق امنیت ملی برنامه پنجم توسعه

روند رشد تهران در چند دهه اخیر به گونه‌ای بوده که زمینه‌های ناپایداری امنیتی را در این شهر استراتژیک فراهم کرده که عمده‌ترین آسیب‌ها را می‌توان در چهار گروه طبقه‌بندی کرد: ۱. نبود طرح جامع آمایش جمعیتی کلان‌شهرها، ۲. کم‌توجهی به پیاده‌سازی اصول دفاع غیرعامل در توسعه زیرساخت‌های امنیتی کلان‌شهرها، ۳. فقدان رعایت آمایش سرزمینی^۱ در چینش نامتناسب مراکز انتظامی و ۴. تعدد مراکز تصمیم‌گیری مدیریت شهری. مهم‌ترین آسیب‌های انتظامی - امنیتی کلان‌شهر تهران در افق ایران ۱۴۰۴ را می‌توان به صورت نمودار کیفی در نمودار ۳ نشان داد.

۲ بایسته‌های ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران ۱۴۰۴

مهم‌ترین تدابیر و اقدام‌های بازدارنده‌ای که آسیب‌های فراروی ناجا در ساختار امنیت ملی برنامه پنجم و افق ایران ۱۴۰۴ را تا حد قابل توجهی خنثی کرده و به ارتقای اثربخشی مدیریت پیش‌رویدادی پلیس کشور منجر می‌شود عبارت‌اند از:

۲-۱ ارتقای ضرایب امنیت اجتماعی در برنامه پنجم توسعه

مهم‌ترین سازوکارها و تدابیر پیشگیرانه‌ای که می‌تواند هزینه‌های مادی و معنوی ناجا برای ارتقای ضریب امنیت اجتماعی را کاهش دهد عبارت‌اند از:

۲-۱-۱ قانونمند کردن طرح ارتقای امنیت اجتماعی

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ در نخستین روزهای اردیبهشت سال ۱۳۸۶ طرح ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان را اجرا کرد که فرمانده محترم ناجا، سردار احمدی مقدم، از آن تحت عنوان پارادایم غالب سال ۱۳۸۶ یاد کردند (رادان، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

یکی از الزامات تقنینی پیشگیری از وقوع آشوب‌های اجتماعی، نظام‌مند کردن طرح جامع ارتقای امنیت اجتماعی در ساختار قانونی کشور است که می‌تواند فرصت‌های زیر را به همراه داشته باشد:

- صیانت از منزلت و کارآمدی اقدام‌های پلیس امنیت اجتماعی؛

- اقتدارافزایی تصمیمات انتظام‌بخش ناجا به‌دلیل برخورداری اقدام‌ها از پشتوانه قانونی نمایندگان مردم؛
 - پیشگیری از برخورد سلیقه‌ای، حزبی و اجتناب از کاربست مدل آزمون و خطا در حوزه امنیت اجتماعی؛
 - تسهیل تأمین اعتبارات سیاست‌های انتظام‌بخشی ناجا به‌دلیل حمایت مجلس شورای اسلامی از حسن اجرای اموری که مبتنی بر قوانین است؛
 - هم‌افزایی حداکثری ظرفیت پلیس کشور در حوزه مدیریت امنیت اجتماعی به‌دلیل ملزم شدن قانونی ساختارهای مرتبط برای همکاری با ناجا؛
 - تضعیف عملیات روانی علیه پلیس کشور و آینده‌های تبلیغاتی که با رویکرد شکاف‌افزایی میان نیروی انتظامی و جامعه سازمان‌دهی می‌شود؛
 - حمایت ناجا از مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گو بودن به مجلس شورای اسلامی در صورت تخطی مسئولان مرتبط از چارچوب‌ها و حدود وظایف مصرح در قانون؛
 - ایجاد توازن استراتژیک میان کارویژه‌های انتظامی و ضمانت‌های صیانت از حقوق شهروندی؛
 - پیشگیری از وقوع بحران‌های منزلتی با رویکرد صیانت از سرمایه‌های اجتماعی؛
 - توسعه ضرایب امنیتی کلان‌شهرها.
- قانونمند شدن طرح ارتقای امنیت اجتماعی باعث می‌شود با تغییر ساختارهای اجرایی، خط‌مشی‌های کلی تغییر نکرده و سیاست‌های اصولی امنیت کلان‌شهرها از ثبات و قوام لازم برخوردار باشند. آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه، گروگان‌گیری، بزهکاری و تجمع‌های سیاسی غیرقانونی برخی مصادیق ناامنی‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. تدوین بسته سیاستی منسجم برای بهره‌گیری مؤثر از اطلاعات مردمی و تشکیل بانک اطلاعات مجرمان برخی تدابیری است که ضریب اثربخشی طرح جامع ارتقای امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهند.

۲-۱-۲ رفع خلأهای قانونی نظام جامع مبارزه با مواد مخدر

تدوین نظام جامع مبارزه با مواد مخدر از رویکرد امنیت ملی با توجه به تغییر الگوی تولید و

مصرف مواد مخدر از سنتی به سمت مواد مخدر صنعتی، روان‌گردان‌ها و هورمونی یکی از مؤلفه‌هایی است که هزینه‌های انتظام‌بخشی پلیس کشور برای صیانت از امنیت روانی جامعه را به شدت کاهش می‌دهد، به‌ویژه اینکه در بند «۱-۲۰» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه بر اهتمام متولیان امر برای مبارزه همه‌جانبه با انواع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها تأکید شده است. با توجه به افزایش تنوع تولید، توزیع، تغییر الگوی مصرف مواد مخدر و آسیب‌های جدی آن بر ثبات امنیت اجتماعی بایسته است نمایندگان ستاد مبارزه با مواد مخدر در تعامل و هم‌اندیشی با مجلس شورای اسلامی و از رویکرد امنیت ملی، خلأهای تقنینی - نظارتی طرح جامع مبارزه با مواد مخدر را در دستور کار قرار دهند.

رئیس‌جمهور (رئیس ستاد)، دادستان کل کشور، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدام‌های تأمینی و تربیتی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج، فرمانده ناجا، وزارت کشور، اطلاعات، بهداشت و درمان، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ریاست صدا و سیما از اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر هستند (ن.ک: <http://www.dchg.ir>).

مجلس شورای اسلامی می‌تواند بخشی از خلأ تقنینی - نظارتی برای مقابله مؤثر با آسیب‌های ناشی از مواد مخدر را در چارچوب قانونمند کردن طرح نظام جامع امنیت اجتماعی پیگیری کند. از طرفی فعال‌سازی دیپلماسی مجلس شورای اسلامی از طریق رایزنی گروه‌های دوستی پارلمانی و هم‌اندیشی کارگروه‌های امنیتی - پارلمانی میان ایران، افغانستان و پاکستان می‌تواند مقدمه هم‌افزایی زیرساخت‌های تقنینی مشترک منطقه‌ای برای مبارزه مؤثر با مواد مخدر را به‌وجود آورد.

۳-۱-۲ تبیین قانون جامع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)^۱ در ساختار حقوق

امنیت ملی

یکی از تدابیر راهبردی مجلس شورای اسلامی در برنامه پنجم برای اثربخشی حداکثری سیاست‌های پیشگیرانه پلیس کشور، رفع خلأهای تقنینی - نظارتی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد از رویکرد امنیت ملی است؛ زیرا ریشه‌یابی وقوع اکثر آشوب‌های اجتماعی در دهه اخیر مبین این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های تقویت‌کننده این تنش‌ها بهره‌برداری امنیتی

1. Non-Governmental Organizations (NGOs)

مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران در پوشش سازمان‌های بشردوستانه بوده است. از طرفی یکی از شاخص‌های نظام مردم‌سالاری دینی، بسترسازی برای مشارکت حداکثری جامعه، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) و احزاب در روند توسعه سیاسی است که یکی از نمادهای آن حضور فعال در انتخابات است.^۱ تقویت هنجارهای حقوقی ناظر بر مردم‌سالاری دینی و رفع خلأهای تقنینی - نظارتی توسعه حقوق شهروندی در اسناد بالادستی حقوقی کشور مانند لایحه قانون برنامه پنجم یکی از روش‌های تعمیق اقتدار ملی و پیشگیری از وقوع بحران‌های منزلتی است. به عبارتی مشارکت حداکثری مردم و نهادهای مدنی در عرصه‌های سیاسی و حمایت از آزادی‌های مشروع و صیانت از حقوق اساسی ملت (بند «۳۶» و «۳۸» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه) اصولی هستند که می‌توانند عمق استراتژیک داخلی نظام را ارتقا دهند. همچنین ساختار انتظامی کشور در قالب اصل چهل‌وچهارم قانون اساسی باید در جهت کاهش هزینه‌ها و هم‌افزایی ظرفیت‌ها از قابلیت‌های بخش خصوصی در راستای برون‌سپاری بخشی از کارکردهای انتظامی به بخش خصوصی استفاده کند. به عبارتی بایسته است مجلس شورای اسلامی با رصد فرصت‌ها و آسیب‌های گسترش سازمان‌های غیردولتی، خلأهای قانونی تدوین نظام جامع سازمان‌های مردم‌نهاد در ساختار حقوق امنیت ملی را مشخص کند.

۴-۱-۲ رفع خلأهای تقنینی - نظارتی طرح جامع ارتقای صیانت از حقوق شهروندی

مهم‌ترین ابزاری که می‌تواند هزینه‌های انتظام‌بخشی پیاده‌سازی طرح ارتقای امنیت اجتماعی را کاهش دهد، حمایت مجلس شورای اسلامی از چارچوب‌ها و پیش‌زمینه‌های حفاظت و حراست از حقوق شهروندی است. به‌ویژه اینکه مهم‌ترین اهداف نظریه‌پردازان و مجریان تهاجم نرم، تضعیف اقتدار ملی از طریق شکاف‌زایی میان سرمایه‌های اجتماعی و سطوح حاکمیت با رویکرد مدیریت تنش‌های اجتماعی و نافرمانی مدنی است که می‌تواند هزینه‌های انتظام‌بخشی ناجا به‌ویژه در شهرهای بزرگ را افزایش دهد. برخی تدابیر مجلس شورای اسلامی برای صیانت از حقوق شهروندی عبارت‌اند از:

۱. برجسته‌ترین نظریه‌پرداز مشارکت سیاسی لوسین پای است که در اثر معروف خود با عنوان *ارتباطات و توسعه سیاسی* به آن اشاره کرده است.

- توسعه گستره مردم‌سالاری دینی با مشارکت‌افزایی مردم و نهادهای مدنی در نظام‌های انتخاباتی؛

- حمایت تقنینی - نظارتی مجلس شورای اسلامی از شکل‌گیری احزاب قدرتمند مانند قانونمند شدن و تناسب داشتن کمک‌های مالی به احزاب؛

- کاربست مناسب سازوکارهای کنترلی و تقویت‌کننده سلامت انتخابات مانند رفع موانع فنی - حقوقی برگزاری انتخابات رایانه‌ای؛

- کاربست مناسب تجربه‌های سازنده نظام‌های پارلمانی توسعه‌یافته متناسب با مختصات سیاسی - اجتماعی کشور؛

- رفع خلأهای قانونی و نظارتی نظام جامع انتخابات از رویکرد امنیت ملی.

۵-۱-۲ تدوین نظام جامع حمایت از سرمایه‌های اجتماعی

هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی اصطلاح سرمایه اجتماعی را قبل از سال ۱۹۱۶ در مقاله‌ای مطرح کرد، ولی نخستین بار در اثر کلاسیک جین جاکوب با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا ۱۹۶۱^۱ به کار گرفته شد. سرمایه فیزیکی کاملاً محسوس است و سرمایه انسانی نیز در قالب مهارت‌ها و دانش‌افزایی خود را نشان می‌دهد (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۳).

در دیدگاه‌های سنتی مدیریت توسعه فقط به سرمایه‌های اقتصادی، فیزیکی و نیروی انسانی توجه می‌شد ولی در دوره جهانی شدن امنیت بر اهمیت سرمایه‌های اجتماعی^۲ به عنوان سیاست هم‌تکمیلی نیز افزوده شده است.

مجلس شورای اسلامی با ارائه طرح جامع حمایت از سرمایه‌های اجتماعی نقش مهمی را در پیشگیری از وقوع آشوب‌های اجتماعی و گسست میان جامعه و ساختارهای انتظامی - امنیتی ایفا می‌کند. در مطالعات امنیتی، حمایت از سرمایه‌های اجتماعی به انسجام‌بخشی رابطه جامعه و ساختارهای حکومتی، اثربخشی حداکثری سیاست‌های امنیتی، توسعه عمق استراتژیک داخلی و تقویت بازدارندگی استراتژیک نرم‌افزاری منجر می‌شود. از طرفی حمایت و صیانت از سرمایه‌های اجتماعی به دلیل پیشگیری از شکنندگی ارتباط مردم با حاکمیت،

1. *The Death & Life of Great American Cities*

2. Social Capital

باعث کاهش محسوس هزینه‌های نظام برای تحقق حداکثری سیاست‌های امنیتی می‌شود.

۶-۱-۲ پرهیز از نگاه سطحی و ابزاری نسبت به مرکز نظارت همگانی پلیس کشور

یکی از سازوکارهای اقتدارافزایی پلیس کشور، پرهیز از نگاه تشریفاتی به دفتر نظارت همگانی ناجاست که در سال ۱۳۷۹ تأسیس شد؛ زیرا هنوز کسانی هستند که مراجعه به افکار عمومی و قرار دادن خویش در معرض قضاوت مردم را تجملاتی و غیرضروری می‌پندارند (اسماعیلی، ۱۳۸۶: ۱۳۳).

نوربت واینر^۱ نظارت را ارسال پیام‌هایی می‌داند که به‌طور مؤثر، رفتار گیرنده پیام‌ها را تغییر می‌دهد (صادق‌پور، ۱۳۷۸: ۱۷)، بنابراین رفع موانع نظارت مؤثر همگانی بر عملکرد ناجا باعث شناسایی بهینه نقاط ضعف و قوت می‌شود.

مرکز نظارت همگانی ناجا با ایجاد زمینه‌های پاسخ‌گویی به مردم به نهادینه شدن فرهنگ اعتماد اجتماعی به پلیس کمک کرده و زمینه حمایت آگاهانه و فعال آنان در طرح‌های انتظامی و امنیتی پلیس کشور را موجب می‌شود. به‌ویژه اینکه مقابله مؤثر با آسیب‌های اجتماعی در بستر حمایت و مشارکت‌های مردمی صورت می‌گیرد که بخش مهمی را در عملیاتی شدن مدل و الگوی پلیس مطلوب ایفا می‌کند (ترابی، ۱۳۸۰: ۲۰).

۷-۱-۲ تقویت امنیت موزاییکی در ساختار انتظامی کشور

مهم‌ترین فرصت‌های توسعه دفاع موزاییکی یا شطرنجی با رویکرد مدیریت آشوب‌های اجتماعی عبارت‌اند از:

- بهره‌وری حداکثری از ظرفیت‌ها و هم‌افزایی قابلیت‌های بسیج، سپاه استانی و نهادهای انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی در دو سطح ارتقای امنیت استانی و شهری؛
- حداقل‌سازی زمان لازم برای مقابله با ناامنی‌های مدنی و استانی در سطوح متراکم و گسترده؛

- مدیریت انتظامی پیشگیرانه در جوامع برخوردار از موزاییک‌های قومی مانند جمهوری اسلامی ایران.

۸-۱-۲ توسعه زیرساخت‌های دیپلماسی عمومی ناجا با رویکرد پیشگیری از ایجاد و

گسترش نافرمانی مدنی

مهم‌ترین تدابیر پیشگیرانه‌ای که می‌تواند ظرفیت بازدارندگی پلیس کشور را برای جلوگیری از وقوع تنش‌های اجتماعی افزایش دهد بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌ای با رویکرد مدیریت افکار عمومی و خنثی‌سازی آینده‌های تهاجم تبلیغاتی است؛ زیرا رسانه‌ها نقش مهمی را در ارتقای فرهنگ خودنظارتی یا خودکنترلی در جامعه و به تبع آن کاهش هزینه‌های انتظام‌بخشی ناجا ایفا می‌کنند و به ایجاد حالتی ثابت درون فرد منجر می‌انجامد که طی آن بدون کاربست ابزار قهریه به انجام درست وظایف و مسئولیت‌ها رهنمون می‌شود و براساس نظریه کاشت، با نفوذ فراگیر در بین خانواده‌ها، مبادرت به کاشت جهان‌بینی، نقش‌ها و ارزش‌های رایج در ذهن مخاطبان می‌کند. (سوربن و تانکارد، ۱۹۹۲: ۳۹۲).

۲-۲ رفع خلأهای تقنینی - نظارتی توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای ناجا

لازم است متولیان امر با رفع خلأهای تقنینی - نظارتی توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای را مورد توجه قرار دهند که نقش مهمی را در خنثی‌سازی آینده‌های تشویق‌کننده نافرمانی مدنی ایفا می‌کند. برخی تدابیری که توان پیشگیرانه ناجا را برای جرم‌زدایی در محیط سایبر افزایش می‌دهند عبارت‌اند از:

۱-۲-۲ رفع خلأهای تقنینی - نظارتی شکل‌گیری پلیس سایبر در ساختار انتظامی

کشور

درحالی‌که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت امنیتی محیط فیزیکی، انواع پلیس‌های تخصصی را به‌صورت مستقل تشکیل داده ولی برای محیط مجازی که روزبه‌روز بر دامنه و پیچیدگی آن افزوده می‌شود هنوز بخش تخصصی را با عنوان پلیس سایبر به‌صورت مستقل تشکیل نداده، بنابراین بایسته است با ارائه طرح جامع پلیس سایبر در قالب قانون لایحه برنامه پنجم، زمینه‌های رفع خلأهای تقنینی - نظارتی شکل‌گیری آن در ساختار انتظامی کشور فراهم شود.

شکل‌گیری پلیس سایبر بخشی از سازوکارهای انتظامی برای خنثی‌سازی آسیب‌های

امنیتی ناشی از جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات است و با توجه به گستره فضای مجازی، ایجاد و تقویت پلیس سایبر می‌تواند نقش مهمی را در جرم‌زدایی ایفا کند. هم‌اکنون متولی مبارزه با جرائم شبکه‌ای، اداره کل مبارزه با جرائم رایانه‌ای معاونت آگاهی ناجاست. پلیس سایبر با اسامی مختلفی چون پلیس شبکه یا پلیس وب در کشورهای مختلف شکل گرفته و آمریکا، فرانسه، چین، ژاپن و هند از کشورهای پیشرو در حوزه پلیس سایبرند (Quarantiello, 2009: 16) که می‌توان با بهره‌گیری از تجربیات این کشورها و انطباق با شرایط بومی کشور مقدمه رفع بخشی از خلأهای عملیاتی پلیس سایبر را فراهم کرد. از طرفی ناجا با انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی با کشورهای منطقه می‌تواند زمینه بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشترک را به‌وجود آورد.

پلیس سایبر همچنین نقش مهمی را در ارتقای ضرایب امنیتی تبادل اطلاعات کشور ایفا می‌کند، به‌طوری‌که امروزه جرم‌هایی مانند: کلاهبرداری، سرقت، اخاذی (حق‌السکوت)، جعل اسناد و اختلاس^۱ بدون اینکه مجرم به‌سهولت شناسایی شود، در محیط‌های سایبر به مختل‌سازی ثبات امنیت روانی و اقتصادی اقدام می‌کند (Sofaer, 1999: 23) و به‌تبع هر میزان زیرساخت‌های امنیت روانی جامعه کاهش یابد به همان میزان بر آسیب‌های اجتماعی نیز افزوده می‌شود. از طرفی نفوذ در پست‌های الکترونیکی خصوصی افراد می‌تواند پتانسیل امنیت روانی جامعه را به چالش کشاند. همچنین با توجه به قرارگیری سازمان‌های متعدد تروریستی در محیط امنیت خارجی جمهوری اسلامی ایران این احتمال وجود دارد که سایبر تروریسم^۲ به یکی از مؤلفه‌های تهدیدکننده امنیت ملی در افق ایران ۱۴۰۴ تبدیل شود که این خود ضرورت شکل‌گیری پلیس سایبر را دوجندان می‌کند.

۲-۲-۲ آسیب‌شناسی گسترش روزافزون وبلاگ‌نویسی از رویکرد امنیت ملی

گسترش هدفمند و روزافزون وبلاگ‌نویسی ازسوی برخی افراد، گروه‌ها یا سازمان‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران، ترویج شایعه‌های براندازانه در محیط‌های وب، انتشار اخبار منحرف‌کننده از طریق پیامک‌های تلفن همراه و نفوذ در ایمیل برخی کارگزاران نظام، با توجه به‌وجود اکثر سرورها در ایالات متحده آمریکا، از مؤلفه‌هایی هستند که

1. Fraud, Theft, Blackmail, Forgery & Embezzlement

2. Cyber Terrorism

لزوم رفع خلأهای تقنینی و نظارتی قانون مبارزه با جرائم سایبر را در ساختار انتظامی کشور دوچندان می کنند.

۲-۳ تدوین نظام جامع امنیت استان های مرزی در ساختار انتظامی برنامه پنجم توسعه

یکی از ملزومات انتظام بخشی مهندسی امنیت ملی تدوین نظام جامع امنیت مرزی متناسب با نوع و دامنه تهدیدهاست که نقش مهمی را در تحقق بند «۴-۴۵» سیاست های کلی برنامه پنجم مبنی بر لزوم امنیت پایدار مناطق مرزی و کنترل مؤثر مرزها ایفا می کند. از آغاز سال ۱۳۷۰ با ادغام نیروهای انتظامی، کنترل و حل و فصل مسائل مرزی به اداره کل مرزبانی معاونت امنیت ناجا واگذار شد. نمودار سازمانی جدید نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۷۹ به تصویب فرماندهی کل قوا رسید که در ساختار جدید با توجه به تحولات و حساسیت مرز، اداره کل مرزبانی به فرماندهی مرزبانی تبدیل شد (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

ثبات امنیت استان های مرزی مستلزم کار گروهی و برنامه ریزی هدفمند نیروی انتظامی، شورای تأمین استان های مرزی (وزارت کشور)، سازمان اطلاعات استان ها (تقویت اشراف اطلاعاتی)، وزارت خارجه (رایزنی با کشورهای همسایه برای جلوگیری از فعالیت ایدایی سازمان های تروریستی مستقر در این کشورها)، سپاه پاسداران و نیروی مقاومت بسیج است. مهم ترین تدابیر بازدارنده و راهبردی که هزینه های پلیس کشور در حوزه امنیت مرزی را کاهش می دهند عبارت اند از:

۱-۲-۳ حمایت های تقنینی - نظارتی از توسعه پایدار استان های مرزی

موفقیت سیاست های انتظامی کلان کشور در استان های مرزی مستلزم تبیین نظام جامع اقتصادی و فرهنگی پویا در کنار توسعه ضرایب انتظامی است. با توجه به اینکه فقر، محرومیت، تبعیض و فساد از عوامل توسعه نیافتگی و عوامل ضدامنیتی محسوب می شوند، در مناطق حساس مرزی باید با این عوامل به گونه ای خاص برخورد شود. تحقیقات نشان داده است با افزایش محرومیت و فقر اقتصادی و فرهنگی در مناطق مرزی، ضریب امنیتی آنها نیز به شدت کاهش می یابد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۰۴).

شناسایی و مهار مؤلفه‌هایی که قابلیت تبدیل به آسیب‌های امنیتی را دارند باید همسو با سیاست‌های امنیتی مورد توجه واقع شود. در صورتی که ضریب رکود اقتصادی، بیکاری و فقر در استان‌های مرزی بالا باشد نمی‌توان نسبت به تحقق توسعه انتظامی مطلوب خوشبین بود. به‌عنوان مثال یکی از ترفندهای گروهک جندالشیطان (گروهک تروریستی عبدالمالک ریگی) برای یارگیری از افراد بومی استان مرزی سیستان و بلوچستان، پیشنهاد کمک مالی به افراد فقیر منطقه در قبال همکاری و همراهی آنان با اقدام‌های تروریستی است.

۲-۳-۲ تدوین طرح جامع ارتقای امنیت مرزبانی با رویکرد دفاع موزائیکی

در امنیت‌سازی موزائیکی یا شطرنجی آسیب‌های امنیتی استان‌های مرزی در بسته‌های مختلف (همانند صفحه شطرنج) تفکیک و هرکدام از ساختارها متناسب با قابلیت‌ها و نوع تهدید، وظیفه پیشگیری یا مهار بسته‌های تهدیدزای مشخص را برعهده دارد. به‌عنوان مثال از ابتدای سال ۱۳۸۸ وظیفه امنیت مرزی، مقابله با تروریست‌ها و گروه عبدالمالک ریگی در استان سیستان و بلوچستان از قرارگاه رسول اکرم (ص) وابسته به ناجا به سپاه پاسداران واگذار شده است.

پیوندهای مذهبی و قومی - قبیله‌ای در نوار مرزی ایران و افغانستان به همراه قاچاق مواد مخدر، مهاجرت‌های غیرقانونی، جنایات سازمان‌یافته و توسعه‌نیافتگی محیط مستعدی را برای افراط‌گرایی فرقه‌ای و آشوب‌های جدایی‌طلبانه در شهرهای مرزی شرق کشور به‌وجود آورده است. آشنایی مرزبانان و تجهیز گذرگاه‌های مرزی به فناوری‌های نوین مانند بیومتریک، اتخاذ راهبردی منسجم برای انسداد، کنترل و نظارت بر مرزها، تدوین اطلس آمایش جمعیتی و سرزمینی استان‌های مرزی متناسب با شرایط امنیتی، اجتماعی و اکولوژیکی (بوم‌شناختی) هرکدام از استان‌ها، آشنایی با اصول و چارچوب‌های نظری آمایش مناطق مرزی، توسعه متناسب پاسگاه‌های مرزی، توسعه اشرف اطلاعاتی در استان‌های مرزی، بازنگری در به‌کارگیری سربازهای نظام وظیفه، حمایت از توسعه بازارچه‌های مرزی و توسعه امنیت الکترونیک برای نظارت بر مرزها برخی مؤلفه‌های پیشگیرانه‌ای هستند که هزینه‌های مرزبانی پلیس کشور را کاهش می‌دهند.

انعقاد توافق‌نامه‌های امنیتی دوجانبه وزارت کشور با کشورهای همسایه تا حدود

زیادی توان نیروی انتظامی برای خنثی‌سازی تهدیدهای مرزی، مقابله با جنایات سازمان‌یافته و انسداد و کنترل مؤثرتر مرزها را افزایش می‌دهد. همچنین مجلس شورای اسلامی با تهیه طرح جامع آمایش جمعیتی می‌تواند تا حد چشمگیری خلأهای تقنینی - نظارتی لازم برای رفع برخی ناامنی‌های اجتماعی در استان‌های مرزی را مرتفع کند.

۳-۲ آسیب‌شناسی گسترش سازمان‌های تروریستی در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر ثبات امنیت مرزی

از مؤلفه‌های تهدیدزایی که می‌تواند ضریب وقوع برخی ناامنی‌های اجتماعی به‌ویژه در شهرهای مرزی را به‌وجود آورد گسترش سازمان‌های تروریستی مانند جندالشيطان (گروهک عبدالمالک ریگی)، طالبان، پژاک و پ.ک.ک در عمق استراتژیک خارجی جمهوری اسلامی ایران است. تهیه اطلس ریسک سازمان‌های تروریستی واقع در سرزمین‌های مجاور جمهوری اسلامی ایران و آسیب‌سنجی آن بر ضرایب انتظامی استان‌های مرزی، یکی از تدابیر مدیریت بازدارندگی استراتژیک ناجا برای ارتقای ضرایب انتظام‌بخشی این استان‌هاست.

۴-۳ تبیین سیاست قومی منسجم در ساختار امنیتی استان‌های مرزی

شرایط ویژه مناطق مرزی به‌دلیل قرار گرفتن کشورها در مجاورت یکدیگر، ترکیب قومی، فرهنگی و جمعیتی را متأثر می‌سازد. حفظ و تقویت هویت‌های فرهنگی مناطق مرزی از طریق آموزش، تقویت ارتباط خرده‌فرهنگ‌های این مناطق با فرهنگ ملی و تشویق فعالیت‌های فرهنگی محلی، حس تعلق مرزنشینان به فرهنگ ملی را تقویت می‌کند (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲۲۳-۲۲۲). به‌عنوان مثال پیوندهای قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها و بلوچ‌ها و پیروی آنان از سلفی‌گری مورد حمایت طالبان و القاعده می‌تواند زمینه وقوع برخی ناامنی‌های مرزی و شکل‌گیری شاخک‌های نفوذ وهابیت در موزایک‌های قومی جمهوری اسلامی ایران را به‌وجود آورد که یکی از تمهیدات لازم برای مهار آسیب‌های احتمالی، بهره‌گیری از سیاست قومی منسجم در استان‌های مرزی است.

۵-۳ تدوین طرح جامع سامان‌دهی اتباع بیگانه

یکی از سازوکارهای مجلس شورای اسلامی برای حمایت تقنینی - نظارتی از سیاست‌های

پیشگیرانه ناجا در سه حوزه ارتقای امنیت اجتماعی، اخلاقی و مرزی؛ تبیین طرح جامع سامان‌دهی اتباع بیگانه در ساختار حقوق امنیت ملی است، به‌طوری‌که نقش مهمی در کاهش هزینه‌های انتظام‌بخشی پلیس کشور برای پیشگیری از ناامنی‌های اجتماعی و یا امنیت‌افزایی استان‌های مرزی ایفا می‌کند؛ زیرا به‌دلیل فقدان علقه ملی اتباع بیگانه به منافع و مصالح عالی جمهوری اسلامی ایران، زمینه جذب آنان در شبکه جاسوسی مخالفان نظام هموارتر است.

۲-۴ رفع خلأهای تقنینی - نظارتی توسعه کاربری فناوری‌های نوین در ساختار انتظامی برنامه پنجم

یکی از ابزارهای ارتقای مهندسی انتظامی مطلوب، کاربری فناوری‌های نوین در ساختار امنیت ملی بوده که در ماده (۱۱۹) قانون برنامه چهارم نیز بر آن تأکید شده است. نیروی انتظامی به‌منظور بهره‌وری بهینه از فناوری‌های نوین بایستی جایگاه آن را در قالب سند جامع مدیریت دانش انتظامی تبیین کند. به‌عنوان مثال یکی از شاخص‌های مختصات امنیتی نوار مرزی ایران با افغانستان و پاکستان وجود پتانسیل بالای جرائم سازمان‌یافته و تکرر، نوآوری و انعطاف‌پذیری روش‌های تروریستی در دو بعد تروریسم مذهبی و نارکو تروریسم^۱ بوده که مهار آن مستلزم بهره‌گیری مؤثر از فناوری‌های نوین است. هرچند در ماده (۱۱۹) قانون برنامه چهارم توسعه بر لزوم ارتقای فناوری‌های نوین و هوشمند تأکید شده ولی تاکنون زیرساخت‌های امنیت مرزی نسبت به عمق و دامنه تهدیدها از توسعه متوازن و متناسب برخوردار نبوده است. ایجاد بانک اطلاعات مجرمان و صدور گذرنامه‌ها یا شناسنامه‌های بیومترکی می‌تواند ساختارهای انتظامی را در شناسایی دقیق‌تر و سریع‌تر عوامل وابسته به گروه‌های تروریستی و کنترل مؤثرتر مرزها یاری کند. به‌منظور شناساندن جایگاه فناوری‌های نوین در ساختار انتظامی - امنیتی به‌صورت موردی به نقش و جایگاه بیومتریک در حوزه امنیت ملی اشاره می‌شود.

1. Narco Terrorism

اقدام‌های خشونت‌طلبانه‌ای که از سوی سوداگران مواد مخدر با رویکرد اثرگذاری بر سیاست‌های دولت سازمان‌دهی می‌شود. استان سیستان و بلوچستان به‌دلیل نزدیکی به مثلث طلایی از نواحی جغرافیایی است که پتانسیل گسترش نارکو تروریسم را دارد.

امضانگاری، تایپ‌نگاری^۱، صورت‌نگاری، نحوه راه رفتن، بوی بدن، چهره‌نگاری سه‌بعدی، چهره‌نگاری حرارتی، شکل گوش، عروق لاله گوش، دستخط، اندازه‌گیری حجمه، بافت پوست و بازتابش نور از آن و نحوه گرفتن اشیا با دست از شاخص‌های بیومتریکی رفتاری محسوب می‌شوند. سهولت کاربرد، سرعت عملکرد، صحت عملکرد، هزینه کم، میزان پذیرش بالای کاربری، سطح امنیتی بالا، دوام و پایداری بالا از مهم‌ترین فرصت‌های توسعه کاربری دانش بیومتریکی در ساختار امنیتی-نظامی هستند (Ashbourn, 2009: 6). مهم‌ترین کارکردهای امنیتی بیومتریکی در ساختار انتظامی کشور عبارت‌اند از:

- افزایش اهمیت کارت‌های هوشمند؛
- رأی‌گیری الکترونیکی؛
- کنترل و نظارت دقیق‌تر رفت‌وآمد مسافران در مبادی ورودی و خروجی کشور؛
- صدور گذرنامه‌ها و شناسنامه‌های بیومتریکی؛
- تقویت نظارت نامحسوس در اماکن عمومی؛
- تشکیل بانک اطلاعاتی مجرمان و نظارت دقیق‌تر بر زندانیان آزاد شده، بزهکاران و مجرمان سابقه‌دار؛
- ارتقای ضریب امنیت مرزی؛
- تأیید سریع هویت و آمارگیری دقیق از بازماندگان، مجرمان و متوفیان در شرایط وقوع بحران‌های طبیعی، امنیتی و نظامی.

۵-۲ تدوین نظام جامع آمایش جمعیتی در ساختار حقوق امنیت ملی

براساس بند «۴» ماده (۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف شده حضور و سهم نیروهای مردمی در امنیت‌سازی، دفاع از کشور و به‌کارگیری متقابل و بهینه از امکانات و توان منابع انسانی را ارتقا دهد که یکی از الزامات آن تبیین طرح جامع آمایش جمعیتی در ساختار حقوق انتظامی است. برخی ملاحظات مهندسی انتظامی آمایش جمعیتی که باید در برنامه پنجم مورد توجه متولیان امر قرار گیرند عبارت‌اند از:

- توسعه زیرساخت‌های امنیتی در قطب‌های جمعیتی کشور؛

- شناسایی حوزه‌های جغرافیایی توسعه‌پذیر در استان‌های مرزی؛
- تطبیق نظام اسکان جمعیت شهری و روستایی با ساختار مهندسی فضایی امنیت^۱ (مهندسی انتظامی آمایش جمعیتی)؛
- یکپارچه‌سازی نظام طراحی و برنامه‌سازی توسعه انتظامی آمایش جمعیتی؛
- کاهش هزینه‌های طرح ارتقای امنیت اجتماعی از طریق قالب‌بندی مناسب بسته‌های جمعیتی کشور؛
- آرایش مناسب مراکز انتظامی به‌ویژه در کانون‌های پرتدد با هدف جلوگیری از ازدحام جمعیت در مناطق مختلف شهری با رویکرد قوام‌بخشی ثبات امنیت اجتماعی؛
- کنترل نامحسوس جمعیت در مناطق پرتدد جرم‌خیز از طریق سامان‌دهی نصب دوربین‌های مداربسته درون شهری؛
- فاصله مکانی مناسب نهادهای استراتژیک (به‌عنوان مثال تمرکز برخی ساختارهای تصمیم‌گیرنده استراتژیک کشور در خیابان پاستور تهران می‌تواند آسیب‌پذیری امنیتی تهران را افزایش دهد)؛
- چینش متناسب و مناسب ساختارهای متولی حفظ امنیت کلان‌شهرها؛
- توسعه ضرایب امنیتی از طریق قالب‌بندی مناسب بسته‌های جمعیتی کشور.

۲-۶ تدوین نظام جامع آمایش سرزمینی در ساختار انتظامی کشور

تدوین نظام جامع آمایش سرزمینی در سطوح استانی، بخشی و کشوری مواردی است که می‌تواند در تسریع و تسهیل تحقق پلیس مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴ مؤثر باشد که در ماده هفتادودوم سیاست‌های کلی برنامه پنجم مورد تأکید قرار گرفته است. کاربست مناسب تجارب آمایش سرزمینی دیگر کشورها، تفکیک موزاییکی مناطق استراتژیک شهری، ایجاد مرکز آمایش سرزمینی و توسعه پایدار در وزارت کشور، ارائه طرح جامع آمایش سرزمینی استان‌های مرزی، اجتناب از نگاه سطحی و روندکاوی براساس برنامه‌ریزی کالبدی (جامع‌نگری)، نگاه راهبردی به موضوع (کل‌گرایی)، مدیریت زمان در برنامه پنجم و سند چشم‌انداز (دوراندیشی) و تناسب راهبردها با قابلیت‌های

بالقوه و بالفعل نظام (ظرفیت‌سنجی) برخی تدابیر توسعه آمایش سرزمینی در ساختار امنیت ملی است.

۲-۷ تدوین نظام جامع مدیریت بحران انتظامی در ساختار حقوق امنیت ملی

مدیریت استراتژیک بحران‌های انتظامی - امنیتی به معنای سامان‌دهی، سازمان‌دهی، کنترل، نظارت و پیاده‌سازی تدابیری است که توان بازدارندگی پیش‌دستانه^۱ و پاسخ‌گویی معقول^۲ پلیس کشور برای پیشگیری یا مهار رویدادهای غیرقابل پیش‌بینی را افزایش می‌دهد. بحران‌های طبیعی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، روان‌شناختی، زیست‌محیطی و سازمانی از مهم‌ترین بحران‌ها هستند. تهاجم نظامی، افزایش تنش‌های دیپلماتیک، کودتای نظامی، فروپاشی دولت‌ها، گسترش تنش‌های گسسته و متراکم، خیزش‌های اجتماعی، ترور نخبگان سیاسی، منازعات قومی - فرقه‌ای و فجایع زیست‌محیطی هر کدام می‌توانند منشأ وقوع بحران‌های امنیتی - سیاسی باشند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۲۸). در مرحله پیشگیری از وقوع بحران، سه کارویژه کنترل، خنثی‌سازی و ظرفیت‌سازی امنیتی و در مرحله وقوع بحران نابودسازی تهدیدها در محیط عملیاتی برجسته‌تر می‌شود و به‌تبع آن هزینه‌های مادی و معنوی پیشگیری برای پلیس کشور بسیار کمتر از هزینه‌های مهار بحران است.

بحران شرایطی است که در آن نظام سیاسی با غافل‌گیری، کمبود اطلاعات و محدودیت زمان مواجه می‌شود که در صورت نبود الگو و نقشه راه پیش‌دستانه می‌تواند ضرایب امنیت ملی را با چالش مواجه کند؛ زیرا کاربست مدل‌های آزمون و خطا در حوزه‌های امنیت ملی با منافع ملی و مصالح عالیه نظام همخوانی نداشته و هزینه انتظام‌بخشی پلیس کشور در شرایط بحران را افزایش می‌دهد.

تهدیدزایی علیه امنیت ملی، کمبود اطلاعات و مبهم بودن نتایج تصمیم‌ها، فشار زمانی، الزام اختصاص منابع فوق‌العاده برای مهار آن و حداقل کنترل بر اوضاع از مهم‌ترین شاخص‌های شرایط بحرانی هستند (موسی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۵). در تبیین نظام جامع مدیریت بحران‌های انتظامی - امنیتی توصیه می‌شود به تدابیر زیر توجه شود:

1. Pre-emptive Deterrence
2. Rational Respond

- تفکیک و اولویت‌بندی تهدیدهای بحران‌زا و پیش‌بینی پاداستراتژی موزاییکی مناسب برای مهار هر کدام از آنها؛

- آگاه‌سازی مدیران استراتژیک ناجا با مبانی نظری و تجربی مدیریت بحران در سه مرحله قبل، حین و پس از بحران؛^۱

- تبیین مدلی پایدار، بومی و قابل اجرا برای پیاده‌سازی نظام جامع مدیریت بحران؛

- توجه به شاخص‌های بحران‌زدایی در پیاده‌سازی سیاست‌های کلان انتظامی.

یکی از فرصت‌های تدوین نظام جامع مدیریت بحران امنیتی، تبیین جایگاه بسیج در شرایط وقوع آشوب‌های اجتماعی مترکمی یا گسترده است زیرا در صورت نبود بسته سیاستی منسجم می‌تواند برای هر دو ساختار آسیب‌هایی را به وجود آورد، به‌ویژه اینکه یکی از محورهای سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم بند «۲-۴۵» اهتمام به حضور نیروهای مردمی در امنیت‌سازی و توسعه کمی و کیفی بسیج برای دفاع از تمامیت ارضی است که تحقق آن مستلزم اقتدارافزایی، پرهیز از نگاه حزبی - ابزاری و تبیین جایگاه آن در ساختار مدیریت بحران‌های امنیتی - انتظامی است. از طرفی در بند «۳۶» سند چشم‌انداز نیز بر توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در امنیت‌سازی، دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان تأکید شده است.

با توجه به گستردگی جغرافیایی و فکری نیروی مقاومت بسیج و تعامل دائم آن با سطوح مختلف جامعه، بسیج در قالب دفاع موزاییکی یا مسطح و ظرفیت‌افزایی با سایر ساختارهای انتظامی، اطلاعاتی، امنیتی و نظامی، نقش مهمی در ارتقای ضرایب امنیت مدنی و استانی، پیشگیری، مقابله و مهار پیش‌دستانه بحران‌های آنی، میان‌مدت و استراتژیک و روند امنیت‌سازی پایدار در افق ایران ۱۴۰۴ ایفا می‌کند که لازم است چارچوب‌های فعالیت آن در قالب تدوین نظام جامع مدیریت بحران‌های امنیتی - انتظامی قانونمند شود.

۸-۲ تبیین سند جامع مدیریت دانش در ساختار انتظامی کشور

در ماده (۱۱۹) قانون برنامه چهارم توسعه بر ارتقای سطح آموزش، تحقیقات و فناوری در بخش دفاع و همچنین ارتقای کمی و کیفی سطح دانش نیروهای مسلح تأکید شده که یکی

1. Crisis Pre-incident Stage → Crisis Incident Stage → Post- incident of Crisis

از ملزومات تحقق آن تبیین سند جامع مدیریت دانش انتظامی در ساختار امنیت ملی است. یکی از شاخص‌های سنجش توسعه نرم رسته‌های نظامی و غیرنظامی نیروهای مسلح؛ جمع‌آوری، سازمان‌دهی، نظارت و بهره‌وری بهینه از تولیدات علمی - پژوهشی و تزریق آن به ساختارهای امنیتی - انتظامی است که می‌تواند به رفع خلأ پژوهشی، اجتناب از موازی‌کاری، تقویت پژوهش قانونگذاری و کاهش ریسک فعالیت‌های عملیاتی و راهبردی پلیس کشور منجر شود؛ به عبارتی امنیت‌پژوهی^۱ از کارویژه‌های مدیریت استراتژیک دانش انتظامی^۲ و از شاخصه‌های قدرت نرم^۳ است که توسعه آن مستلزم تقویت هم‌اندیشی، نقادی و حداکثرسازی انسجام فکری - رویه‌ای میان کانون‌های علم و قدرت است.

در ساختار مدیریت دانش به پژوهشگرانی که تولیدات علمی آنها کاربردی، راهبردی و قابل اجراست اصطلاحاً کارگزار پژوهشی^۴ می‌گویند. افزایش تولیدات علمی مراکز مطالعاتی که براساس امنیت‌پژوهی و با رویکرد کاربردی - راهبردی^۵ تهیه شده باشند؛ به دلیل امکان‌سنجی ضرایب احتمال وقوع سناریوهای تهدیدزا و همچنین طبقه‌بندی و توصیف اهداف، قابلیت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها می‌تواند ضریب خطای محاسبات استراتژیک ناجا را کاهش دهد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پلیس کشور باید در ساختار مهندسی انتظامی افق ایران ۱۴۰۴ و در راستای مدیریت راهبردی توصیف و طبقه‌بندی تهدیدها، آسیب‌شناسی تهدیدها و تبیین راهکارها در دو سطح قانونگذاری و سیاستگذاری، بسته سیاستی منسجمی را در سیاست‌های کلان و بلندمدت خود تدوین کند که موفقیت آن مستلزم میزان ثبات فکری - رویه‌ای ساختارها و کارگزارانی است که به نحوی در حوزه‌های انتظام‌بخشی تأثیر گذارند.

در مرحله توصیف، تهدیدها، کاستی‌ها و موانعی که می‌توانند هزینه‌های انتظام‌بخشی کشور را افزایش دهند، رصد و اولویت‌بندی می‌شوند.

در مرحله آسیب‌شناسی، آثار کاستی‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی یا عدم حسن

-
1. Security Study
 2. Strategic Disciplinary Knowledge Management
 3. Soft Power
 4. Research Broker
 5. Applied-Strategic Approach

اجرای مناسب قوانین بر ضرایب انتظامی - امنیتی کشور مشخص می‌شود. در مرحله تبیین نیز قانونگذاران و سیاستگذاران با آینده‌پژوهی، تقویت مدیریت پیشگیرانه و قوام‌بخشی فکری - رویه‌ای، بسته سیاستی لازم برای مهار هرکدام از آسیب‌های احتمالی را سازمان‌دهی می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران به‌جای مقابله با تهدیدها بایستی پتانسیل‌های وقوع تهدید را در برنامه پنجم شناسایی و در قبال مهار هرکدام از آنها از پاداستراتژی موزاییکی متناسب استفاده کند.

یکی از الگوهای مناسب برای بررسی موانع فراروی تحقق پلیس مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴، بهره‌گیری از الگوی خطی یا مدل اسوات^۱ است که در آن چالش‌ها و راهکارها براساس مدیریت ریسک^۲ طبقه‌بندی می‌شوند که می‌توان آن را به‌صورت جدول ۱ نشان داد.

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران ۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
- کم‌رنگ کردن ارزش‌ها و هنجارهای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشور آماج با دولت هدف، - افزایش بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی عمومی، تاکتیک‌های روانی - رسانه‌ای و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های بین‌المللی بشردوستانه،	- برنامه‌ریزی راهبردی مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران برای بحران‌سازی و ایجاد تنش‌های قومی، فرقه‌ای، دانشجویی و صنفی در ساختار دکترین براندازی نرم، - تشویق نافرمانی مدنی با رویکرد گسترش ناامنی‌های اجتماعی و بهره‌گیری ابزاری از موزاییک‌های قومی، - نبود بسته سیاستی قومی	- قانونمندسازی فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در امنیت‌افزایی برنامه پنجم توسعه، - رفع خلأهای تقنینی - نظارتی تدوین طرح جامع حمایت از سرمایه‌های اجتماعی با هدف تقویت وحدت ملی و سطح رضایتمندی عمومی، - تهیه اطلس جغرافیایی اقوام با لحاظ کردن اصول مهندسی انتظامی آمایش جمعیتی،

1. Strength, Weaknesses, Opportunities & Threats (SWOT)
2. Risk Management

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران

۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
	منسجم در ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران،	- کاربست مؤثر سیاست‌های پیشگیرانه مناسب برای جلوگیری از امنیتی شدن مطالبات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، - ارتقای امنیت روانی جامعه،
- مختل‌سازی انسجام، تعادل، ثبات و بقا روانی جامعه، - ملتهب کردن فضای امنیتی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه با نزدیک شدن به رقابت‌های انتخاباتی،	- نبود طرح جامع مدیریت بحران امنیتی در ساختار انتظامی کشور، - برخوردهای سلیقه‌ای و جناحی در حوزه تأمین امنیت اجتماعی،	- تدوین نظام جامع ارتقای امنیت اجتماعی شهروندان، - هوشیارسازی جامعه با شیوه، ابزار و اهداف جنگ روانی مخالفان نظام با هدف مدیریت پیشگیرانه از وقوع آشوب‌های اجتماعی، - اجتناب از کاربست مدل آزمون و خطا در حوزه امنیت‌سازی اجتماعی، - توسعه زیرساخت‌های امنیتی در قطب‌های جمعیتی کشور، - صیانت از حقوق اساسی ملت در چارچوب قانون اساسی، - تبیین سازوکارهای مناسب برای شکل‌گیری پلیس چابک در ساختار انتظامی جمهوری اسلامی ایران، - آمایش سرزمینی مناسب مراکز پلیس کشور در قطب‌های جمعیتی و جرم‌خیز کلان‌شهرها،

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران ۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
		- قانونمند کردن طرح جامع انضباط اجتماعی در ساختار حقوقی کشور،
- تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری دولتمردان و جامعه، - نهادسازی در قالب الگوهای رفتاری مکتب سیاسی لیبرال دموکراسی،	- عدم وجود الگوی انتظامی پایدار متناسب با مختصات امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران،	- تدوین طرح جامع مدیریت بحران‌های انتظامی در ساختار امنیتی برنامه پنجم، - تدوین سند جامع مدیریت دانش انتظامی در ساختار انتظامی - امنیتی برنامه پنجم متناسب با نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلان پلیس کشور در قوانین بالادستی،
- تأثیرپذیری از روندهای بین‌المللی فناوریانه مانند جهانی شدن فناوری اطلاعات، ارتباطات و قرار گرفتن کشورها در دهکده جهانی، - افزایش کاربست آینده‌های شبکه‌ای (محیط‌های وب)، مخابراتی (بلوتوث و تلفن همراه) و رسانه‌ای (شبکه‌های رادیو تلویزیونی) با هدف بی‌ثبات‌سازی امنیتی،	- وجود برخی خلأهای تقنینی، نظارتی و عملیاتی برای مقابله با جرائم امنیتی - سیاسی در محیط سایر، - افزایش آینده‌های ثبات امنیت اجتماعی در محیط‌های مجازی و سایر، - نبود بسته سیاستی منسجم برای حمایت‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی مؤثر در راستای توسعه زیرساخت‌های شبکه‌ای پلیس کشور،	- رفع خلأهای تقنینی و نظارتی قانون مبارزه با جرائم رایانه‌ای، - حمایت‌های تقنینی - نظارتی از شکل‌گیری پلیس سایر در ساختار امنیتی برنامه پنجم، - تقویت تدابیر پیش‌رویدادی پلیس کشور از طریق توسعه گشت‌های اینترنتی ناجا، - آسیب‌شناسی گسترش وبلاگ‌های مخرب و تأثیر آن بر ثبات امنیت اجتماعی، - نظام‌مند شدن فیلترینگ وبسایت‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب،

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران

۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
- تقویت پتانسیل وقوع بحران‌های پنج‌گانه هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع،	- نبود نظام جامع امنیت کلان‌شهرها در ساختار انتظامی کشور: • توسعه کلان‌شهرها و احداث شهرهای جدید بدون توجه به تأمین زیرساخت‌های امنیتی، • کاهش ضریب امنیت روانی کلان‌شهرهای جمهوری اسلامی ایران، • کاهش توان کنترلی پلیس کشور در شرایط وقوع آشوب‌های اجتماعی متراکم یا گسترده، • تعدد مراکز تصمیم‌گیری مدیریت شهری، • نبود بسته سیاستی منسجم برای تضعیف انگیزش‌های مهاجرت به کلان‌شهرها.	- تدوین نظام جامع امنیت کلان‌شهرها، - قانونمند کردن طرح ارتقای امنیت اخلاقی، - تدوین قانونی منسجم برای سامان‌دهی اتباع بیگانه به‌ویژه افغانه، - آمایش مناسب مراکز انتظامی در کانون‌های جمعیتی کلان‌شهرها،
- تهدید باورهای دینی، ارزش‌های حیاتی و الگوهای رفتاری در سه سطح دولتمردان، جامعه و نیروهای مسلح، - برجسته بودن روش‌های القا و اقناع‌سازی، - مشروعیت‌زدایی از ساختارهای حکومتی،	- تلاش مخالفان نظام برای نفوذ، تبلیغ و ترویج برخی فرقه‌های الحادی مانند وهابیت، سلفی‌گری و بهائیت با رویکرد هزینه‌افزایی انتظام‌بخشی استان‌های مرزی،	- مقابله با جریان‌های انحرافی و فرقه‌های الحادی، - تبدیل چالش‌های ناشی از تکثر قومی - فرهنگی در مختصات جامعه‌شناسی ایران به یک فرصت امنیتی از طریق مشارکت‌افزایی آنان در توسعه سیاسی، - رصد، شناسایی و خنثی‌سازی

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران ۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
		آفندهای تضعیف‌کننده وحدت ملی و تفرقه‌انداز میان شیعه و سنی، - بهره‌گیری مناسب از ظرفیت حوزه‌های علمیه با رویکرد تضعیف پتانسیل‌های وقوع تنش‌های فرقه‌ای،
- افزایش جرائم انتظامی ناشی از ناهنجاری‌های اجتماعی، - برجسته بودن آفندهای مختل‌کننده امنیت روانی،	- تنوع بالای ابزار و شیوه‌های تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر و انواع روان‌گردان‌ها (براندازی در سکوت)، - فقدان سیاستی منسجم در افغانستان برای جلوگیری از تولید و قاچاق مواد مخدر به‌ویژه در ناحیه مثلث طلایی به‌دلیل حاکمیت نسبی دولت مرکزی و احیای مجدد طالبان،	- رفع خلأهای قانونی نظام جامع مبارزه با مواد مخدر، - تقویت رایزنی کمیته‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی با دو کشور افغانستان و پاکستان با هدف هم‌افزایی ظرفیت‌ها و دستیابی به زیرساخت‌های تقنینی مشترک،
- ناامن‌سازی محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، - افزایش تهدیدهای مرزی و هزینه‌افزایی روند انسداد، نظارت و کنترل مرزهای کشور، - بهره‌گیری امنیتی - اطلاعاتی از اتباع بیگانه با رویکرد ناامن‌سازی سرحدات، - ایجاد و دامن زدن به اختلاف‌های مرزی میان	- توسعه نامتوازن زیرساخت‌های امنیت مرزی با حجم تهدیدها؛ ● ناپایداری امنیتی - سیاسی در برخی کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان و پاکستان و احتمال تسری آن به استان‌های مرزی براساس قانون مجاورت، ● قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در مجاورت سرزمینی مثلث طلایی مواد مخدر	- تدوین طرح جامع امنیت استان‌های مرزی در قالب دفاع موزاییکی یا شطرنجی، - تقویت اشراف اطلاعاتی در استان‌های مرزی، - حمایت‌های تقنینی - نظارتی از توسعه کاربست فناوری‌های نوین در ساختار امنیت مرزی، - تهیه نقشه ریسک گروه‌های تروریستی در محیط پیرامونی

جدول ۱ چالش‌ها و بایسته‌های انتظامی ناجا در ساختار حقوق امنیت ملی افق ایران

۱۴۰۴

شاخص‌ها	موانع و کاستی‌های تقنینی - عملیاتی توسعه انتظامی مطلوب	بایسته‌های راهبردی مهندسی امنیتی - انتظامی ایران ۱۴۰۴
جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسایه، - تمرکز بر کاهش علقه‌های ملی- فرهنگی مرزنشینان جمهوری اسلامی ایران،	و حمایت خزننده ناتو از گسترش تولید مواد مخدر در افغانستان، ● حمایت‌های خزننده آمریکا و ناتو از برخی سازمان‌های تروریستی وابسته به وهابیون و احتمال شکل‌گیری برخی ناامنی‌های فرقه‌ای در استان‌های مرزی شرق کشور، ● افزایش برخی تحرکات ایدئالی ازسوی سازمان‌های تروریستی جدایی طلب مانند پژاک و جندالشيطان،	جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر ثبات امنیت استان‌های مرزی، - رفع خلأهای تقنینی، نظارتی و اجرایی شکل‌گیری فرماندهی مرزبانی در ساختار انتظامی کشور، - رفع کاستی‌ها در سه سطح فرماندهی (ارتباطات، کنترل و اطلاعات)، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و بازنگری در مدیریت منابع انسانی یگان‌های مرزبانی،
- نقش برجسته رسانه‌ها در اقناع‌سازی و کاهش هزینه‌های انتظام‌بخشی کشور، - برجسته شدن اهمیت مشارکت مردمی در روند توسعه انتظامی مطلوب، - شائبه‌سازی مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حمایت ساختارهای انتظامی از جریان سیاسی خاص به‌ویژه با نزدیک شدن به زمان رقابت‌های انتخاباتی با هدف بی‌اعتمادی بخشی از جامعه به پلیس کشور،	- عدم بهره‌گیری بهینه پلیس کشور از ظرفیت‌های دیپلماسی عمومی،	- تقویت نگاه کلان و راهبردی نسبت به میزان کارآمدی و اثربخشی مرکز نظارت همگانی ناجا، - ایجاد پلی مناسب برای انتقال صحیح دیدگاه جامعه نسبت به عملکرد ناجا، - آگاه‌سازی نمایندگان مجلس با مشکلات راهبردی ناجا از طریق توزیع بروشور یا لوح‌فشرده، - به‌کارگیری افراد آشنا با ساختار مجلس شورای اسلامی در معاونت پارلمانی ناجا با رویکرد تقویت حلقه‌های ارتباط پلیس کشور و کمیسیون‌های تخصصی مجلس،

منابع و مآخذ

- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۶). «نظارت همگانی و مبانی دینی و حقوقی آن»، مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران، بازرسی کل ناجا، مرکز نظارت همگانی.
- اکبری، امین (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت؛ بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم اجتماعی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). مدیریت بحران، نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.
- ترابی، عباس (۱۳۸۰). بررسی شیوه‌های نظارت مردمی بر عملکرد کارکنان ناجا از دیدگاه کارشناسان ناجا، تهران، دانشکده ستاد و فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- رادان، احمدرضا (۱۳۸۶). «کارکرد نظارت همگانی در اثربخشی طرح ارتقای امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات دومین همایش علمی تخصصی ناجا و نظارت همگانی، تهران، بازرسی کل ناجا، مرکز نظارت همگانی.
- زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۰). تحلیلی بر کارکرد امنیتی مرز شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- _____ (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم انتظامی.
- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز (۱۹۹۲). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه دهقان، ۱۳۸۱، تهران، دانشگاه تهران.
- صادق‌پور، ابوالفضل (۱۳۷۸). نظارت یا کنترل کردن، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، چاپ اول.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰). نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- کریمی‌پور، یدا... (۱۳۸۱). ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید، تهران، تربیت معلم.
- کشکولی، کریم (۱۳۷۸). «گرایش به خشونت در بلوچستان»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان.
- موسی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۸۷). «درآمدی نظری بر مدیریت بحران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دوم، پاییز و زمستان.

Ashbourn, Julian (2009). *Practical Biometrics from Aspiration to Implementation*, Springer Professional Computing Publications.

James Richard & Burl E. Gilliland (2007). *Crisis Intervention Strategies*, Wadsworth

Publishing, Fourth Edition.

Milstein, Sarah (2009). *The Twitter Book*, Oreilly Publications.

Quarantiello, Laura E. (2009). *How to Protect Yourself from Computer Criminals*, Limelight Books, A Division of Tiare Publications.

Sofaer, Abraham D. (1999). *Transnational Dimension of Cyber Crime and Terrorism*", Hoover Institute Press.

Stacy, R. (1993). *Managing Chaos*, London, Kogan Publication.

بخش دوم

الزامات ساختاری و سازمانی

کاربرد مدیریت استراتژیک در نیروی انتظامی با رویکرد تأمین رضایت عمومی در چشم‌انداز ۱۴۰۴

دکتر لطفاله فروزنده*

مقدمه

جامعه ایرانی براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جامعه‌ای توسعه‌یافته متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی برخوردار از سلامت، رفاه امنیت قضایی، تأمین اجتماعی و فرصت‌های برابر است. همان‌طور که در این سند روشن است نیروی انتظامی با ایجاد محیط اجتماعی امن و بالنده احساس امنیت را فراهم می‌کند که در سرمایه اجتماعی کشور نقش تعیین‌کننده دارد.

سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از نگرش‌ها، هنجارها، مؤلفه‌ها و مفاهیمی است که با ایجاد روابط مؤثر و همکاری آگاهانه بین جوامع می‌تواند در راستای رسیدن به اهداف جمعی و معین، کارایی و زندگی اجتماعی مطلوب‌تر در یک جامعه حرکت کند. هرچقدر افراد جامعه احساس امنیت کنند، اعتماد متقابل بین آنها بیشتر شود و در یک محیط اجتماعی امن دارای احساس شراکت شوند، سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد شد.

براساس مطالعات انجام شده، مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی عبارت است از: روابط مؤثر چندجانبه، خودآگاهی، مشارکت، هماهنگی در الزامات مسئولیت‌های اجتماعی،

* قائم‌مقام مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور؛

E-mail: l.forozandeh@gmail.com

تفاهم با مخاطبان، اطلاع‌یابی و اطلاع‌رسانی، عمل به اصول اخلاقی و جلب رضایت مردم. تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی در قالب آموزش‌های عمومی، تأمین امنیت اجتماعی، حضور داوطلبانه مردم در اجرای قانون و نظم امکان‌پذیر است. نیروی انتظامی به‌عنوان یک نهاد انتظامی نقش مهمی در افزایش سرمایه اجتماعی برعهده دارد، در ماده (۳) قانون نیروی انتظامی آمده است: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون است». همچنین در بند «۱» ماده (۳)، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی را از وظایف نیروی انتظامی ذکر کرده است.

ایجاد نظم و امنیت را می‌توان از میزان رضایت مردم از کارکرد نیروی انتظامی ارزیابی کرد. هرچه احساس امنیت مردم و سرمایه اجتماعی بیشتر باشد عملکرد نیروی انتظامی مطلوب‌تر است. اما سؤال اصلی این است که برای تحقق اهداف نیروی انتظامی و ایفای نقش مؤثر در تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ به چه الزاماتی باید توجه کرد. بی‌تردید یکی از الزامات مهم، باور و اعتقاد مدیران ارشد و داشتن برنامه استراتژیک برای رسیدن به این هدف است، تدوین مدل مناسب مدیریت استراتژیک در نیروی انتظامی نقش مهمی را در تحقق این اهداف ایفا می‌کند. به همین دلیل در این مقاله رویکرد مدیریت استراتژیک در ارائه خدمات نیروی انتظامی مورد توجه قرار گرفته است. ابتدا سعی شده جایگاه شهروندان و حقوق مردم در نظام جمهوری اسلامی بیان شود، سپس مدل‌های مدیریت استراتژیک در ادبیات مدیریت مرور شده و براساس مدل‌های رایج و شرایط کشور مدل مناسبی برای افزایش رضایت مردم ارائه شده است.

۱ مروری بر ادبیات موضوع

میلوارد و همکارانش معتقدند که با توجه به شرایط عصر حاضر، نقش دولت‌ها به‌عنوان بازیگران مهم در شبکه‌های مورد اطمینان خدمت‌رسانی به مردم تغییر یافته است و این یعنی تنها یک دستگاه مسئول نیست و دستگاه‌های متعددی در این امر دارای مسئولیت مشترک هستند با افزایش ابهام در قلمرو قانونی دستگاه‌ها، نیاز به تفکر، اقدام و یادگیری

استراتژیک بیش از گذشته افزایش یافته است (Dess and et. al., 2005: 14). فرایند مدیریت استراتژیک یک روش نظاممند برای مدیریت تغییر و خلق بهترین آینده ممکن در قلمرو جدید است. این یک فرایند خلاق برای شناسایی و اجرای برنامه‌هایی است که روی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و محدودیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند. این فرایند بر تخصیص منابع کمیاب به موارد و مسائل اساسی تمرکز دارد و یافتن منابع جایگزین را تشویق می‌کند. مدیریت استراتژیک ابزاری برای تحقق این مهم عاقلانه و تحلیل‌گرانه و ترویج موفقیت‌آمیز اجرا و پاسخ‌گویی است. به‌طور خلاصه مدیریت استراتژیک نوعی ابتکار و تعهد است (ایچی اومی، ۱۳۷۱: ۱۲).

همچنین این فرایند می‌تواند به جامعه تصویری شفاف از هویت منحصربه‌فرد ارائه دهد و نظرها را به برخی جنبه‌های این هویت که قبلاً توجه نشده یا کمتر توجه شده جلب کند. در استقرار فرایند مدیریت استراتژیک دارا بودن تفکر استراتژیک در بین مدیران ارشد، مدیران میانی و کارشناسان ارشد الزامی است. آلیسون و کایه سه ارزش را در تکمیل برنامه‌ریزی استراتژیک برمی‌شمارند:

۱. شانس موفقیت با داشتن برنامه استراتژیک بیشتر می‌شود و مدیران هدفمندتر برنامه‌ها را اجرا می‌کنند.

۲. شانس موفقیت با ایجاد بینش مشترک بین کارکنان و اعضای ذی‌نفع بیشتر می‌شود.

۳. برنامه‌ریزی استراتژیک بهترین راه برای توسعه و ایجاد تعهد برای بینش مشترک است. درگیر کردن ذی‌نفعان در بلندمدت برای تدوین و اجرای برنامه استراتژیک موجب می‌شود بیشتر سازمان‌ها به پتانسیل واقعی‌شان دستیابند.

بنابراین اهمیت مدیریت استراتژیک در بخش عمومی در این است که این فرایند به‌طور عاقلانه، سازمان‌یافته، فراگیر و مؤثر به تغییرات پاسخ می‌دهد و کمک می‌کند تا مسائل با اولویت شفاف‌سازی شده و با تمرکز منابع کمیاب و فعال کردن دستگاه‌های ذی‌نفع در امر مدیریت بخش عمومی به هم‌افزایی دست یابد. از این‌رو ضروری است در این بخش اقدامات زیر انجام پذیرد (داوری، ۱۳۸۰: ۲۸):

۱. سازمان‌دهی شرکت‌کنندگان و ذی‌نفعان،

۲. خلق ایده‌ها برای اقدامات استراتژیک،

۳. ساخت اتحاد پیروزمند،

۴. اجرای استراتژی‌ها،

۵. خلق تصمیمات و اقدامات بنیادی که شکل‌دهنده و راهنمای علت وجودی بوده

و دلیل انجام اقدامات را بیان می‌کند،

۶. انجام رسالت بنیادی و انجام وظایف منطبق بر الزامات قانونی.

نتیجه این اقدامات خلق ارزش برای عموم مردم است، که این نتیجه هسته مرکزی

بینش و استراتژی واقعی را تعریف می‌کند و تمام استراتژی‌های موفق براساس خلق ارزش

شکل می‌گیرند. در این بینش چیزی مهم است که برای عموم مردم ارزش ایجاد می‌کند.

۲ شهروندمحوری

در گذشته مدیریت دولتی توجه اصلی خود را به رخدادهای درون بوروکراسی معطوف می‌کرد و عمدتاً مشکلات درونی بوروکراسی را مسئله اصلی می‌پنداشت و تلاش سازمان‌های دولتی در جهت تحولات و اصلاحات تشکیلاتی و رفتاری بود. در آینده مدیریت دولتی باید کانون توجه خود را متوجه بیرون بوروکراسی دولتی کند و مسائل شهروندان و شهروندی را دغدغه ذهنی و عملی خود بداند. سیاست شهروندان اولویت اول در تمامی امورند^۱، سیاست رایج کشورهایی شده که نگاه خود را از درون بوروکراسی دولتی برگرفته و به بیرون پرداخته‌اند (Denhardt, 1995: 35). این سیاست موجب شده تا مشارکتی سازنده و مبتنی بر اعتماد میان دولت و شهروندان به‌وجود آید و شهروندان نسبت به مسائل محیطی و سایر شهروندان احساس مسئولیت کنند و همین‌طور دولتمردان و کارگزاران بوروکراسی این الزام را درک کنند که باید به انتظارات و خواسته‌های شهروندان گوش فرا داده و ارضای نیازها و انتظارات شهروندان را اولویت نخست فعالیت‌ها و اقدامات خود قرار دهند. این حرکت آغاز دیدگاه شهروندمحوری در نظام مدیریت دولتی است، که براساس آن مشتری به خواسته‌ها و نیازهای محدود خود مشغول بوده و به دنبال ارضای آنها به بهترین نحو است، درست همانند مشتری در بخش خصوصی، درحالی‌که شهروند به مصلحت عامه می‌اندیشد و خواسته‌های خود را در کنار خواسته‌های سایر شهروندان می‌بیند و برآورده شدن نیازهای خود را به همراه

1. Citizens First

نیازهای دیگر افراد جامعه مدنظر دارد. ازسوی دیگر مدیران دولتی نیز درمی یابند که چگونه باید نسبت به نظریات و مطالبات آنان حساس و پاسخ گو باشند (برایسون، ۱۳۸۱: ۲۹۶).

در بخش دولتی همه شهروندان باید مشتری محسوب شوند اگرچه همگی خریدار و خواهان خدمت خاصی از دولت نیستند. باید هم اعضای جامعه خود را در مقابل سازمان های بخش عمومی در جامعه شهروندی احساس کنند و هم کارگزاران دولتی به آنان در نقش شهروندان نگاه کنند. این طرز تلقی سبب خواهد شد تا هم شهروندان احساس مسئولیت کرده و خود را در سرنوشت جامعه سهیم بدانند و هم مدیران دولتی خود را در مقابل نیازها و انتظارات آنان مسئول احساس کنند. علت اینکه گروه زیادی از اعضای جامعه به سازمان های دولتی بی اعتمادند تنها به دلیل ناکارآمدی و پایین بودن بهره وری آن سازمان ها نیست، بلکه بی اعتمادی شهروندان ناشی از این احساس است که سازمان های دولتی به نیازها و خواسته های آنان حساس و پاسخ گو نیستند و در زمینه هایی چون انتظارات و ارزش های احتمالی پایبندی چندانی از خود نشان نمی دهند. برای کسب اعتماد باید سازمان ها به انتظارات شهروندان پاسخ گو و حساس شوند و آنان را نه تنها مشتری بلکه شهروند در نظر بگیرند. شهروندان صاحبان سازمان های دولتی اند و این مسئله مهمی است که باید ملکه ذهن مدیران دولتی شود.

دنهارت معتقد است روندهای مختلفی مدیریت دولتی را تحت تأثیر قرار داده که بر روابط بین مدیران دولتی و شهروندان تأثیر گذاشته است و این امر نیازمند مهارت ها و توانایی های جدیدی در مدیریت دولتی است (دیوید، ۱۳۸۲: ۲۶۰):

۱. دانش و نوآوری های تکنولوژی جدید درخصوص دانش و اطلاعات؛
 ۲. تغییر الگوی نهادی سازمان در نتیجه ورود اقتصاد فراصنعتی و مبتنی بر دانش؛
 ۳. روند فزاینده یکپارچه سازی و جهانی شدن و تغییر مسئولیت های دولت؛
 ۴. تغییرات روند جمعیت شناختی و فرهنگ اجتماعی در نتیجه ورود تکنولوژی های جدید؛
 ۵. کاهش اعتماد عمومی به ساختارهای سنتی دولت؛
 ۶. اولویت قرار دادن شهروندان.
- به اعتقاد دنهارت پنج اقدام می تواند مدیر دولتی را در چالش های فوق الذکر یاری دهد:
۱. بسط دموکراسی از طریق جلب مشارکت عمومی؛

۲. شناسایی نقش‌های جدید مدیران بخش عمومی؛
 ۳. رهبری و ساختار جدید سازمانی؛
 ۴. تلفیق تئوری و عملی مدیریت و آموزش مدیران بخش عمومی؛
 ۵. توجه خاص به نقش مدیران بخش عمومی به‌عنوان خدمتگزاران شهروندان.
- سازمان‌های بخش عمومی باید در مقابل تغییرات سریع و عدم قطعیت زیاد محیطی، پاسخ چهارگانه‌ای به این محیط بدهند (سنگر، ۱۳۸۴: ۱۶۵):
- بیش‌ازپیش باید به‌صورت استراتژیک تفکر، اقدام و یادگیری کنند.
 - بصیرت و بینش خود را به‌صورت استراتژی‌های اثربخشی درآورده تا با شرایط متغیر محیطی منطبق باشد.
 - اصول و عقاید لازم را باید توسعه دهند تا زمینه‌ای برای مشروعیت‌بخشی و اجرای استراتژی فراهم شود.
- نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردم‌سالار دینی بوده که مردم نقش اساسی و تعیین‌کننده در استقرار ارکان نظام از طریق انتخابات مستقیم و غیرمستقیم دارند، هدف نظام جمهوری اسلامی رشد دادن انسان در حرکت به‌سوی نظام الهی است (والی‌الله‌المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماعی در روند اداره و تحول جامعه نمی‌تواند محقق شود.
- در اصل سوم قانون اساسی دولت موظف است محیط مساعدی را برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان، تقوی و مبارزه با تمام مظاهر فساد و تباهی فراهم آورد. همچنین بشر مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش را فراهم کند.
- در بند «د - ۴۴» سیاست‌های برنامه پنجم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری آمده است: تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی. در این بند همچنین بر ارتقای امنیت اجتماعی تأکید شده است. با این اوصاف توجه به رضایت مردم و حقوق شهروندی جزء ارکان و پیکره نظام جمهوری اسلامی بوده و فلسفه وجودی همه نهادها خدمت بی‌منت به مردم است.

۳ مدیریت استراتژیک در مؤسسات دولتی و غیرانتفاعی

مهم‌ترین وجه اختلاف مدیریت استراتژیک سازمان‌های بخش عمومی با بخش خصوصی تأثیر ملاحظات سیاسی و عوامل سیاسی در توسعه برنامه‌های استراتژیک است. سازمان‌های بخش عمومی به‌وسیله ملاحظات سیاسی تحت تأثیر قرار گرفته و اغلب محدود می‌شوند. سازمان‌های بخش عمومی باید در برابر تصمیماتی که می‌گیرند پاسخ‌گو باشند و این پاسخ‌گویی به سایر نهادهای نظارتی و یا به‌صورت کلی به‌خود مردم است. سازمان‌های بخش عمومی به‌شدت رسمی و بوروکراتیک‌اند و به تغییر سریعاً پاسخ نمی‌دهند. لازم است در مفاهیم ارائه شده متغیرهای دیگری را نیز وارد کنیم تا بتوانیم الگوی نوین مدیریت استراتژیک را در بخش عمومی به‌کار ببریم. به‌کارگیری استراتژی‌های نوآورانه مانند استراتژی دولت الکترونیک، شهرداری الکترونیک، شهر الکترونیک علاوه‌بر کسب رضایت ذی‌نفعان مدیریت شهری، موجب ایجاد ارزش‌هایی برای جامعه شده و همچنین موجب افزایش پاسخ‌گویی و شفافیت عملکرد می‌شود، به‌عبارت بهتر آیا عناصر رقابتی عصر حاضر یعنی همان قیمت، کیفیت، خدمات و سرعت را می‌توان عیناً در بخش عمومی به‌کار گرفت؟ و از طریق این چهار عنصر برای جامعه ایجاد ارزش کرد؟

ارج نهادن به منافع عامه و توجه به هنجارها و خواسته‌های اجتماعی از زمره مسائلی است که مدیران در کنار اهداف سازمان باید به آن بهای فراوانی دهند و لازم است اهداف سازمان در کنار منافع عامه و سیاست‌های کلی جامعه ارزیابی و ارزش‌گذاری شود. مدیر سازمان بخش عمومی باید خط‌مشی‌های خارج از سازمان و آثار و پیامدهای آن بر اهداف درونی سازمان را بشناسد و همچنین باید ارتباط بین عوامل برون‌سازمانی و سازمان خود را دریابد و آثار عوامل مذکور را در فعالیت‌ها و مأموریت سازمان به‌درستی ارزیابی کند (Burker, 2005: 156). مؤسسات انتفاعی با استفاده از مدیریت استراتژیک از طریق منطبق ساختن خود با تحولات محیطی به دنبال سود هستند تا از این طریق به رشد دست یابند. حال این رویکرد در مؤسسات و بنگاه‌های دولتی و سازمان‌های غیرانتفاعی چگونه است؟ اگرچه ممکن است این مؤسسات نیز به دنبال سود باشند تا بتوانند دامنه خدمت‌رسانی خود را افزایش و از طریق اندوخته سود طرح‌های توسعه‌ای خود را دنبال کنند ولی آیا هدف نهایی این‌گونه سازمان‌ها کسب

رضایت سهام‌داران از طریق افزایش سود است؟ پاسخ این است که هدف نهایی سازمان‌های بخش عمومی سود نیست، بلکه سود معلول عامل فراتری بوده و آن ایجاد ارزش برای عموم است و برایشون بر این نکته تأکید فراوان دارد.

هرچند در مرور ادبیات مربوط به مفاهیم نوین مدیریت استراتژیک در مؤسسات انتفاعی و بازرگانی همواره بر این نکته تأکید شده که رشد مؤسسه در گرو درک شرایط حاکم (پارادایم) و قواعد بازی است تا در فضای ایجاد شده به دنبال کسب رضایت مشتری، رشد و سودآوری مؤسسه نیز تضمین شود و همواره باید به دنبال پیشتازی در بازار بود و با نوآوری و خلاقیت، قواعد کهنه گذشته را درهم شکست و قواعد نو را جایگزین کرد، اما شاید به نظر برسد این مفاهیم در مدیریت استراتژیک در بخش عمومی چندان کاربرد نداشته باشد و همان‌طور که برایشون می‌گوید باید به دنبال فرصت‌ها، چالش‌ها، نقاط قوت و ضعف بود، اما به نظر می‌رسد این حرف درست نباشد و می‌توان از مفاهیم نوین ارائه شده در بخش بازرگانی و مؤسسات انتفاعی در مؤسسات بخش عمومی و غیرانتفاعی بهره‌برداری کرد (کاپلان، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

مدیران راهبردی در بخش عمومی باید در استفاده از رویکردهای بخش خصوصی که دارای اهداف روشن، مقاصد سوددهی و اقتصادی، اختیار نامحدود برای اقدامات، مسئولیت محدود و نظارت از طریق بازار و نتایج مالی است با احتیاط عمل کنند، حال آنکه در سازمان‌های بخش عمومی بسیاری مفروضات فاقد اعتبارند (برایشون، ۱۳۸۱: ۲-۱).

۴ مدل‌های مدیریت استراتژیک در بخش عمومی

مدل آلسن و ادی^۱ (علی احمدی، فتح‌ا... و تاج‌الدین، ۱۳۸۲: ۱۹) فرایند مدیریت استراتژیک در بخش عمومی را چنین بیان می‌کنند:

۱. بیان مأموریت کلی و اهداف،
۲. بررسی یا تجزیه و تحلیل محیطی،
۳. ممیزی وضع داخلی و منابع،
۴. تدوین، ارزیابی و گزینش راهبردها،
۵. اجرا و کنترل طرح راهبرد.

۴-۱ مدل هیوز

هیوز مراحل اصلی مدیریت استراتژیک در بخش خصوصی را چنین بیان می‌کند:

۱. تجزیه و تحلیل موقعیت، اعم از داخلی و خارجی،

۲. تشخیص یا شناسایی موضوعات کلیدی پیش روی سازمان،

۳. تعیین یا بیان مأموریت اصلی سازمان،

۴. بیان اهداف اصلی سازمان،

۵. خلق یک بینش (چشم‌انداز) مبنی بر نشان دادن تصویر واقعیت،

۶. تدوین یک استراتژی به منظور دستیابی به بینش و اهداف،

۷. تهیه یک جدول زمانی برای اجرای استراتژی،

۸. اندازه‌گیری و ارزیابی نتایج (هیوز، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

۴-۲ مدل نات و بک آف

نات و بک آف مدل نکته‌ای را برای تدوین استراتژی بخش عمومی معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. توصیف و ترسیم زمینه تاریخی سازمان بر حسب روندهای محیطی،

۲. ارزیابی موقعیت و شرایط بر حسب نقاط قوت و ضعف داخلی،

۳. طراحی راهکارهای راهبردی برای مدیریت مسائل براساس اولویت‌ها،

۴. ارزیابی راهکارهای راهبردی،

۵. اجرای راهبردهای بالولایت همراه با بسیج منابع و مدیریت صاحبان منابع

(کاپلان، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

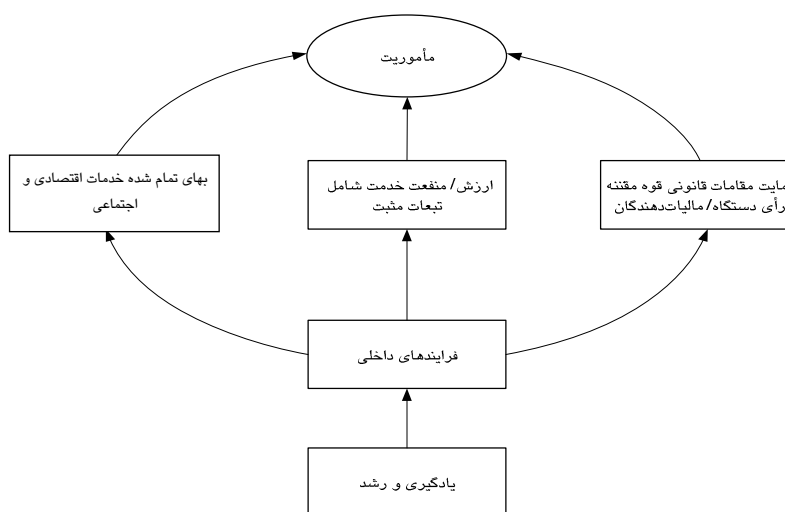
۴-۳ مدل مدیریت دولتی نوین

در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مدیریت دولتی با مفاهیم جدیدی مانند: مدیریت بنگاه‌های دولت کارآفرین، سازمان یادگیرنده و یادگیری سازمانی و سازمان‌های رسالت‌مدار مواجه شد و نگاه استراتژیک به عنوان راهکار ارائه گردید. بر همین اساس هیوز مدل مدیریت دولتی عمومی مبتنی بر مؤلفه اصلی مدیریت دولتی نوین را بیان کرد:

۱. راهبرد - اهداف کلی و اهداف عینی و طرح‌های عملیاتی/ کنشی؛
۲. پاسخ‌گویی از طریق تمرکززدایی، کنترل‌های محلی؛
۳. مشارکت عموم مردم از طریق تشکیل شوراهای و کمیته‌ها؛
۴. عدالت اجتماعی از طریق نظام‌های توزیع محلی، دسترسی به ساختار قدرت؛
۵. انتخاب شهروندی از طریق ایجاد فضای رقابتی.

۴-۴ مدل نورتون و کاپلان

نورتون و کاپلان به‌منظور ایجاد تفکر استراتژیک در سازمان و امکان ارزیابی اجرای استراتژی در سازمان‌ها با کمک مدل B.S.C^۱ (کارت ارزیابی متوازن) مدل ارزش‌های عمومی را برای این هدف در بخش عمومی و با توجه به منظر مالی - مشتری، فرایندها و رشد و یادگیری تدوین و ارائه کردند (Barker, 2005: 22).



Source: Hon A. Pearce and Richard B. Jr Robinson (2005), *Strategic Management-Formulation, Implementation and Control*, McGraw-hill-Irwin, 9th edition.

شکل ۱ مدل ارزش‌های عمومی از دیدگاه نورتون و کاپلان

بهای تمام شده اجرای مأموریت که به ایجاد ارزش عمومی منجر می‌شود در بخش عمومی موضوعیت دارد. بهای تمام شده مورد ارزیابی می‌بایست هم شامل هزینه‌های دستگاه و هم دربرگیرنده بهای تمام شده اجتماعی باشد که این دستگاه از طریق عملیات خود بر شهروندان یا سایر سازمان‌ها تحمیل می‌کند.

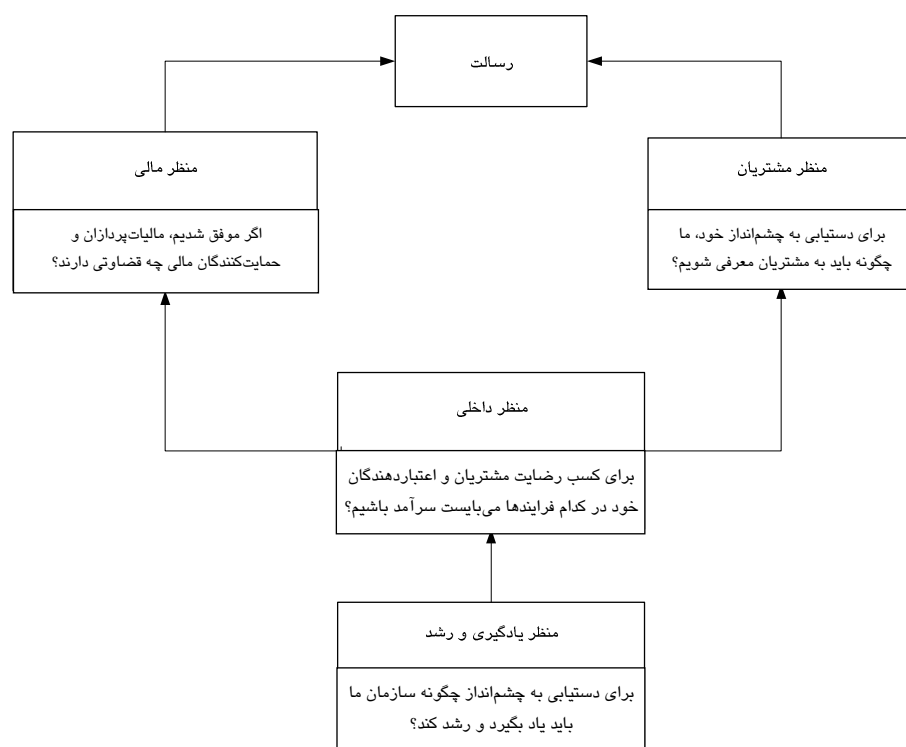
ارزش ایجاد شده تعیین‌کننده منافعی است که دستگاه‌های بخش عمومی و دولتی برای شهروندان به وجود آورده و زمینه رضایت آنها را فراهم کرده است.

حمایت مالی دولت و قوه مقننه تأمین‌کننده مالی دستگاه دولتی است و می‌توان آن را با استفاده از کارت ارزیابی متوازن سنجه‌ها همچون درصد دانشجوی باسواد و ماهر، کاهش آلودگی‌ها، بهبود نرخ مرگ‌ومیر، کاهش نرخ جرائم، احساس آرامش و رضایت سنجید و ارزیابی کرد. دستگاه بخش عمومی برای تحقق سه هدف بهای تمام شده، ارزش ایجاد شده و تأمین منابع مالی باید فرایندهای سازمانی و یادگیری را در رشد کارکنان سامان‌دهی کند.

۵-۴ مدل کلی

کلی معتقد است تئوری مدیریت استراتژیک در سازمان‌های انتفاعی به‌منظور برآورده کردن سازمان‌های عمومی و غیرانتفاعی ناکافی بوده و مدیریت استراتژیک سازمان‌های دولتی و عمومی متفاوت از سازمان‌های انتفاعی است. چرا که سازمان‌های عمومی نمی‌توانند در مسئولیت‌های فرد تنوع ایجاد کنند. ذی‌نفعان این‌گونه سازمان‌ها بسیار متنوع‌اند و همچنین مدیران سازمان‌های دولتی همانند ماهی در تنگ هستند، از این‌رو لازم است محیط سیاسی را در فرایند مدیریت استراتژیک وارد کرد و از آن تحت عنوان برنامه‌ریزی نام برد که ضرورت دارد طی آن پشتیبانی لازم از سوی ذی‌نفعان متعدد به‌دست آید و از آن به‌عنوان یک ورودی استفاده شود (Rigsby and Greco, 2003: 105). از دیدگاه استراتژیک، سازمان‌های دولتی از استقلال و آزادی عمل کمتری برخوردارند و شرکت‌های عمومی نمی‌توانند بر تنوع فعالیت‌های خود بیافزایند و به فعالیت‌های غیرمرتبط بپردازند. دستگاه‌های بخش عمومی باید به آینده به چشم فرصت نگاه کنند و برای سازمان خویش یک دید استراتژیک، وسیع و بلندمدت نسبت به آینده داشته باشند. وی معتقد است برای برنامه‌ریزی استراتژیک در بخش دولتی باید به نکات زیر توجه کرد (اسنوف، ۱۳۸۱: ۲۱۰):

۱. نخست باید تأکید شود برنامه‌ریزی استراتژیک تنها زمانی ارزشمند است که به تصمیم‌گیرندگان کلیدی کمک کند تا به شکل استراتژیک، تفکر، اقدام و یادگیری کنند. برنامه‌ریزی استراتژیک به‌خودی‌خود هدف نیست، بلکه صرفاً مجموعه‌ای از مفاهیم برای یاری دادن به رهبران در اتخاذ تصمیم‌های مهم و دست زدن به اقدام‌های مهم است.
۲. کلید موفقیت در سازمان‌های بخش عمومی جلب رضایت ذی‌نفعان است، بنابراین تجزیه‌وتحلیل کامل ذی‌نفعان، معیارهای آنان برای قضاوت در مورد عملکرد سازمان، سنجش عملکرد سازمان براساس معیارهای مزبور، نحوه تأثیر ذی‌نفعان بر سازمان اهمیت وافری دارد.
۳. پس از تکمیل این تجزیه‌وتحلیل با پاسخ دادن به ۶ پرسش (چه کاری؟ چگونه؟ با چه روشی؟ با چه منبعی؟ در چه زمانی؟ با چه ارزش‌هایی؟ می‌توان به تدوین رسالت پرداخت.



شکل ۲ مدل ارزش‌های عمومی

۴-۶ مدل برایشون

برایسون معتقد است نکته کلیدی تفکر، اقدام و یادگیری استراتژیک است نه برنامه‌ریزی استراتژیک. برایسون برنامه‌ریزی استراتژیک را تلاش منظم برای ایجاد تصمیمات و اقدامات اساسی به‌منظور راهنمایی و شکل‌دهی سازمان چه هست؟ و چه می‌کند؟ و چه انجام می‌دهد، می‌داند. برایسون مدلی را تحت عنوان ABC برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه می‌کند و معتقد است هدف نهایی برنامه‌ریزی استراتژیک ایجاد ارزش عمومی است. خلق ارزش عمومی به معنی ایجاد سیاست‌ها، طرح‌ها، پروژه‌ها، خدمات، زیرساخت‌ها (فیزیکی، تکنولوژیکی، اجتماعی و ...) است که باعث پیشرفت منافع عمومی و تولید کالای عمومی با قیمت مناسب می‌شود. این مدل بیانگر این است که سازمان چگونه می‌تواند از آنجایی که هست به آنجایی که می‌خواهد برود (Dess and et. al., 2005: 72). برایسون رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک خود را به نام چرخه تغییر استراتژی بیان و اظهار می‌کند که این چرخه فرایند مدیریت استراتژیک بوده و هدف کلی مدیریت استراتژیک توسعه تعهد مستمر به مأموریت و چشم‌انداز سازمان، تغذیه فرهنگ سازمانی، حفظ تمرکز روشن بر روی برنامه‌های استراتژیک سازمان از طریق فرایند تصمیم‌گیری و فعالیت است (Dess and et. al., 2005: 110). برایسون این چرخه را در ده مرحله به‌شرح زیر بیان می‌دارد:

۱. شروع و تفاهم بر روی فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک،
 ۲. شناسایی الزامات سازمانی،
 ۳. توضیح چشم‌انداز و مأموریت سازمان،
 ۴. ارزیابی محیط داخلی و خارجی برای شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها،
 ۵. شناسایی مسائل استراتژیکی که سازمان با آنها روبه‌رو است،
 ۶. تدوین استراتژی برای مدیریت مسائل،
 ۷. بازنگری و مشروعیت‌بخشی استراتژی‌ها یا برنامه استراتژیک،
 ۸. تدوین چشم‌انداز اثربخشی سازمانی،
 ۹. توسعه فرایند اجرایی اثربخش،
 ۱۰. ارزیابی مجدد استراتژی‌ها و فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک.
- این مدل باعث بهبود تفکر، اقدام و یادگیری استراتژیک و همچنین موجب درگیر

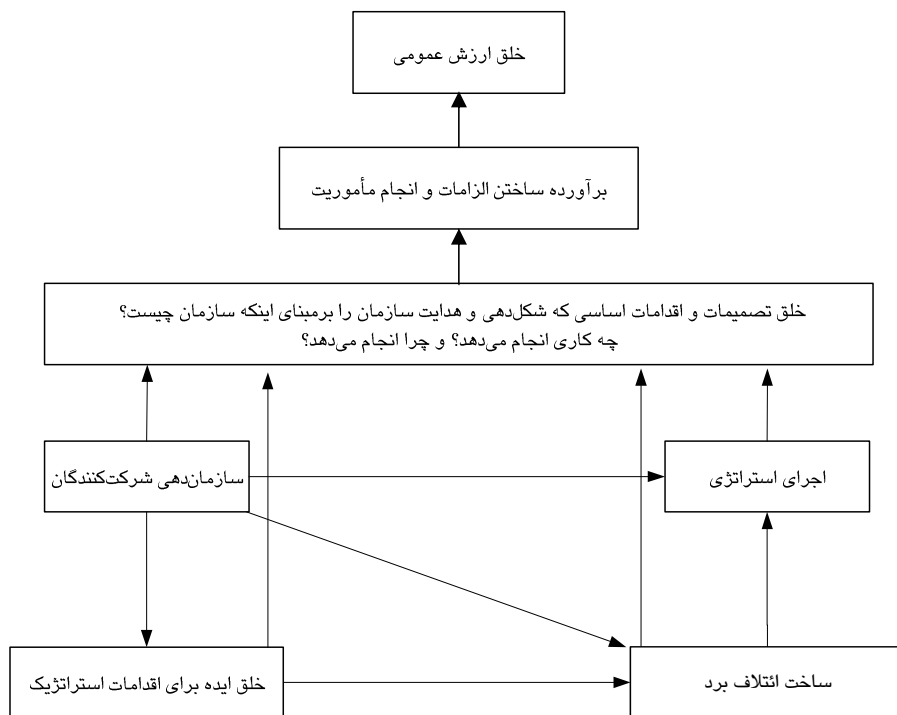
شدن بازیگران اصلی می‌شود و ارتباط عاقلانه برای اجرا و تدوین استراتژی، از نظر تکنیکی عملی و از نظر سیاسی هوشمندانه فراهم می‌کند.

برایسون پس از مطالعات فراوانی در خصوص مدیریت استراتژیک در بخش عمومی معتقد است برنامه‌ریزی استراتژیک در دستگاه‌های دولتی دربرگیرنده هوش سیاسی، عقلانیت و تصمیم‌گیری است و با بیان مدل برنامه‌ریزی عقلایی و مدل تصمیم‌گیری سیاسی عنوان می‌دارد که مدل برنامه‌ریزی عقلانی یک رویکرد استقرایی بوده که در آن تصمیم‌گیری از اهداف شروع و سپس سیاست‌ها، برنامه‌ها و در نهایت اقدامات برای دستیابی به اهداف استنباط می‌شود. این مدل در مواقعی کاربرد دارد که یک اجماع کلی روی اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌ها وجود دارد یا قدرتی است که همه را وادار به پذیرش آن می‌کند. و عکس آن، مدل تصمیم‌گیری سیاسی است که رویکردی قیاسی دارد (Rigsby and Greco, 2003: 105).

این مدل با مسائلی شروع می‌شود که غالباً همراه با تعارض است. همان‌گونه که تلاش می‌شود تا این تعارضات کاهش یابد و چگونگی حرکت بیان می‌شود، سیاست‌ها و برنامه‌ها به صورت خودجوش برای حل مسئله مطرح می‌شود و از نظر سیاسی نیز اینها قابل قبول اند چرا که گروه‌های شرکت‌کننده یا تأثیر گرفته آنها را مطرح می‌کنند. در طول زمان سیاست‌های کلی بیشتری شکل گرفته و توسعه می‌یابد. اگرچه این اجماع واقعی نیست، ولی درواقع سطح قابل قبولی از توافق بین ذی‌نفعان را ارائه می‌کند. برنامه‌ریزی استراتژیک نیز بر پایه مدل تصمیم‌گیری سیاسی شکل می‌گیرد و اگر به خوبی انجام شود، به صورت واقعی تصمیمات سیاسی و همچنین برنامه‌ها، سیاست‌ها را بهبود بخشیده و یادگیری برای انجام بهتر کارها را به همراه دارد.

برای استفاده از مدل تصمیم‌گیری سیاسی و به منظور کسب موافقت‌های اجتماعی روی برنامه و سیاست‌هایی که به بهترین نحو مسائل کلیدی را حل می‌کنند لازم است اهداف ازسوی عوامل قدرت و توافق سیاسی پشتیبانی شود و اثربخشی و خلاقیت سازمانی را هدایت کرده و پرورش دهند (Olson, Eadie and Douglas, 1982: 202). بیان و حل مسائل مهم قلب این مدل است و در این راه سازمان، ذی‌نفعان کلیدی و جامعه منتفع می‌شوند. شکل ۳ نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از طریق برآورد ساختن الزامات و انجام مأموریت سازمان ارزش عمومی ایجاد کرد. برای اتمام این کار

لازم است تصمیمات اساسی گرفت و اقداماتی را انجام داد که سازمان را هدایت کرده و شکل می‌دهند تا به سه سؤال سازمان چیست؟ چه کاری انجام می‌دهد؟ و چرا انجام می‌دهد؟ پاسخ دهد. برای شکل‌دهی این‌گونه اقدامات و تصمیمات یک سری اقدامات به هم وابسته باید انجام شود که شامل سازمان‌دهی شرکت‌کنندگان، خلق ایده برای اقدامات استراتژیک، ساخت ائتلاف برد - برد و اجرای استراتژی است.



شکل ۳ اهداف و وظایف برنامه‌ریزی استراتژیک

۵ کاربست مدیریت استراتژیک در ساختار انتظامی ایران ۱۴۰۴

نگاه استراتژیک در نیروی انتظامی ضروری است، براساس این دیدگاه مدیران نیروی انتظامی به مردم به‌عنوان مشتری نهایی سازمان می‌نگرند. براساس این نظریه رضایت شهروندان و مردم، تمرکززدایی، دیدگاه مبتنی بر کیفیت مشتری‌محوری به‌طوری‌که

همه تصمیمات برای کسب رضایت مردم و شهروندان اخذ می‌شود. در این رویکرد مدیریت ارشد، راهبرد و عملیات مربوط به برآورده کردن نیازهای مشتری را سامان‌دهی می‌کند و همکاری نزدیک بین کارکنان از طریق مشارکت در تدوین مدیریت استراتژیک است. مهم‌ترین وجه اختلاف در مدیریت استراتژیک در سازمان‌های بخش عمومی و بازرگانی تأثیر ملاحظات سیاسی و عوامل سیاسی در توسعه برنامه‌های استراتژیک است. تأکید بر کسب رضایت ذی‌نفعان، موجب ایجاد ارزش‌هایی برای جامعه شده و پاسخ‌گویی، شفافیت عملکرد و تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ را افزایش خواهد داد.

ارج نهادن به منافع عام و توجه هنجارها و خواسته‌های اجتماعی از زمره مسائلی است که مدیران در کنار اهداف سازمان باید به آنها بهای فراوان دهند. مدیران نیروی انتظامی از طریق مدیریت استراتژیک سازمان را با تغییرات محلی منطبق ساخته و زمینه رشد و پویایی و تحقق اهداف را فراهم می‌کنند.

با مروری بر مدل‌های مدیریت استراتژیک در بخش عمومی مشخص شد که تعیین رسالت و چشم‌انداز تجزیه و تحلیل فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت، نگاه استراتژیک رشد و پویایی سازمان را به دنبال دارد. در این میان نورتون و کاپلان با ارائه مدلی بر ایجاد ارزش عمومی از طریق مدل B.S.C. ائتلاف و تفاهم بر اهداف، شناخت انحرافات حاکم بر سازمان، خلق ایده برای اقدامات استراتژیک از سوی ذی‌نفعان تأکید دارد. برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان بخش عمومی دارای مزایای زیر است (Dess and et. al., 2005: 201):

۱. ترویج تفکر، اقدام و یادگیری استراتژیک،
 ۲. بهبود فرایند تصمیم‌گیری،
 ۳. بهبود اثربخشی سازمانی،
 ۴. بهبود اثربخشی نظام‌های اجتماعی،
 ۵. به‌طور مستقیم افراد درگیر از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند (چون ذی‌نفعان در فرایند حضور دارند، باعث بهبود نقش و مسئولیت‌پذیری سیاستگذاران و تصمیم‌گیران کلیدی شده و بهبود کار گروهی و تجربیاتی آنان را به همراه دارند).
- در نیروی انتظامی زنجیره ارزش باید ارزش عمومی ایجاد کند. استفاده یکپارچه از منابع انسانی، فناوری اطلاعات و مدیریت مالی عناصر حیاتی سازمان‌دهی، تقویت، حفاظت و پایداری توانمندی‌های سازمانی برای خلق ارزش عمومی است. رهبری، انجام

کارهای صحیح بوده درحالی که مدیریت انجام صحیح کارهاست. با بررسی مدل‌های مختلف فرایند زیر برای تدوین مدیریت استراتژیک در نیروی انتظامی توصیه می‌شود:

۱. ایجاد تفکر استراتژیک از طریق آموزش در کارکنان،
 ۲. ایجاد باور مشترک بر تغییر و تحول،
 ۳. توجه به نیازها و تغییرات در برنامه‌ریزی،
 ۴. ایجاد روحیه انعطاف‌پذیری در نظام‌های سازمانی،
 ۵. توجه به تناسب سبک رهبری و مدل مدیریت استراتژیک،
 ۶. یکسان‌سازی نظریات واحدهای مختلف شهرداری.
- این اقدامات در سایه یک برنامه توجیهی و تحقیقاتی محقق خواهد شد، پس از انجام این اقدامات فرصتی برای تهیه چشم‌انداز خود با مشارکت تمام ذی‌نفعان فراهم می‌شود تا نه تنها به تغییرات محیطی پاسخ دهند، بلکه متناسب به چشم‌انداز بیست‌ساله آینده‌سازی کنند، از این رو پیشنهاد می‌شود برای طراحی استراتژی در نیروی انتظامی به ۶ مرحله اساسی زیر توجه شود:
۱. سازمان‌دهی: ایجاد تیم برنامه‌ریزی استقرار مدیریت استراتژیک، تهیه چارچوب تیم، شناسایی الزامات و اجزای نیروی انتظامی.
 ۲. تشریح ارزش‌ها و بیانیه مأموریت: تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان، ارزش‌های نیروی انتظامی، بیانیه مأموریت نیروی انتظامی در راستای چشم‌انداز بیست‌ساله.
 ۳. ارزیابی موقعیت: ارزیابی موقعیت، تجزیه و تحلیل نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها (اسوات)^۱، شناسایی موضوعات استراتژیک.
 ۴. برنامه‌ریزی استراتژیک: تدوین استراتژی، یکپارچه‌سازی استراتژی‌ها با برنامه استراتژی، تدوین چشم‌انداز با توجه به اسناد بالادستی، ارزیابی فرایندها، تهیه اسناد و مدارک، تصویب استراتژی‌ها.
 ۵. اجرای استراتژی: فرموله کردن فرایندهای اجرایی از طریق به کارگیری مدل B.S.C (معیارهای ارزیابی کارت متوازن).
 ۶. ارزیابی مجدد استراتژی‌ها و فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک براساس مدل B.S.C.

نتیجه‌گیری

یکی از ملزومات توسعه انتظامی پایدار^۱ در افق ایران ۱۴۰۴، تقویت زیربنای تفکر مدیریت استراتژیک در سیاست‌های انتظام‌بخشی خرد و کلان ناجاست. توسعه زیرساختی نظام تصمیم‌سازی، بهره‌گیری حداکثری از کانون‌های تولید فکر، تقویت بنیان‌های تفکر سازمانی مبتنی بر خرد جمعی، حداکثرسازی انسجام فکری (هدف‌محوری) و رویه‌ای (برنامه‌محوری)، پیشگیری از کاربست مدل آزمون و خطا در حوزه امنیت‌افزایی، تقویت اثربخشی برنامه‌های انتظامی، پیاده‌سازی مطلوب الگوهای انتظامی - امنیتی، ایجاد نوآوری و پویایی، شناسایی دقیق‌تر کاستی‌ها و موانع تقنینی، نظارتی و اجرایی، یکپارچه‌سازی نظام تصمیم‌گیری‌های راهبردی، تقویت ارتباط میان مبانی فکری علم مدیریت با سیاست‌های عملیاتی پلیس کشور، ارتقای کارآمدی و مهار پیشگیرانه تهدیدات امنیت ملی براساس الگوهای علمی از مهم‌ترین فرصت‌های نهادینه‌سازی مدیریت استراتژیک در ساختار انتظامی سند چشم‌انداز است.

منابع و مأخذ

- الوانی، سیدمهدی و فتاح شریفزاده (۱۳۸۱). *فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، چاپ انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چ دوم.
- انسوف، ایگور اچ و ادوارد جی مک دانل (۱۳۸۱). *استقرار مدیریت استراتژیک*، ترجمه عبدا... زندیه، سمت، چ دوم، ج اول.
- ایچی اومی، کن (۱۳۷۱). «تفکر یک استراتژیست»، ترجمه داوود مسگریان حقیقی، سازمان مدیریت صنعتی، چ اول.
- برایسون، جان ام (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی با اصطلاحات و اضافات*، مرکز آموزش دولتی، چ دوم.
- داوری، دردانه و محمدحسن، شانه‌ساززاده (۱۳۸۰). *مدیریت استراتژیک - از تئوری تا عمل*، مؤلفان با همکاری نشر آتنا، چ اول.
- دنه‌ارت، رابرت بی (۱۳۸۲). *تئوری‌های سازمان دولتی*، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، صفار، چ دوم.
- دیوید، فرد آر (۱۳۸۲). *مدیریت استراتژیک*، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چ چهارم.
- سازمان اجرایی شهرداری‌ها (۱۳۸۲). *مطالعات راهبردی - تطبیقی شهرهای جهان و تهران*، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، چ اول.
- سنگه، پیتر (۱۳۸۴). *پنجمین فرمان - خلق سازمان‌های یادگیرنده*، ترجمه حافظ کمال هدایت و محمد روشن، سازمان مدیریت صنعتی، چ پنجم.
- علی احمدی، علیرضا، مهدی فتح‌ا... و ایرج تاج‌الدین (۱۳۸۲). *نگرش جامع بر مدیریت استراتژیک*، تولید دانش، چ اول.
- کاپلان، رابرت اس و دیوید پی نورتون (۱۳۸۳). *سازمان استراتژی محور*، ترجمه پرویز بختیاری، سازمان مدیریت صنعتی، چ اول و دوم.
- هیوز، آون (۱۳۷۷). *مدیریت دولتی نوین*، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران، سهراب خلیلی شورینی، مروارید، چ اول.
- _____ (۱۳۸۰). *مدیریت دولتی نوین، نگرش راهبردی، سیراندیشه‌ها، مفاهیم، نظریه‌ها*، ترجمه سیدمهدی الوانی، سهراب خلیل شورینی و غلامرضا معمارزاده طهرانی، مروارید، چ سوم.

- Barker, Jol (2005). "Power of Vision", CD Film from Industrial Management Organization.
- Bryson, J. M. (2004). *Strategic Planning for Public and Nonprofit Organizations: A Guide to Strengthening and Sustaining Organizational Achievements*, Jossey-Bass, 3rd edition.
- Canadian Business Orientation Program for Iranian Professionals*, North Vancouver, British Columbia Canada, (2004).
- Dess, Gregory G. et. al. (2005). *Strategic Management: Creating Competitive Advantages*, McGrawhill-Irwin T2nd edition.
- Kaplan, S. Robert P. David Norton (1996). *Balanced Scorecard; Translating Strategy in to Action*, Harvard Business School Press, USA.
- _____ (2004). *Strategy Maps; Converting Intangible Assets into Tangible Outcomes*, Harvard Business School Press, USA.
- Nutt Paul C. and Back off, *Strategic Management of Public and Third Sector Organizations: A Handbook for Leaders* (San Francisco: Jossey-Bass).
- Olson, John, Band Eadie and C. Douglas (1982). *the Game Plan: Governence with Foresight*, Washington, DC, Council of State Planing Agencies.
- Pearce, Hon A. and Richard B. Jr Robinson (2005). *Strategic Management-Formulation, Implementation, and Control*, McGraw-hill-Irwin, 9th edition USA.
- Rigsby J. A. and G. Greco (2003). *Mastering Strategy: Insight from World's Greatest Leaders and Thinkers*, McGrwhill-Irwin, USA.
- Turban et. al (2004). *Information Technology for Management*, John Wiley \$ Sons, USA.

الزامات تحول ساختار سازمانی پلیس جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز ۱۴۰۴

دکتر محمدهادی مؤذن جامی*

دکتر سیدرضا حسینی**

دکتر علیرضا جبه‌دار***

مقدمه

نیروی انتظامی کنونی جمهوری اسلامی ایران محصول ادغام شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی و پلیس قضایی است که به‌صورت سازمانی یکپارچه و واحد درآمده است. دقت در ساختار سازمانی نیروی انتظامی بیانگر این واقعیت است که حداقل هفت‌گونه پلیس با مأموریت‌های تخصصی متفاوت در درون این ساختار وجود دارد. فراوانی و حجم گسترده و متنوع مأموریت‌ها و وظایف سازمان نیروی انتظامی و فشرده شدن پلیس‌های تخصصی گوناگون در درون آن، زمینه‌ساز تکوین ساختار سازمانی بسیار گسترده و وسیع و درعین‌حال سنگین، فربه و غیرچابک شده است. این یعنی سخت و پیچیده شدن مدیریت بر سازمان و در نتیجه کاهش کارآمدی و اثربخشی که در نهایت به کاهش بهره‌وری منجر می‌شود. دقت در تعداد معاونت‌ها، ادارات کل، دفاتر و انواع پلیس‌های مختلف و رده‌های استانی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را هم در طول و هم در عرض دچار سنگینی و عدم‌توازن کرده است. به‌نحوی که در مقام عمل فرماندهی واحد و متمرکز نیروی انتظامی،

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی؛

E-mail: hadi_moazzen@yahoo.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی؛

*** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی؛

E-mail: alrejobb@yahoo.com

هم‌زمان حداقل با هفتاد رده ستادی و عملیاتی در سطح معاونت‌ها، ادارات کل، ادارات و پلیس‌های مختلف و رده‌های استانی مرتبط است. طبعاً چنین ساختار سنگین و نامتوازی دارای پیامدها و آسیب‌های متعددی است که بخشی از آنها عبارت‌اند از:

۱. شدايد و سختی‌های مدیریت و فرماندهی بر سازمان پلیس با ساختاری پیچیده و ناهمگون و در نتیجه کاهش بهره‌وری در حوزه فرماندهی،
۲. عدم تحقق پلیس‌های تخصصی و علمی در کشور و تمایل به پلیس غیرتخصصی و عام،
۳. کاهش کیفیت در جذب و استخدام نیروهای توانا و مستعد،
۴. عدم شکل‌گیری همبستگی سازمانی در نیروی انتظامی،
۵. تأثیرگذاری منفی بر نظام آموزشی و تربیتی پلیس،
۶. تمرکز شدید فرماندهی و کاهش تفویض اختیارات مثبت،
۷. کاهش انگیزه‌های والای نیروی انسانی،
۸. عدم چابکی نیروی انتظامی،
۹. ضعف کارویژه پاسخ‌گویی نیروی انتظامی،
۱۰. ضعف کنترل و نظارت سازمانی،
۱۱. سخت شدن مدیریت بحران‌های اجتماعی و شهری.

مهم‌ترین نتیجه وضعیت‌های فوق‌الذکر کاهش شدید بهره‌وری در پلیس و نیروی انتظامی است و از آنجایی که در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی خصوصیات و ویژگی‌های شایان توجهی برای جامعه ایرانی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و قضایی پیش‌بینی شد و در این خصوص مقوله امنیت عمومی و به‌ویژه امنیت اجتماعی مورد تأکید جدی قرار گرفته است. تا جایی که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۴ باید به کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی و انقلابی الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل تبدیل شود (سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی). زمینه‌های تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ در بخش امنیت، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی در گرو اثربخشی و چگونگی عملکرد نیروی انتظامی و پلیس کشور است.

مقاله حاضر تلاش دارد تا با بررسی وضعیت ساختار سازمانی نیروی انتظامی الزامات و بایسته‌های تحولی آن را به یک سازمان پویا، چابک، پاسخ‌گو و اثربخش متناسب با عصر اطلاعات بررسی کند تا ان‌شاءالله در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی پلیس جمهوری اسلامی ایران دارای سازمانی با ساختار چابک، تخصصی، کارآمد و اثربخش باشد.

۱. تبارشناسی تحول سازمانی

۱-۱ تعاریف اولیه از تحول سازمان

درخصوص تحول سازمان تعاریف متعددی ارائه شده است که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

- تحول سازمانی عبارت است از یک فرایند متغیر برنامه‌ریزی شده شامل تغییر فرهنگ سازمانی به‌سوی فرهنگی که در آن فرایندهای گروهی و جمعی نهادینه شده‌اند (بورک و هورن اشتاین، ۱۳۸۰: ۲۶).

- مهم‌ترین هدف‌هایی که از تحول سازمانی متصور است عبارت‌اند از:
 - افزایش سازگاری میان ساختارها، فرایندها، استراتژی به افراد و فرهنگ سازمانی،
 - ایجاد و توسعه راه‌حل‌های نو و خلاق در سازمان،
 - توسعه دانایی و نوسازی خویشتن در سازمان (همان: ۱۹۸).
- در تعریف دیگری از تحول سازمان آمده است: تحول در سازمان مجموعه‌ای از نظریه‌ها، ارزش‌ها، استراتژی‌ها و فنون مبتنی بر علوم رفتاری است که در فرایند تغییر برنامه‌ریزی شده محیط کاری سازمانی به‌کار گرفته می‌شود (پوراس و رابرتسون، ۱۹۹۳: ۲۷).
- از نظر پوراس و رابرتسون مهم‌ترین ویژگی‌های تحول در سازمان عبارت است از:
 - تحول در سازمان بر فرهنگ و فرایندها متمرکز است.
 - تحول در سازمان همکاری مبتنی بر اعتماد متقابل را میان رهبران و اعضای سازمان در مدیریت فرهنگ و فرایندها تشویق و ترغیب می‌کند.
 - تحول در سازمان برای انجام وظایف و فعالیت‌های انواع تیم‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- تحول در سازمان بر جنبه‌های انسانی و اجتماعی سازمان متمرکز است و برای تغییر جنبه‌های ساختاری و تکنولوژیک سازمان برنامه‌هایی دارد.

- مشارکت و درگیری در حل مسئله و تصمیم‌گیری به‌وسیله همه سطوح سازمان از جمله ویژگی‌های بارز مورد استفاده تحول سازمانی است.

- تحول سازمان بر تغییر نظام جامع تمرکز دارد و سازمان‌ها را به‌عنوان نظام‌های اجتماعی پیچیده مدنظر قرار می‌دهد.

- مجریان تحول سازمان در ارتباط با سیستم متقاضی تحول، نقش تسهیل‌کننده، همکاری‌کننده براساس اعتماد متقابل و آموزش‌دهنده را دارند.

- هدف فراگیر تحول سازمان، ایجاد نوعی نظام است که قادر باشد مسائل حوزه خود را با آموختن مهارت‌ها و دانش‌ها یا یادگیری مستمر از طریق روش‌های خودتحلیلی حل کند. تحول سازمان بهسازی، سازمانی را به‌عنوان فرایند پیوسته و مستمر (آینده‌نگری) در متن یک محیط دائماً در حال تغییر مدنظر قرار می‌دهد.

- تحول سازمان، بر مدل تحقیق در عمل، همراه با مشارکت گسترده اعضای نظام متقاضی تحول استوار است.

- تحول سازمان، نظریه‌های تکاملی را در پیش می‌گیرد که اصلاح افراد سازمان را در نظر دارد و تلاش برای ایجاد راه‌حل‌های (برد - برد) رویه‌ای استاندارد در برنامه‌های تحول سازمان است (همان: ۳۵).

۲-۱ مدل‌های تغییر و تحول

از مهم‌ترین تئوری‌ها و الگویی‌هایی که تغییر را تبیین و توضیح می‌دهند نظریه‌های کورت لدین است که تا قبل از دهه ۱۹۴۰ از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

اولین نظریه این است که آنچه در هر لحظه از زمان حادث می‌شود برآیندی از نیروهای متضاد در یک میدان عمل است که در این میان برخی نیروها باعث بالا رفتن روحیه و برخی دیگر سبب کاهش روحیه می‌شوند. با استفاده از تکنیکی که تجزیه و تحلیل میدان نیرو^۱ نامیده می‌شود افراد می‌توانند نیروهای اصلی میدان را تشخیص دهند و آنگاه برای انتقال نقطه تعادل به یک جهت یا سایر جهات برنامه عملی را به‌کار گیرند.

دومین نظریه کرت لدین فقط یک مدل تغییر است او اعتقاد دارد تغییر فرایندی سه مرحله‌ای است که شامل: ترک رفتار و وضعیت پیشین، حرکت به سطح جدیدی از رفتارها و تثبیت مجدد رفتار در سطح جدید است.

۱-۲-۱ مدل سه مرحله‌ای فرایند تغییر

مرحله اول: خروج از انجماد و ترک رفتار، ایجاد انگیزه و آمادگی برای تغییر از طریق:

- احساس خطا نسبت به رفتار قبلی،
- احساس اضطراب در انجام رفتار قبلی،
- احساس امنیت روانی از عدم انجام روند قبلی.

مرحله دوم: تغییر از طریق بازسازی شناختی و بر پایه نقطه‌نظرهای جدید با روش:

- تعیین هویت متقاضی تغییر با مدل جدید نقش خود،
- کنکاش در محیط برای دریافت اطلاعات جدید.

مرحله سوم: انجام مجدد (تثبیت رفتار جدید) کمک به متقاضی تغییر برای شکل دادن

به یک دیدگاه جدید درباره:

- شخصیت فرد،
- روابط مهم و حساس (همان: ۵۹-۶۰).

۱-۲-۲ مدل تغییر جامع رالف کیلمن

این مدل پنج مرحله دارد:

- تدوین برنامه،
- تشخیص مسائل و مشکلات،
- تهیه جدول زمان‌بندی محورهای تغییر،
- اجرای مراحل تغییر روی محورهای مورد نظر،
- ارزیابی و نتایج.

مدت این برنامه یک تا پنج سال به طول می‌انجامد. در این مدل پنج محور کلیدی

زیر باعث موفقیت سازمان می‌شود:

- محور فرهنگ،
- محور مهارت‌های مدیریت،
- محور تیم‌سازی،
- محور استراتژی ساختار،
- محور پاداش (همان: ۶۰).

۳-۲-۱ مدل تجزیه و تحلیل جریانی^۱

این مدل سیستمی که پوراس^۲ برای نشان دادن مشکلات یک سازمان از لحاظ جغرافیایی پیشنهاد می‌کند به صورت ترسیمی بررسی پیوندهای متقابل میان تشکیلات اصلی و دست زدن به اقدامات اصلاحی برای حل مشکلات را مورد تأیید قرار می‌دهد. این مدل فرایندی پیچیده دارد و به کارگیری آن مشکل است. پوراس ویژگی‌های محیط کاری سازمانی را در قالب متغیرهای تنظیمات سازمانی، عوامل اجتماعی، تکنولوژی و محیط فیزیکی طبقه‌بندی می‌کند.

۴-۲-۱ مدل عملکرد فردی و سازمانی بورک - لیتوین^۳

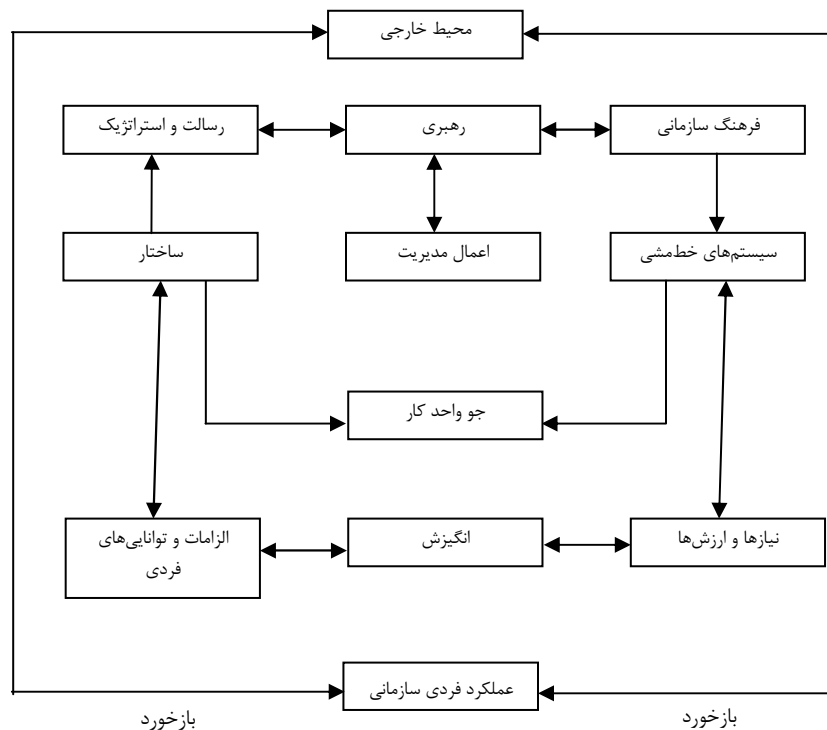
این مدل متغیرهای دخیل در ایجاد تغییر سطح اول و سطح دوم که صاحب‌نظران آن دو را به تقویت و تغییر جزئی و تدریجی که تغییر تحول‌گرا نامیده‌اند مشخص می‌کند. تغییر سطح اول تدریجی است و نوعی تغییر تطبیقی بوده که در آن ویژگی‌ها و اشکال سازمانی تغییر داده می‌شود، اما ماهیت سازمان به قوت خود باقی است. تغییر دوم ناگهانی و بنیادین است که در آن ماهیت سازمانی به طرقی تغییر پیدا می‌کند.

با توجه به موارد مزبور آنچه در این مقاله مورد نظر و مطلوب است تلاش و بررسی به منظور ایجاد تحول سازمانی در بعد ساختار تشکیلات نیروی انتظامی و پلیس است و نویسندگان سعی می‌کنند کلیات محور استراتژی ساختار را با نقد وضعیت کنونی در قالبی کلان به تصویر کشیده و الزامات نیل به یک ساختار کلان مطلوب را در چشم‌اندازهای جامعه ایرانی ۱۴۰۴ ترسیم کنند.

1. Stream Analysis

2. Jarry Porras

3. Burke-Litwin



نمودار ۱ مدل تغییر عملکرد سازمانی بورک - لیتیون

۲ مبانی نظری و تئوری‌ها

۲-۱ مأموریت‌ها و وظایف پلیس و نیروی انتظامی

مطالعه و امعان نظر در ادبیات پلیسی بیانگر این است که پلیس دارای وظایف گوناگونی است هری پی هاتری^۱ یکی از کارشناسان علوم پلیسی پنج وظیفه اصلی را برای پلیس در حوزه نظم و امنیت احصا می‌کند:

- جلوگیری از وقوع جرم،
- حفظ احساس امنیت در جامعه،
- دستگیری مجرمان،

1. Harry P. Hatry

- اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی، پاسخ به مشکلات غیرجنایی شهروندان،
- در اجرای مأموریت‌های حساس مزبور پلیس باید خدمات خود را به شیوه‌های صادقانه، متواضعانه، عادلانه و خیلی فوری با اجتناب از آزار و اذیت بی‌مورد و متهم کردن دروغین بی‌گناهان انجام دهد (رستمی، ۱۳۸۵: ۳۷).
- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران براساس اساسنامه قانونی خود دارای مأموریت‌های خطیری است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
 - استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی،
 - مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خراب‌کاری، تروریسم و شورش با همکاری وزارت اطلاعات،
 - تأمین امنیت برای برگزاری اجتماعات، تشکل‌ها، راهپیمایی‌ها و فعالیت‌های قانونی و ...،
 - اقدامات لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف و ...،
 - حراست از اماکن، تأسیسات، تجهیزات، تسهیلات طبقه‌بندی شده و غیرنظامی و حفظ حریم آنها ...،
 - حفاظت از مسئولان و شخصیت‌های داخلی و خارجی در سراسر کشور به‌استثنای داخل پادگان‌ها و تأسیسات نظامی ...،
 - جمع‌آوری سلاح، مهمات، تجهیزات غیرمجاز، صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و ...،
 - انجام وظایفی که طبق قانون به‌عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی است از قبیل مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد و ...،
 - مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، اجرای معاهدات و پروتکل‌های مصوبه مرزی و ...،
 - انجام امور مربوط به تشخیص هویت و کشف علمی جرائم،
 - همکاری با وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و ...،
 - اجرای قوانین و مقررات مربوط به گذرنامه (به‌جز گذرنامه سیاست و خدمت)،
 - اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و امور توزین و حفظ حریم راه‌های کشور،
 - اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی،

- نظارت بر اماکن عمومی و انجام سایر امور مربوط به اماکن و ...،
- همکاری با سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم و بنا به دستور،
- همکاری با دبیرخانه پلیس بین‌المللی (اینترپل)،
- انجام امور امدادی و مردم‌یاری،
- همکاری با سازمان‌های ذی‌ربط برای ایجاد و توسعه زمینه‌های فرهنگی لازم به‌منظور کاهش جرائم،
- سازمان‌دهی، تجهیز و آموزش یگان‌های انتظامی،
- تأمین و حفاظت تأسیسات و سربازخانه‌ها،
- تأمین دفاع هوایی تأسیسات و نقاط حساس مربوط در حد برد سلاح ضدهوایی سازمانی با هماهنگی و کنترل عملیاتی نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران،
- تأمین نیازهای پزشکی پرسنل و اداره بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های مربوط،
- تهیه طرح نیازمندی‌های لجستیکی و اقدام در جهت تهیه و خرید اقلام و خدماتی که ازسوی فرماندهی کل نیروهای مسلح به عهده نیروی انتظامی واگذار می‌شود. همچنین اقدام جهت تهیه املاک و احداث تأسیسات مورد نیاز برابر طرح‌های مصوب،
- تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت سازمان در زمینه‌های امنیتی از طریق سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی،
- تلاش مداوم و مستمر برای حاکمیت کامل فرهنگ و ضوابط اسلامی در نیروی انتظامی از طریق سازمان عقیدتی - سیاسی نیروی انتظامی،
- انجام فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی در کلیه زمینه‌های مرتبط با وظایف،
- انجام سایر مأموریت‌ها بنا به دستور.

۲-۲ ساختار سازمانی^۱ و انواع آن

ساختار سازمانی حاصل فرایند سازمان‌دهی است و عبارت است از روابطی که به‌طور غیررسمی شکل گرفته و به‌طور رسمی تصویب شده است و حاکم بر فعالیت‌های افرادی است که برای کسب اهداف مشترک به هم وابسته‌اند (رضائیان، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

مهم‌ترین ساختارهای متداول سازمانی در عمل طبق نظریه دفت^۱ و مینتزبرگ^۲ عبارت‌اند از:

- انواع ساختار از نظر مینتزبرگ: ۱. دیوان‌سالاری مکانیکی، ۲. بخشی یا شعبه‌ای، ۳. دیوان‌سالاری حرفه‌ای، ۴. بوروکراسی، ۵. ساده.
- انواع ساختار از نظر دفت: ۱. وظیفه‌ای، ۲. محصولی، ۳. جغرافیایی، ۴. پیوندی، ۵. ماتریسی. که بعضی از آنها به اختصار اشاره می‌شود:
- ساختار ساده در سطح افقی سازمان است و دو یا سه سطح عمودی دارد که معمولاً یک نفر در رأس آنها قرار دارد و تصمیم‌گیری می‌کند و سازمان بسیار متمرکز است. نقطه قوت این ساختار پایین بودن هزینه‌ها، انعطاف‌پذیری و مشخص بودن مسئولیت‌هاست.
- دیوان‌سالاری به کارهایی ارتباط دارد که به صورت تکراری انجام می‌شود و برای انجام آن تخصص لازم است. و از اختیارات سازمان منسجم است. حوزه یا قلمرو کنترل محدود است. در تصمیم‌گیری باید زنجیره فرماندهی رعایت شود.
- در ساختار ماتریسی دو دسته دوایر یکی برحسب وظیفه و دیگری برحسب محصول وجود دارد. در این ساختار وحدت فرماندهی از بین می‌رود و کارشناسان دارای دو رئیس هستند (یک رئیس براساس نوع وظیفه و یک رئیس براساس محصول). نقطه ضعف اساسی این ساختار این است که افراد دچار تنش و تعارض شده و جنگ قدرت در سازمان پدید می‌آید (رابینز، ۱۳۷۸: ۸۷۵).

۳ الگوهای ساختار سازمانی

تام برنز و جی. ام. استاکر دو گونه الگوی مکانیکی و الگوی ارگانیکی در ساختار سازمان‌ها را به شکل نظری و با ویژگی‌های جدول ۱ ارائه کرده‌اند (مجیدی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۵).

یکی دیگر از سازمان‌ها، سازمان شبکه‌ای^۳ است که ساختاری متناسب با عصر اطلاعات دارد. این سازمان مشتمل بر گروه‌هایی از واحدهای سازمانی است که برای

1. Daft

2. Mintzberg

3. Network Organization

رسیدن به هدف مشترکی پیوند خورده و فعالیت می‌کنند که در آن مرزهای سازمان انعطاف‌پذیر و مستقل با برنامه‌ریزی راهبردی است (Cash and et. al., 1994: 36).

جدول ۱ الگوهای ساختار سازمانی

ویژگی‌ها	مکانیکی	ارگانیکی
تعریف وظایف	تخصصی و جزئی	مستقل از همدیگر
نقش‌های خاص افراد (الزامات و روش‌های فنی)	به‌صورت فردی تعریف شده	به‌صورت کلی تعریف شده
ساختار کنترل، اختیارات و ارتباطات	سلسله‌مراتبی	به‌صورت شبکه‌ای
کانون‌های دانش و اطلاعات مربوط به عملیات و موقعیت سازمان	در اختیار مدیران عالی	پراکنده در سراسر سازمان
ارتباطات بین مدیریت و زیردستان	عمدتاً عمودی	به محل تمرکز اطلاعات ارتباط بستگی دارد هم عمودی و هم افقی وجود دارد
اصرار بر وفاداری سازمانی و اطاعت از مافوق	زیاد	کم
تعهد به وظایف سازمان و اهداف	کم	زیاد
اهمیت و موقعیت افراد به ... بستگی دارد	میزان تعیین هویت افراد با سازمان و اعضای آن	تخصص و پیشینه افراد در محیط خارجی

۴ ابعاد سازمانی

ابعاد سازمانی مبنایی است که با آن ویژگی‌های سازمان، مورد سنجش و آزمون قرار می‌گیرد، طبقه‌بندی این ابعاد شامل ساختار اجتماعی، شرکا، اهداف، فناوری و محیط است (Jaffee, 2009: 36) و همچنین شامل دو گروه ساختاری و محتوایی است.

۵ تعیین بلندی ساخت سازمانی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که هرچه سازمان از نظر اندازه رشد یابد در صورت ثابت ماندن حیطه نظارت ساخت آن بلندتر می‌شود و اگر ساختار بلند باشد دقت عملکرد زیاد می‌شود، ولی سرعت عملکرد پایین می‌آید.

همچنین اگر ساختار بلند و افراد حرفه‌ای و متخصص در خدمت سازمان باشند که

از لحاظ فردی هم نیاز به خودمدیریتی در آنها قوی باشد در آن صورت ساختار بلند موجب نارضایتی می‌شود. برعکس در حالت دیگر یعنی وقتی افراد فقط دارای تخصص سازمانی باشند و نیاز به خودمدیریتی و استقلال در آنها قوی نباشد یا شرایط آن‌چنان مبهم و پیچیده باشد که افراد توانایی حل مسائل را نداشته باشند در آن حالت ساختار بلند و به دنبال آن سلسله‌مراتب و نظارت زیاد و دستور و مقررات موجب رضایت شغلی افراد می‌شود. صاحب‌نظران معتقدند هیچ سازمانی به بیش از هفت سطح نیاز ندارد (رضائیان، ۱۳۷۴: ۱۵۷).

درخصوص بهره‌وری باید گفت که عوامل زیادی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند و تمامی سازمان‌ها اعم از سازمان‌های تولیدی، خدماتی یا بخش خصوصی و دولتی همه به نوعی دنبال بهره‌وری هستند.^۱ از عواملی که بهره‌وری را تحت تأثیر قرار می‌دهد ساختار سازمانی است.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد چندگونه ساختار داریم: ساختار براساس وظیفه یا هدف، ساختار براساس نوع خدمت یا محصول، ساختار براساس نوع ارباب‌رجوع و ساختار براساس ناحیه جغرافیایی که دفت مطرح کرده است. نظریه‌های دیگری هم عنوان شد مبنی بر اینکه هرکدام از این ساختارها نقطه‌ضعفی دارند که با آگاهی و دانش می‌توان مانع از پدید آمدن آن ضعف‌ها شده و با راهکارهایی جلوی آن را گرفت.

در ساختار کنونی نیروی انتظامی شاهد استفاده از هر چهار ساختار هستیم. براساس ساختار جغرافیایی، وظیفه، ارباب‌رجوع و هم براساس نوع خدمت که اگرچه ضرورت دارد، ولی ترکیب پیچیده‌ای را پدید می‌آورد که چالش‌برانگیز است. سازمان‌های دیگر کمترین نوع تعدد و ترکیب را دارند که شاید به دلیل گستردگی خدماتی است که ناجا برعهده گرفته و کار چند پلیس را یکجا تحت پوشش قرار می‌دهد. در چنین جامعه ساختاری چند مشکل عمده وجود دارد که کشورهای پیشرفته به آن پی برده و با اصلاح آن توانسته‌اند با کوچک‌سازی^۲ و چابک‌سازی^۳ و انعطاف‌پذیری^۴ تقسیم وظایف بهره‌وری را ارتقا دهند. مشکل اساسی در موضوع بزرگ بودن ساختار سازمانی زمانی است که بدون توجه به

1. Productivity

2. Downsizing

3. Tripping Nimbleness

4. Flexibility

نیازها و شرایط توسعه پیدا کرده باشد. در تئوری بوروکراسی اگر سازمان شکست بخورد یا موفق شود هر دو منجر به بزرگ شدن سازمان می‌شود. در توجیه شکست می‌گویند که امکانات، منابع و نیرو در اختیار نداشته و تقاضای تجهیزات و منابع بیشتر می‌کنند. زمانی که موفق هستند، علت آن را در اختیار داشتن امکانات و منابع می‌دانند و به همین ترتیب ساختار سازمانی رشد می‌کند. اگر این رشد منطقی نباشد، مشکل به وجود خواهد آمد. در واقع ساختار اسکلت‌بندی یک سازمان است که این اسکلت باید با مأموریت‌ها، اهداف و مقاصد متناسب باشد تا بتواند کارایی لازم را داشته باشد. نکته مهم و اساسی این است که اکثر سازمان‌ها ساختارشان عریض و طویل است که اگر به اقتضای شرایط نباشد جزء آفات سازمانی هستند. اگر ساختارها عریض شوند از سلسله‌مراتبی آنها کاسته و ساختارشان ارگانیک می‌شود. که باعث ازدیاد سلسله‌مراتب سازمانی شود و در نتیجه بیشتر شدن سلسله‌مراتب شاهد توسعه سطوح مدیریت هستیم که این باعث کندی ارتباطات و افزایش هزینه‌ها می‌شود. این از مشکلات سازمان‌های سنتی است.

گسترده‌گی ساختار از لحاظ عمودی باعث می‌شود که حیطه نظارت مدیریت وسیع باشد و مدیر و فرمانده زمان کافی برای تدوین استراتژی و انجام مهارت‌های ادراکی نخواهد داشت و همیشه وقت خود را باید صرف کنترل و سرپرستی کند، در نتیجه ساختارهایی که بدین صورت هستند، قدرت انطباق با شرایط محیطی را ندارند و خیلی کند هستند و در نتیجه اثربخشی کاهش پیدا می‌کند، هرچند کارآمدی آنها افزایش می‌یابد. علاوه بر این واکنش، نمی‌تواند به نیازهای شهروندان هم توجه کند، زیرا ساختار وظیفه‌ای است، چیزی که برای ساختار و سازمان مهم است انجام همان وظیفه است که تعیین شده است. در نهایت اینها به سازمان‌هایی معروف می‌شوند که اثربخشی لازم را ندارند، هزینه‌بر و زمان‌بر هستند و در یک مقطع زمانی نیروی زیادی را جذب کرده و در حال حاضر نمی‌دانند چکار کنند. این بحث به طور کلی بر سایر اجزای ساختار اثر می‌گذارد.

از سوی دیگر ما شاهد کنترل افراطی و سرپرستی هستیم که نتیجه آن اتلاف وقت و غیراثربخش بودن کارهاست. نهایتاً همه تسلیم چنین ساختار معیوبی با این ویژگی‌ها می‌شوند. در دوران فرماندهی و مدیریت اغلب فرماندهان در رابطه با ساختار سازمانی رفتاری انفعالی پدید می‌آید که در مقام عمل هیچ‌گونه تحول ساختاری مثبت پدید نمی‌آورد.

۶ ساختار پلیس تخصصی

با توجه به تئوری‌های مدیریت در مورد بوروکراسی و ساختارهای موجود با ارزیابی و نقد ساختارها همراه با بحث معایب و مزایای ساختارهای ماتریسی و سلسله‌مراتبی و ضرورت کم کردن از لایه‌های مدیریتی و سطوح فاصله بین پایین‌ترین رده تا بالاترین رده شاید چندان برای یک سازمان نظامی قابلیت انطباق نداشته باشد، دلیل آن هم این است که اساس و ذات سازمان نظامی سلسله‌مراتبی است. فاصله بین مدیر و نیروهای تابعه و تحت امر وی پیش از آنکه براساس بوروکراسی تعریف شود براساس معیارهای دیگر تعریف شده است. در اغلب سازمان‌های نظامی و انتظامی دنیا به اشکال مختلف وجود دارد و تفاوت‌ها خیلی زیاد نیست. اما نکته شایان توجه تخصصی کردن از طریق کوچک‌سازی، انعطاف‌پذیری و چابک‌سازی ساختاری در آن کشورهاست.

نیروی انتظامی، به‌عنوان نیرویی که مردم از تولد تا مرگ به آن و خدماتش نیاز دارند و نیازهای امنیتی مردم یک سیر فزاینده و تصاعدی دارد یعنی به‌موازات توسعه و استفاده از فناوری‌های جدید، گسترش شهرها، پیشرفت سطح تمدن و معیشت و مسائل نظیر آن، نیازهای مردم و از جمله نیاز امنیتی آنها هم به‌سرعت در حال افزایش است، بنابراین اگر تا چهل سال پیش در ایران بخش‌های وسیعی را داشتیم که صرفاً با اتکا بر روابط و سنت‌های محلی، عشایری، طایفه‌ای، فامیلی، سنتی، امور قضایی و امنیتی آن حل‌وفصل می‌شد، در حال حاضر این سازوکارها جواب‌گو نیست و همه‌جا مردم انتظار دارند که دستگاه‌ها و ابزارهای کنترل رسمی اعم از پلیس و دستگاه قضایی به‌سرعت نیازهای مردم را تأمین و اختلافات را مرتفع کنند، دعوای را فیصله دهند و سایر انتظاراتی که به‌طور طبیعی وجود دارد را پاسخ دهند. نکته دیگر درباره سازمان پلیس، آن است که یک نیروی تابع مردم از منظر جغرافیایی است.

هر جایی که مردم تردد دارند و زندگی می‌کنند باید امنیت تأمین شود و مهم‌تر از آن احساس امنیت در میان شهروندان است.

برخی صاحب‌نظران جامعه‌شناسی سیاسی اعتقاد دارند که بزرگ‌ترین کارویژه حکومت تأمین امنیت است و برخی از نظریه‌پردازان پا را فراتر نهاده و تنها کارویژه حکومت را تأمین امنیت می‌دانند.

از ویژگی‌های دیگر پلیس، آن است که بخش عمده مأموریت‌های آن به صورت انفرادی انجام می‌شود و این باعث پیچیدگی کار می‌شود بدان دلیل که نوع مأموریت‌هایی که پلیس دارد اغلب در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی است. این خود باعث می‌شود میزان ابتلا و آلودگی در میان پرسنل و نیروهای پلیس بیشتر شود. بنابراین مأموران پلیس دارای ویژگی‌های خاص و نیازمند مراقبت‌های ویژه هستند.

نکته دیگر آنکه این تلقی و باور عمومی که شیوه مدیریت مشارکتی که امروزه جزء بهترین انواع مدیریت است، در یک سازمان سلسله‌مراتبی مانند نیروی‌های مسلح قابلیت پیاده شدن را ندارد و نباید به آن فکر کرد. لذا به صرف نظامی بودن نمی‌توانیم این سبک را برای پلیس نامناسب تشخیص دهیم، بلکه عرصه‌های متعددی را می‌توان فهرست کرد که مدیریت مشارکتی در آن جواب‌گو است. مدیریت مشارکتی رویکردی داخلی است یعنی دست‌اندرکاران پلیس و مسئولان رده‌های مختلف و کارکنان پلیس در بحث تصمیم‌سازی مشارکت کرده و تصمیم‌گیری نهایی را برعهده فرمانده می‌گذارند. ولی بحث جدیدتر این است که مأموریت‌های اصلی و ذاتی پلیس که تولید و حفظ امنیت است، اساساً به عنوان مسئله امنیت مشارکتی مطرح می‌شود. این نظر که برای تأمین و تولید امنیت باید مشارکت سایر سازمان‌ها، دستگاه‌ها و سایر رده‌ها و توده مردم را جذب و سازوکارهای آن را تعریف کرد غالب است و راهکارهای خاص خودش را دارد. در مورد ساختار پلیس به عنوان پلیس تخصصی، با مأموریت‌های متنوع و متعدد با وضعیت خدمت پلیس در جامعه امروزی (دنیای پیشرفته و توسعه‌یافته و ابزارها و وسایل متنوعی که در اختیار جامعه و مردم است). پلیس باید از نظر ابزارها و تجهیزات مأموریتی از میانگین و نرم جامعه حداقل ۲۰ درصد جلوتر بوده تا بر جریان‌ات اشراف داشته باشد که در زمینه‌ها و مأموریت‌های تخصصی مؤثر واقع شود. این موضوع با توجه به پیچیدگی‌های جرائم و ویژگی‌های جرم در جامعه امروزی نسبت به گذشته تفاوت جدی پیدا کرده است (از جمله سازمان‌یافتگی جرم).

مجموع این مسائل ما را به این اصل مهم رهنمون می‌کند که با یک پلیس عمومی نمی‌توانیم جامعه را اداره کنیم و باید پلیس‌های تخصصی داشته باشیم، آن‌هم در تخصص‌های بسیار بالا و حرفه‌ای تا موفق عمل کنند. در شرایط فعلی پلیس و نیروی

انتظامی ما یک پلیس عمومی است. پول الکترونیکی هنوز فراگیر نشده است. عرصه خیلی از جرائم جدید تاکنون باز نشده است که اگر چنین شود جرائم خاصی شکل خواهد گرفت. بنابراین ضرورت‌های عینی ایجاب می‌کند به سمت پلیس تخصصی حرکت کنیم. مکانیزه شدن سیستم‌ها یا اتوماسیون اداری و شبکه‌ای شدن ارتباطات هنوز در کشور ما کاملاً فراگیر نشده است.

۱-۶ تشکیل پلیس‌های تخصصی

شاید پلیس‌های تخصصی به عنوان یک ضرورت و نیاز به صورتی که در ساختار سازمانی حاضر وجود دارد به عنوان معاونت‌های فرماندهی این نیرو تلقی شود. ساختار مطلوب این است که، نیروی انتظامی می‌تواند براساس دسته‌بندی منطقی مأموریت‌ها را دسته‌بندی کرده و به جای پلیس تخصصی، نیروی تخصصی تشکیل دهد. مثل سپاه که پنج نیرو دارد، نیروی انتظامی هم براساس تجمیع منطقی مأموریت‌ها و دسته‌بندی آنها پنج یا بیشتر نیروی مستقل تشکیل دهد و بعد این نیروها یک ستاد فرماندهی مشترک داشته باشند که براساس مأموریت‌ها و دسته‌بندی منطقی به نیروهای تخصصی مستقلی تقسیم شده با فرمانده و سلسله‌مراتب خاص خودشان و یک ستاد مشترک که این نیروها را هماهنگ کند و از تفرقه و تشتت و هرز رفتن نیروها و سرگردانی مردم جلوگیری کند.

در مدیریت این اعتقاد وجود دارد که در ادغام‌ها بیش از ۳۰ درصد موفقیت وجود ندارد و این یک تجربه جهانی است. امروزه الگوی چابک‌سازی مطرح است. اگر بخواهیم سازمانی را متخصص کنیم هزینه‌های زیادی را می‌طلبید. نیروی انتظامی علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند فرماندهان پس از ادغام سال ۱۳۷۰ هنوز به استاندارد جهانی نرسیده است و این استانداردها جای بحث کارشناسی دارد. اینکه مثلاً به ازای هر ۱۰۰۰ نفر x تعداد، پلیس لازم است هنوز مورد بحث است در نتیجه ما استاندارد بومی نداریم. نکته مهم دیگر آن است که ما اساساً در نگاه به سازمان گاهی اوقات راه اشتباه را طی می‌کنیم و بدون پژوهش و تحقیق اقدام به ادغام سازمان‌های مختلف می‌کنیم.

در مدیریت، الگوهایی وجود دارد. در یک دوره زمانی مدل غالب در کشور، عبارت بوده است که ساختار را در قالب ژاندارمری تعریف نماییم، شهربانی یا پلیس شهری این

وظایف را انجام دهد بخشی از کار مربوط به امنیه یا نظمیه بوده است. امروزه ما به عدالت ترمیمی معتقدیم، ولی عدالت تنبیهی تا پنجاه سال پیش الگوی غالب بوده است. ما به حلقه دادگستری، پلیس و زندان اعتقاد داریم، اما این حلقه بر یک اساس^۱ و بنیان است که این اساس امروز عوض شده است. در عدالت ترمیمی قرار نیست که با افراد تنبیهی و تحقیری برخورد کنیم حتی اگر طرف مقابل اراذل و اوباش باشد، چه اینکه عدالت حتی در مورد مجرمان شمولیت دارد و این از افتخارات آموزه‌های قرآنی و علوی است. باید بررسی شود که محتوا چه بوده تا فرم آن را بنابر شرایط عصر حاضر طراحی کنیم موضوع فرم و محتوا خیلی مهم است و به دلیل آنکه این موضوع را به درستی ادراک نکرده‌ایم در کار پلیس دچار مشکل می‌شویم.

باید بدانیم محتوای کار پلیس چیست و به شناخت فرم آن اکتفا نکنیم، زیرا فرم بنابر اقتضائات فرق می‌کند. ما به مدیریت اقتضایی در همه چیز از جمله در پلیس معتقدیم. اقتضا براساس محتوایی است که تغییر نمی‌یابد یعنی نیاز به امنیت محتوای کار پلیس و یک نیاز همیشگی است. اما اینکه این امنیت چگونه اعمال شود و با چه ابزاری به آن برسیم به شرایط و مقتضیات زمان بستگی دارد.

۲-۶ تعیین راهبرد

در طول تاریخ شاهدیم که در ایران نگاه فیلسوفانه به امنیت نشده است. با توجه به نظریه چندلر که ساختار مبتنی بر استراتژی است، شاهدیم که برای پلیس، هنوز استراتژی تعریف نشده و دکتترین و آموزه انتظامی نداریم. در پنجاه سال اخیر که تغییر، شاخصه محیط اطراف ماست باید با توجه به آن استراتژی داشته باشیم. استراتژی در محیط متغیر لازم است نه در محیط ثابت. لذا برای تدوین استراتژی باید کارشناسی شده و معیارهای شناخت محیط و شناخت پلیس از محیط اطراف خود همراه با شناخت محیط داخلی (سازمان) شکل گیرد. در این زمینه موفقیت ما به میزان آگاهی و شناخت افراد از سازمان خودشان و محیط بستگی دارد. یکی از چالش‌های کنونی نیروی انتظامی، عدم شناخت محیط داخل سازمان توسط کارکنان است و این ناآگاهی در سطح افسران جزء بیش از سایرین است.

امروزه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ دنیا را متحول کرده و ما باید به‌سمت استفاده از پلیس الکترونیک^۲ و پلیس مجازی^۳ برویم. خیلی از خدماتی را که هنوز موارد آن مشخص نشده می‌توان واگذار کرد تا پلیس براساس این استراتژی‌ها و دکترین‌ها وارد عمل شود.

۳-۶ شناخت ابعاد مختلف سازمان پلیس

ضمن تأکید بر تخصصی شدن پلیس باید اعتراف کنیم هنوز ابعاد آن برای ما به‌طور کافی و جامع شناخته شده نیست. مثلاً در زمان رضاخان پلیس سیاسی بوده که اکنون به وزارت اطلاعات تغییر نام یافته است، ولی محتوا همان پلیس سیاسی است فقط فرم آن عوض شده و به وزارت اطلاعات تغییر نام یافته است. یا پلیس مالی که بیشتر کارهای آن در دست گمرک است، اما گمرک ما پلیس مالیه نیست. ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز داریم که به نوعی کار پلیس اقتصادی و گمرک را انجام می‌دهد.

در برخی کشورها نام گمرک که برده می‌شود حساب خاصی از آن می‌برند پلیس گمرک در اکثر کشورها به مسائل مالی افراد و شرکت‌ها رسیدگی می‌کند. در ادغام نیروهای انتظامی ساختارها قطعه‌قطعه شده که برخی از قطعه‌های آن مفقود و به‌صورت علمی در درون نیروی انتظامی جای نگرفته است. از این‌رو ساختار دچار مشکل شده است. ما به‌دلیل آنکه یک بازنگری جامع روی نقش پلیس نداشته‌ایم عملاً اشکالات ساختاری به‌خوبی شناسایی نشده و قسمت‌های مفقوده در حال حاضر در ساختار پلیس وجود دارد. به‌همین دلیل تعارض غیرکارکردی در کارها وجود دارد.

برعکس آن، پلیس محیط زیست، ساختمان یا پلیس آب هیچ ارتباطی به نیروی انتظامی ندارد. پلیس مفهومی دارد که باید محتوای آن را در نظر بگیریم. پلیس یعنی نظمیه و امنیه که به‌صورت دقیق در ادبیات پلیسی کشور ما وجود دارد.

موضوع دیگر اینکه نظم و انضباط یک امر نسبی است ما به‌دلیل آنکه در بخش فرم و محتوا به آگاهی نرسیدیم، دچار افراط و تفریط شده و در هر دوره فرماندهی موضوع خاصی اولویت پیدا کرده است. بدون آنکه واقعاً کارشناسی عمیق انجام شده باشد.

1. Information and Communications Technology

2. EPOL

3. Cyberpol

یکی از نقش‌های مهم فرمانده و مدیر یکسان دیدن زیردست‌هاست که با همه باید برابر برخورد کند. نقش مربی‌گری نیز برای فرمانده ضروری است، اگر فرمانده مربی نباشد سیستم افت می‌کند و افراد بی‌انگیزه می‌شوند. نقش دیگر فرماندهی نقش پدری است. به فرمایش حکیمانه مقام معظم رهبری «فرمانده باید بر قلوب حکومت کند و در پلیس و نیروی انتظامی ما این یک ضرورت حیاتی است».

فرمانده کسی است که ایده می‌دهد و سیستم را به حرکت درمی‌آورد و با داستان دیگران کار می‌کند. فکر و اندیشه فرمانده باید مشکلات بزرگ را برطرف کند. ما امروز مدل امنیت شبکه‌ای داریم، ولی معادلی برای آن در ایران نداریم و نمی‌توانیم توضیح صحیحی در مورد آن بدهیم. امروزه ادبیات توانمندسازی مردم برای امنیت محله‌ای و در راستای پلیس جامعه‌محور مطرح است که در ساختار پلیس ایران یک کاستی آشکار تلقی می‌شود.

اینکه می‌گوییم نگاه ما به مدیریت، از نوع مشارکتی باشد، بدین علت است که این نوع مدیریت بخشی از بحث توانمندسازی است و توانمندسازی یک الگو است. اگر هدف توانمندسازی مردم بود نگاه‌ها به پلیس عوض می‌شد. پلیس زمانی موفق است که سراغ مردم برود، لذا امروزه ما شاهدیم که در غرب به پلیس محله‌محور و جامعه‌محور رسیده‌اند. در لندن پلیس محله با مردم در پارک می‌نشیند و چای می‌خورد و هم‌صحبت می‌شود. این در حالی است که در آموزه‌های اسلامی، مردمی بودن و در میان مردم بودن یک اصل اساسی است که در سیره درخشان پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین علیهم‌السلام مشهود است. امروزه مدل به نام سلامت اجتماعی یک مدل جدید است.

پلیس ایران چقدر به سلامت اجتماعی حساسیت دارد و چند نفر در نیروی انتظامی ایران سلامت اجتماعی را می‌شناسند؟ پلیس امروز ما با پلیس پنجاه سال پیش و با پلیس اول انقلاب باید فرق کند و متناسب با مقتضیات زمان و مکان، خود را توانمند و چابک و انعطاف‌پذیر کند.

امروزه ما باید از توانمندی‌های الکترونیکی و مدرن استفاده کنیم. نظم و انضباط صحیح است که باعث می‌شود نیروی انتظامی به‌عنوان یک سازمان منعطف مطرح شود. این یکی از شاخه‌های استراتژی است. نظم و انضباط بنیاد و رکن اساسی پلیس کارآمد و اثربخش است و هنوز پلیس ما با آن فاصله دارد.

اگر امروزه نظریه رهبری را بپذیریم، باید در نیروی انتظامی وقت برای نخبه‌شناسی بگذاریم، کاری که الان نمی‌کنیم. امروزه در دانشکده‌ها (دانشکده‌های نظامی) دنبال آن نیستند که نخبه را پیدا کنند و پرورش دهند. دانشکده‌های دیگر این کار را می‌کنند.

نکته اساسی و مهم دیگر موضوع تناسب شغل و شاغل است که هرکس براساس تخصص خود در شغل مورد نظر منصوب شود که این موضوع در نیروی انتظامی رعایت نمی‌شود. گاهی اوقات ما از تجارب خارجی‌ان هم باید استفاده کنیم. در برخی کشورها شاهد آن هستیم که مثلاً یک فرد نظامی حدود بیست سال در یک درجه می‌ماند و خدمت می‌کند و ناراضی نیست، اما در ایران این‌گونه نیست. همبستگی سازمانی در نظام‌های اداری و همچنین در پلیس ایران ضعیف است. مثلاً فردی که از هر لحاظ با استانداردهای ما مطابقت ندارد به استخدام درمی‌آید که پس از اخراج شاهدیم مجدداً او با رجوع به دیوان عدالت اداری به خدمت درمی‌آید. یعنی ما در جذب و استخدام داوطلبان به لحاظ کاهش انگیزه، شایستگان را جذب نمی‌کنیم و این یک چالش بزرگ برای آینده کشور در راستای چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی است.

در سال‌های اخیر آفت بدی که در نیروهای مسلح پدید آمده این است که افراد هم‌زمان با درجات نظامی، خواهان داشتن مدرک دکترا هستند و دکتر بودن را بر درجه نظامی ترجیح می‌دهند. در نیروی انتظامی هم این آفت به‌طور جدی بروز و ظهور پیدا کرده است، البته تحصیلات در سطح دکتری هم متناسب با نیاز سازمان و شایستگی افراد ضروری است. که علاوه بر افراد، سازمان نیز منتفع شود.

درخصوص تربیت پلیس متخصص باید گفت به دلیل نبود تناسب شغل و شاغل عملاً افراد علی‌رغم میل خودشان در جایگاهی که نباید قرار می‌گیرند که این باعث زیر سؤال رفتن بحث تخصص و تربیت پلیس می‌شود. باید سؤال شود که آیا علاقه‌ای به فلان رشته خدمتی دارد یا خیر؟

کاستی و ضعف دیگر در نیروی انتظامی و پلیس فقدان اتاق فکر است که در سایر نیروهای مسلح نیز چنین است. لذا باید دو کار انجام گیرد:

- ایجاد اتاق فکر،

- برگزاری بحث‌های آینده‌پژوهی و روندکاوی.

برای رشد خلاقیت و نوآوری باید از کسانی که مشکلات یا معایب را می‌بینند استقبال شود. امروزه باید کسی را که فکر تازه‌ای دارد تشویق کرد و درجه هم داد. این موضوع باید تبدیل به فرهنگ شود. براساس آموزه‌های دینی و فقهی، اگر عالمی اظهار نظر علمی نکند و دانش خود را کتمان کند باید به خداوند پاسخ‌گو باشد.

سیستم را به گونه‌ای باید سازمان‌دهی کرد که نسل بعدی شکرگزار پدران خود باشند. در نیروهای مسلح حلقه‌ای متشکل از آینده‌کاوی، آینده‌پژوهی و آینده‌یابی باید ایجاد شود و هزینه شود. اینها چیزهایی است که مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده و هست و در پلیس باید مورد توجه جدی قرار گیرد. ستاد بزرگ، فربه و سنگین امروزه نیروی انتظامی کاملاً اشتباه بوده و ادغام باعث ایجاد این مشکل شده است.

از پیش‌نیازهایی که برای ایجاد پلیس تخصصی قابل توجه است تربیت و آموزش تخصصی است. با توجه به تحولات ساختار دانشگاه علوم انتظامی طی ۱۰ سال اخیر، گام‌های بلندی در این راستا برداشته شده است، هرچند که اشکالاتی وارد است. اما جهت‌گیری مناسب با همین رویکرد بوده است. با نهادینه کردن آن راه را می‌توان هموار و اشکالات را رفع کرد و رشته‌های تخصصی پلیسی را طراحی و واقعاً دانشگاه علوم پلیسی پدید آورد.

دقت در ساختار سازمانی نیروی انتظامی بیانگر این واقعیت است که بلندی ساختار لجام گسیخته سازمانی به صورت عمودی و افقی باعث ناکارآمد بودن ساختار پلیس شده است که آن را باید اصلاح کرد. داشتن یک فرمانده برای پلیس‌های مختلف خود چالش بزرگی است و در مقام عمل فرمانده ناکارآمد، زمین‌گیر و فرسوده می‌شود. تجارب فرماندهان نیروی انتظامی پس از ادغام خود گویای این واقعیت است، زیرا آنان به لحاظ گستردگی عمودی و افقی سازمان هم‌زمان با حدود هشتاد تا نود رده مدیریتی ارتباط داشته و در اجرای مأموریت‌ها علی‌رغم داشتن جانشین، معاون هماهنگ‌کننده و جانشین معاون هماهنگ‌کننده دچار مشکلات عدیده‌ای به لحاظ گستردگی و حجم فراوان ساختار و مأموریت‌ها بوده‌اند.

ایران دارای تجارب ارزشمندی در حوزه ادبیات پلیسی است و تجربیات پلیس کشورهای توسعه‌یافته هم به عنوان ادبیات پلیسی ترجمه شده است، باید متناسب با

شرایط فرهنگی و اجتماعی و نظام سیاسی ساختار را به‌روز نماییم تا بتوانیم کارآمدی، اثربخشی و بهره‌وری را در نیروی انتظامی ارتقا دهیم و برای شهروندان احساس امنیت به‌وجود آوریم.

با توجه به سرسام‌آور بودن هزینه‌های پلیس و جذب نیروهای انسانی فراوان چهار راهکار ازسوی نظریه‌پردازان امور پلیس برای رفع هزینه‌های سنگین و افزایش کارآمدی پلیس عنوان شده است که عبارت‌اند از:

- استفاده از غیرنظامیان در درون نیروهای پلیس متناسب با اقتضائات و ضرورت‌ها،
- حمایت‌های دولتی با ایجاد یگان‌های تخصصی که اغلب از غیرنظامیان تشکیل می‌شود مثل پلیس + ۱۰ در ایران،
- از میان برداشتن کارهایی که ظاهراً پلیسی است، ولی ضرورتاً پلیس نباید در آن وارد شود مثل زندانبان‌ها یا مأموران بازرسی - امنیتی عمومی، اینها می‌تواند به بخش‌هایی واگذار شود. یا مثل مأموران که در بیمارستان‌ها حضور دارند می‌توان با سازمان‌دهی آن کارها را واگذار کرد و اضافه کردن کارهایی که پلیسی است، ولی از پلیس جدا شده است،
- تأمین هزینه برای برخی خدمات پلیسی توسط ارباب‌رجوع که در کشور ما برخی زمینه‌های آن وجود دارد.

- برای ارتقای بهره‌وری در پلیس و جلب مشارکت مردمی که ضامن موفقیت پلیس است. نظریه‌پردازان بزرگ امور پلیسی و مبارزه با جرائم اعتقاد دارند برای جلوگیری از جرائم و کارآمد شدن پلیس سه اصل یا اقدام بزرگ را باید جامه عمل بپوشانیم:
- نظارت بر همسایگان و رفتارهای آنان به‌عنوان یک مسئولیت مهم اجتماعی که این در قالب پلیس محله قابل اجراست.

- عملیات شناسایی که هم پلیس و هم شهروندان می‌تواند مکمل هم باشند، اما پلیس بیشتر در این زمینه باید به‌عنوان پلیس متخصص وارد شود.
- تحقیقات امنیتی که در حیطه وظایف مأموران پلیس است.

نکته شایان توجه این است که مدیریت تحول در ساختار نیروی انتظامی آن نیست که بخواهیم سلسله‌مراتب را از بین ببریم، اینکه بین مدیریت و عوامل تحت امر آن فاصله وجود دارد از بدیهیات است و این ارتباطات جزء ضروریات است.

آنچه که مدنظر است بلندی ساختار و سلسله‌مراتبی است که از رأس سازمان به کف سازمان می‌رسد (رده‌های عملیاتی). این وضعیت یعنی طولانی شدن کار در سیستم، فرقی ندارد که در یک سازمان نظامی یا غیرنظامی باشد. اگر از حدی بیشتر باشد باعث کندی کار می‌شود که نیروی انتظامی کنونی مبتلا به این بیماری ساختاری است.

سلسله‌مراتب طولانی در هر سازمانی ضمن آنکه باعث کندی کار می‌شود باعث طولانی شدن ارتباطات هم می‌گردد.

در سیستم‌های متمرکز زمانی که ارتباطات از بالا به پایین است، تفویض اختیار به افراد صورت نمی‌گیرد و اختیارات در زمینه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در رده بالای سازمان متمرکز می‌شود و رده‌های پایین باید با آن رده در ارتباط باشند تا اجازه لازم را اخذ کنند. لذا، بلندی ساخت سازمانی و طویل بودن آن به‌طور مضاعف کار را کند می‌کند. در این راستا بهترین حالت سطوح سلسله‌مراتب سطحی، هفت سطح است. پس با بررسی ساختار می‌توان آن (سلسله‌مراتب) را عقلایی و گسترده‌گی طولانی در طول و عرض را مناسب کرد. اگر در طول گسترده باشد زمان‌بر و هزینه‌بر بودن آن مطرح است و اگر در عرض گسترده شود حیطه نظارت مطرح می‌شود. وقتی سیستم متمرکز و از بالا به پایین است جایی برای تعامل مشارکتی وجود ندارد، مگر آنکه سیستم را ارگانیک و اختیارات را تفویض کنیم.

امروزه پیش‌تاز بودن مدیر نسبت به جامعه، یعنی نیاز به واکنش سریع لازم و ضروری است و سلسله‌مراتب طولانی و عدم تفویض اختیار مانع این قضیه می‌شود. این مسئله در بحران‌ها باعث کندی می‌شود. در نیروی انتظامی این آسیب واقعاً عینی است.

وقتی که موضوع پلیس تخصصی یا جذب و استخدام پلیس را بررسی می‌کنیم شاهد آن هستیم که بوروکراسی سنتی تمایل به حرکت در راستای قواره‌بندی دارد و یک قواره را مثل انگیزش برای ارتقا که ممکن است در یک پلیس خاص طراحی شده و کاربرد داشته باشد را توسعه و تعمیم می‌دهد. پلیس‌های متفاوت متناسب با شرایط خودشان، سیستم رشد، آموزش و انگیزش را می‌توانند تدوین کنند که این متناسب با اهداف هر بخش خواهد بود. در مورد موضوع همبستگی یا احساس تعهد به سازمان نیز باید گفت عواملی باعث ایجاد تعهد می‌شود. از جمله تأمین نیازهای کارکنان که در این صورت تعهد کارکنان به سازمان و اهدافش بیشتر می‌شود. اما در ساختارهای بلند

حداقل با توجه به کارکنان فعلی و شرایط موجود احساس بیگانگی در افراد به وجود می‌آید و بدین علت همبستگی سازمانی یا تعهد سازمانی کم می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که فرایند تحولات سازمان‌ها دارای سه دوره متفاوت بوده است:

- بوروکراسی که منطقی برای عقلانیت در ساختارهای سازمان‌های مدیریتی بود،

- تخصصی‌سازی،

- حاکمیت تصدیگری.

برخلاف تصورات عامه که معتقدند بلای نظام اداری ما بوروکراسی است، برخی صاحب‌نظران می‌گویند که بلای کشور فقدان بوروکراسی است. یعنی بوروکراسی به معنای علمی اصلاً در کشور ما شکل نگرفته است.

واقعیت آن است که در حال حاضر الگویی که برای کوچک‌سازی، خصوصی‌سازی و واگذاری مسئولیت‌ها در غرب وجود دارد برای ما خیلی زود است. بدان دلیل که ما حلقه واسط را نمی‌بینیم، در غرب یک دوره بوروکراسی را تا مرز اشباع تجربه کرده‌اند، و الان توانسته‌اند به اشکالات بوروکراسی پی ببرند و بدین نتیجه برسند که به صورت اقتضایی از بوروکراسی استفاده کنند، اما ما هنوز بوروکراسی به معنای واقعی نداریم تا آن را آسیب‌شناسی کنیم. پس نیاز است که یک بوروکراسی مطلوب و قابل قبول را به‌ویژه در بحث امنیتی - انتظامی ایجاد کنیم بعد عیوب آن را پیدا کرده و سیاست‌های اصلاحی خود را روی آن اعمال نماییم. یکی دیگر از آسیب‌ها و نقص‌های موجود در پلیس بحث تفویض اختیار است. مشکل بوروکراسی ما در نیروی انتظامی بیش از آنچه که ماتریسی باشد (از لحاظ طول و عرض، حوزه‌های فراوانی دارد) بحث تفویض اختیار است.

موضوع واگذاری و تفویض اختیار و نقطه مقابل آن تقویت سازوکارهای کنترلی و نظارتی و توانمندسازی کارکنان می‌تواند خیلی از مشکلات سلسله‌مراتبی را حل کند.

از دیگر پیامدهای منفی ساختار یکپارچه و غیرتخصصی نیروی انتظامی، تأثیرگذاری آن بر جذب نیروهای شایسته است. داوطلبان برای ورود به نیروی انتظامی دچار نوعی ابهام و سردرگمی درخصوص مأموریت، تخصص، منطقه جغرافیایی، نوع رنگ لباس و ... هستند. به عبارتی حق انتخاب علاقه‌مندان از آنان در مقام عمل سلب می‌شود و با انگیزه صحیح وارد نیروی انتظامی نمی‌شوند. در نتیجه در زمان خدمت

دچار چالش‌های فراوانی در رابطه با رسته، جغرافیای محل خدمت، رنگ لباس و هویت سازمانی می‌شوند که مجموع آنها زمینه‌ساز اختلال انگیزش خدمتی می‌شود.

۷ راهکارهای چابک‌سازی پلیس ۱۴۰۴

- ساختار سازمانی نیروی انتظامی کشور و تشکیلات اداری آن باید یک تشکیلات منظم و منطقی و عقلایی و بوروکراسی به معنای مطلوب خود باشد و چندین‌گونه پلیس تخصصی و متفاوت تشکیل شود تا مدیریت و فرماندهی بر آن روان‌تر گردد و پاسخ‌گوی نیازهای امنیتی و انتظامی ایران ۱۴۰۴ باشد.

- تعداد سطوح مدیریتی را در عمق یا در عرض کاهش داده و با تفویض اختیار منطقی و عقلایی، مشکل را کاهش داده، تا فرمانده و مدیران فرصت تدبیر و اندیشیدن پیدا کنند.

- ترمیم و تکمیل تفویض اختیار با نظام‌های کنترلی منطقی که خود تنظیم‌کننده سلامتی نظام است انجام پذیرد.

- کاهش و کاستن از عرصه‌هایی که پلیس به‌راحتی می‌تواند بدون کوچک‌ترین خدشه‌ای به امنیت، به واگذاری آن پرداخته و حجم کار خود را سبک کند.

- پلیس در آموزش‌ها، در سخت‌افزار و نرم‌افزار حداقل بین ۱۰ تا ۲۰ درصد از نرم میانگین جامعه بالاتر قرار گیرد. زیرا همواره مجرمان و قانون‌شکنان یک گام از پلیس جلوتر هستند.

- به‌غیر از کوچک‌سازی ستادها و اصلاح ساختاری از راهکارهای مهمی که می‌تواند سیستم را سبک و چابک کند، ویژگی‌های نیروهای ستادی است یعنی نیروهایی که شایستگی ستادی بودن را داشته باشند. بدین معنی که ستاد هیچ‌وقت نباید از مرکز آموزش سهمیه بگیرد، بلکه باید از رده‌های اجرایی نیروهای خود را تأمین کند نیروهایی که در تمام قسمت‌ها خدمت کرده و دارای تجارب ارزشمند و توانمندی‌های اجرایی شده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده واقعیت این است که ساختار سازمانی نیروی انتظامی در شرایط کنونی توسعه نیافته و متناسب با نیازهای عصر حاضر نیست. در مقام عمل نیروی انتظامی دارای ساختاری فربه، کند و غیرچابک است که عوارضی نظیر سوءمدیریت، عدم

کارآمدی و عدم پاسخ‌گویی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین به‌منظور بهینه‌سازی ساختار سازمانی نیروی انتظامی و پلیس جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۴ در جهت تخصصی شدن آن و ارتقای بهره‌وری پیشنهاد می‌شود کمیسیون و کارگروهی برای بهینه‌سازی ساختار سازمانی ناجا در ستاد کل نیروهای مسلح متشکل از نمایندگان نیروی انتظامی، وزارت کشور، ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع، قوه قضائیه و وزارت دادگستری و تعدادی از کارشناسان مجرب ساختار سازمانی نیروهای پلیس تشکیل شود و طی مدت زمان معینی ساختار بهینه‌ای را برای نیروی انتظامی کشور طراحی و سازمان‌دهی نمایند تا ساختار مطلوب مزبور پاسخ‌گوی نیازهای جمهوری اسلامی ایران در ۱۴۰۴ باشد.

در پایان ذکر این نکته شایان توجه است که مجموعه مباحث حاضر عمدتاً تأکید بر مسئله‌شناسی و بیان مسئله بر محوریت ساختار سازمانی نیروی انتظامی داشته و مقوله ارائه الگو و مدل ساختار سازمانی علمی و منطقی برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران متناسب با سازمان‌های نوین عصر اطلاعات در چارچوب ایران سال ۱۴۰۴ هجری شمسی ضرورتی عاجل دارد.

منابع و مأخذ

- رابینز، استیفن پی (۱۳۷۸). *رفتار سازمانی*، ترجمه پارسائیان و اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رستمی، عبدالرضا (۱۳۸۵). «پلیس سنگاپور»، دو ماهنامه توسعه/انسانی پلیس، شماره ۷.
- رضائیان، علی (۱۳۷۴). *اصول و مبانی مدیریت*، تهران، انتشارات سمت.
- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هـ. ش، جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- مجیدی، عبدا... و دیگران (۱۳۸۴). *آشنایی با ساختار و مقررات/استخدامی ناجا*، انتشارات جهان جام‌جم.
- وندال فرج و سیسل اج بل (۱۳۸۰). *مدیریت تحول در سازمان*، ترجمه سیدمهدی الوانی، تهران، انتشارات صفار - اشراقی.
- Cash James, I and et. al. (1994). *Building the Information, Age, Organization Structure, Control, and Information Technology*, Irwin.
- Jaffee, David (2001). *Organization Theory: Tension and Chang*, MC Graw- hill.

پلیس چابک و متغیرهای تأثیرگذار در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

محمدحسین دیده‌گاه*

علی اصغر جم‌راسی**

مقدمه

امروزه منابع انسانی با ارزش‌ترین عامل برای تولید و ارائه خدمات به جامعه و شهروندان محسوب می‌شود، بنابراین یکی از مهم‌ترین عناصر افزایش بهره‌وری و برنامه‌ریزی‌های سازمانی، برنامه‌ریزی منابع انسانی است. عامل مهم برای وجود برنامه‌ریزی منابع انسانی، برنامه‌ریزی جهت نیل به نیازهای مهارتی، آموزشی و در نهایت بهسازی منابع انسانی است. در شرایط فعلی مؤثرترین راه دستیابی به بهره‌وری، چابک‌سازی (درون‌سازمانی و برون‌سازمانی) است. از طریق بهبود و توانمندسازی کارکنان سازمان‌ها که در راستای توسعه منابع انسانی اهمیت دارد می‌توان به چابکی سازمان کمک کرد. این امر به تنهایی با بهبود منابع انسانی، آموزش‌های فنی و تخصصی حاصل نمی‌شود، بلکه با توسعه کارکنان سازمان که از وظایف مهم، مدیریت استراتژیک و در قلمرو مدیریت منابع انسانی است امکان‌پذیر است. با توجه به اینکه منابع انسانی، منبع استراتژیک برای سازمان‌ها محسوب می‌شود، جزء مهم و لاینفک مباحث برنامه‌ریزی استراتژیک به‌شمار می‌رود و اکثر برنامه‌ریزی‌های سازمانی و منابع انسانی ماهیت راهبردی دارند. روند تغییرات و دگرگونی‌های تکنولوژیک، اجتماعی و اقتصادی در محیط داخلی و خارجی سازمان‌ها از عمده‌ترین عواملی است که موجب نگرش جدید در برنامه‌ریزی استراتژیک منابع انسانی شده است که مهم‌ترین رکن آن را دانایی‌محوری تشکیل می‌دهد (پاتریک، ۱۳۷۶: ۱۷).

* معاون دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور؛
E-mail: didgahh@yahoo.com

** پژوهشگر (پاره‌وقت) دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
E-mail: a.jamrasi@yahoo.com

اگر سازمان‌ها می‌خواهند همسو با این تغییرات باشند باید نگرش جامع و راهبردی داشته و الزامات گوناگونی را مدنظر قرار دهند. در عصر حاضر، اساسی‌ترین منبع رقابتی سازمان‌ها، منابع انسانی کارآمد، متخصص و چابک است. درعین حال، بسیاری از سازمان‌ها فاقد تخصص و مهارت لازم هستند که بتوانند به‌طور مؤثر برنامه‌های استراتژیک منابع انسانی را تهیه کنند. چابکی درواقع برای مهندسی مؤسسات پلیسی یک پارادایم جدید است.

نیاز به این پارادایم جدید، مبتنی بر افزایش میزان تغییر در محیط یا به عبارت دیگر افزایش درصد، میزان جرم و جنایت و ناامنی در جامعه است، که مؤسسات و سازمان‌های امنیتی و پلیسی را وادار به پاسخ‌پیش‌کنشی به تغییرات می‌کند. افراد جامعه و شهروندان خواهان برخورداری از آسایش و امنیت متناسب با محیط خود هستند. مدیریت چابک به دنبال دسترسی به این امر مهم و موفقیت در انجام مأموریت محوله است. مدیریت چابک‌سازی پلیس، مدیریتی است که دیدگاه وسیعی در مورد نظم و آسایش جامعه داشته و با توانایی‌ها و توانمندی‌های محدود خود به مقابله با آشفتگی‌ها و تهدیدات می‌پردازد.

۱ فرایند مدیریت استراتژیک در چابک‌سازی سازمان

۱-۱ مدیریت استراتژیک^۱

مدیریت استراتژیک مترادف با واژه مدیریت عالی مؤسسات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است. ورتمن مدیریت استراتژیک را به‌عنوان یک برنامه تغییر سازمانی که هدف آن تغییر دیدگاه‌ها و رفتار مدیریت در سراسر سازمان است تلقی می‌کند (هریسون و کارون، ۱۳۷۸: ۱۱۸). ویلن و هانگر^۲ در تعریف مدیریت استراتژیک به مجموعه تصمیمات و اقداماتی که عملکرد بلندمدت شرکت را مشخص می‌کند تأکید می‌کنند.

پرفسور فرد دیوید^۳ استاد دانشگاه می.سی.سی. پی مدیریت استراتژیک را بدین ترتیب تعریف می‌کند:

1. Strategic Managemrnt

2. Wheeln and Hunger

3. Fred David

«مدیریت استراتژیک عبارت است از تحت نظم درآوردن (فرموله کردن) به اجرا درآوردن و ارزیابی کردن کلیه اقدامات و عملیاتی که سازمان را قادر می‌سازد تا آینده را دقیق‌تر و روشن‌تر ترسیم نموده، اهداف خویش را تحقق بخشد».

«مدیریت استراتژیک با تفحص و شناخت نقاط ضعف، نقاط برجسته، تهدیدها و فرصت‌های دستگاه سروکار دارد» (آهن‌چی، ۱۳۶۶: ۲۸).

در این نوشتار منظور، از مدیریت استراتژیک تصمیمات و برنامه‌های فردی یا گروهی از رهبران و فرماندهان یا استراتژیست‌های نظامی و انتظامی است که در رأس هرم قدرت، قرار دارند و به‌عنوان تصمیم‌گیر، اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت یک سازمان یا ارگان ملی را فرموله، آینده‌نگری و طرح‌ریزی می‌کنند، بنابراین مدیریت استراتژیک، یک رشته تصمیم‌ها و کارهایی است که به تهیه و اجرای برنامه‌هایی برای دستیابی به اهداف ملی یک کشور در بعد خاصی می‌انجامد (جافر، ۱۳۷۳: ۲۲۱).

۲-۱ تفکر استراتژیک

از دیدگاه ماهوی تفکر استراتژیک، بصیرت و فهم است. این بصیرت کمک می‌کند تا در شرایط پیچیده و بحرانی:

۱. واقعیت‌ها و توانمندی‌های داخلی واحدها و سازمان‌ها مورد شناسایی قرار گیرد.
 ۲. خصوصیات و استعدادهای هدف مورد نظر سریع‌تر کشف شود.
 ۳. جهش‌ها و افت‌وخیزهای امور درک شود.
 ۴. به‌منظور پاسخ‌گویی به این شرایط و موقعیت راهکارهای بدیع و ارزشمند ارائه شود.
- تفکر استراتژیک یک مدیر را قادر می‌سازد تا بفهمد چه عواملی در دستیابی به اهداف مورد نظر مؤثر است و کدام یک مؤثر نیست؟
- کن ایچی اومی^۱ در کتاب معروف خود با عنوان تفکر یک / استراتژیست چنین اظهار می‌دارد: «اگر موضوعات اساسی را تشخیص ندهید، هر قدر به‌خود و کارمندان فشار روحی و فیزیکی وارد کنید، سرانجام نتیجه‌ای جز سردرگمی و شکست حاصل نخواهد شد» (ایچی اومی، ۱۳۷۱: ۲۹).

آنتونی سن اکسوپری^۱ عقیده دارد: «اگر می‌خواهید کشتی بسازید لازم نیست مردم را فراخوانید و برای هرکس وظیفه‌ای مشخص کنید، بلکه کافی است به آنان عظمت بی‌پایان دریا را نشان دهید» (Marchesnay, 1993: 99).

هنری مینتزبرگ تفکر استراتژیک را یک نمای یکپارچه از کسب‌وکار در ذهن می‌داند. گری هامل آن را معماری هنرمندانه استراتژی بر مبنای یادگیری می‌شناسد (غفاریان و علی‌احمدی، ۱۳۸۱: ۳۸).

تفکر استراتژیک فرایندی دقیق و دشوار برای شناخت است، که با آن ابتدا واقعیت‌های حیاتی آینده متصور؛ سپس با رعایت حداکثر واقع‌گرایی و حساب احتمالات، به‌طور نظام‌مند اقدام به ایجاد الگوهایی می‌شود که حرکات شرایط و نتایج احتمالی خود در آینده را به تصویر درمی‌آورند. امروزه تقریباً تمامی سازمان‌های دولتی و غیردولتی در کشورهای توسعه‌یافته برای ارزیابی عملکرد گذشته، حال و سیاستگذاری آینده خود عمیقاً به تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک وابسته‌اند.

۳-۱ برنامه‌ریزی استراتژیک منابع انسانی

به عقیده دوچینزو و رابینز^۲ برنامه‌ریزی منابع انسانی فرایندی است که به‌وسیله آن سازمان معین می‌کند که برای نیل به اهداف خود به چه تعداد کارمند، با چه تخصص و مهارت‌هایی، برای چه مشاغلی و در چه زمانی نیاز دارد (فتحیان و گلچین‌پور، ۱۳۸۴: ۳۶). هدف برنامه‌ریزی منابع انسانی تجزیه و بررسی تعادل عرضه و تقاضا با یک روش ساختاریافته است. این امر با یک تصویر روشن و حرکتی سریع با توجه به آینده آغاز می‌شود و مقصود آن است که زمینه‌های عملی را به‌عنوان یک نتیجه، تجزیه و تحلیل کرد. در برنامه‌ریزی منابع انسانی به شناخت اعضا و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف روزمره و تغییراتی که ممکن است ظرفیت کار را در آینده و حجم فعالیت‌های تعهد شده را تغییر دهد نیازمندیم. این درک خوبی از استراتژی و برنامه‌های جزئی‌تر را دربرمی‌گیرد. بعد از آن، باید وضعیت عرضه نیروی انسانی را از نظر فهرست موجودی نیروی انسانی و نیازهای آنان که چقدر باید تغییر کند در نظر داشته باشیم. این موضوع

1. A.S.Exupery

2. Decenzo and Robbins

بیانگر آن است که سازمان‌ها نیاز به شناخت دقیق از اعضا، ویژگی‌ها و روابط بین آنان با سازمان دارند.

تصویربرداری از وضع موجود و تجزیه و تحلیل آن دو وظیفه اصلی هستند که باید تصویری مناسب و شایسته از منابع انسانی را نشان دهند. تصویربرداری از وضع موجود وظایف کارکنان براساس شرایط احراز و شرح شغل مشخص و سطح شایستگی آنان نیز از طریق شرایط احراز و مهارت‌ها و صلاحیتی معین می‌شود که از خود بروز می‌دهند. آنچه در وظیفه تجزیه و تحلیل مدنظر است الگوبرداری از روی بهترین‌هاست که موجب بهبود عملکرد از طریق شناسایی و به‌کارگیری بهترین مهارت‌هایی می‌شود که در زمینه توسعه منابع انسانی وجود دارد. هدف از الگوبرداری، یافتن نمونه‌هایی از عملکرد عالی و آگاهی یافتن از فرایندهای برنامه‌ریزی منابع انسانی است که سبب بروز عملکرد مورد نظر می‌شود. براساس ارزیابی صورت گرفته از منابع انسانی، تصمیم نهایی در مورد برنامه‌های مؤسسه اتخاذ می‌شود. به‌هرحال، گاهی سازگاری مقصد استراتژی و پیامدهای ارزیابی قبل از تصمیم نهایی مفید است، که در برنامه مؤسسه اتفاق می‌افتد. فرایند تصمیمات استراتژیک به‌عنوان چارچوبی برای توسعه برنامه‌ها به‌کار می‌رود. بخش منابع انسانی یک فرایند مدیریت و نقش مشاوره برای اطمینان از اجرای برنامه‌های منابع انسانی است. بخش منابع انسانی به طراحی فرایندها، اجرای چارچوب‌های زمانی، مسئولیت‌ها و بهبود روش‌شناسی کاری می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل الگوی حاضر و ابزارهای اندازه‌گیری آن، میزان نیاز به نیروی انسانی در برنامه‌ریزی منابع انسانی را مطرح می‌کند. برنامه باید قبل از اجرا به تصویب مدیریت برسد. به‌کارگیری ابزار اندازه‌گیری باید با همکاری مدیریت و با توجه به تغییر وظایف منابع انسانی اجرا شود. اجرای برنامه‌ریزی، تعیین عملکرد و شاخص‌های فعالیت و عوامل موفقیت در این مرحله موضوع‌های مهمی هستند. آخرین جزء الگو شامل نظارت بر پیشرفت‌ها و اعمال اصلاحی است. برنامه اجرایی باید به‌طور مستمر مطابق با طرح در جهت نیل به اعمال اصلاحی به‌کار رود تا جواب مناسبی برای سازمان به ارمغان آورد.

برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی برای برقراری اهداف منابع انسانی و توسعه استراتژی‌های منابع انسانی برای نیل به اهداف و سیاست‌ها از طریق بسیج، توسعه و نگهداری منابع انسانی است.

برنامه‌ریزی منابع انسانی به‌طور مستقیم با برنامه‌ریزی استراتژیک پیوند می‌یابد و مهم‌ترین عامل و ابزاری که اهداف و خط‌مشی‌های سازمانی را به اهداف و برنامه‌های منابع انسانی ارتباط می‌دهد؛ برنامه‌ریزی استراتژیک منابع انسانی است. از این‌رو، بین برنامه‌ریزی منابع انسانی و برنامه‌ریزی استراتژیک ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.^۱

۱-۴ چابک‌سازی سازمان یک فرایند استراتژیک

با عنایت به مباحث فوق یکی از مهم‌ترین عناصر افزایش بهره‌وری برنامه‌ریزی‌های سازمانی، برنامه‌ریزی منابع انسانی است. عاملی مهم برای برنامه‌ریزی منابع انسانی، برنامه‌ریزی جهت نیل به نیازهای مهارتی، آموزشی و در نهایت بهسازی منابع انسانی است. مؤثرترین راه دستیابی به بهره‌وری، در شرایط فعلی چابک‌سازی است. چابک‌سازی سازمان تلاشی است منظم، برای اتخاذ تصمیمات بنیادی و انجام اقدامات اساسی، که سرشت و سمت‌گیری فعالیت‌های یک نهاد یا سازمان را با جامعه پیرامونی در چارچوب قانونی شکل می‌دهد (برایسون، ۱۳۷۲: ۴۸).

چابک‌سازی سازمان ارتباطات و مشارکت را آسان کرده، علایق و ارزش‌های ناهم‌گرا را با یکدیگر همسو و منطبق ساخته و تصمیم‌گیری منظم و اجرای موفقیت‌آمیز را ترویج و تشویق خواهد کرد.

چابک‌سازی در بخش خصوصی در مؤسسات تولیدی؛ در بخش دولتی، برای مقاصد نظامی و اقدامات مربوط به هنر کشورداری؛ و در بخش امنیتی به نگرش عمیق و بنیادی نسبت به تقویت قدرت ملی به‌کار رفته است. حال اگر مدیریت استراتژیک را به‌عنوان تلاشی عقلایی برای دست یافتن به اهداف ملی بدانیم، آنگاه می‌توان نقش محوری «چابک‌سازی سازمان به معنای عام و چابک‌سازی پلیس به‌صورت خاص» را مورد مطالعه قرار دهیم. همان‌گونه که گفته شد، چابک‌سازی عبارت است از روش، شیوه و الگویی که نیل به اهداف سازمان را سرعت می‌بخشد و به‌تبع آن استراتژی به‌کارگیری تمامی امکانات لازم برای انجام موفقیت‌آمیز وظایف سازمانی قلمداد می‌شود. از این‌رو، چابک‌سازی فرایندی استراتژیک است که رسیدن به اهداف سازمان تسریع شده

1. Carter Mcnamarad

و ارائه خدمات به شهروندان و متقاضیان در زمان کمتری انجام می‌پذیرد. لذا برای چابکی چهار اصل زیربنایی معرفی شده که عبارت‌اند از:

- ارائه خدمات به شهروندان،
- آمادگی در رویارویی با تغییرات،
- ارزش قائل شدن برای مهارت‌ها و دانش انسانی،
- انجام عملیات و اقدامات در کوتاه‌ترین زمان ممکن (واکر، ۱۳۷۵: ۵).

۵-۱ تعاریف و مفاهیم چابکی

با توجه به جدید بودن بحث چابکی، تعریفی که مورد تأیید همگان باشد وجود ندارد. محققان بسیاری در این زمینه فعالیت و هرکدام تعاریف متعددی را ارائه کرده‌اند که در ذیل تعدادی از آنها آورده می‌شود:

- توانایی‌های تولیدکننده برای واکنش سریع به تغییرات ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی،
 - قابلیت سازگاری و سریعاً شکل‌دهی مجدد،
 - بهره‌گیری از تغییرات به‌عنوان فرصت‌های ذاتی نهفته در محیط‌های آشفته،
 - ایجاد سازمان مجازی و استفاده از دانش جامعه و محیط،
 - توانایی پاسخ‌گویی مؤثر و کارآمد به شهروندان،
 - توانایی بقا و پیشرفت در محیطی با تغییرات مداوم و غیرقابل پیش‌بینی.
- بنابراین چابکی تلاش سازمان‌یافته و منظم برای ارائه خدمات اساسی و انجام اقدامات بنیادی است که جهت‌گیری فعالیت‌های یک سازمان با دیگر نهادها را در چارچوب قانونی شکل می‌دهند. چابک‌سازی در سازمان‌ها در قالب تولیدی و خدماتی انجام می‌گیرد که سریعاً در حال تغییراند (منوریان، ۱۳۶۹: ۶۷).
- با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت «چابکی توانایی یک سازمان برای درک تغییر محیطی و سپس پاسخ‌گویی سریع و کارآمد به آن تغییر است. این تغییر محیطی می‌تواند شامل تغییرات نرم یعنی (انسانی) و تغییرات سخت یعنی، تکنولوژیکی و تجهیزات و فناوری مدرن براساس نیاز جامعه و شهروندان باشد».
- از سال ۱۹۹۱ اصطلاح چابکی برای اولین بار به‌منظور توصیف ظرفیت لازم برای

تولید مدرن به کار گرفته شد. چابکی به معنای توانایی پاسخ‌گویی و واکنش سریع و موفقیت‌آمیز به تغییرات محیطی است. همانند تولیدکنندگان، سایر سازمان‌ها و مؤسسات ناچارند که برای رقابت در قرن بیست‌ویکم به دنبال چابکی باشند؛ زیرا سازمان‌های مدرن با فشار فزاینده‌ای جهت یافتن راه‌های جدید رقابت کارآمد در بازار پویای جهانی مواجه هستند (Manasi, 2002: 39). چابکی، توانایی سازمان برای عرضه محصولات و خدمات با کیفیت بالا را ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای اثربخشی سازمان می‌شود. بسیاری از سازمان‌ها به رویکردهایی چون سازمان مجازی و تیم مجازی روی می‌آورند تا چابکی سازمانی را بهبود داده و از لحاظ جهانی توسعه یابند. البته، گاهی چابکی ممکن است یکپارچه‌سازی فرایندها، اعضا و نیز ویژگی‌های سازمان با تکنولوژی‌های پیشرفته به نظر آید (Ambrose, 2004: 301).

لنگیال^۱ بیان می‌کند که چابکی توانایی یک بنگاه برای بقا و پیشرفت در یک محیط رقابتی است که تغییر در آن به صورت مداوم و پیش‌بینی نشده بوده و نیز پاسخ فوری به تغییرات سریع بازارها که ناشی از ارزش‌گذاری مشتری روی محصولات و خدمات است. چابکی به عنوان یک فلسفه تولیدی (نسل آینده سیستم‌های تولید) به سازمان‌هایی که در همه بخش‌های اقتصادی رقابت می‌کنند، خوشامد می‌گردد. چابک‌سازی سازمان برای درک و پیش‌بینی تغییرات محیط کسب‌وکار طراحی شده و در این راستا به ساختار بندی مجدد خود می‌پردازند. سه عامل اساسی باعث ایجاد، بقا و ارتقای چابکی سازمان‌ها خواهد بود که عبارت‌اند از: آگاهی، انعطاف‌پذیری و بهره‌وری (برایسون، ۱۳۷۲: ۴۸).

۱-۶ مدیریت چابک و ابعاد آن

مدیریتی است که در آن روش خدمات‌رسانی به شیوه‌ای است که می‌تواند خدمات گوناگون را براساس درخواست شهروندان از مناطق مختلف و در اسرع زمان ممکن، به موقع ارائه کند. با توجه به اصول هفت‌گانه مدیریت چابک و چالاک موارد زیر ضروری است:

– اهداف سریع‌الانتقال (اهداف دائماً در حال تغییرند)،

1. lengial

- استراتژی‌های چابک و سریع‌التغییر،
 - ساختار چابک و چالاک،
 - سیستم چابک و چالاک،
 - انتخاب و به‌کارگیری سیستم چابک و سریع‌الانتقال،
 - سبک و رفتار مدیریتی و عملیاتی چابک،
 - مهارت‌های چابک و سریع‌الانتقال.
- بنابراین چابکی توانایی سازمان برای ارائه خدمات با کیفیت بالا را ارتقا داده و در نتیجه عامل مهمی برای اثربخشی سازمان می‌شود (Gregory and Others, 2001: 121).

۱-۷ ابزارهای سازمان برای تحقق چابکی

۱-۷-۱ ساختار سازمانی

- ساختار سازمانی باید انعطاف‌پذیر باشد. در این مورد اقدامات زیر قابل انجام است:
- تقویت همکاری و مشارکت با سایر سازمان‌ها و مؤسسات دیگر،
 - بهبود انعطاف‌پذیری از طریق تمرکززدایی و اتخاذ ساختارهای منعطف،
 - ترویج فرهنگ تحول و نوگرایی.

۱-۷-۲ کارکنان

- در سازمان چابک که با تغییرات مداوم محیطی روبه‌رو است توانایی و انعطاف‌پذیری انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند، در این رابطه، اقدامات زیر مؤثرند:
- تمرکز بر فعالیت‌های گروهی و فرهنگ مشارکت،
 - تفویض اختیار به پرسنل سازمان،
 - تکیه بر آموزش به‌عنوان ابزار مهم،
 - تربیت و آموزش پرسنل در مهارت‌های مختلف.

۱-۷-۳ تکنولوژی

یک سیستم تولید چابک توانایی مقابله با تغییرات پیش‌بینی نشده را دارد. این تغییرات می‌تواند در مدل محصولات باشند. از این‌رو سیستم تولید چابک باید قابلیت تولید

- محصولات جدید را داشته باشد. اقدامات ذیل در این رابطه، حائز اهمیت است:
- سرمایه‌گذاری بر تکنولوژی‌های سخت‌افزاری مناسب و مدرن،
 - استفاده از سیستم‌های انعطاف‌پذیر تولید به منظور انطباق با تغییرات در ترکیب و نوع سفارش‌ها،
 - به کارگیری سیستم‌های انعطاف‌پذیری پشتیبانی تولید به منظور انطباق با شرایط متغیر سفارش‌ها،
 - پی‌ریزی یک سیستم تولید مجازی.

۴-۷-۱ تکنولوژی اطلاعات

یکی از تمایزات بین سیستم‌های چابک با سایر سیستم‌ها، بالا بودن محتوای اطلاعاتی است. همچنین چون حجم اطلاعات مبادله شده بین شرکت‌های همکار بالاست لزوم حفاظت از اطلاعات کلیدی هر سازمان را نمایان‌تر می‌سازد. بنابراین سازمان‌های چابک، نیازمند سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی پیشرفته و انعطاف‌پذیری بوده که هم جریان روان و مطمئن اطلاعات را با توجه به مشکلات تضمین کند و هم قابلیت انطباق با شرایط متغیر را داشته باشد. در این راستا اقدامات زیر توصیه می‌شود (پیرس و رابینسون، ۱۳۸۰: ۳۰۷):

- استفاده از استانداردها و پروتکل‌های مناسب در مبادله اطلاعات بین سازمانی،
- استفاده از سیستم‌ها و تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی مدرن برای ایجاد ارتباط مناسب و بهنگام در بین سازمان‌های همکار،
- یکپارچه‌سازی اجزای پراکنده شامل مشتریان، تأمین‌کنندگان و همکاران در سازمان‌های مجازی.

۵-۷-۱ نوآوری و خلاقیت

یک سازمان چابک به جای فروش محصول تولیدی خود باید راه‌حل‌های خود را به مشتریان عرضه کند. در واقع هدف نهایی تولید چابک، تحقق واقعی مفهوم سفارشی‌سازی و برآوردن نیازهای ویژه و متنوع تک‌تک مشتریان است. اقدام‌های ذیل می‌توانند کارا باشند:

- ایجاد فرهنگ تفکر و نواندیشی در سازمان،
 - سرمایه‌گذاری و تقدیر از ایده‌های نو،
 - ایجاد سازوکار ارتباط نزدیک با مشتریان و گردآوری مداوم نظرات آنان،
 - ایجاد بستر سخت‌افزاری لازم جهت پشتیبانی از مفهوم سفارشی‌سازی (خوش‌سیم)،
- (۱۳۸۶: ۱۸).

۶-۱-۷ دلایل نیاز به تشکیل سازمان (مجازی) چابک و اهداف آن

۱. کوتاه‌مدت بودن فرصت‌های عکس‌العمل و واکنش به تحرکات،
 ۲. عدم استفاده از تمامی قابلیت‌های مورد نیاز یک سازمان مستقل جهت ارائه سریع خدمات به جامعه،
 ۳. غیرقابل پیش‌بینی بودن تغییرات مداوم در سطح بازارها، درحالی‌که با ایجاد یک سازمان مجازی، ریسک در بین شرکت‌های همکار توزیع می‌شود و آسیب‌پذیری انفرادی آنها کاهش خواهد یافت،
 ۴. ایده اصلی تشکیل یک سازمان مجازی، بر بهره‌گیری از فرصت‌های فوری و کوتاه‌مدت بازار، از طریق ادغام قابلیت‌های محوری شرکت‌های مستقل از هم، استوار است.
- برخی ویژگی‌های این سازمان‌ها به شرح زیر است:
- مبتنی بر اطلاعات،
 - غیرمتمرکز است. ولی از نظر فناوری شدیداً متمرکز عمل می‌کند،
 - تمرکز فعالیت‌های سازمان مجازی حول شایستگی‌های منحصربه‌فرد آن است،
 - انعطاف‌پذیر، چابک و سریعاً قابل انطباق است،
 - سرمایه‌گذاری‌های آن بهینه بوده و هزینه‌های سربار در آن حذف می‌شود،
 - خلاق، پویا، سازگار و همراه با ساختاری مجازی مبتنی بر کار گروهی است،
 - تمرکز بر قابلیت‌های کلیدی سازمان‌های همکار،
 - پروژه‌ای بودن این سازمان‌ها و وفق برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت آنها،
 - منحل شدن این سازمان‌ها در صورت کاهش سودهای حاصله از همکاری،
 - فقدان سلسله‌مراتب بدین معنا که هیچ‌یک از اعضا نباید تحت نفوذ دیگری باشند،

- حداکثر انعطاف‌پذیری سازمانی،
- ضرورت زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی لازم،
- ضرورت اعتماد و اطمینان متقابل بین شرکت‌های همکار،
- اجتناب از رفتارهای فرصت‌طلبانه از طریق تعیین چارچوب‌های حقوقی مناسب (Singer, 1990: 39)

۷-۷-۱ اهداف عمده سازمان‌های چابک

- بهره‌برداری به‌موقع از انواع منابع موجود در بازار به‌منظور ارتقای کیفیت و افزایش ارزش محصول،
- به‌کار گماردن نیروی کار متخصص از هر قشر، طبقه و ملیت،
- ایجاد نظارت درونی و خودجوش که تنها از محیطی بدون ابهام، قدرتمند و دارای اصول اجرایی مشترک و اعتماد قلبی و واقعی برمی‌آید،
- مشارکت در بهبود کلی عملکرد سازمانی،
- تجزیه و تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات: این تجزیه و تحلیل بر این منطق استوار است که استراتژی اثربخش، قوت‌ها و فرصت‌ها را حداکثر می‌کند. درعین حال که ضعف‌ها و تهدیدات آن را به حداقل می‌رساند (Moses and Simelane, 2002: 141).
- فرصت‌ها، موقعیت‌های مطلوب در محیط مؤسسه است، عوامل کلیدی یکی از منابع فرصت تلقی می‌شود.
- تحقق چابکی یک فرایند پویا و مستمر است و محرک‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجب تأثیرات افزایشی روی سطح نیاز یک سازمان به چابکی آن است.

۸-۷-۱ مزایای چابک‌سازی سازمان

۱. یک سازمان چابک، با اتفاقات و تغییرات ناگهانی، به‌سادگی از پا در نمی‌آید.
۲. یک سازمان چابک قدرتمند، سریع‌السير و سازگار با جامعه است و به تغییرات ناگهانی، فرصت‌های جدید اجتماع و نیازمندی‌های شهروندان و جامعه پاسخ سریع می‌دهد (اسفندیار، ۱۳۷۵: ۲۹).

- تعریف واضح و روشن از اهداف سازمان برای سازگاری با مأموریت سازمان با توجه به ظرفیت و چارچوب زمانی تعیین شده برای سازمان:
- ارتباط اهداف و مقاصد سازمان با اجزا و عناصر سازمانی مشخص می‌شود،
 - توسعه حس مشارکت در برنامه‌ها،
 - اطمینان از به‌کارگیری اثربخش‌تر منابع سازمان،
 - فراهم آوردن مبنایی برای پیشرفت کارکنان و سازوکارهایی برای تغییر توجه بیشتر به کارایی و اثربخشی،
 - پل ارتباطی بین کارکنان، مقامات و مدیران،
 - تیم‌سازی قوی در میان مدیریت و کارکنان،
 - برقراری ارتباط بین مدیران و فرماندهان،
 - ایجاد رضایت بیشتر بین برنامه‌ریزان با یک چشم‌انداز مشترک، افزایش بهره‌وری از طریق ارتقای کارایی و اثربخشی (زارعی‌متین، ۱۳۷۱: ۶۶).

۹-۷-۱ موانع موجود برای برنامه‌ریزی چابک‌سازی

- مدیران استراتژیک سازمان‌ها باید موانعی را که در اجرای برنامه‌ریزی منابع انسانی جهت نیل به چابک‌سازی وجود دارد شناسایی و در رفع به‌موقع آن اقدام کنند. عمده‌ترین موانع موجود عبارت‌اند از (Kannet and Faisst, 1997: 981):
- بدبینی نسبت به برنامه‌ریزی و پیش‌بینی در موارد خاص،
 - مقاومت واحدهای عملیاتی در مقابل دخالت‌های واحدهای مرکزی،
 - عدم ارتباط بین فعالیت‌های مختلف در فرایند برنامه‌ریزی،
 - تضاد و تعارضی که در سازمان‌دهی منابع انسانی به‌وجود می‌آید،
 - در برنامه‌ریزی منابع انسانی برای ارزیابی احتیاجات آتی از فنون نامناسبی استفاده می‌شود،
 - برای پیش‌بینی آینده منابع انسانی از روند گذشته استفاده می‌شود،
 - برنامه‌ریزی منابع انسانی بعد از برنامه‌ریزی عملیاتی به‌وسیله مؤسسات اجرا می‌شود،
 - در برنامه‌ریزی منابع انسانی توجه کافی به جنبه‌های کیفی (توسعه مهارت‌های خاص و عملکرد بالقوه افراد) نمی‌شود،

- برنامه‌ریزی منابع انسانی تا اندازه زیادی به‌عنوان یک موضوع اجرایی کوتاه‌مدت مورد توجه قرار می‌گیرد،

- اگر واحدهای مرکزی و عملیاتی سازمان باهم درگیر و نسبت به هم بدگمان باشند؛ این مسائل و مشکلات حادث‌تر خواهد شد. پس عامل تحریک‌کننده چنین درگیری و مشکلات بدگمانی به برنامه‌ریزی و اعتماد نداشتن واحدها به یکدیگر است.

۱۰-۷-۱ نتایج چابکی برای سازمان

- پیشبرد سریع‌تر سازمان به اهداف کاری،
- ارائه خدمات بهتر، با هزینه کمتر،
- برقراری هماهنگی لازم بین پرسنل و مدیران میانی،
- توانایی سازمان در تغییر فرایندها و بهبود عملیات کاری،
- پاسخ‌گویی سریع‌تر سازمان به درخواست‌های شهروندان،
- توسعه مهارت‌های کارکنان،
- افزایش ارزش‌های کاری،
- بهبود کنترل سازمانی،
- پیشرفت ساختار فرایندهای سازمانی،
- افزایش کارایی سازمان به‌دلیل کاهش هزینه‌ها،
- کسب برتری‌های تکنولوژیکی،
- بهبود کنترل هزینه.

۲ مدیریت چابک‌سازی در سازمان و پلیس

۲-۱ وظایف و مأموریت‌های پلیس

سازمان و نیروی پلیس با اهداف ویژه‌ای پایه‌گذاری شده است، تا مأموریت‌های خاص را در حوزه نظم و امنیت و آسایش شهروندان به انجام رساند. مدیران به همراه کارکنان خود این مأموریت را انجام می‌دهند و ابزار آن را فراهم می‌سازند.

مهم‌ترین وظیفه پلیس تأمین آسایش و امنیت جانی و مالی و اخلاقی و سلامتی

مردم آن اجتماع است (شهربانی کل، ۱۳۵۰: ۲۴). ایجاد امنیت پایدار از مهم‌ترین وظایف حکومت‌ها محسوب می‌شود. مقوله استقرار نظم و امنیت پدیده‌ای است که با روش‌های مختلف از دیرباز تاکنون وجود داشته است. دولت‌ها برای برقراری امنیت، نهادی به نام پلیس را تشکیل داده‌اند. از این نظر پلیس عبارت است از سیستمی مشروع و وابسته به حکومت، که با جمع‌کثیری از نیروها امکانات و تخصص‌های متفاوت در خدمت نظم و امنیت داخلی نظام‌هاست. به‌نحوی که امروزه اولاً، هیچ نظامی بی‌نیاز از سازمان پلیس نیست و ثانیاً، مشروعیت اعمال قانون تنها در حوزه اختیارات پلیس است. بنابراین ایجاد نظم و امنیت داخلی و اجرای قانون و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی وظیفه انحصاری پلیس است که تقریباً در تمامی دنیا در یک سازمان نسبتاً مشابه به اجرا درمی‌آید. به همین لحاظ پلیس واژه‌ای جهانی و یکسان در تمامی زبان‌های دنیاست و در تمام اذهان، سازمان و تشکیلات مشخصی را تداعی می‌کند. بدیهی است که نظم و امنیت و رعایت هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باعث قوام جامعه و بستر هرگونه تحول و توسعه پایدار محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که فلسفه وجودی و هدف اساسی از تأسیس سازمان پلیس، جلوگیری از جنایات، مدیریت ترافیک و تصادفات وسایط نقلیه و سایر رویدادهایی است که آسایش و آرامش عمومی را مختل می‌سازد و همچنین درگیری مأموران پلیس با وقایع مزبور در صورت وقوع نیز جزء اهداف سازمان پلیس است. وظایفی را که مأموران پلیس در قبال رویدادهای مزبور باید انجام دهند برحسب اهمیت و فوریت آن می‌توان به‌شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱. جلوگیری از گسترش و اعمال جنایی و تمایلات ضداجتماعی افراد،
 ۲. تقلیل فعالیت‌های جنایی افراد سابقه‌دار،
 ۳. دستگیری جنایت‌کاران، کشف اموال مسروقه و جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم برای ارائه به دادگاه،
 ۴. تنظیم مقررات برای اجرای بعضی از وظایف مانند مقررات عبورومرور و حمل‌ونقل.
 ۵. بالاخره خدمات پیش‌بینی نشده‌ای که برای آنها قبلاً مقررات خاصی وضع نشده باشد.
- با عنایت به مأموریت‌های اصلی پلیس تقریباً سه عنصر اساسی در (حیطه تخصص اصلی) هسته مرکزی مأموریت پلیس نهفته است که عبارت‌اند از:

ایجاد نظم و امنیت داخلی اجرای قانون و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی وظیفه انحصاری پلیس است که تقریباً در تمامی دنیا در یک ساختار نسبتاً مشابه به اجرا درمی‌آید. امروزه با تحولات عظیم اجتماعی و تکنولوژیکی، نحوه انجام وظایف و اقدامات پلیس به سمت سیستم چابک و سریع تغییر یافته است.

البته سیستم چابک‌سازی پلیس به تنهایی قادر به انعطاف در برابر تغییر بهره‌وری سازمان نیست، بلکه قادر به سازمان‌دهی دوباره سریع سیستم و پاسخ به نیازمندی‌های متنوع و پویای جامعه و شهروندان است. به عبارت دیگر چابک‌سازی پلیس، حالت پیشرفته استفاده نرم از تکنولوژی مدرن است که همراه با ویژگی سطح بالای سازمان‌دهی مجدد بوده و دارای یک سلول کنترلی برای کنترل کل سیستم پلیس چابک است.

پلیس آینده و مطلوب پلیس چابک است. پلیس چابک، روشی برای تغییر روش در نحوه ارائه خدمات، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، فرماندهی و مدیریت سازمان پلیس است. امروزه بسیاری از کشورها برای حرکت به سوی چابک‌سازی پلیس، ساختار سازمانی پلیس خود را تغییر داده‌اند. آنها به سمت کاربری‌های کامپیوتری رو آورده و خود را هرچه بیشتر از حالت سنتی دور کرده‌اند. حرکت به سوی چابک‌سازی بیشتر یک تغییر و تحول اجتماعی است تا یک تغییر تکنولوژیکی. پلیس چابک در ارائه خدمات از منابع مردمی بهره می‌گیرد. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ویژگی‌های جامعه اسلامی و مقتضیات کشور اقدامات زیر باید مورد نوسازی و بازنگری قرار گیرند:

- ساختار نیروی انتظامی،
- نظام آموزشی نیروی انتظامی،
- نظام جذب و استخدام و به‌کارگیری نیروهای انسانی و استقرار نظام شایسته‌سالاری،
- آموزش‌های ویژه برای نیروی اجرایی در فرایند چابک‌سازی و سرعت بخشیدن به مأموریت‌ها،
- انتخاب نیروهای جوان و با انگیزه در مأموریت‌های ویژه و بهنگام پلیس،
- افزایش و ارتقای انگیزه نیروهای عملیاتی و اجرایی،
- نوسازی ابزار و تجهیزات پلیس،
- افزایش درجه اعتماد میان شهروندان و پلیس،

- طراحی شبکه‌های ارتباط اجتماعی روزآمد پلیس با مردم مثل ۱۱۰.
- چهار اصل کلیدی مدیریت چابک‌سازی پلیس که آن را از دیگر سیستم‌های مدیریتی جدا کرده، بدین شرح است از:
 - اعطای خدمات به شهروندان،
 - اهمیت افراد و نقش اطلاعات،
 - همکاری درون سازمانی و بین سازمانی،
 - آمادگی برای تغییر.

پلیس چابک از توانایی انجام سریع عملیات و اقدامات تأمینی برخوردار است که از ویژگی‌های مهم آن آمادگی برای واکنش سریع و به موقع و توانایی حضور در صحنه‌های عملیاتی در کمترین زمان ممکن با استفاده از تکنیک، ابزار و برنامه‌های نرم‌افزاری است. هدف در مدیریت چابک‌سازی (پلیس) رسیدن هم‌زمان به انعطاف‌پذیری و بهره‌وری بالاست. بسیاری از وظایف پلیس نیز قابل پیش‌بینی است. برای مثال محافظت از اشخاص و مسئولان سرشناس یا برقراری نظم در طول مسیر اجرای یک تظاهرات قانونی خدماتی هستند که از قبل شناخته شده و نیروهای لازم را می‌توان از قبل معین و به محل انجام مأموریت اعزام داشت. اما بیشتر وظایف پلیس تنها در صورت احتمال بروز حوادث در مکان و یا زمان خاص معنا و مفهوم می‌یابند. این امور، عمده وظایف پلیس را تشکیل می‌دهد که خود پایه و اساس مشکلات پلیس در توزیع نیروهای خود است. زیرا بسیاری از مأموریت‌های پلیس توسط نفر و فرد و نه یک یگان و واحد انجام می‌شود و توانایی و تخصص فرد مأمور در صحنه مورد قضاوت شهروندان قرار می‌گیرد. برای درک بهتر این موضوع باید توجه داشت که هریک از وظایف و مأموریت‌ها دارای دو اصل اساسی است که عبارت‌اند از:

۱. زمان وقوع حادثه،

۲. مکان وقوع حادثه.

مدیران اجرایی سازمان پلیس همواره با امر دشوار ارائه خدمات رضایت‌بخش به مردم توسط تعداد مشخصی از نیروها و امکانات خود مواجه بوده‌اند. در سال‌های اخیر بسیاری از آنها با مسئله ارائه خدمات بیشتر با نیروهای کمتر مواجه شده‌اند. این عوامل به همراه کاهش بودجه و اعتبارات به کارگیری مؤثر نیروها و کارکنان موجود را ضروری می‌سازد.

۲-۲ شیوه‌های انجام مأموریت پلیس

انجام وظایف و تحقق اهداف در سازمان پلیس از نوعی نظم منطقی تبعیت می‌کند. واحدهای پلیس خود بخش عمده‌ای از جامعه بزرگ‌تر بوده که ممکن است به‌صورت کشوری، استانی یا حتی بخشی از شهرداری یک شهر باشند. البته در جمهوری اسلامی ایران پلیس تابع شهرداری نیست.

تمامی سطوح مدیریتی نیروی پلیس در حیطه اختیارات و حوزه خود ملزم به ارائه خط‌مشی و رهنمودهای لازم بوده و در انجام مأموریت‌های محوله مجوزهای لازم را دارا هستند. مدیران پیش از محول کردن مأموریت به نیروهای خود باید طرح مناسبی را آماده کرده باشند (بنت و کارن، ۱۳۸۱: ۹۶).

۲-۳ برنامه‌ریزی، زمان واکنش و سنجش بهره‌وری نیروی پلیس

دفرانکو^۱ می‌گوید: «ایجاد یک برنامه قابل اجرا یکی از مشکل‌ترین کارهایی است که مدیران پلیس با آن مواجه هستند».

یک واحد پلیس تعداد خاصی پست سازمانی ثابت دارد. تنها راهی که با آن می‌توان تعداد این پست‌ها را کاهش داد بهره‌گیری از یک سازمان گسترش‌یافته است. برای مثال کاهش تعداد مدیران میانی، استفاده از نیروی مشترک پلیس در مناطق هم‌جوار، استفاده از خدمات مشترک زندان‌ها در مناطق و شهرهای هم‌جوار برخی از این شیوه‌ها هستند. اگر مدیران پلیس اطلاعات و گزارش‌های واصله از شهروندان را به‌دقت مرور کنند بلافاصله به تنوع و تفاوت‌های موجود در زمینه‌های مختلف پی خواهند برد. امروزه رهیافت‌های نوین پلیس جامعه‌محور و همچنین پلیس محلی اثربخشی مناسبی دارد و گروه‌ها باید تحت رهبری یک فرمانده محلی باشند. همان‌طور که آنمون و اسپانگن برک می‌گویند: «برای تعیین بهترین روش در حل مشکلات محلی توانمندتر از مرد یا زنی که فرماندهی محل را به عهده دارد متصور نیست».

بیشتر تحلیل‌های آمار، اطلاعاتی را درخصوص حوزه‌های گشت و زمان عکس‌العمل ارائه می‌دهند. یک تحقیق دولتی که در دهه ۱۹۶۰ منتشر شد حاکی از آن بود که

1. Defranco Productivity

نیروهای پلیس به منظور افزایش میزان دستگیری مجرمان در صحنه جرم به زمان واکنش یک دقیقه یا کمتر نیاز دارند. در میان سازمان پلیسی کمتر واحدی پیدا می شود که بتواند زمان پاسخ گویی و عکس العمل کمتر از سه دقیقه را در تمام خدماتش تضمین کند. در برخی کشورهای جرم خیز میزان دستگیری مجرمان در صحنه جرم در حال حاضر حدود ۳ درصد کل میزان وقوع جرائم است. اگر آنها با سرعتی بیشتر از یک گلوله شلیک شده به سراغ جرائم بروند میزان دستگیری در صحنه های جنایت تنها به چیزی حدود ۵ درصد افزایش خواهد یافت. البته آمار و میزان دستگیری مجرمان تنها دلیل واکنش سریع نیروهای پلیس نیست. بیشتر افراد پلیس و شاید بیشتر شهروندانی که این اشخاص به آنها خدمت می کنند مبارزه با جرائم را مهم ترین مسئولیت پلیس تلقی می کنند و این موضوع امری بدیهی است. اما با فناوری مدرن که مجرمان از آن بهره می گیرند مبارزه با جرائم بسیار دشوار شده است.

۱-۳-۲ تعریف بهره وری

بهره وری نتایج حاصل از مقدار معینی از تلاش را اندازه می گیرد. مفهوم ارزش به طور ضمنی در بهره وری وجود دارد و آن را از اندازه گیری کارایی یا اثربخشی متمایز می کند. از نیروهای پلیس که یکی از پرهزینه ترین خدمات شهری است انتظار می رود، بهره وری مناسب داشته باشند. خدمات نیروی پلیس را می توان همانند مراحل خطوط تولید اندازه گیری کرد. بهره وری نیروی پلیس از روی کمیت و کیفیت خدمات ارائه شده اندازه گیری می شود. ارتقای بهره وری کارکنان هدف مطلوب مدیریت است. در بهره وری تأکید زیادی بر عناصر زمان و عکس العمل و تقسیم وظایف به ساده ترین اجزا و عناصر شده است. اگرچه تلاش های زیادی شده تا شیوه صحیح انجام هر کاری معین شود؛ اما این تلاش ها جنبه شخصی و انسانی امور را تضعیف نموده و آنها را تا حد زیادی بی معنا می سازد (خوش سیم، ۱۳۸۱: ۳۹).

۴-۲ شرایط و ضوابط مدیریت چابک سازی پلیس

به طور کلی برای یک مدیر چابک ساز سه ویژگی کلی می توان تصور کرد:

۱. توانایی تشخیص مشکلات و مسائل به‌طور دقیق،

۲. توانایی انجام کارها به‌عنوان تسهیل‌کننده وظایف سازمان،

۳. مهارت و درک روش‌های مشاوره‌ای.

چابکی در سازمان پلیس به این معناست که سازمان به لحاظ کالبدی (ساختاری)، اجرایی و عملکردی زمینه‌های مناسب و لازم (تناسب اندام، سرعت عمل و واکنش به‌موقع و زمانی مناسب) داشته باشد چابکی درواقع برای مهندسی مؤسسات پلیسی یک الگوی جدید است. نیاز به این الگوی جدید، مبتنی بر افزایش میزان تغییر در محیط یا به‌عبارت‌دیگر افزایش میزان جرم و جنایت و ناامنی در جامعه است، که مؤسسات و سازمان‌های امنیتی و پلیسی را وادار به پاسخ‌پیش‌کنشی به تغییرات می‌کند. واژه چابک توصیف‌گر سرعت و قدرت پاسخ‌گویی در هنگام مواجهه با رویدادهای داخلی و خارجی سازمان از جمله سازمان پلیس است. چابکی برخلاف فربه بودن و چاقی است. چاقی مانع حرکت سریع و واکنش به‌موقع می‌شود. در سال‌های اخیر، اکثر سازمان‌ها و مؤسسات از جمله سازمان پلیس بر کاهش هزینه‌های خود تأکید کرده و بر آن متمرکز شده‌اند و حتی برخی از سازمان‌ها قادر به حفظ بهره‌وری و سودآوری خود نیز بوده‌اند. این سازمان‌ها، فعالیت‌های بدون ارزش‌افزوده را شناسایی و حذف می‌کنند، که این خود برای کاهش اتلاف منابع آنهاست. آنها مفاهیمی مثل تولید ناب، تولید به‌موقع، شش سیگما^۱ و ... را در خود اجرا کرده‌اند، ولی فقط این موارد برای چابکی کافی نیستند. برخی از سازمان‌ها اکوسیستم‌هایی را ایجاد می‌کنند که فقط در محیط‌های پایدار مؤثرند و با کوچک‌ترین تغییر دچار مشکل می‌شوند. سازوکارهای زیر می‌تواند تا حدودی زمینه‌ساز چابکی پلیس شود:

۱. ستاد کوچک و کارآمد،

۲. پیش‌بینی تیم‌های ویژه واکنش سریع و عملیات ویژه برای پلیس از طریق تلفن ۱۱۰،

۳. وجود گشتی‌های سریع پلیس‌های ویژه با توان جسمی و تخصصی بالا در

پیگیری و کشف جرم و برخورد با بزه‌کاران،

۴. کاهش فرایند (مراحل فرایند) تصمیم‌گیری‌های ناب اجرای سلسله‌مراتب،

۱. شش سیگما یک رویکرد چندوجهی و همه‌جانبه است، به‌منظور حرکت در مسیر کلام سازمانی، که درصورت بهره‌گیری درست از آن می‌تواند نقش اساسی ایفا کند.

۵. کاهش بوروکراسی اداری برای تصمیم‌گیری مانند برخی مکاتبات اداری زائد. سازمان‌های چابک نه تنها باید پاسخ‌گوی تغییرات موجود باشند، بلکه با یک آرایش‌بندی مناسب باید قادر به کسب مزایای رقابتی نیز باشند. موفقیت پلیس در مأموریت‌های امنیتی خود به توانایی افسران (فرماندهان) در شناسایی نیازهای شهروندان و واکنش سریع و به‌موقع مطابق خواست مردم اجتماع بستگی دارد و در حین رابطه اعتماد مردم به پلیس و همکاری و مشارکت آنها نقش بسزایی در سرعت عمل و موفقیت مأموران پلیس دارد.

۲-۵ شاخص‌های چابکی در پلیس

ابزار کارایی فرایند چابک‌سازی صرفاً جهت کاهش زمان نبوده، بلکه در راستای افزایش دقت عمل در حین انجام مأموریت‌ها و عملیات پلیسی، با تأکید بر تحمل کمترین تلفات و درگیری است. آمادگی جسمی نیروهای پلیس، کوتاهی زمان حضور نیروها در محل مأموریت و سرعت عمل آنان همگی از لوازم یک پلیس چابک و پیشرفته است. علاوه‌بر مواردی که در بخش یک در ابزارهای سازمان برای تحقق چابکی عنوان شد عناصر و ابزارهای چابک‌سازی پلیس را می‌توان به‌شرح ذیل مورد مطالعه قرار داد:

۲-۶ متغیرهای درون‌سازمانی

۲-۶-۱ ساختار سازمانی چابک

متغیر ساختار سازمانی تأثیری حیاتی و بنیادین در فرایند مدیریت پلیس نوین ایفا می‌کند. این باور که پلیس نوین ماهیتی مدیریتی داشته و از خانواده نیروی نظامی فاصله گرفته است ضرورت طراحی ساختار سازمانی مناسبی را ایجاد می‌کند و باید از الگوهای مدیریتی علمی در طراحی ساختار بهره گرفت. چنان‌که در بخش اول این نوشتار بیان شد، ساختار سازمانی لازم است انعطاف‌پذیر باشد. در این مورد اقدامات زیر قابل انجام است:

- اصلاح ساختار سازمانی و کوچک‌سازی ستادهای فربه و سنگین،
- تقویت همکاری و مشارکت با سایر سازمان‌ها و مؤسسات دیگر،
- بهبود انعطاف‌پذیری از طریق تمرکززدایی و اتخاذ ساختارهای منعطف،
- ترویج فرهنگ تحول و نوگرایی.

۲-۶-۲ کاربرد فرهنگ یکپارچه‌سازی فرایند

فرهنگ سازمانی عبارت است از مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، درک و استنباط و شیوه‌های تفکر یا اندیشیدن که اعضای سازمان در آنها وجوه مشترک دارند و همان چیزی است که به‌عنوان یک پدیده درست به اعضای تازه‌وارد آموزش داده می‌شود و نشان‌دهنده بخش نانوشته و محسوس سازمان است. هدف فرهنگ این است که به اعضای سازمان احساس هویت بدهد و در آنان نسبت به باورها و ارزش‌های باورنکردنی تعهد ایجاد کند.

فرهنگ سازمانی دو نقش عمده برعهده دارد: اول متحد یا یکپارچه کردن اعضا به‌گونه‌ای که آنها شیوه رفتار و برقرار کردن ارتباط با یکدیگر را بدانند. دوم به سازمان کمک کند تا خود را با عوامل محیط خارجی وفق دهد. مقصود از اتحاد یا یکپارچگی داخلی سازمان این است که اعضا دارای هویت مشترک شوند و شیوه همکاری مؤثر را یاد بگیرند (حسین‌پور، ۱۳۸۶: ۹۹).

۲-۶-۳ منابع انسانی هوشمند و کارآمد

سازمان چابک که با تغییرات مدام محیطی روبه‌رو است در توانایی و انعطاف‌پذیری انسان نقش مهمی را ایفا می‌کند. در این رابطه، اقدامات ذیل مؤثرند:

- تمرکز بر فعالیت‌های گروهی و فرهنگ مشارکت،
- تفویض اختیار به پرسنل سازمان،
- تکیه بر آموزش به‌عنوان ابزار مهم،
- تربیت و آموزش پرسنل در مهارت‌های مختلف.

۲-۶-۴ برنامه‌ریزی سیستم آموزشی منظم و منعطف

با توجه به ظرفیت‌های موجود و نیازهای آموزشی کارکنان برنامه‌هایی برای آینده تنظیم می‌شود. منظور از آموزش کارکنان، مساعی و کوشش‌هایی است که در جهت ارتقای سطح دانش کارکنان و آگاهی مهارت‌های فنی، حرفه‌ای و شغلی و همچنین ایجاد رفتار مطلوب در کارکنان یک سازمان به‌عمل می‌آید و آنان را آماده انجام وظایف و مسئولیت‌های شغلی خود

- می‌کند. آموزش‌ها باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند (ابطحی، ۱۳۸۳: ۱۰۰):
- کاربردی بودن آموزش‌ها به‌ویژه در ابعاد تخصصی آن،
 - وجود مربیان و استادان حاذق، متخصص، متعهد و وظیفه‌شناس برای تربیت نیروی انسانی کارآمد و متعهد،
 - وجود فضای آموزشی مناسب و جذاب،
 - برخورداری از وسایل کمک آموزشی به‌روز و علمی،
 - وجود الگوهای رفتاری مناسب پلیسی برای دانشجویان پلیس.

۵-۶-۲ کاربرد فناوری اطلاعات

فناوری اطلاعات قبل از اینکه سیستم سخت‌افزاری و مجموعه‌ای از الگوها باشد؛ یک نظام فکری و فرهنگی است و آن را می‌توان فرهنگ تولید اطلاعات نامید. بدون ایجاد فرهنگ تولید اطلاعات، نظام فناوری اطلاعات نمی‌تواند دوام داشته باشد. فناوری اطلاعات از اتصال و ترکیب مجموعه‌ای از فکرهای مفید تولید شده شکل می‌گیرد. در فناوری اطلاعات فکر انسان‌های خردمند است که تولید اطلاعات می‌کند. به عبارت دیگر فناوری اطلاعات عبارت است از تمامی اشکال فناوری که به منظور پردازش، ذخیره‌سازی و انتقال اطلاعات که در یک قالب الکترونیکی صورت می‌پذیرد. تجهیزات فیزیکی به کار برده شده برای این اهداف عبارت‌اند از: رایانه شبکه و تجهیزات ارتباطی، فکس و نرم‌افزارهای الکترونیکی. درواقع فناوری اطلاعات چیزی فراتر از توانایی محاسباتی رایانه‌ای است (همان: ۱۰۲). کاربرد آخرین فناوری با سرعت بالا و تکنولوژی ابزارهای هوشمند را در این بخش می‌توان خاطر نشان کرد.

۶-۶-۲ نوآوری و خلاقیت

از جنبه‌های مختلف تعاریف متعددی برای واژه خلاقیت^۱ توسط صاحب‌نظران ارائه شده است که در اینجا مهم‌ترین آنها را بیان می‌کنیم:

به عقیده تونی پروکتور (۱۹۹۹) به نقل از ورتهامیر (۱۹۴۵ و ۱۹۵۹) «خلاقیت عبارت

1. Creativity

است از توانایی نگاه جدید و متفاوت به یک موضوع و به عبارتی فرایند شکستن و دوباره ساختن دانش خود درباره یک موضوع و به‌دست آوردن بینش جدید نسبت به ماهیت آن».

کلی و راجرز (۱۹۵۴) بیان می‌کنند خلاقیت هنگامی روی می‌دهد که فرد افکار خود را در جهت فهم متفاوت و بهتر از یک موضوع یا موقعیت سازمان‌دهی می‌کند.

تورنس (۱۹۶۵) می‌گوید خلاقیت عبارت است از فرایند حساس شدن به مسائل، نواقص، شکاف‌های دانش، عناصر مفقوده، ناهماهنگی‌ها و مواردی از این قبیل و شناسایی دشواری‌ها، جست‌وجوی راه‌حل‌ها، حدس زدن‌ها یا منظم کردن فرضیه‌ها درباره نواقص، آزمودن و دوباره آزمودن و سرانجام به‌هم مرتبط کردن نتایج. ریکاردز (۱۹۹۷) می‌نویسد خلاقیت خارج شدن از قالب‌های ذهنی است. وی همچنین بیان می‌دارد خلاقیت کشف چیزهای جدید و معنادار است.

ترزا آمابیلی (۱۹۹۶) بیان می‌کند که خلاقیت عبارت از تولید ایده‌های جدید و مفید در همه زمینه‌هاست. گیلفورد (۱۹۵۴) خلاقیت را تفکر واگرا در برابر تفکر هم‌گرا می‌داند. ادوارد دبونو (۱۹۶۸) خلاقیت را عبارت از تفکر جانبی (یا افقی) در برابر تفکر عمودی می‌داند.

برخی صاحب‌نظران، خلاقیت را مترادف حل مسئله دانسته و عده‌ای دیگر آن را ابزار حل مسئله می‌دانند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تعاریف خلاقیت نقاط مشترک زیادی است. با توجه به این مفهوم که خلاقیت یک مفهوم چندجنبه‌ای است؛ بنابراین همه این تعاریف می‌توانند شامل دو دسته کلی شوند: یک دسته تعاریفی که خلاقیت را از نظر فراورده یا محصول و نتیجه آن مورد توجه قرار می‌دهند و دسته دیگر تعاریفی که خلاقیت را از جنبه فرایند و چگونگی آن بیان می‌کنند. واژه نوآوری^۱ به شکل‌های زیر تعریف شده است:

● **نوآوری به معنای خلاقیت عینیت‌یافته:** در این تعریف نوآوری دارای مفهوم عملیاتی شدن و به مرحله اجرا درآمدن اندیشه‌های نو است. از این دیدگاه می‌توان نوآوری را به معنای خلاقیت عینی به‌عنوان شکل اجرایی شده و تحقق‌یافته خلاقیت ذهنی دانست. بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود دو واژه خلاقیت و نوآوری دارای دو مفهوم

متفاوت جداگانه، ولی درعین حال مرتبط با یکدیگر هستند. امروزه نیروی انتظامی و پلیس، در حوزه خلاقیت و نوآوری دچار چالش جدی هستند و ضعف انعطاف‌پذیری بعضاً مانع خلاقیت و نوآوری می‌شود.

● **نوآوری فراورده‌های جدید در سطح سازمان:** در این نوع تعریف، منظور از نوآوری فراورده جدید یا محصول خلاق است که توسط یک سازمان ارائه می‌شود. فراورده خلاق می‌تواند نرم‌افزاری مانند انواع خدمات (خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی درمانی، خدمات اداری و ...) و یا سخت‌افزاری مانند کالاها (محصولات صنعتی، محصولات دارویی، محصولات غذایی و ...) باشد. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود تعاریف خلاقیت و نوآوری دارای عناصر مفهومی تازگی، جدید بودن، سرآغاز بودن، اول بار بودن و همچنین مفید بودن هستند. بنابراین انواع کشفیات علمی، نظریه‌های علمی (تئوری‌ها و فرضیه‌ها)، ابداعات و اختراعات و نیز آثار بدیع هنری و ادبی مانند کشف عناصر شیمیایی، قوانین حرکتی نیوتن، حساب دیفرانسیل و انتگرال، نظریه مکانیک کوانتومی پلانک، نظریه نسبیت انیشتین، نظریه روان‌کاوی فروید، نظریه شناختی پیاز، نظریه عمومی سیستم‌ها، نظریه بی‌نهایت بودن ذرات حسابی، الگوی ساختار مولکولی واتسون و کریک، معادله شرودینگر، تابلوی مونا لیزای لئوناردو داوینچی، سبک نقاشی کوبیسم، شاهنامه فردوسی، غزلیات حافظ، آثار شکسپیر، اختراع موتور بخار، لامپ برق، رادیو و تلویزیون، اختراع تلفن، هواپیما، ترانزیستور، اینترنت، خلق و طراحی محصولات جدید، حل مسائل کیفیت و بهره‌وری سازمان و هزاران مورد از این قبیل جلوه‌هایی از خلاقیت و نوآوری هستند (گلستان هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۲۱).

۷-۶-۲ ارتقای همبستگی سازمانی در میان نیروهای پلیس

همبستگی سازمانی جوهره و روح کلی حاکم بر یک سازمان مدیریتی به‌ویژه یک سازمان پلیس است. ضعف همبستگی سازمانی زمینه‌ساز کاهش انگیزه و در نتیجه تنزل کارآمدی و اثربخشی را به دنبال دارد و این یک افت بزرگ برای یک سازمان پلیسی است. نیروی انتظامی به‌دلیل نامتجانس بودن ترکیب نیروهای انسانی و کاهش شایسته‌سالاری دچار چالش است.

۲-۷ متغیرهای برون‌سازمانی

۲-۷-۱ ایجاد اعتماد میان شهروندان و پلیس

از جمله مفاهیم بنیادی جامعه‌شناسی اعتماد اجتماعی است که نه تنها اهمیت خود را طی سال‌های گذشته از دست نداده، بلکه به واسطه تحولات جهان مدرن لزوم توجه به آن نیز بیشتر شده است.

اعتماد اجتماعی اطمینان به قابلیت یک شخص یا یک سیستم است که بیانگر پاکدامنی، ایمان به مردم، آرامش و ... است. اهمیت اعتماد اجتماعی در این است که نه تنها شرایطی را فراهم می‌سازد که تعاملات اجتماعی، مقبولیت و مشروعیت نظام گسترش می‌یابد؛ بلکه هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه را تا حد زیادی کاهش می‌دهد. لذا باید پاسخ این سؤال را که پلیس تا چه اندازه توان ایجاد فضای دوستی و تغییر ذهنیت مردم و در نتیجه افزایش میزان اعتماد اجتماعی را دارد در تحولات ساختاری، نهاد امنیت و چابک‌سازی سازمان پلیس که موضوع این نوشتار است جست‌وجو کرد (عبدالرحمانی، ۱۳۸۳: ۳۶).

۲-۷-۲ جامعه‌محوری پلیس

پلیس جامعه‌محور را می‌توان رویکرد جدید پلیس دانست که مجموعه‌ای از برنامه‌های معطوف به تقویت تعاملات اجتماعی پلیس و گروه‌های اجتماعی به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و سالمندان را از طریق گوناگون همچون تشکیل انجمن‌های مشورتی محله‌ای و با تأکید بر حل مسئله از طریق گفت‌وگو دربرمی‌گیرد (همان: ۳۲).

پلیس اجتماع‌محور وظایف دیگری چون کاستن از احساس ناامنی، کاهش تعداد شکایات علیه خود و افزایش اطلاعات عمومی در خصوص شیوه‌های پیشگیری از جرائم را از طریق جلب مشارکت شهروندان برعهده گرفته است که موجب افزایش رضایت مردم و ارتقای میزان اعتماد عمومی به پلیس و در نهایت ایجاد احساس امنیت خواهد شد و در همین رابطه بهره‌گیری از رهیافت پلیس محلی در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند مفید فایده باشد (ترابی، ۱۳۸۱: ۳۶).

۲-۷-۳ مشارکت مردم در برقراری نظم و امنیت

مشارکت مردمی یعنی سهیم شدن مردم در انجام یک مسئولیت. مشارکت مردمی، نظارت

مردم بر عملکرد دستگاه‌هایی که در امنیت عمومی دارای مسئولیت هستند را قوی‌تر و شفاف‌تر می‌کند و به هنگام وقوع جرائم می‌تواند آسیب‌های اجتماعی آن را به حداقل ممکن کاهش دهد. درواقع نفس حضور و مشارکت مردم خود امنیت‌ساز و امنیت‌آفرین است و عدم مشارکت مردمی در مسائل جامعه، ترس و ناامنی را ایجاد می‌کند که با حضور مردم در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه و تصمیم‌گیری امور کشور هم پایه‌های حاکمیت، تقویت می‌شود و هم امنیت عمومی توسعه بیشتری می‌یابد. بنابراین همکاری مردم با نهادهای امنیتی و انتظامی بی‌گمان نقش مؤثری در مقابله با عوامل موجود ناامنی خواهد داشت و به سرعت عمل پلیس کمک می‌کند.

۴-۷-۲ سازمان‌های مردم‌نهاد^۱

هر کشوری برای تضمین امنیت خود نیاز به اهرم‌های گوناگون دارد. از جمله این اهرم‌ها مشارکت مردمی و تشکل‌های غیردولتی است. امروزه سازمان‌های غیردولتی با فعالیت غیرانتفاعی و داوطلبانه برای ارائه خدمات عام‌المنفعه به فعالیت می‌پردازند. سازمان‌های فوق درواقع شامل جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از مردمی هستند که مهم‌ترین مشخصه خود را استقلال از نهاد دولت بیان می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی بنا به تعریف بانک جهانی، در کاهش دردها، افزایش منفعت فقیران، حفظ محیط زیست، تأمین خدمات اجتماعی و توسعه اجتماع ملی فعال هستند. مسلم است که کارکردهای سازمان‌های غیردولتی بسیار متنوع‌اند که می‌توانند در تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، معیارها، پیاده‌سازی، نظارت و پیگیری و هنجارسازی، نقش داشته باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند به بسیج و جلب مشارکت مردمی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه تأمین امنیت عمومی در جامعه بپردازند. بنابراین سازمان‌های غیردولتی به طرق ذیل می‌توانند با پلیس در راستای برقراری امنیت همکاری کنند (یادگاری، ۱۳۸۶: ۹۸):

- ایجاد فضای فکری و اجتماعی لازم برای تشریح شفاف مشکلات و مسائل اجتماعی،
- پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه،
- تولید یافته‌های علمی،

- تعامل با اندیشمندان و مسئولان نهادهای رسمی و غیررسمی،
- تلاش برای اصلاح رفع و پیشگیری از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی،
- مستندگویی،
- ارزیابی توانایی‌های طبیعی جامعه،
- آموزش،
- تشویق و ترغیب مردم در جهت اشاعه توسعه همه‌جانبه،
- آگاهی دادن در مورد مسائل اجتماعی.

۵-۷-۲ قانون‌مداری پلیس در انظار شهروندان

پلیس برای اجرای قانون، قدرت اعمال نظر زیادی دارد. هر افسری در هنگام تصمیم‌گیری در مورد صدور احضاریه یا بازداشت متخلف درخصوص نقض قوانین می‌تواند نظر خود را اعمال کند. به گفته گلدشتاین پلیس، قدرت زیادی برای سلب آزادی و کاربرد زور، حتی گرفتن جان یک فرد دارد. افراد پلیس در استفاده از اختیارات خود و اخذ تصمیم مؤثر بر زندگی ما، اعمال نظر زیادی می‌کنند (گلدشتاین، ۱۳۸۱: ۳۶).

شهروندان نگران آن هستند که اعمال نظر پلیس در مفاد قانون، به او این امکان را می‌دهد تا بتواند با برخی از افراد رفتاری تبعیض‌آمیز داشته باشد یا نقض قانون ازسوی صاحبان ثروت و قدرت را نادیده بگیرد. برخی از مردم اعتقاد دارند که قانون باید به‌طور مداوم و در هر موردی اجرا شود. اما اغلب افسران بر این باورند که چنین عملی ازسوی پلیس غیرقابل قبول، بسیار خشن و درواقع غیرممکن خواهد بود. اگر جامعه بر این باور باشد که پلیس، نقض قانون ازسوی بخش معینی از جامعه را نادیده می‌گیرد، یا در اجرای قانون در بخش دیگری از جامعه سخت‌گیری می‌کند مشکلات جدی در روابط پلیس با جامعه به‌وجود خواهد آمد.

۶-۷-۲ ارتقای هماهنگی‌ها و وحدت رویه با قوه قضائیه و دادگستری

یکی از متغیرهای اساسی برای چابکی پلیس هماهنگی و وحدت رویه با قوه قضائیه و دادگستری است، امروزه از مشکلات بنیادین پلیس ایران ناهماهنگی‌های موجود میان پلیس و دستگاه قضایی است. در برخی موارد ناهماهنگی میان نیروی انتظامی و قوه

قضائیه صحت عمل مأموران را خدشه‌دار و زمینه‌ساز کاهش اعتماد مردم به پلیس می‌شود و این مسئله باید تا سال ۱۴۰۴ ه.ش برطرف شود.

۳ الزامات شکل‌گیری پلیس چابک در ساختار انتظامی - امنیتی افق ایران ۱۴۰۴

یکی از ملزومات بهینه‌سازی مدیریت انتظامی خرد و کلان در برنامه پنجم و سند چشم‌انداز، رفع کاستی‌ها و خلأهای ساختاری - عملیاتی در روند توسعه امنیت پایدار^۱ است. در این راستا یکی از تدابیر و اقدام‌های راهبردی که ظرفیت بازدارندگی پلیس کشور را ارتقا می‌دهد، حمایت‌های تقنینی - نظارتی و اجرایی شکل‌گیری پلیس چابک در ساختار حقوق امنیت ملی است که مهم‌ترین الزامات آن در افق ایران ۱۴۰۴ عبارت‌اند از:

۳-۱ لزوم حداقل‌سازی هزینه‌های انتظام‌بخشی کشور در سه حوزه پیشگیری، مدیریت و کنترل بحران

یکی از بایسته‌های شکل‌گیری پلیس چابک در ساختار انتظامی برنامه پنجم، پیشگیری از هزینه‌افزایی مهندسی انتظامی تهدیدات امنیت ملی و جلوگیری از گسترش تنش‌های محلی یا متراکم به تنش‌های اجتماعی فراگیر است. توجه به این موضوع در کلان‌شهرها که براساس الزام‌های آمایش جمعیتی و سرزمینی توسعه نیافته‌اند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳-۲ لزوم توسعه ظرفیت‌های نرم‌افزاری پلیس کشور

مهم‌ترین تدابیر و سیاست‌های اصولی که زیربنای اقتدار پلیس چابک در ساختار مدیریت تهدیدات، امنیت ملی را مستحکم می‌کنند عبارت‌اند از:

- **تقویت بنیان‌های فرهنگی - عقیدتی در ساختار پلیس چابک:** یکی از راهبردهای نرم‌افزاری که نقش مهمی را در روند اقناع‌سازی و همراه‌سازی مردم در شرایط قبل، حین و بعد از بحران ایفا می‌کند، توجه متولیان امر به آموزش زیربنایی مبانی فرهنگی - عقیدتی در روند چابک‌سازی پلیس است که می‌تواند فرصت‌های زیر را به همراه داشته باشد:
- **تقویت نظارت درونی و خودکنترلی در ساختار انتظامی کشور:** یکی از فرصت‌های

تبیین منشور جامع مهندسی فرهنگی انتظامی - امنیتی در برنامه پنجم، تقویت نظارت درونی و خودکنترلی متولیان انتظام‌بخشی کشور است زیرا کم‌توجهی به این موضوع می‌تواند تصویر خشنی از پلیس را در جامعه تداعی کرده و چالش‌هایی را برای ضرایب اقتدارسنجی ناجا در افق ایران ۱۴۰۴ به‌وجود آورد.

• **پیشگیری از برخوردهای سلیقه‌ای:** یکی از موانع اقتدارافزایی ناجا، وجود برخی برخوردهای سلیقه‌ای و احساسی نیروی انتظامی در شرایط وقوع ناامنی‌های اجتماعی به‌دلیل نبود منشور جامع نظام اخلاقی در ساختار پلیس کشور است.

• **تقویت آستانه تحمل پلیس کشور در شرایط بحران:** یکی از بایسته‌های پلیس چابک برای صیانت از سرمایه‌های اجتماعی، تقویت آستانه تحمل نیروهای پلیس کشور در شرایط قبل، حین و بعد از بحران است.

۳-۳ تبیین نقش و جایگاه پلیس چابک در ساختار نظام جامع مدیریت بحران‌های انتظامی

یکی از شاخص‌های مختصات جغرافیای سیاسی، امنیتی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در ساختار حقوق امنیت ملی، وجود پتانسیل بالای شکل‌گیری بحران‌های انتظامی - امنیتی در افق ایران ۱۴۰۴ به‌دلیل نبود یک نظام جامع برای مشخص کردن نقش و جایگاه نهادهای مرتبط با مدیریت بحران است. در این راستا چابک‌سازی پلیس کشور نقش محوری را در مهار مؤثر بحران ایفا می‌کند. زیرا مدیریت زمان یکی از ملزومات مهندسی انتظامی در شرایط وقوع تهدیدات امنیت اجتماعی است. به همین دلیل بایستی نقش و جایگاه آن در ساختار نظام جامع مدیریت بحران‌های انتظامی مورد توجه متولیان امر قرار گیرد.

۳-۴ نقش برجسته چابک‌سازی پلیس در ارتقای امنیت کلان‌شهرهای جمهوری

اسلامی ایران

یکی از چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در برنامه پنجم و سند چشم‌انداز، توسعه نامتناسب زیرساخت‌های انتظامی کشور با حجم تهدیدهای بالقوه در کلان‌شهرهاست. در این راستا چابک‌سازی پلیس نقش مهمی را در ارتقای ضرایب انتظامی - امنیتی کلان‌شهرها به‌ویژه در نواحی جرم‌خیز ایفا می‌کند.

۳-۵ پیاده‌سازی اصل تخصص و تجربه در کنار چابک‌سازی پلیس کشور

چابک‌سازی هنگامی از اثربخشی لازم برخوردار است که با مؤلفه‌هایی مانند تخصص، تجربه و کارآمدی همراه باشد. به‌عنوان مثال به‌کارگیری نیروهای نظام‌وظیفه در ساختار پلیس چابک برای مهار و کنترل تهدیدات امنیتی اجتماعی که از آموزش لازم برخوردار نیستند، نه تنها آسیب‌هایی را به اقتدار ناجا وارد می‌کند بلکه به عاملی برای گستره‌افزایی بحران یا شکل‌گیری بحران‌های زیرپوستی تبدیل می‌شود.

۳-۶ ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تقویت نظارت همگانی به‌ویژه شبکه نخبگان

بر روند کمی و کیفی چابک‌سازی پلیس کشور

یکی از ملزومات شکل‌گیری و نهادینه‌سازی پلیس چابک در ساختار انتظامی کشور، بهره‌گیری بهینه از ظرفیت کانون‌های فکری - پژوهشی با رویکرد هم‌افزایی حداکثری ظرفیت‌های مطالعاتی است. به‌عنوان مثال حمایت هدفمند از طرح‌های پژوهشی - راهبردی، برگزاری همایش‌ها و فراخوانی مقاله‌های مرتبط با چابک‌سازی پلیس کشور نقش مهمی را در مهندسی انتظامی نرم‌افزاری تهدیدات در حوزه امنیت اجتماعی ایفا می‌کند.

۳-۷ توسعه زیربنایی فناوری‌های نوین در روند چابک‌سازی پلیس کشور

چابک‌سازی پلیس کشور هنگامی عملیاتی می‌شود که پیش‌زمینه‌های آن فراهم باشد. که یکی از مهم‌ترین بسترهای آن رفع خلأهای تقنینی - نظارتی و اجرایی، کاربست فراگیر و هدفمند فناوری‌های نوین در مدیریت انتظامی خرد و کلان کشور است. به‌عنوان مثال نصب و استقرار مناسب دوربین‌های نامحسوس نظارتی ناجا در حوزه‌های جرم‌خیز کلان‌شهرها، نقش مهمی را در استقرار مناسب و کم‌هزینه پلیس چابک در موقعیت‌های عملیاتی ایفا می‌کند، به عبارتی نقش مدیریت انتظامی مطلوب در افق ایران ۱۴۰۴ مستلزم نهادینه‌سازی نگاه چندبعدی و فرابخشی است که صرفاً چابک‌سازی پلیس به تنهایی نمی‌تواند جواب‌گوی نیازهای انتظامی در برنامه پنجم توسعه باشد.

۳-۸ بهره‌گیری از نیروهای بومی در ساختار سازمانی پلیس چابک

یکی از روش‌هایی که ضریب اقناع‌سازی و اثربخشی سیاست‌های انتظام‌بخشی پلیس

کشور را ارتقا می‌دهد و از ملزومات مهندسی انتظامی نرم‌افزاری در افق ایران ۱۴۰۴ است، حداکثر بهره‌گیری از نیروهایی است که با مختصات جامعه‌شناختی مانند فرهنگ، آداب، زبان و رسوم مردم منطقه آشنایی نسبی داشته باشند در غیر این صورت هزینه‌های انتظام‌بخشی پلیس چابک افزایش می‌یابد.

۹-۳ نهادینه‌سازی الگوی انتظامی چندبعدی در ساختار پلیس چابک

یکی از ملزومات زیربنایی مدیریت انتظامی کلان کشور در برنامه پنجم و سند چشم‌انداز، نگاه فرابخشی و چندجانبه در روند چابک‌سازی پلیس است؛ به عبارتی نیروی انتظامی بایستی سرعت و انعطاف‌پذیری کیفی را در حوزه‌هایی مانند هم‌اندیشی مناسب با سایر ساختارها، روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مدیریت زمان در شرایط بحران، منطبق‌سازی پلیس چابک با مختصات جامعه‌شناختی منطقه براساس اصل دگردیسی در ساختارهای انتظامی - امنیتی، اتخاذ سازوکار مناسب برای انتقال سریع و به‌موقع دستورات مدیران استراتژیک به نیروهای عملیاتی و ... مورد توجه قرار دهد. که تحقق آن مستلزم ایجاد و توسعه پلیس چابک در ساختار قانون برنامه پنجم توسعه کشور است.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه منابع انسانی بارزترین عامل تولید و منبع اصلی زاینده مزیت رقابتی و ایجادکننده قابلیت‌های کلیدی هر سازمان است و عامل انسانی منبع راهبردی برای سازمان‌ها محسوب شده؛ بنابراین برنامه‌ریزی منابع انسانی جزء برنامه‌ریزی استراتژیک است و سنگ زیربنای برنامه‌ریزی منابع انسانی شناخت مفروضاتی است که تصمیمات در آن اتخاذ می‌شود. در صورت پیش‌بینی و قضاوت مناسب، اهداف مورد انتظار تحقق می‌یابد. آنچه در سال‌های اخیر در برنامه‌ریزی منابع انسانی مدنظر قرار می‌گیرد و برای آن برنامه‌ریزی استراتژیک انجام می‌گیرد، شناخت از وضعیت موجود داخلی و خارجی مؤسسه به‌منظور مواجهه با آینده است، زیرا آن جنبه‌ای از برنامه‌ریزی مؤسسه است که به‌جای توجه به مسائل مالی یا دیگر منابع به نیروی انسانی توجه دارد. تجزیه و تحلیل قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات با توجه به عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار بر

فعالیت‌های مؤسسه صورت می‌گیرد. از این‌رو، بررسی الگوها و مدل‌های مختلف برنامه‌ریزی منابع انسانی و استفاده بهینه از آنها در مؤسسات و سازمان‌ها جهت برنامه‌ریزی و بهسازی منابع انسانی مثمرتر خواهد بود. لذا از چابک‌سازی سازمان می‌توان به‌عنوان الگوی منطقی در بهبود این روند نام برد. یک سازمان زمانی چابک خواهد بود که به‌واسطه اهرم کردن دانش و همکاری (داخلی و با دیگر سازمان‌ها) قادر به هماهنگی باشد و به‌صورت سریع و کارا همه منابع مورد نیاز را خلق، تولید، تحویل و پشتیبانی کند. سازمان پلیس نیز از این امر مستثنا نبوده، زیرا با افزایش روند جرم و جنایت و حرفه‌ای شدن مجرمان در دنیای امروز، نیاز به چابک‌سازی پلیس به‌خوبی احساس می‌شود. از آنجاکه سازمان پلیس با اقشار مختلفی چون شهروندان، بزهکاران و غیره، مواجه بوده و هریک تأثیر ویژه‌ای بر سازمان خواهند داشت، لذا سازمان باید خود را به‌طور مناسب در جهت پاسخ‌گویی به نیازها و مطالبات شهروندان، چابک کرده و با احساس مسئولیت عمیق در این فرایند حرکت پویا و مستمر علمی داشته باشد. فرایند نیل به یک پلیس چابک از هم‌اکنون در قالب چهار برنامه چهارساله مشتمل بر یک برنامه‌ریزی عقلانی و علمی است تا در سال ۱۴۰۴ ه.ش شاهد تحقق پلیسی چابک، به‌روز، پاسخ‌گو و کارآمد باشیم.

منابع و مآخذ

- آهن‌چی، محمد (۱۳۶۶). مجله مدیریت دولتی، شماره ۲.
- ابطحی، سیدحسن (۱۳۸۳). آموزش و بهسازی سرمایه‌های انسانی، تهران، انتشارات پویند، چاپ اول.
- ادوین میس و اورتمایر پی جی (۱۳۸۵). رهبری اصول اخلاقی و امور پلیسی چالش‌های پیش روی در قرن ۲۱، ترجمه حسین شاکری، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- اسفندیار، سعادت (۱۳۷۵). مدیریت منابع انسانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
- ایچی اومی، کن، (۱۳۷۱). تفکر یک/استراتژیست، ترجمه داوود مسگریان حقیقی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- برایسون، جان.ام (۱۳۷۲). برنامه‌ریزی/استراتژیک، ترجمه عباس منوریان، تهران، انتشارات مدیریت دولتی، چ اول.
- بنت وین و کارن ام هس (۱۳۸۱). «مدیریت پلیس و توسعه بهره‌وری واحدهای انتظامی»، ترجمه اکبر استرکی و تورج ریحانی، فصلنامه انتظامی، سال چهارم، شماره ۱.
- پاتریک، ج. بیلو (۱۳۷۶). راهنمای اجرایی برنامه‌ریزی/استراتژیک، ترجمه منصور شریفی کلویی، تهران، نشر آردین.
- پسران، قادرمجید (۱۳۸۱). مدیریت خلاقیت و تحول سازمانی، تهران، نشر کیفیت.
- پیرس و رایبسون (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و مدیریت/استراتژیک، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، تهران، انتشارات یادواره کتاب، چاپ دوم.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۱). «رهیافت پلیس جامعه‌محور و پلیس محلی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی.
- تقدسی، مرتضی (۱۳۸۳). شرایط تکوین پلیس محلی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دافوس ناجا.
- جافر، منوچهر (۱۳۷۳). تصمیم‌گیری در مدیریت، ترجمه و اقتباس مرکز آموزش مدیریت دولتی، چ اول.
- حسین‌پور، جعفر (۱۳۸۶). «تأثیر فناوری اطلاعات بر فرهنگ سازمانی پلیس»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال هفتم، شماره سوم.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶). سخنرانی در دانشگاه علوم انتظامی.
- خوش‌سیما، غلامرضا (۱۳۸۶). «مقدمه‌ای بر چابکی در سازمان‌ها»، ماهنامه تدبیر، سال چهاردهم، شماره ۱۳۴.

بخش دوم الزامات ساختاری و سازمانی ۱۶۱

زارعی متین، حسن (۱۳۷۱). «برنامه‌ریزی استراتژیک برای منابع استراتژیک»، فصلنامه دانش مدیریت، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۷.

شهربانی کل کشور (۱۳۵۰)، پلیس ایران.

عبدالرحمانی، رضا (۱۳۸۳). «پلیس اجتماع‌محور و امنیت محله‌ای»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال ششم، شماره چهارم.

_____ (۱۳۸۳). «تأثیر اعتماد اجتماعی به‌عنوان نشانگان سرمایه اجتماعی بر کارایی سازمان پلیس»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال هفتم، شماره سوم.

غفاریان وفا و علیرضا علی‌احمدی (۱۳۸۱). «رویکردهای نوین استراتژی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۳۰.

فتحیان، محمد، مونا گلچین‌پور و سرور خسروشاهی (۱۳۸۴). «راهکارهای چابکی در سازمان‌های تولیدی»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۷۵.

کریمی، محمد، علی شاهنده و جمشید پرویزیان (۱۳۸۲). «الگو و چارچوب عملی تعیین ابزار به‌منظور چابک نمودن یک سازمان تولیدی».

گلدشتاین، هرمن (۱۳۸۱). «درآمدی بر هویت، انتظارات و اخلاقیات پلیس»، ترجمه رضا کلهر، فصلنامه دانش/انتظامی، شماره ۲ و ۳.

گلستان هاشمی، سیدمهدی (۱۳۸۲). «مقدمه‌ای بر علم خلاقیت‌شناسی»، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

منوریان، عباس (۱۳۶۹). «فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک»، فصلنامه مدیریت دولتی، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۱۰.

واکر جیمز، دبلیو (۱۳۷۵). «برنامه‌ریزی استراتژیک منابع انسانی»، ترجمه خدابخش داشگزاده، انتشارات مؤسسه نشر فرهنگی زند، چ اول.

هریسون جفری و جان کارون (۱۳۷۸). «مدیریت استراتژیک»، ترجمه بهروز قاسمی، تهران، انتشارات آبتین، چ اول.

یادگاری، علی‌اصغر (۱۳۸۶). «تأثیر نهادهای غیردولتی (NGO) در ایجاد مشارکت مردمی و توسعه امنیت عمومی»، اندیشه/انتظامی، سال دوم.

Agile: le modele d'antiterrorisme de l'ACSTA, Mais, (2006).

Ambrose Christopher and Diane Morello (2004). "Designing the Agile Organization: Design Principles and Practices".

- Brian Zrimsek, Yvonne Genovese, Kenneth Brant, “ERP II in Support of Lean Carter Mcnamard”, Strategic Planning (In Nonprofit Or For Profit Organizations) Internet.
- J.Kannet, W. Faisst, (1997), “Application Of Information Technology To A Virtual Enterprise Broker”.
- Gregory and Others (2001). “Elements of Agility In Manufacturing”.
- Manasi Patel (2002). “Supply Chain Agility in Todays World”.
- Michel Marchesnay (1993). *Management Strategique*, Paris, EYROLES, Universite de Montpellier.
- Moses M. Simelane (2002). “The Human Resource Planning National And Op. Cit”.
- _____ (2000). *Regional Approach Benchmarking And Re-Engineering*.
- Singer M. G. (1990). “Human Resource Management”, Pws-Kent Co.

بخش سوم

الزامات و رویکردهای امنیتی

عصر اطلاعات و الزامات امنیتی پلیس کشور در ایران ۱۴۰۴

مرتضی نورمحمدی*

مقدمه

گسترش روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در سال‌های اخیر، حیات بشری را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تحت تأثیر قرار داده است. همان‌طور که تلگراف، تلفن و راه‌آهن در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم باعث تحول چشم‌اندازهای ملی و بین‌المللی شدند، فناوری ارتباطات و وجه مشخص آن، یعنی اینترنت در زمان ما، تحولات بی‌سابقه‌ای را به دنبال داشته‌اند؛ تا آنجا که به وجه غالب جهان معاصر تبدیل شده است. گسترش فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات^۱ که مانوئل کاستلز^۲ از آن به‌عنوان «جامعه شبکه‌ای»^۳ یاد می‌کند، منجر به تحول و دگرگونی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی شده است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۱۵).

در چنین فضایی که با عنوان فضای مجازی^۴ توصیف می‌شود، مجموعه‌های نقش‌آفرین جدیدی خارج از حوزه دولت‌ها شکل گرفته‌اند که کنترل سنتی دولت‌ها بر حوزه‌های کارکردی همچون امنیت، ایجاد نظم سیاسی، مدیریت و سامان‌دهی به فعالیت‌های اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند. پدیده‌هایی مثل جنگ سایبر، جنگ اطلاعاتی،^۵ پدیده هکرها^۶ و سرقت اطلاعات محرمانه نهادهای امنیتی و اطلاعاتی و مهم‌تر از همه وابستگی اطلاعاتی

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)؛

Email: politic110@gmail.com

1. Communication and Information Technology

2. Manuel Castells

3. Network society

4. Cyber Space

5. Information Warfare

6. Hacker

و تکنولوژیکی به کشورهای دیگر می‌تواند امنیت ملی کشورها را با چالش جدی مواجه سازد. اینترنت به‌عنوان یک پدیده نوظهور در جامعه ایرانی با قابلیت‌های فرامکانی و زمانی، چندمتنی،^۱ دیجیتالی،^۲ و به‌ویژه تعاملی بودن،^۳ می‌تواند به‌عنوان یک عرصه نو برای فعالیت‌های پلیس به‌عنوان حامی مهم حفظ امنیت در جامعه باشد. اینترنت به‌عنوان یک رسانه چندوجهی^۴ و توانایی بازنمایی کامل از دنیای واقعی، با تغییری که در مفهوم زمان و مکان ایجاد کرده، میزان دسترسی مخاطب را به‌خود، بدون محدودیت‌های مکانی و زمانی امکان‌پذیر ساخته است (کوپر، ۱۳۸۱: ۳۴). عرصه فضای مجازی با دسترسی به طیف گسترده‌ای از مخاطبان که عموماً شامل نوجوانان و جوانان است می‌تواند با اطلاع‌رسانی مستمر شبانه‌روزی و بدون محدودیت در این فضا و از طریق تعاملات چندوجهی (صوتی و تصویری) به مخاطب خود نزدیک‌تر شده و مانع ایجاد فاصله میان کارگزاران امنیت در جامعه و عموم مردم شوند (جواهری، ۱۳۸۶: ۱۵). با ظهور فضای مجازی بستری فراهم شده تا علاوه بر اشخاص حقیقی حتی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی نیز لزوم حضور در این عرصه را باور کرده و برای بازنماددن از سرعت حرکت در دنیای امروز، ایفاگر نقشی در این جهان مجازی^۵ باشند و عرصه فعالیت خود را به این صحنه بکشانند.

درحقیقت ویژگی فرامکانی و فرازمانی اینترنت این امکان را به نهادها می‌دهد تا از این طریق اهداف خود را در سطح وسیع‌تری دنبال کنند و راندمان کاری خود را بهبود بخشند. جهان مجازی به‌دلیل ظرفیت‌های دیجیتالی و قدرت انتقال هم‌زمان درخواست‌ها و فرمان‌ها، جهان ارزان‌تر، فشرده‌تر، قابل دسترسی‌تر، راحت‌تر همراه با کارآمدی و بهینه‌سازی استفاده از انرژی است و ازسوی دیگر منشأ چالش‌های فرهنگی و اجتماعی بی‌شمار خواهد بود (عاملی، ۱۳۸۲: ۵۶). در حال حاضر ارسال پیام و تعامل شکل چندسویه و شبکه‌ای به‌خود گرفته و شبکه‌های ارتباطی مدرن در سراسر جهان به‌طور نظام‌مند، سازمان یافته‌اند. ظهور فناوری‌های نوین توانسته است برقراری ارتباط را از ملازمت

1. Hypertext
2. Digitalization
3. Interactivity
4. Multimedia
5. Virtual World

حضور فیزیکی منبع و گیرنده جدا کند (تامپسون، ۱۳۸۰: ۲۴). این بهترین فرصت را برای سازمان‌ها و نهادها فراهم می‌کند تا در قالبی مدرن با افراد جامعه درگیر شده و نقش مؤثری را در جامعه ایفا کنند. بند «۳-۴۴» سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه بر ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به‌منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات و مقابله با تخلفات رایانه‌ای تأکید کرده است.

در کنار کنترل، جرائم جدیدی همچون سوءاستفاده از حریم‌های خصوصی در فضای وب و یا پخش اخبار و اطلاعات نادرست در میان عموم مردم، فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان یک مقرر همیشگی برای نظارت نامحسوس پلیس در جامعه عمل کرده و مانع از تضعیف امنیت جامعه شود. بر این اساس و با توجه به چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران که تعداد کاربران اینترنت و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در بخش‌های مختلف و زیرساخت‌های حیاتی کشور رشد چشمگیری خواهد داشت، و اینترنت به‌عنوان ابزاری اساسی برای زندگی در عصر اطلاعات مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ حضور پلیس در فضای مجازی براساس دو کارکرد حفظ امنیت در فضای مجازی و افزایش امنیت در دنیای واقعی، لازمه حفظ امنیت عمومی و اجتماعی خواهد بود. فقط حضور پلیس و کنترل جرائم و ناهنجاری‌ها در فضای مجازی نخواهد توانست امنیت جامعه را ارتقا دهد، به همین جهت با توجه به نیاز و خواست مخاطب و به‌کارگیری صحیح تمامی قابلیت‌های فضای مجازی می‌توان رضامندی مخاطب را پس از استفاده آغازین به‌دست آورد و استفاده بیشتر و مداوم مخاطب، تعامل بیشتر را با فضای مجازی در پی خواهد داشت. تعامل مخاطب و پلیس، کارکردهای تولید امنیت و نظارت بر الگوهای تعامل افراد در فضای مجازی را تسهیل خواهد کرد.

۱ رویکرد نظری

این رویکرد که مخاطب از رسانه‌ها برای ارضای نیازها و خواسته‌هایش استفاده می‌کند اولین بار توسط الیهو کاتز^۱ در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۱: ۴۲۳). و

1. Eliho Katz

هدف اصلی آن تحقیق در چگونگی انتخاب، دریافت و شیوه‌های عکس‌العمل مخاطبان رسانه‌هاست. کاتز، بلامر و گوروچ برداشتی کارکردگرایانه از نظریه استفاده و خشنودی ارائه می‌دهند. در این رویکرد ریشه‌های اجتماعی و روان‌شناسی اجتماعی انتظارات مخاطبان از رسانه‌های جمعی که به الگوهای متفاوت مقابله با رسانه منجر می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد (همان). مخاطب در این رویکرد فعال است بدین جهت که به دنبال رضایتمندی است (نیکو و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۱). کاتز، بلامر و گوروچ معتقدند الگوی استفاده و خشنودی مبتنی بر مؤلفه‌های زیر است:

۱. مخاطب فعال است. بدین معنی که بخش مهم استفاده از رسانه‌ها معطوف به هدف فرض می‌شود.
۲. در فرایند ارتباط جمعی، مخاطب در امر مرتبط ساختن ارضای نیاز خود و انتخاب رسانه ابتکار عمل زیادی دارد.
۳. رسانه‌ها با دیگر منابع ارضای نیاز رقابت می‌کنند.
- مک کوئیل، بلامر و براون برای طبقه‌بندی نیازهای مخاطبان مقوله‌های زیر را پیشنهاد کردند:

۱. فراغت (گریز از امور روزمره، مشکلات و آسایش عاطفی)،
۲. روابط شخصی (سودمندی اجتماعی اطلاعات در صحبت‌ها؛ رسانه‌ها را جایگزین رفاقت‌ها و دوستی‌ها کردن)،
۳. هویت شخصی یا روان‌شناسی فردی (تقویت ارزش، خودشناسی، کشف واقعیت و غیره)،
۴. نظارت (اطلاعات راجع به چیزهایی که ممکن است بر شخص اثر بگذارد یا به شخص برای انجام کاری کمک کند) (همان، ۴۲۴).

این رویکرد در اصل ما را به مخاطب ارتباط جمعی سوق می‌دهد. بر این اساس تمامی پیکارهای اطلاعاتی بایستی براساس مطالعه کاربری که می‌کوشد دنیا را درک کند آغاز شود و براساس درک او از محیط پیرامون و نیاز وی برای تطابق با محیط به برقراری ارتباط پرداخت (بیگز، ۱۳۸۵: ۳۲). از این رو پلیس نیز به عنوان یک نهاد و ارگان اساسی در جامعه برای حفظ امنیت، بایستی با توجه به مخاطبان بالقوه خود، در دنیای مجازی و رضایت‌هایی که این مخاطبان می‌کوشند به دست آورند در این عرصه وارد و با

توجه به این رویکرد برای ارتباط با مخاطبان فعال خود برنامه‌ریزی نماید. در این مقاله تلاش می‌شود براساس قابلیت‌های فضای مجازی و نقش گزینش‌گر مخاطب، راه حضور فعالانه پلیس در فضای مجازی با شناخت دقیق این توانمندی‌ها و براساس نیازمندی‌های مخاطب تبیین شود.

۲ عصر اطلاعات، تغییرات و نیازهای نوظهور

اینترنت شبکه‌ای گسترده و بی‌حد و مرزی است که توسط لینک‌های زنده بین رایانه‌ها ایجاد می‌شود. این شبکه در ابتدا پروژه‌ای بود که وزارت دفاع آمریکا آن را در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ انجام می‌داد و به آرپانت معروف شد. هدف اولیه آرپانت ایجاد ارتباط بین نیروهای نظامی آمریکا بود تا به‌آسانی بتوان از بروز نقص و عدم عملکرد صحیح پرسنل نظامی آگاه شد (Danet, 2001: 2).

در سال‌های آغازین دهه ۸۰ گرایش به استفاده از رایانه‌های کوچک در ادارات و پس از آن در منازل زیاد شد و در نتیجه بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی تحت تأثیر این تغییر قرار گرفت. از سال ۱۹۹۰ به بعد سیر تحولات در توسعه اشتراک‌گذاری اطلاعات با ظهور و توسعه شبکه‌های رایانه‌ای سرعت بیشتری به‌خود گرفت و شکل‌گیری وب با گستره جهانی تحولی فراتر از حد انتظار را برای جهانیان ایجاد کرد. به‌تدریج فعالیت‌ها و فرایندهای اقتصادی و اطلاع‌رسانی و آموزشی متحول شدند که مهم‌ترین ویژگی این تحول، سرعت بالا، هزینه پایین و الگوهای جدیدی از تعاملات اجتماعی و اقتصادی بود. در آغاز هزاره سوم و با بهره‌گیری و تلفیق اینترنت و سیستم‌های اطلاعاتی تحول جدیدی ایجاد شد و آن به‌وجود آمدن سیستم‌های وب‌مدار بود که ضمن بالا بردن راندمان کاری و حذف کاغذ از فرایندهای ارتباطی و کاری سازمان‌ها، به آنها امکان انجام کارهای غیرحضوری را نیز می‌داد (Kiesler and Others, 2001: 5).

امروزه نقش اینترنت در زندگی اجتماعی و در عرصه‌های علمی و فنی، انکارناپذیر بوده و در برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جایگاه ویژه‌ای به فناوری اطلاعات و ارتباطات داده می‌شود. استفاده از تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و در رأس آن اینترنت، باعث کاهش فاصله طبقاتی شده و در فضای مجازی پایگاه اجتماعی

جدید به کاربران اعطا می‌کند و حتی تفاوت‌های جنسیتی را نیز کاهش می‌دهد. افزایش توانایی اعمال قدرت، همگن‌سازی سلیقه‌ها، نزدیکی خواسته‌ها و انتظارات افراد، افزایش مشارکت اجتماعی، گذران اوقات فراغت و ورود مفاهیم جدید در زندگی روزمره، امکان برقراری سریع ارتباط، اطلاع از اخبار و رویدادهای جهانی، تبادل فرهنگی، دستیابی سریع به یافته‌های علمی جدید، کاهش هزینه‌های ارتباطی، آزادی در تبادل اطلاعات، افزایش میزان آگاهی عمومی و ... از مزایای عمده و کارکردهای قابل توجه گسترش استفاده از ارتباطات اینترنتی به‌شمار می‌روند (Singh, 2002: 10).

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که جامعه جهانی این روزها با آن دست‌به‌گریبان است تعیین و تفسیر عامل معضل‌ساز توسعه‌یافتگی در بعضی کشورها و عقب‌ماندگی در برخی دیگر از کشورهاست. به‌زعم کارشناسان، جهان امروز با دو پدیده حاصل از مدرنیته مواجه است: شکاف اطلاعاتی و دیگری شکاف دیجیتالی که حاصل اولی فقر اطلاعاتی و حاصل دومی فقر ارتباطی است. به‌نظر می‌رسد همان‌گونه که رشد و پیشرفت بشر در دانش و علوم مختلف موجب ارتقای توانمندی انسان در تولید فناوری‌های نو را فراهم آورده؛ توسعه فناوری‌های نوین نیز به رشد و توسعه دانش و اطلاعات کمک کرده است. بررسی تعداد کاربران اینترنتی در دنیا نشان می‌دهد که در حال حاضر تنها یک نفر از هر ۲۰ نفر در دنیا به اینترنت دسترسی دارند و بیشتر آنها نیز در اروپا یا آمریکای شمالی که فقط ۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، زندگی می‌کنند (www.internetworldstats.com/world internet stats).

جدول ۱ تعداد کاربران اینترنت در ایران

سال	تعداد کاربران	میزان جمعیت	درصد کاربران به جمعیت
۲۰۰۰	۲۵۰۰۰۰	۶۹۴۴۲۹۰۵	۳/۸٪
۲۰۰۲	۵۵۰۰۰۰۰	۶۹۴۴۲۹۰۵	۷/۵٪
۲۰۰۵	۷۵۰۰۰۰۰	۶۹۴۴۲۹۰۵	۱۰/۸٪
۲۰۰۸	۲۳۰۰۰۰۰۰	۶۵۸۷۵۲۲۳	۳۴/۹٪

Source: www.internetworldstats.com/middle east internet stats/iran

از عمر اینترنت در ایران بیشتر از دو دهه نمی‌گذرد، باین‌حال میزان رشد کاربران اینترنت در کشور، بیانگر آن است که فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به‌تدریج تحولات چشمگیری را در بخش‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد خواهد کرد. به همین جهت حضور نهادهای متولی نظم و امنیت در فضای مجازی و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از قابلیت‌های آن جهت خدمت‌رسانی به شهروندان بیش از پیش ضروری به‌نظر می‌رسد. جدول ۱ میزان رشد کاربران اینترنت در ایران را نشان می‌دهد.

۳ ویژگی‌های جهان مجازی

ویژگی‌های جامعه شبکه‌ای همچون اقتصاد اطلاعاتی^۱، فرهنگ مجازی^۲ و کاهش اهمیت زمان و مکان در تعاملات اجتماعی ویژگی متمایزی به هزاره سوم بخشیده است. اصل بنیادین آن اهمیت محوری فرد در عرصه فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و اطلاعاتی است. در چنین فضایی که با عنوان فضای مجازی توصیف می‌شود، مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی شکل می‌گیرد. برخلاف فضای واقعی، در فضای مجازی نیاز به جابه‌جایی‌های فیزیکی نیست و تمامی اعمال فقط از طریق فشردن کلیدها یا حرکات ماوس صورت می‌گیرد. فضای مجازی (اینترنت) دارای پنج خصوصیت است که آن را از سایر رسانه‌ها متمایز کرده است. این پنج ویژگی منحصربه‌فرد عبارت‌اند از:

۱-۳ دیجیتالی بودن

اینترنت مبتنی بر اعداد و منطق ریاضی است. ازاین‌رو توانایی تغییر و دخالت در این فضا آن‌طور که خواست کاربر است کاملاً ممکن می‌شود. بر این اساس کاربر می‌تواند با تغییر در رنگ‌ها و انتخاب فضای کار خود در اینترنت براساس نیاز خود، خواست و علایق خود را کاملاً در این فضا پیاده کند. ازاین‌رو اینترنت فضایی است که در آن هر نوع خواسته و عقیده‌ای با نوع بیان ویژه خود (متن، تصویر و صدا) و حتی آمیخته‌ای از آنها وجود دارد، و قابلیت‌های دیجیتالی بودن در سرعت انتقال و دریافت داده‌ها در این فضا امکان بارگذاری

1. Informational Economy

2. Virtual Culture

سریع و یا دریافت سریع اطلاعات را نیز فراهم کرده است (عاملی، ۱۳۸۵: ۲۶). از این رو کاربر اینترنتی بدون دغدغه‌خاطر می‌تواند از این فضا استفاده کند و از همین رو تعداد کاربران اینترنتی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اعتقادی و ... در این فضا قابل توجه است.

۳-۲ حافظه مجازی^۱

مهم‌ترین خصوصیت اینترنت آزادی انتشار اطلاعات است. حافظه مجازی اینترنت این فرصت را فراهم کرده تا با انباشتی از اطلاعات در این فضا روبه‌رو باشیم. این مسئله در تناقض با سیاست محدودسازی است. اینترنت ضدسانسور است و امکان دسترسی به هر نوع اطلاعاتی در آن فراهم است. اصطلاح اطلاعات بی‌مرز به‌خوبی نشان می‌دهد که هیچ مرزی در دسترسی به اطلاعات در اینترنت وجود ندارد. حتی می‌توان با سایت‌های فیلترشکن بسیاری از مطالبی که توسط دولت‌ها فیلتر می‌شوند را باز کرد. این مسئله برای جوامعی که تولید چندانانی در حوزه اینترنت نداشته و از لحاظ ارتباطی با دیگر جوامع به‌عنوان جوامع بسته یاد می‌شوند اهمیت بسیاری دارد.

۳-۳ تعاملی بودن^۲

اینترنت یک رسانه دوطرفه است، به این معنا که هم تولیدکننده متن در این فضا و هم مصرف‌کننده آن در ادامه امر تولید با یکدیگر در ارتباط هستند و از هم تأثیر می‌پذیرند (همان، ۲۸). تعاملی بودن این فرصت را برای کاربران اینترنتی فراهم می‌کند تا در برخورد با فضای اینترنت فرصت دخالت آرای خود را به‌طور دائم داشته و از دیدگاه‌های دیگران نیز مطلع شوند.

۳-۴ فرامتن بودن^۳

فرامتن بودن بدین‌معنی است که هر صفحه از اینترنت در خود صدها لینک به دیگر صفحات اینترنتی دارد، یعنی کاربر قدرت گزینش و انتخاب بسیاری دارد و با وارد شدن

1. Virtual Memory

2. Interactivity

3. Hypertext

به این فضا و قرار گرفتن در یک موقعیت خاص به راحتی می تواند از آن صفحه خارج شده و وارد فضای جدیدی شود که این توانایی توسط لینک های موجود در صفحه به او داده می شود.

۳-۵ واقعیت مجازی^۱

فضای اینترنت این امکان را به کاربر می دهد که فارغ از محدودیت های دنیای واقعی، نیازها و خواسته های خود را پیگیری کند. شکل گیری شخصیت های اینترنتی در شهرهای اینترنتی به معنای شکل گیری دنیای جدیدی است که اگرچه از دنیای واقعی ریشه می گیرد اما امکانات ویژه این فضا یک واقعیت مجازی را شکل داده است، واقعیتی که اگرچه در دنیای واقعی معنایی ندارد اما در حیطه اینترنت به خوبی عمل می کند و ناخواسته نتایجی نیز در دنیای واقعی به جا می گذارد (همان، ۳۱).

۳-۶ غیرمرکزی بودن^۲

هیچ مرز و حکومتی حاکم در فضای اینترنت نیست. به همان میزان که یک نوجوان آمریکایی در دسترسی به اینترنت آزاد است یک نوجوان ایرانی نیز از همین حق برخوردار است.

۴ پیچیدگی مناسبات در عصر اطلاعات

ظهور فناوری های نوین ارتباطی، دگرگونی های بنیادینی را در تعاملات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است. کاستلز معتقد است از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق ارتباطات صورت می گیرد، حوزه فرهنگ نیز که نظام هایی از عقاید و رفتارها را شامل می شود با ظهور تکنولوژی جدید دستخوش دگرگونی های بنیادین می گردد. ورود فناوری های ارتباطی، دگرگونی بنیادینی را در ساختار مناسبات و ارتباطات انسانی ایجاد کرده است (کاستلز و اینس، ۱۳۸۴: ۳۸۳). پیامد این امر شکل گیری نوع جدیدی از تعاملات انسانی است که ضمن تمایز از الگوهای ارتباطی مرسوم در رسانه های ارتباط جمعی عملاً فرصت های نوینی را در جهت تجلی خود و هویت، به وجود آورده است.

1. Virtual Reality

2. Dispersal

اینترنت با تغییر شکل و طبیعت فضای عمومی روابط اجتماعی در دوران معاصر به صورت اساسی در حال ایجاد تغییرات در مناسبات اجتماعی، الگوهای تعامل و زدودن سادگی از تعاملات انسانی است. پوستر با تأکید بر تعاملی شدن وسائل ارتباطی معتقد است که مکان‌های عمومی برای تعامل همچون کلیسا، کافه، خیابان، پارک و ... روزبه‌روز ضعیف‌تر می‌شوند و رسانه‌های جدید که افراد را از هم سترون می‌کنند جای آنها را می‌گیرند. این افراد گرچه به لحاظ فیزیکی از هم جدا هستند اما در واقع در فضای عمومی جدید که همان فضای مجازی است باهم در تعامل‌اند. آنها واقعاً به این حوزه عمومی جدید اعتماد دارند. این فضای عمومی جدید اصول حاکم بر فضای عمومی بورژوازی را بازتعریف کرده و با شرایط خود وفق داده است (Whittaker, 2004: 123).

در همین چارچوب، کافمن استدلال می‌کند که اینترنت چارچوب‌های تعاملی جدیدی را در برقراری ارتباطات بین فردی مهیا ساخته است که علی‌رغم محدودیت‌های ذاتی خود، فرصت‌های جدیدی را نیز برای نمایش شخصیت در اختیار کاربران قرار می‌دهد. توصیف مجازی که کاربران از ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی خود در فضای تالارهای گفت‌وگو به عمل می‌آورند را می‌توان با توجه به این گزاره‌ها تبیین کرد. تلاش برای پیش‌دستی در گرفتن اطلاعات، شناسایی اولیه از مخاطب گفت‌وگو، توصیف انتخابی و گاه مبالغه‌آمیز و یا نادرست از برخی ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی و نشان دادن همدردی و همسویی برای جلب پشتیبانی و حمایت عاطفی مخاطب از جمله زمینه‌های نشان‌دهنده تدارکات و آمادگی‌های پشت صحنه‌ای افراد، برای نمایش روی صحنه‌ای خود هستند. ماهیت غیررودرروی ارتباطات الکترونیکی اینترنتی همچنین می‌تواند انگیزه بیشتری را برای کاربران آن در بازی با هویت، رفتارهای آزمایشی و ارائه تصویری غیرواقعی فراهم سازد که خطر شرمندگی در آن کمتر است (ذکابی، ۱۳۸۳: ۶). کافمن بر این باور بود که افراد برای ابراز وجود در هر زمینه‌ای از ترفندهایی که فراخور آن است سود می‌جویند (ولیس، ۱۳۸۲: ۸۲).

از طرف دیگر بوردیو عنوان می‌کند که عادات، شیوه‌های عمل و زیستی است که فاعلان اجتماعی در جریان اجتماعی شدن کسب می‌کنند و از طریق تجربه عملی آموخته می‌شوند. بر این اساس، باید گفت که میدان‌ها در حال تغییرند و رابطه بین عادت و میدان در معرض گسست است. ملزومات میدان ضرورتاً اشاره بر وجود عاداتی ندارند که بازیگران یک میدان مجهز به آن باشند (شویره و فوشن، ۱۳۸۵: ۲۴). در اینجا نیز امکان

کنش و انتخاب وجود دارد. ارتباطات مجازی می‌تواند زمینه شکل‌گیری عاداتی جدید را فراهم سازد که خود به کنش و انتخاب‌های متفاوتی منتهی می‌گردد. ظهور عادات جدید شرایط (عادات) قبلی را به چالش می‌کشد و در نتیجه آن جابه‌جایی‌هایی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب اگرچه اساس فرایند بازآفرینی باقی می‌ماند، با این حال شیوه‌های متنوعی، مبنای مبارزه برای تعریف میدان و امکان عمل فرد را فراهم می‌سازند. ویژگی‌های ارتباطات الکترونیکی حاکم در فضای تالارهای گفت‌وگو شرایطی متفاوت از روابط حقیقی و رودررو را برای کاربران آن فراهم می‌کند. سرعت عمل، ناشناس ماندن، سیال بودن و ویژگی‌های دیگر می‌تواند فضای یکسان و مشابهی را فارغ از الزامات ساختی (جنسیتی، طبقاتی، قومی، نژادی و مکانی) فراهم سازد که مستعد تجارب متفاوتی برای کاربران آن است. تعاملات آزمایشی، کنجکاوانه و یا با قصد افزایش ظرفیت‌شناختی، کاربران اینترنتی را به ذهنیت و گرایش جدیدی تجهیز می‌کند که می‌تواند رفتار و تعاملات آنها را در دنیای حقیقی به چالش کشانده و تغییراتی را هرچند جزئی در میدان عمل اجتماعی آنها فراهم سازد (ذکایی، ۱۳۸۳: ۷).

۵ چگونگی حضور پلیس در فضای مجازی برای حفظ امنیت

حضور پلیس در فضای مجازی برای تولید امنیت، اطمینان‌بخشی به کاربران و ایجاد رابطه‌ای تعاملی با کاربران می‌تواند اشکال و شیوه‌های مختلفی را دربرگیرد. شیوه غالب در دنیا آن است که پلیس سعی می‌کند از طریق حضور در فضای مجازی و کنترل جرائم رایانه‌ای و نظارت بر جست‌وجوهای کاربران از طریق فیلترینگ از به مخاطره افتادن امنیت جلوگیری کند. این شکل از اقدامات بیشتر ناظر بر وجه سلبی پلیس است که درصدد است تا از طریق دستگیری متخلفان و ایجاد موانع اطمینان‌بخش از وقوع جرائم مختلف در فضای مجازی ممانعت به‌عمل آورد. وجه دیگر اقدامات پلیس، ایجاد رابطه‌ای تعاملی با مخاطبان فضای مجازی است.

بر همین اساس می‌توان گفت که حضور پلیس در فضای مجازی به‌منظور حفظ و

تولید امنیت مشتمل بر دو وجه اساسی است:

۱. حضور پلیس در وب برای امنیت مجازی،

۲. حضور پلیس در وب برای امنیت واقعی.

۵-۱ حضور پلیس در وب برای امنیت مجازی

در فضای مجازی جرائم بسیار سریع، مداوم و توسط عده بیشتری از مردم صورت می‌گیرند، از این‌رو چندان توجهی به جرائم اینترنتی که اکنون تا حد زیادی بر اقتصاد و تجارت تأثیرگذار هستند، نمی‌شود. جرائم رایانه‌ای که در کل رقم بالایی دارند غالباً از طریق پست الکترونیکی، چت و پیام کوتاه صورت می‌گیرند که نمونه بارز آن کلاهبرداری اینترنتی است. در بانک‌داری الکترونیک و تجارت الکترونیک میزان سوءاستفاده از پست الکترونیکی بسیار زیاد است و در عرصه پورنوگرافی (هرزه‌نگاری) نیز به روش‌های مختلف جرم اینترنتی تحقق می‌یابد که می‌توان به تولید، توزیع، نشر، خرید و فروش تصاویر، صوت‌ها یا متن‌های مستهجن اشاره کرد.

تعدد و تکرار جرائم در فضای مجازی موجب گردیده تا دولت‌ها درصدد برآیند از طریق حضور پلیس در فضای مجازی امنیت فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی را تأمین کنند. پلیس اینترنتی معمولاً تصویر ثابتی را به ذهن متبادر می‌کند که کارشناسان خبره‌ای پشت کامپیوتر نشسته‌اند و مشغول جست‌وجو و به‌نوعی مراقب امور در اینترنت هستند. این کارشناسان یا افسران خبره، در بسیاری از اوقات به‌طور ناشناس در تالارهای گفت‌وگو و مکان‌های عمومی در اینترنت به گشت‌زنی مشغول‌اند و در صورت یافتن موارد مشکوکی فوراً آن را گزارش می‌کنند. در ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی سرمایه‌گذاری کلانی روی پلیس اینترنتی انجام گرفته و این مراکز به جدیدترین ابزارهای کنترل و نظارت بر کاربران مشکوک مجهز شده‌اند.

در بسیاری از کشورها پلیس‌های اینترنتی، کنترل کاملی را روی اتاق‌های گفت‌وگو (چت روم) اعمال می‌کنند و از این طریق افرادی را شناسایی می‌کنند که رفتار آنان نشان‌دهنده بروز یک ناهنجاری اجتماعی باشد. در موضوعاتی چون هرزه‌نگاری کودکان که یکی از حساس‌برانگیزترین موضوعات اینترنتی است، پلیس‌ها حتی خود را به‌جای دختران نوجوان و کودکانی ساده‌لوح قرار می‌دهند که به‌سادگی فریب می‌خورند و از این طریق به دنبال مردان مسنی می‌گردند که در این اتاق‌های گفت‌وگو به دنبال چنین طعمه‌هایی هستند. آنها تلاش می‌کنند با گذاشتن قرار ملاقات زمینه دستگیری این مردان را فراهم کنند. توجه پلیس به محیط‌های مجازی تنها به موارد هرزه‌نگاری کودکان ختم نمی‌شود بلکه دنبال کردن مسائل امنیتی از جمله وظایف

پلیس است. امروزه برخی از سازمان‌های پلیس و انتظامی مکاتبات اداری، ارسال و دریافت پیام‌ها را به صورت الکترونیکی انجام می‌دهند. افسران پلیس و کارآگاهان تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعات هوشمند مانند دی.ان.ای به دنبال سرنخ برای دستگیری مجرمان و خلاف‌کاران باشند، تا اینکه به صورت فیزیکی به جست‌وجو در شهر بپردازند. با امکان ثبت صورت افراد، به جای احکام اداری امروزی، مأموران پلیس با فرمان‌های گفتاری برای انجام مأموریت یا حضور در دادگاه آماده خواهند شد. خودروهای پلیس بیشتر شبیه به آزمایشگاه‌های کوچک جنایی شده و از طریق ارتباط مستمر با مرکز تشخیص‌های جنایی، در تشخیص جرم و دستگیری متخلفان نقش بسزایی ایفا خواهند کرد. چنانچه شهروندی مرتکب یک جرم رایانه‌ای شود، نوع جرم و موقعیت وی سریعاً مشخص شده و دستور جلب مجرم به نزدیک‌ترین گشت پلیس اعلام خواهد شد.

در جمهوری اسلامی ایران رصد و نظارت بر جرائم در محیط‌های مجازی توسط معاونت مبارزه با جرائم رایانه‌ای ناجا انجام می‌گیرد؛ اما به طور عملی قانون مدونی برای تأمین امنیت کاربران اینترنتی کشور و ایجاد بسترهای قانونی برای نهادهای متولی امنیت در فضای مجازی تدوین نشده است. در همین راستا، اداره کل مبارزه با جرائم رایانه‌ای در معاونت آگاهی نیروی انتظامی ایجاد شده و وظیفه دارد تا با جرائم رایانه‌ای و جرائمی که در فضای مجازی انجام می‌شود مبارزه و امنیت لازم برای روابط و تعاملات در فضای مجازی را تأمین کند. در به کارگیری فناوری‌های نوین، نیروی انتظامی توانسته گام‌های مثبتی بردارد. گزارش پلیس درباره فعالیت‌هایش در زمینه فناوری اطلاعات طی دو سال گذشته نشان می‌دهد سامانه هوشمند اجرائیات، تهیه بانک اطلاعات شماره‌گذاری، استعلام و سوءپیشینه از جمله طرح‌های اجرا شده است. همچنین استفاده از سیستم موقعیت‌یاب جهانی^۱، سیستم اطلاعات جغرافیایی^۲، راه‌اندازی دفاتر خدمات پلیس + ۱۰، صدور گذرنامه، طرح ارائه خدمات انتظامی به مردم از طریق اینترنت، استعلام خلاقی از طریق پیام کوتاه، سیستم‌های مربوط به مفقودی و پرداخت‌های الکترونیکی از دستاوردهای پلیس در زمینه پلیس الکترونیک است. همچنین به گفته معاون فناوری اطلاعات و ارتباطات

1. Global Positioning Systems (GPS)

2. Geographic Information Systems (GIS)

ناجا، تاکنون دویست سامانه و زیرسامانه ازسوی متخصصان و مهندسان ایرانی در ناجا طراحی و راه‌اندازی شده است که از جمله این موارد می‌توان به خدماتی مانند صدور گذرنامه، دریافت جرائم رانندگی، اماکن و دریافت عدم سوءپیشینه اشاره کرد.

فناوری‌های نوین یکی دیگر از دستاوردهای تازه پلیس در زمینه فناوری کوله‌پشتی مخابراتی است (www.police.ir/portal/home/showpage.aspx?-object) به گفته جانشین مدیرکل ارتباطات رادیویی ناجا پیش از این، در بخش مخابراتی از سیستم‌های قدیمی به نام ۷۷PRC استفاده می‌شد، اما به‌تازگی پژوهشگران مرکز تحقیقات رادیویی ناجا موفق شدند کوله‌پشتی‌های مخابراتی با کاربری‌های خاص طراحی کنند. بی‌سیم این کوله ۱۰ وات است و باتری قابل شارژی دارد که می‌توان آن را با فندک خودرو نیز شارژ کرد. در عملیات گشت و کمین در محل‌های دور از مقر مانند خارج از شهرها و مناطق مرزی تا ۲۴ ساعت می‌توان از این سیستم استفاده کرد. رئیس فناوری اطلاعات و ارتباطات پلیس پیشگیری نیروی انتظامی نیز اعلام کرده است ۴۰۰ دوربین مداربسته در نقاط جرم‌خیز و معابر پایتخت به‌منظور کنترل بهتر تردد و نظارت بر این نقاط تا پایان ۱۳۸۸ نصب خواهند شد.

یکی از آخرین اقداماتی که پلیس کشور درخصوص آموزش و اطلاع‌رسانی درباره دستاوردها و فعالیت‌های انجام شده با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات انجام داده است، برگزاری نمایشگاه تخصصی پلیس در این حوزه است. به گفته مدیر نمایشگاه تخصصی پلیس، پشتیبانی اطلاعاتی مأموریت‌های انتظامی، برقراری ارتباطات مورد نیاز یگان‌های مأموریتی، ستادی و بهبود روش‌های عملیاتی با به‌کارگیری فناوری و ارتباطات از مهم‌ترین مؤلفه‌های وظیفه‌ای پلیس فناوری و اطلاعات است. علاوه بر این برای دستیابی به تازه‌ترین فناوری‌ها و به‌کارگیری آن در خدمات‌رسانی به شهروندان، ناجا یازده میلیارد تومان به بخش دانش و پژوهش و هشتاد میلیارد تومان به فناوری اطلاعات و ارتباطات ناجا اختصاص داده است. (www.police.ir/portal/home/showpage.aspx?-object) با توجه به اینکه در پایان برنامه پنجم توسعه، کفه ترازوی نرم‌افزاری نسبت به سخت‌افزاری سازمان سنگین‌تر می‌شود، داشتن سرعت عمل، انجام امور زیربنایی و سرمایه‌گذاری انسانی و آموزش و پژوهش با همکاری سایر مجامع علمی بیش از پیش ضروری است.

۵-۲ حضور پلیس در وب برای امنیت واقعی

پیچیدگی مناسبات در عصر اطلاعات و ایجاد جامعه نوینی که در آن تولید امنیت محتاج شیوه‌های نوین است و گسترش روزافزون اینترنت و افزایش کاربران آن، ضرورت تعامل میان کارگزاران و حافظان امنیت و عموم مردم را برجسته نموده است. فضای مجازی مقری برای پیاده کردن کمبودها، نقصان‌ها و مواردی است که در دنیای واقعی امکان بروز و بیان ندارند، در کنار دنیای واقعی جولانگاه اقدامات قانونی و غیرقانونی کاربران است. لازمه حفظ امنیت در فضای واقعی، در کنار کنترل و پیاده کردن امنیت در دنیای مجازی که به‌طور غیرمستقیم بر فضای واقعی اثر می‌گذارد، حضور فعالانه پلیس در فضای مجازی به‌عنوان یک کاربر فعال در این حوزه است.

از آنجایی که کاربران اینترنت از اطلاعاتی که در دسترس یکدیگر می‌گذارند به‌طور فعالانه استفاده می‌کنند و قابلیت تعاملی بودن فضای مجازی به پویایی روابط نیز کمک می‌کند، حضور کارآمد پلیس در این فضا به روابط منسجمی میان حافظان امنیت و مردم می‌انجامد. قابلیت‌های فضای مجازی این فرصت را برای پلیس فراهم می‌کند تا ورای اقدامات خود در دنیای واقعی به حوزه‌ای گسترده دست یابد که بتواند با استفاده از آن و کسب رضایتمندی از مخاطبان خود در این حوزه، به اعمال قانون و در نتیجه حفظ امنیت بیشتر در جامعه کمک نماید.

از این‌رو پلیس با رعایت اصول حضور در فضای مجازی و بهره‌گیری از قابلیت‌های آن، می‌تواند با اطلاع‌رسانی گسترده در حوزه قوانین و تعامل همیشگی با شهروندان به‌سرعت و با سهولت از نیازها و درخواست‌های کاربران آگاهی یافته و گزارش‌های آنها را در مورد تهدیدات امنیتی دریافت و برای رفع آنها سریعاً وارد عمل شود. بنابراین توجه به چگونگی حضور پلیس در فضای مجازی برای اعمال امنیت در فضای واقعی بسیار اهمیت دارد.

۶ چگونگی حضور پلیس در فضای مجازی برای حفظ امنیت در دنیای واقعی

حضور فعالانه پلیس در فضای مجازی و استفاده بهینه از قابلیت‌های این فضا می‌تواند حوزه جدیدی برای اطلاع‌رسانی، نظارت، ترغیب و تهدید به‌منظور تولید امنیت و کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه باشد. براساس افق بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی

ایران توجه به قابلیت‌های فضای مجازی و استفاده بهینه از این قابلیت‌ها می‌تواند برای هر بخشی از دولت که دغدغه خدمت‌رسانی به مردم را دارد بسیار نویدبخش باشد. توجه به ویژگی‌های فضای مجازی و بهره‌گیری از قابلیت‌های آن می‌تواند در دستیابی پلیس به اهداف خود و نقش‌آفرینی پلیس به‌عنوان بازیگر تولیدکننده امنیت و برخوردار از رابطه‌ای تعاملی و فعال با شهروندان نقش اساسی را ایفا کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۶-۱ دیجیتالی بودن

این قابلیت فضای مجازی می‌تواند برای پلیس این فرصت را فراهم کند که از طریق ایجاد وبسایت‌های رسمی برای خود، در سطح خرد و کلان، و همین‌طور با طرح و امکاناتی که حتی ممکن است پیاده کردن آن در دنیای واقعی مقرون‌به‌صرفه و یا ممکن نباشد پایگاه‌های متعددی در این حیطه مجازی برپا کند.

۶-۲ حافظه مجازی

این قابلیت امکان عرضه انباشتی از اطلاعات در مورد حوادث و رویدادهای مختلف در حوزه مربوطه (محله، شهر، استان و حتی کشور) را برای عموم مردم فراهم می‌کند. همچنین فضای کافی در وبسایت‌ها این فرصت را فراهم می‌کند که اطلاعیه‌ها و قوانین جدید به‌سرعت و به‌سادگی در دسترس عموم قرار گیرد. حافظه مجازی قابلیت تولید، توزیع و دریافت حجم عظیمی از اطلاعات را فراهم می‌کند به‌گونه‌ای که با منابع موجود در دنیای واقعی قابل قیاس نیست.

۶-۳ تعاملی بودن

حضور پلیس در فضای مجازی بدون ارتباط متقابل با کاربران بی‌فایده است ازاین‌رو حضور پلیس در فضای مجازی از طریق وبسایت‌های پلیس بایستی در تماس دائمی با مخاطبان باشد. ایجاد فضایی مناسب در وبسایت‌ها به‌منظور ارائه شکایت‌ها و انتقادات و پیشنهادات کاربران و همین‌طور ارائه پست الکترونیکی و شماره تماس و تلفکس برای تماس مستقیم با مقامات از ضروریات وبسایت‌های پلیس است.

۴-۶ فرامتن بودن

این قابلیت فضای مجازی اتصال هم‌زمان به چندین منبع اطلاعاتی را به راحتی فراهم کرده است. بنابراین پلیس و دیگر سازمان‌های مربوطه همچون دادگستری، دفاتر وکلا، پزشکی قانونی و ... می‌توانند با لینک به یکدیگر در هنگام ضرورت برای مخاطب به سادگی قابل دسترس باشند. همچنین به هنگام اطلاع‌رسانی به مخاطبان و یا ارائه اخبار مربوط به پلیس می‌توان با فرامتن کردن کلمات کلیدی و ارتباط ساده کاربر به منابع اصلی او را در جریان بیشتر مسائل گذاشته و از جزئیات آگاه نمود. این قابلیت امکان ارائه خدمات کامل و بهینه را فراهم می‌کند.

۵-۶ واقعیت مجازی

اشاره به موجودیت فضای مجازی در کنار دنیای واقعی دارد. فضای مجازی بسیاری از محدودیت‌های دنیای واقعی را از بین برده است. از این‌رو با حضور پلیس در فضای مجازی کاربر اینترنتی در هر زمان که بخواهد می‌تواند با مراجعه به نشانی اینترنتی پلیس از خدمات آن استفاده کند، شکایت خود را تنظیم و ارائه کرده، از آخرین اخبار و مصوبات آگاه شود و چنانچه امکان ارتباط رودررو با مسئولان برای وی ممکن نیست از طریق پست الکترونیکی و یا تالارهای گفت‌وگو نظرات خود را منتقل سازد. با وجود اینکه در فضای مجازی موجودیت‌های فیزیکی معنا ندارد اما اداره‌کننده‌گان این فضا در دنیای واقعی هستند؛ از این‌رو برنامه‌ریزی بهینه در این فضا نتایج بسیار مطلوبی برای دنیای واقعی خواهد داشت.

۶-۶ غیرمرکزی بودن

در فضای مجازی به همان میزان که ایستگاه پلیس تهران حق حضور دارد، هر ایستگاه پلیس محلی نیز فرصت حضور و فعالیت دارد. حضور فعالانه دستگاه‌های امنیتی در این فضا که به خوبی با قواعد بازی آشنا باشند به آنها این فرصت را می‌دهد تا با ارائه نظریات و اندیشه و اهداف خود در هر زمان و مکانی با مجموعه‌ای از افرادی در ارتباط باشند که تابع محدودیت‌های فیزیکی و زمانی دنیای واقعی نیستند. از آنجایی که توزیع امنیت در یک حیطه وسیع می‌تواند از اهداف پلیس باشد اینترنت این قابلیت را به خوبی در خود دارد. این قابلیت‌ها به خوبی عرصه مناسبی برای اطلاع‌رسانی در حوزه قوانین، اخبار و

مصوبات در اختیار پلیس می‌گذارد. از آنجاکه در هزاره سوم، اطلاعات اهمیت بسزایی یافته است مخاطبان پلیس مجازی با در دست داشتن اطلاعات و به‌کارگیری آنها به اهمیت پلیس در فضای مجازی پی برده و این احساس رضامندی ناشی از اولین برخوردها با حضور پلیس در فضای اینترنت، آنها را به تعامل بیشتر سوق می‌دهد. کشف جرائم و پیگیری‌های اینترنتی آنان از طریق گزارش‌های مردمی که مبتنی بر استفاده و تعامل بیشتر با ایستگاه‌های مجازی پلیس است منجر به دستگیری سریع‌تر و آسان‌تر گروه‌های محل امنیت می‌شود. ارائه اخبار مربوط به این اقدامات خود به‌عنوان یک عامل تهدیدگر مانع برخوردهای خلاف قانون از جانب کاربران می‌شود که به‌نوعی رفتار خلاف قانون در فضای مجازی و یا دنیای واقعی دارند و همین‌طور عاملی برای ترغیب بیش از پیش کسانی می‌شود که همکاری با پلیس از طریق فضای مجازی را آسوده‌تر و مؤثرتر یافته‌اند و این همکاری دوجانبه میان پلیس و شهروندان عامل دستیابی به امنیت در افق ۱۴۰۴ خواهد بود.

نتیجه‌گیری

گسترش و حفظ امنیت در جامعه که با پیچیدگی روزافزون ناشی از تضاد و تبادل گسترده اطلاعات مواجه است، امری بسیار دشوار بوده و نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان و گسترده است. این مقاله استدلال می‌کند که سازمان‌های متولی نظم و امنیت در جامعه، با شناخت قابلیت‌ها و اهمیت فضای مجازی و براساس رویکرد تعاملی با مخاطب و کسب رضامندی و خشنودی مخاطب می‌توانند از عهده وظایف ذاتی خود در فضای مجازی برآیند. از آنجایی که دیگر حیات اجتماعی شهروندان محدود بر دنیای فیزیکی که در آن زندگی می‌کنند نیست، امنیت آنان نیز محدود به محیط فیزیکی زندگیشان نمی‌شود. از این‌رو حضور پلیس در قلمرو مجازی برای کنترل بسیاری از ناهنجاری‌هایی که ممکن است در این محیط شکل بگیرد، لازم و ضروری است، و همین‌طور موجودیت یافتن یک ایستگاه پلیس مجازی می‌تواند بسیاری از نیازهای شهروندان که ایستگاه‌های واقعی قابلیت پاسخ‌گویی به آنها را ندارند برطرف کند.

بنابراین با تعامل شهروندان و پلیس در فضای مجازی و تأمین نیازهایی که تاکنون بی‌پاسخ مانده‌اند، شهروندان احساس رضامندی کرده و دست به تعامل فعالانه با پلیس

می‌زنند. این به معنای ارتباط پویا و فعال میان پلیس و شهروندان است که می‌تواند حرکت به‌سوی چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران را تسریع کند. بر این اساس پلیس نیز به‌عنوان حافظان امنیت می‌توانند با به‌کارگیری صحیح فضای مجازی در سطح خرد و کلان، پایگاه‌های پلیس را در حیطه فضای مجازی برپا کنند و بخش وسیعی از فعالیت‌های پلیس که بایستی در مراکز پلیس در فضای واقعی انجام شود توسط اینترنت و به‌سرعت و سادگی انجام گیرد. فضای مجازی فرصتی است برای توسعه خدمات‌رسانی، چنانچه قابلیت‌های آن به‌خوبی شناخته شده و به‌کار گرفته شود.

این نکته نیز قابل ذکر است که عملکرد صحیح پلیس در فضای مجازی به‌عنوان حافظ امنیت در محیط وب و یا حامی ایستگاه‌های واقعی در برقراری امنیت در محیط واقعی، علاوه‌بر تلاش در درک صحیح قابلیت‌های این فضا و به‌کارگیری صحیح آنها محتاج قانونگذاری‌های سودمند در این حوزه نیز است. تا زمانی که جرائم اینترنتی و حدود آنها به‌خوبی تعریف نشده و قوانین بین‌المللی و ملی برای آنها تعبیه نشود از پلیس مجازی به‌عنوان حافظ امنیت در وب نمی‌توان نتیجه مطلوب را متصور شد. چنانچه امکان پیاده‌سازی ایستگاه پلیس مجازی با قابلیت‌های صحیح برای ایستگاه‌های واقعی فراهم نشود وب‌سایت‌های پلیس نمی‌توانند در کسب رضایت کاربران و همکاری آنها موفق باشد. از این‌رو پیشنهادها و راهکارهای زیر براساس چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌شود:

۱. با توجه به رابطه حضور فعالانه پلیس در فضای واقعی و ایجاد امنیت در این فضا، حضور فعالانه پلیس مجازی در دنیای مجازی نیز سبب ایجاد احساس امنیت در کاربران این فضا می‌شود، از این‌رو پلیس ایران نیازمند در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فضای مجازی و همچنین نیازمند زیرساخت‌های سازمانی است تا بتواند سازمان ناجا را به‌طرف جامعه اطلاعاتی سوق دهد.

۲. لازمه فعالیت مؤثر وب‌سایت‌های پلیس در فضای مجازی تعامل حداکثری با مخاطبان خود است. به همین جهت امکان ارتباط از طریق پست الکترونیکی و چت با مسئولان بایستی در این سایت‌ها حتماً مورد توجه باشد. از این‌رو درج آدرس اینترنتی مسئولان، تلفکس و حتی شماره تماس آنها به اعتمادسازی بیشتر کمک کرده و به ویژگی تعاملی بودن وب‌سایت‌های پلیس کمک می‌کند.

۳. از آنجاکه در عصر اطلاعات، اطلاعات صحیح و موثق برای همگان اهمیت بسیاری دارد، توجه به اطلاع‌رسانی دقیق و کاربردی در وبسایت‌های پلیس به رفع نیازهای مخاطبان خواهد انجامید و این رضامندی ارتباط و مشارکت بیشتر را به دنبال خواهد داشت، و این مسئله به ایجاد امنیت بیشتر در جامعه منجر می‌شود.

۴. کمک به نسل تازه‌حضور یافته در این فضا در برخورد با اینترنت، از وظایف کارشناسان امور اجتماعی و مدنی ایستگاه‌های مجازی پلیس است، بر این اساس تعامل از طریق تالارهای گفت‌وگو یا پست الکترونیکی و پیغام‌ها با جوانان و نوجوانان در جهت هدایت و راهنمایی آنان در برخورد با آرا و نظریات متفاوت و متضاد در وبسایت‌های دیگر می‌تواند در روشن‌سازی افکار عمومی نسبت به اقدامات پلیس و فعالیت‌های آن بسیار کارآمد باشد.

۵. از آنجاکه فضای وب به‌عنوان یکی از فعال‌ترین حوزه‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی میان نخبگان محسوب می‌شود، حضور پلیس در این فضا و اقدام به اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف در مورد اخبار و وقایع جاری می‌تواند عامل مؤثری در روشن‌سازی افکار عمومی و حتی عاملی جهت خنثی‌سازی بسیاری از اطلاعات نادرست موجود در این فضا باشد.

۶. محدودسازی عمل فیلترگذاری در سایت‌ها که باعث انحراف فکری و کنجکاوی‌های بی‌مورد در وبسایت‌ها می‌شود، که در نتیجه آن با نصب فیلتر شکن‌ها سایت‌های هرزه‌نگاری‌ها نیز باز خواهد شد، بایستی با برنامه‌ریزی دقیق مورد بحث و بررسی کارشناسان قرار گیرد.

۷. آموزش‌های عمومی در رادیو و تلویزیون درباره استفاده بهینه از اینترنت و نحوه تعامل با پلیس از طریق وبسایت‌های پلیس به‌صورت کلیپ‌های مختصر و جذاب.

۸. حرکت شتابان دولت به سمت ارائه خدمات الکترونیکی در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و اهمیت فزاینده انقلاب اطلاعاتی در جامعه ایجاب می‌کند که مؤسسات پژوهشی دفاعی و امنیتی، با هدف شناسایی و تبیین محیط امنیتی نوظهور و ارزیابی تهدیدات نوین؛ مطالعات معطوف به آینده در خصوص راهکارهای تأمین امنیت ملی در فضای سایبر انجام دهند. در همین راستا، به‌نظر می‌رسد که ایجاد مرکز مستقل تحقیقات امنیت سایبر در مراکز پژوهشی نهادهای نظامی و امنیتی می‌تواند نقش مهمی را در آمادگی عملی و علمی پلیس در مواجهه با تهدیدات بالقوه فضای سایبر ایفا نماید.

منابع و مأخذ

- بیگز، استفان (۱۳۸۵). فرهنگ، خود/گاهی و اینترنت، ترجمه کامبیز پارتازیان، تهران، باشگاه اندیشه.
- تامپسون، جان ب (۱۳۸۰). رسانه‌ها و مدرنیته، ترجمه مسعود اوحدی، تهران، سروش.
- جواهری، فاطمه (۱۳۸۶). «تأثیر استفاده از اینترنت بر سرمایه اجتماعی و انسانی در بین دانشجویان دانشگاه تهران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۸-۵۹.
- سورین، ورنر و تانکارد جیمز (۱۳۸۱). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، دانشگاه تهران.
- شویره، کریستی ین و فوشن اولیویه (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، ترجمه مرتضی کتبی، تهران، نی.
- ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۳). فرهنگ مطالعات جوانان، تهران، آگاه.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲). «جهانی شدن‌ها: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه/رغنون، شماره ۲۴.
- عاملی، سعیدرضا. جزوه درسی مطالعات فضای مجازی، دوره کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ترم اول سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو، جلد اول، چاپ پنجم.
- کاستلز، م و اینس، م (۱۳۸۴). گفت‌وگوهایی با مانوئل کاستلز، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نی.
- کوپر، بریان (۱۳۸۱). اتصال به اینترنت، ترجمه سیدمحمدرضا رکن‌الدینی، تهران، قلیانی.
- نیکو، مینو و دیگران (۱۳۸۱). شناخت مخاطب تلویزیون، تهران، سروش.
- ولیس، پاتریشا (۱۳۸۲). روان‌شناسی اینترنت، ترجمه بهنام اوحدی و دیگران، تهران، نقش خورشید.
- Danet, Bernda (2001). Communication and Culture on the Internet. <http://pluto.mscc.huji.ac.il/~msdanet/papers/comm-cult.pdf>
- Kiesler and Others (2001), Internet Evolution and Socialism Pacts, <http://home.net.hcii.cs.cmu.edu/progress/ebusinesspaper.pdf>
- Singh, J.P. (2002), Information Technologies and the Changing Scope and Global Power and Governance, in: James Rosenau and J.P. Singh (eds), Information Technology and Global politics, London, Cornell University Press.
- Whittaker, Jason (2004). The Cyberspace Handbook, London and New York, Routledge
- [www.internetworldstats.com/middle east internet stats](http://www.internetworldstats.com/middle%20east%20internet%20stats).
- [www.internetworldstats.com/middle east internet stats/iran](http://www.internetworldstats.com/middle%20east%20internet%20stats/iran)
- [www.police.ir/portal/home/showpage.aspx?- object](http://www.police.ir/portal/home/showpage.aspx?object).

گامی به سوی پلیس مطلوب: ارائه یک الگوی علمی با رویکرد

ایران ۱۴۰۴

دکتر یوسف ترابی*

دکتر قاسم فرج پور**

مقدمه

الف) بیان مسئله و ضرورت‌ها

امنیت و احساس امنیت از نیازهای اساسی و بنیادین انسان‌ها در طول حیات بشری بوده و است. در پرتو تحقق امنیت پایدار زمینه‌های نیل و حصول به اهداف عالیه توسعه ملی کشورها در ابعاد مختلف علمی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میسر است و بررسی‌ها از این واقعیت شایان توجه حکایت دارد که امنیت پایدار زیرساخت و پایه اساسی توسعه تلقی شده و تحقق برنامه‌های توسعه ملی در گرو وجود امنیت پایدار است. فقدان و زوال امنیت و احساس ناامنی همواره زمینه‌ساز پیدایش اختلال در نظام‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شده و نیل به اهداف را غیرممکن می‌کند. در همین رابطه نظام‌های سیاسی مختلف و دولت‌ها برای تأمین امنیت و مراقبت از آن سرمایه‌های هنگفتی را در قالب تقویت نیروهای امنیتی مانند نیروهای پلیس هزینه می‌کنند.

امروزه نهاد و سازمان پلیس در تمامی کشورهای جهان نقش بسزایی را در فرایند تأمین امنیت داخلی و مبارزه با عناصر مخل آن ایفا می‌کند و پلیس مظهر و نماد عدالت و مبارزه با ظلم، قانون‌گریزی و تجاوز به حقوق دیگران است. پلیس و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌مثابه یکی از نهادهای مهم و بنیادین اجتماعی و امنیتی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی؛

E-mail: utorabi14@gmail.com

** عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛

دارای وظایف و مأموریت‌های خطیری در فرایند تأمین امنیت پایدار و مراقبت از آن است. خصوصیات و ویژگی‌های بارز پلیس و نیروی انتظامی که آن را از سایر نیروهای مسلح مانند ارتش و نظامیان متمایز می‌کند کارویژه‌های اجتماعی آن است. به این معنا که ارتباط با جامعه و شهروندان آن‌هم به صورت مستمر و پیوسته در ذات مأموریت‌های پلیس و نیروی انتظامی وجود دارد و این ارتباط تا جایی است که بسیاری از شئون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان و جامعه با حضور پلیس در جامعه عجین شده است و امروزه پلیس یک سازمان اجتماعی با پوششی امنیتی است که ثبات و پایداری جامعه و اجتماع در پرتو چگونگی عملکرد، صحت عمل و کارآمدی نیروهای پلیس و نیروهای انتظامی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد تاریخچه تکوین پلیس نوین در ایران معاصر به دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بازمی‌گردد که تحقق آن در قالب تشکیل پلیس جنوب ازسوی انگلیسی‌ها، ژاندارمری ازسوی سوئدی‌ها، پلیس قزاق ازسوی روس‌ها و سازمان نوین پلیس ایران، تحت عنوان نظمیه، توسط کنت دومونت فورت اتریشی انجام گرفت (ترابی، ۱۳۸۱: ۲۴).

پس از گذشت صد و اندی سال از تحولات پلیس در ایران معاصر در سال ۱۳۷۰ شاهد آخرین تحول پلیس ایران در قالب ادغام نیروهای انتظامی شهربانی، ژاندارمری، کمیته انقلاب اسلامی و پلیس قضایی بودیم و سازمان جدید پلیس جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان نیروی انتظامی کشور تولد یافت. امعان‌نظر در آرا و نظرهای مسئولان و نخبگان سیاسی کشور حاکی از دغدغه‌های آنان درخصوص بهینه‌سازی نیروی انتظامی و کارآمد کردن آن است تا جایی که فرمانده کل قوا، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ضرورت تحقق پلیس مطلوب اسلام و قرآن در جمهوری اسلامی ایران را مطرح کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۱۱) و در موارد متعددی ضرورت تحقق اقتدار به عزت و رحمت و مهربانی را به‌مثابه شاخص‌های یک پلیس مطلوب در نظام اسلامی متذکر شدند. انگاره و ایده پلیس مطلوب، پلیس کارآمد، پلیس اثربخش، پلیس خوب، پلیس مقتدر و عزیز امروزه از دغدغه‌های مسئولان و نخبگان سیاسی کشور در سطوح مختلف است و تلاش‌های فراوان فرماندهان محترم نیروی انتظامی در شانزده سال اخیر در راستای بهینه‌سازی و تقویت این نهاد اجتماعی و امنیتی بوده است. ولی واقعیت‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به یک پلیس و نیروی انتظامی مطلوب تلاش‌های جدی‌تر

مبتنی بر عقلانیت باید صورت پذیرد. مقاله حاضر پویشی علمی در فرایند تبیین شاخص‌های کلان پلیس خوب و پلیس مطلوب است که در دو قسمت مبانی نظری و طراحی یک مدل علمی ارائه می‌شود. امید است این نوشتار گامی مؤثر در فرایند تحقق پلیس و نیروی انتظامی خوب، کارآمد و مطلوب در جمهوری اسلامی ایران باشد.

ب) مبانی نظری

مفهوم‌شناسی مطلوبیت^۱ و الگوی ایدئال^۲ و پلیس خوب^۳

فایده و مطلوبیت اساساً ریشه در اندیشه‌ها و نظریات اقتصادی دارد و ترجمه واژه utility است که به معنای خوشایندی و رضایت ناشی از مصرف کالا یا پیگیری از خدمات شخصی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مطلوبیت و فایده یک مفهوم سیال و نسبتاً پیچیده است که ابعاد گسترده‌ای دارد و عمدتاً مترادف با لذت فردی و شخصی به‌کار می‌رود. برای مثال در گزینش و انتخاب کالا و یا خدمات، کالا یا خدماتی مورد گزینش و انتخاب نهایی فرد و مشتری قرار می‌گیرد که برای خریدار بیشترین و بالاترین خوشایندی و رضایت را دربرداشته باشد.

مطلوبیت و الگوی ایدئال در مورد سازمان‌ها و ساختارهای مدیریتی با متغیرهای مهم و اساسی مانند وظیفه^۴ و عملکرد^۵ محاسبه، سنجش، عقلانیت، کارآمدی، اثربخشی و بهره‌وری ارتباط دارد. امروزه در اقتصاد نوین مطلوبیت در اغلب موارد در مقام تطبیق و مقایسه یک کالا و یا خدمات با هم‌نوع خود در جای دیگر بروز و ظهور پیدا می‌کند و در مورد سازمان‌ها و نظام‌های مدیریتی نیز مقایسه و تطبیق نشان‌دهنده مطلوبیت و خوبی آن است.

از آنجاکه نیل و دستیابی به الگوها و مدل‌های ایدئال امروزه تا حدود زیادی حالت رویایی و اتوپیایی پیدا کرده است به‌جای الگوهای ایدئال و مطلوب الگوهای مناسب، خوب، کارآمد و اثربخش مدنظر قرار می‌گیرد. برای مثال مهم‌ترین شاخص‌های مطلوبیت و خوب

1. Utility
2. Ideal Type
3. Good Police
4. Function
5. Performance

بودن در یک کارخانه تولید خودرو رضایتمندی مشتریان از خودرو در ابعاد زیر است:

۱. ایمنی در هنگام حوادث و تصادفات،
۲. توان بالا و قدرت،
۳. مصرف پایین انرژی،
۴. ارزش و بهای منطقی،
۵. عمر متوسط مناسب بهره‌برداری،
۶. کیفیت خدمات پس از فروش.

در بسیاری از شرکت‌های تولید خودروی معروف جهان مانند فورد، بنز، فولکس، میتسوبیشی، تویوتا و سیتروئن رضایتمندی مشتری آنچنان اهمیتی دارد که صاحبان این شرکت‌ها خدمات ویژه‌ای به مشتریان ارائه کرده و به محض مشاهده عیوب و نواقص در تولیدات خود اقدام به پرداخت ضرر و زیان و حتی جمع‌آوری خودروها و اعطای خودروی جدید می‌کنند و رمز موفقیت آنها کیفیت بالای تولیدات، رضایتمندی مشتریان و مصرف‌کنندگان و اعتماد آنهاست.

مقوله مطلوبیت و الگوی ایدئال و یا نمونه خوب در مورد سازمان‌های پلیس و نیروی انتظامی متناسب با کارویژه‌ها و وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی و پلیس باید تعریف و شاخص‌های آن شناسایی شود. بررسی‌ها، مطالعات و پژوهش‌های علمی بیانگر این واقعیت است که سازمان‌های انتظامی و پلیسی مهم‌ترین وظایف و کارکردهایشان پیرامون نظم، انضباط اجتماعی، امنیت، آسایش شهروندان به‌ویژه احساس امنیت شهروندان و مقابله با جرائم و بزهکاری و اختلال در نظم اجتماعی و موارد گریز از قانون، مقررات و هنجارهای اجتماعی معنا و مفهوم پیدا می‌کند و در ادبیات و آموزه‌های پلیسی، سازمان‌های پلیس و انتظامی مظهر عدالت نمادین در جامعه هستند (بیلی، ۱۳۷۹: ۱۵). زیرا یکی از وظایف اصلی سازمان‌های انتظامی و پلیسی مقابله با متعدیان به حقوق مردم و مبارزه با ستمگران، زورگویان، مجرمان و جنایت‌کارانی است که بی‌رحمانه به حقوق مردم در قالب‌های مختلف فردی و اجتماعی آسیب رسانده و حریم امن و آسایش فردی و اجتماعی شهروندان را مورد تهدید و تعدی قرار می‌دهند. امروزه به‌دلیل تغییرات و تحولات اجتماعی در سطح جوامع مختلف و به‌دلیل تحولات

عمیق علمی و فناوری‌های جدید گستره تخلف و جغرافیای جرم، قانون‌شکنی و بزهکاری ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده و در همین رابطه مأموریت‌ها و وظایف پلیس نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر از گذشته شده است و از آنجایی که در ادبیات مأموران پلیس و جرم‌شناسان اصطلاح مجرمان و جنایت‌کاران اغلب یک گام از پلیس جلوتر هستند رایج است موفقیت پلیس در مقابله با بزهکاران و قانون‌شکنان و جنایت‌کاران موضوعی سخت و نیازمند تحقق شرایط و مقدماتی است که در قالب یک نظام مدیریتی موفق معنا و مفهوم پیدا می‌کند و شاخص‌های کلان آن اثربخشی و کارآمدی پلیس و در نهایت میزان بهره‌وری در سازمان‌های پلیسی و انتظامی است. مهم‌ترین قاضی و داور برای یک پلیس خوب و کارآمد شهروندان، مردم و جامعه هستند که احساس امنیت می‌کنند و از پلیس راضی بوده و به آن اعتماد عمیق دارند و این اعتماد بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی یک سازمان پلیسی و انتظامی محسوب می‌شود به نحوی که پلیس ملجأ و پناهگاه مردم و مایه امید و آرامش خاطر آنان خواهد بود.

ج) توصیف کلان شاخص‌های یک سازمان پلیسی و انتظامی خوب و کارآمد

شاخص‌ها^۱ گزاره‌های منطقی عینی و ملموسی هستند که مفاهیم انتزاعی مورد نظر را روایت و توصیف می‌کنند.

در یک رویکرد سیستمی سایبرنتیکی پارسونزی قاعده‌مند، کارایی و اثربخشی و در نهایت بهره‌وری یک سازمان انتظامی و پلیسی با خرده‌نظام‌ها و خرده‌سیستم‌های درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مرتبط است. مهم‌ترین نظام‌ها و سیستم‌های یک جامعه عبارت‌اند از:

۱. سیستم و نظام سیاسی و حکومتی (کرایپ، ۱۳۷۸: ۲۵)،

۲. سیستم و نظام فرهنگی و ارزش‌ها،

۳. سیستم و نظام اجتماعی،

۴. سیستم و نظام اقتصادی،

۵. سیستم و نظام امنیتی،

۶. سیستم و نظام قضایی و حقوقی.

مطلوبیت نیروی انتظامی و پلیسی یک جامعه در ذیل سیستم و نظام کلان سیاسی و امنیتی قابل تجزیه و تحلیل علمی بوده و با سایر نظام‌های کلان مانند نظام فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. به این معنا که پلیس و نیروی انتظامی خوب در پرتو منظومه سیستمی و قاعده‌مند یک جامعه که از نظام‌های فوق‌الذکر تشکیل شده قابل تعریف است و بدون امعان نظر به آنها در مقام عمل نمی‌توان به شاخص‌های شفاف و قابل اعتمادی دست یافت.

۱ متغیرهای درون‌سازمانی مؤثر بر کارآمدی پلیس

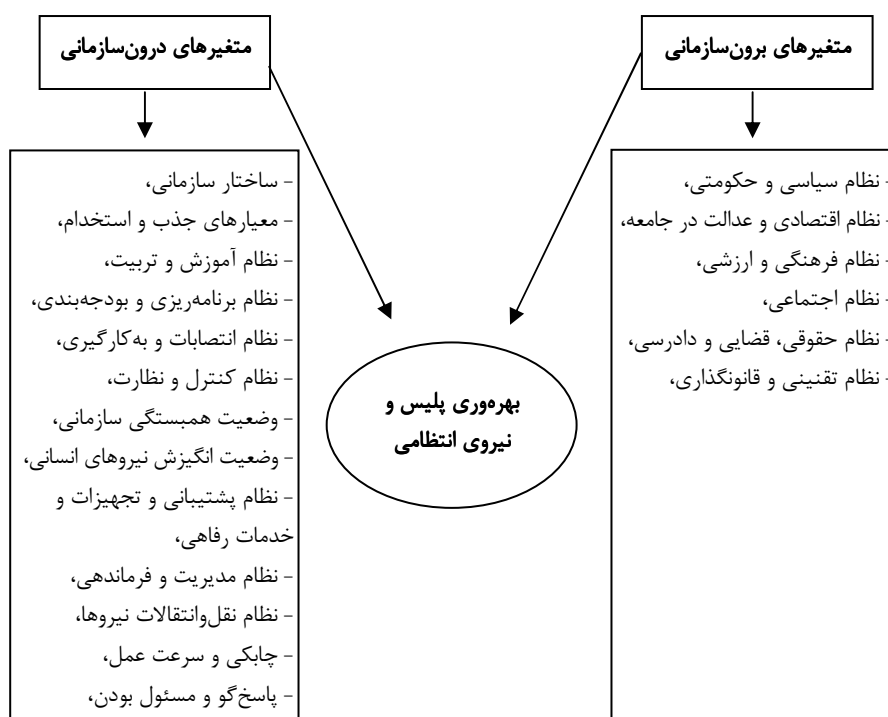
در یک تقسیم‌بندی منطقی دو دسته متغیرهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بر کارآمدی پلیس تأثیرگذار هستند که در زیر به اجزای مختلف آن اشاره می‌شود:

۱. ساختار سازمانی مناسب و منطقی متناسب با آخرین دستاوردهای علمی تجربه شده و کارآمد (فونچ و سیسل، ۱۳۸۰: ۴۷)،
۲. معیارهای منطقی جذب، استخدام و گزینش نیروهای انسانی،
۳. نظام آموزشی و تربیتی منطقی و کارآمد متناسب با آخرین دستاوردهای علمی،
۴. نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی مناسب،
۵. نظام انتصابات و به‌کارگیری مبتنی بر شایسته‌سالاری،
۶. وضعیت همبستگی و عصیت سازمانی،
۷. نظام کنترل و نظارت پویا و کارآمد،
۸. نظام پشتیبانی، تجهیزات و حمایت‌های حقوقی و رفاهی،
۹. وضعیت انگیزشی نیروهای انسانی،
۱۰. نظام مدیریت و فرماندهی پویا و مناسب،
۱۱. نظام نقل و انتقالات نیروهای انسانی،
۱۲. چابکی و سرعت عمل،
۱۳. پاسخ‌گو و مسئول بودن (ترابی، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲: ۲۵-۲۰).

۲ متغیرهای برون‌سازمانی مؤثر بر کارآمدی پلیس

متغیرهای برون‌سازمانی مؤثر بر کارآمدی پلیس عبارت‌اند از:

۱. نظام سیاسی و حکومتی،
۲. نظام اقتصادی و عدالت،
۳. نظام فرهنگی و ارزشی،
۴. نظام اجتماعی،
۵. نظام حقوقی، قضایی و دادرسی،
۶. نظام تقنینی و قانونگذاری.



نمودار ۱ متغیرهای تأثیرگذار بر کارآمدی و اثربخشی = بهره‌وری پلیس

نکته شایان توجه در یک جامعه متوازن، پویا و سالم این است که نظام‌های کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی آن باید در یک فرایند سیستمی متوازن و مثبت عقلانی و دارای انسجام حرکت کنند. در غیر این صورت نظام کلان جامعه

دستخوش اختلال و عدم توازن شده و انسجام خود را ازدست‌می‌دهد که پیامدهای اجتماعی و بعضاً پیامدهای امنیتی منفی به دنبال خواهد داشت. برای مثال سیاسی شدن مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پیامدهای بسیار خطرناک و جبران‌ناپذیری در جامعه داشته و باعث اختلال در منظومه تعادلی جامعه می‌شود.

۳ شاخص‌های کلان پلیس مطلوب در یک نظام اسلامی

شرایط و ویژگی‌های زیست‌بومی، فرهنگی، ارزش‌ها، اعتقادات، دین و ویژگی‌های اجتماعی جوامع مختلف در مطلوبیت پلیس تأثیر قابل توجهی دارد. نظام جمهوری اسلامی ایران که مصداق عینی یک نظام سیاسی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، قرآنی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است در اجزای سیستمی خود شاخص‌های مهمی از این آموزه‌ها را به همراه دارد و به عبارت دقیق‌تر جوهره و محتوای نظام سیاسی در ایران آمیزه اسلامی، قرآنی و شیعی دارد، بنابراین با توجه به این واقعیت‌های ملموس به برخی از شاخص‌های مهم مستفاد از آن آموزه‌ها اشاره می‌شود. حضرت امیرمؤمنان علی‌ابیطالب (ع) در منشور درخشان حکومتی خود در فرمان معروف مالک اشتر نخعی شاخص‌های برجسته نیروهای مسلح از جمله پلیس را در عباراتی بلیغ چنین توصیف می‌کند: الْجَنُودُ بَاذِنُ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَ زِينُ الْوَلَاةِ وَ عِزُّ الدِّينِ وَ سُبُلُ الْأَمْنِ وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ (نهج‌البلاغه، خطبه ۵۳).

از عبارت فوق پنج شاخص کاربردی شگرف برای پلیس مستفاد می‌شود که عبارت‌اند از:

۱. نیروهای مسلح و پلیس به‌مثابه دژ، پناهگاه و ملجأ شهروندان و مردم؛
 ۲. نیروهای مسلح و پلیس به‌مثابه زینت دولتمردان و حاکمیت سیاسی؛
 ۳. نیروهای مسلح و پلیس به‌مثابه عزت، شکوه و سرفرازی دین و مکتب؛
 ۴. نیروهای مسلح و پلیس به‌مثابه مجاری و کانال امنیت و آسایش مردم؛
 ۵. نیروهای مسلح و پلیس به‌مثابه ابزار قوام و پایداری مردم و شهروندان.
- از جمله منابع دیگری که در عصر حاضر می‌توان در ترسیم شاخص‌های پلیس مطلوب در نظام اسلامی از آنها بهره‌گیری کرد آرا و اندیشه‌های ژرف و عمیق حضرت

امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، و همچنین مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، است که در این مجال به اختصار به برخی از آرای آنان اشاره می‌شود.

حضرت امام خمینی (ره) نیروهای مسلح مکتبی و مردمی را از ارمغان‌های ارزشمند انقلاب اسلامی برای کشور و نظام اسلامی تلقی می‌کند که مکتب و ایمان به‌عنوان جوهره و رکن اساسی آن به‌شمار می‌آید (مؤذن جامی، ۱۳۷۸: ۳۴). نیروهای مسلح و نیروی انتظامی نیرویی آزاد و آزاده است، لازمه این آزادگی عدم تصرف دیگران و نیز دشمنان در نبرد است (امام خمینی، ۱۳۶۲) و نیروی خدمتگزار مردم (همان، ج ۱۳) و متکی بر مردم است (همان، ج ۲). بنابراین برخی از مهم‌ترین شاخص‌های یک پلیس مطلوب از منظر امام امت (ره) عبارت‌اند از:

۱. مکتبی بودن و الهی بودن،
 ۲. اصل بودن ایمان و توجه به عنایات الهی،
 ۳. آزادگی و حریت و عدم نفوذپذیری از دیگران،
 ۴. خدمتگزار بودن به مردم،
 ۵. متکی بودن به مردم،
 ۶. وحدت و انسجام و هماهنگی (همان، ج ۱)،
 ۷. اخلاق کریمه (همان، ج ۱۷)،
 ۸. نظم و انضباط و رعایت سلسله‌مراتب (همان، ج ۱۲)،
 ۹. حمیت سازمانی (همان، ج ۱: ۱۵)،
 ۱۰. آمادگی برای فداکاری و شهادت (همان)،
 ۱۱. تحصیل رضای خدا و رضای ملت که رضای خداست.
- از نظر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای برخی از مهم‌ترین شاخص‌های پلیس مطلوب عبارت‌اند از:

۱. قوی و مقتدر بودن (اصل اقتدار)،
۲. هوشمندی،
۳. پیچیدگی،
۴. سالم و امین بودن،

۵. سریع و بهنگام بودن،
۶. مؤدب و اهل بیان بودن،
۷. تفاهم داشتن با مردم (آیت‌ا... خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۷)،
۸. عزیر بودن و برخورداری از عزت و نفوذناپذیری (اصل عزت)،
۹. رؤف و مهربان بودن نسبت به اسلام (اصل رحمت)،
۱۰. اصل پاکدامنی و طهارت (باقری، ۱۳۷۴: ۴۵).

۴ سطوح و ابعاد مطلوبیت و پلیس خوب

سطوح و ابعاد مطلوبیت پلیس از زوایای مختلف قابل بررسی است، به عبارت دیگر ایدئال و خوب بودن یک نظام و سازمان پلیسی و انتظامی را حداقل می‌توان از چهار منظر و در چهار سطح مختلف مورد ارزیابی و بررسی قرار داد که عبارت‌اند از:

۱. مطلوبیت پلیس و خوب بودن آن از منظر مردم جامعه و شهروندان،
 ۲. مطلوبیت پلیس و خوب بودن آن از منظر حاکمیت و نظام سیاسی،
 ۳. مطلوبیت پلیس و خوب بودن آن از منظر درون‌سازمانی،
 ۴. مطلوبیت پلیس و خوب بودن آن از منظر رشد و توسعه علمی سازمان پلیس.
- با عنایت به موارد فوق‌الذکر تلاش خواهیم کرد به روش و متدلوژی دستیابی به یک پلیس و نیروی انتظامی مطلوب متناسب با فرهنگ و نظام ارزشی و ارزش‌های موجود در یک جامعه به شرح زیر بپردازیم.

۴-۱ روش و متدلوژی دستیابی به یک نیروی انتظامی و پلیس خوب در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ (یک روش)

۴-۱-۱ ملاحظات مهم در تعریف شاخص‌ها

دستیابی به یک سیستم پلیسی خوب در جمهوری اسلامی ایران، مستلزم انجام فعالیت‌های به هم پیوسته‌ای است که یکی از مهم‌ترین آنها تعریف شاخص‌های پلیس مطلوب و خوب است. یعنی نمی‌توان و نباید شاخص‌ها را به‌طور انتزاعی و مجرد و بدون در نظر گرفتن ارتباط آن با سایر فعالیت‌ها تعریف کرد.

امروزه، فعالیتهای ارزش آفرین سازمان پلیس، فقط متکی به داراییهای مشهود آن (نظیر تجهیزات نظامی، خودرویی، ساختمانها، تعداد نفرات و ...) نیست. در عصر کنونی، دانش و قابلیت کارکنان پلیس، روابط آنها با مردم، کیفیت خدمات ارائه شده توسط پلیس، شبکههای اطلاعاتی آن، فرهنگ سازمانی پلیس، داراییهای به مراتب ارزشمندتر از داراییهای فیزیکی اند و توانمندی پلیس در به کارگیری این داراییهای نامشهود، زمینه‌ای برای تکوین پلیس و نیروی انتظامی خوب است.

بنابراین در مرحله تعریف شاخص‌ها، باید شاخص‌هایی را تعریف و انتخاب کنیم که بتوانند این داراییهای نامشهود را نیز سنجش کرده و میزان تأثیر آنها بر موفقیت سازمان پلیس را اندازه بگیرد. از طرف دیگر شاخص‌ها باید به گونه‌ای انتخاب شوند که بتوانیم هم وضعیت فعلی را که در اثر برنامه‌ها و عملکرد گذشته به وجود آمده‌اند، اندازه بگیریم و هم بتوانیم دورنمای خوبی از آینده را در ابعاد مختلف برای نیروی انتظامی و پلیس ترسیم کنیم. که در قالب متغیرهای درون و برون سازمانی به آنها اشاره شد.

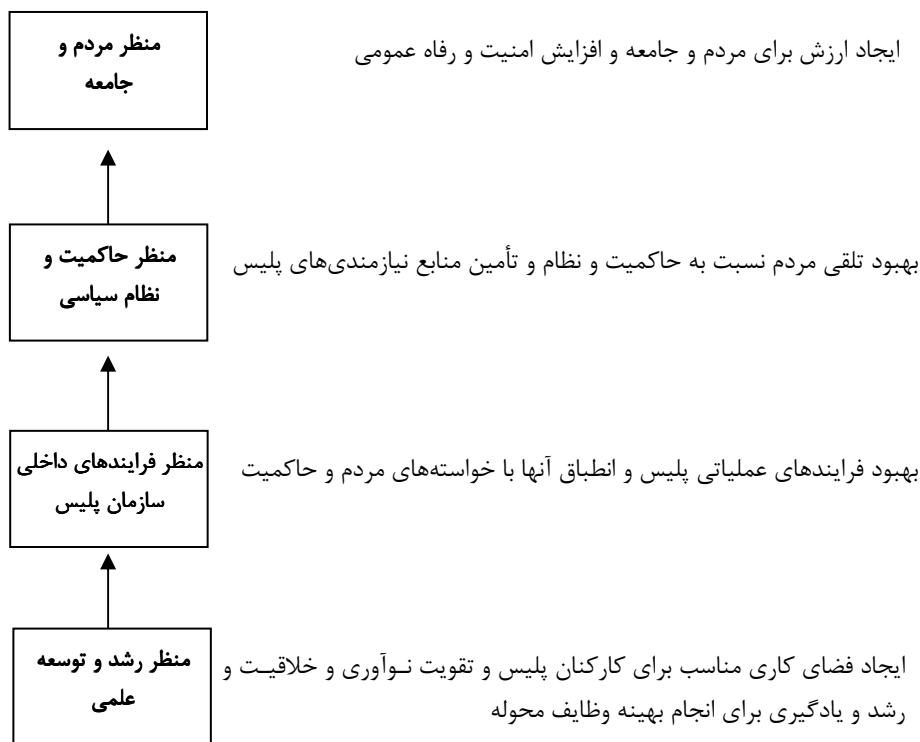
بنابراین باید یک مدل برای دستیابی به یک سیستم پلیسی خوب و در نهایت تعریف شاخص‌های پلیس خوب داشته باشیم. این مدل با الهام از مدل‌های مطرح جهانی در ارزیابی عملکرد، باید چند منظر^۱ داشته باشد و یک سیستم پلیسی خوب باید در تمامی این منظرها، کارآمد باشد. در هریک از این منظرها، باید اهداف کلی، شاخص‌ها، اهداف کمی را مشخص و اقدامات اجرایی و بودجه‌های مربوطه برای تحقق این اهداف را برنامه‌ریزی و اجرا کنیم و در این فرایند، آخرین فعالیت، پایش اثربخشی اقدامات اجرایی و انجام اصلاحات لازم (در صورت لزوم) است. نکته قابل ذکر اینکه، هسته مرکزی و قلب این مدل، چشم‌انداز و استراتژی پلیس و نیروی انتظامی کشور خواهد بود. نکته قابل توجه دیگر در طراحی مدل و الگوی پلیس مطلوب و خوب این است که باید موارد زیر نیز مدنظر قرار گیرد:

- استانداردهای جهانی موجود در پلیس‌های کشورهای توسعه‌یافته و موفق،
- ارزش‌ها و ویژگی‌های زیست‌بومی جامعه ایرانی با تأکید بر ارزش‌های والای اسلامی - ایرانی.

۲-۱-۴ پلیس و نیروی انتظامی خوب از منظرهای مختلف

تعیین منظرها باید به گونه‌ای باشد که تمامی فاکتورهای مؤثر بر موفقیت پلیس لحاظ شده و روابط همبستگی میان منظرها برقرار باشد. در این راستا چهار منظر با رابطه همبستگی زیر پیشنهاد می‌شود:

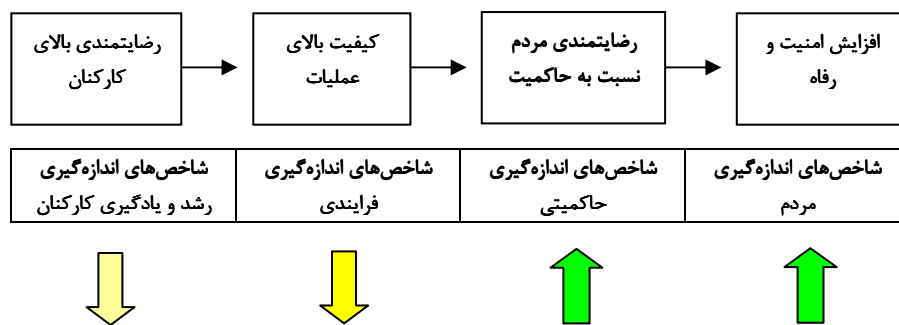
۱. منظر مردم و جامعه،
۲. منظر حاکمیت و نظام سیاسی،
۳. منظر فرایندهای داخلی (درون‌سازمانی)،
۴. منظر رشد و توسعه علمی.



نمودار ۲ مطلوبیت

موارد چهارگانه فوق‌الذکر در قالب نمودار ۲ در یک فرایند هم‌بسته به یکدیگر عینیت پیدا می‌کند، به این معنا که کیفیت رشد و توسعه علمی سازمان پلیس با فرایندهای عملیات پلیس ارتباط داشته و بر چگونگی قضاوت و داوری شهروندان به نظام سیاسی و حاکمیت تأثیرگذار بوده و باعث ارتقای مشروعیت نظام سیاسی شده و در نهایت در میان مردم احساس امنیت و اعتماد پدید می‌آورد.

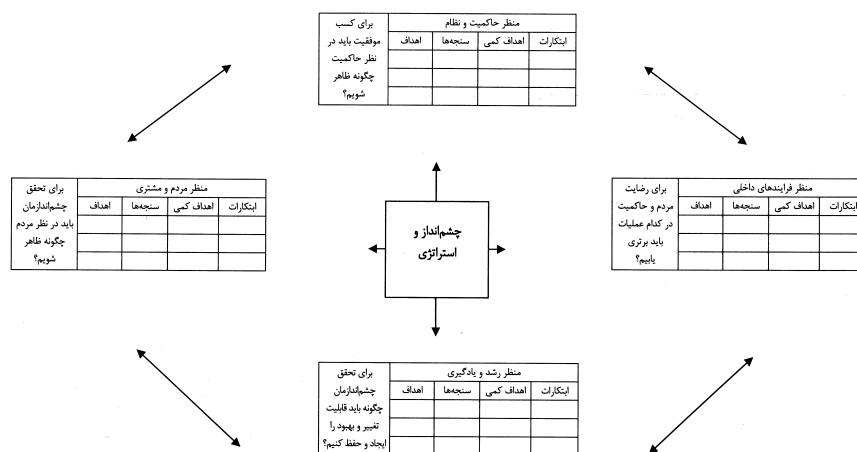
۳-۱-۴ تشریح یک رابطه همبستگی میان چهار منظر و سطوح یاد شده



نمودار ۳ همبستگی

برای مثال اگر شاخص‌های امنیت و رضایت نسبت به حاکمیت مطلوب فرض شود، ولی شاخص مرتبط با کیفیت عملیات و رضایت کارکنان در جهت کاهش باشد، شاخص‌های امنیت و رضایت مشتری، در آینده چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ به این ترتیب، دیدگاه فوق باعث ایجاد توازن در فرایند دستیابی به یک سیستم پلیسی خوب خواهد شد:

۱. توازن بین شاخص‌های مرتبط با کارکنان و فرایندهای عملیاتی پلیسی (داخلی) با شاخص‌های مرتبط با مردم و حاکمیت (خارجی)،
۲. توازن بین اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت،
۳. توازن بین شاخص‌های محرک عملکرد با شاخص‌های نتایج عملکرد.



نمودار ۴ مدل دستیابی به یک سیستم پلیسی خوب

۵ گام‌های اجرایی و پیاده‌سازی مدل و الگو تا سال ۱۴۰۴ ه. ش

با عنایت به اینکه حدود ۱۶ سال تا رسیدن به سال ۱۴۰۴ هجری شمسی باقی‌مانده و زمان مزبور نسبتاً کوتاه است، موفقیت تحقق پلیس مطلوب ایران در گرو تحقق شرایط و گام‌های اساسی مبتنی بر یک برنامه‌ریزی جامع و نظام‌مند امکان‌پذیر است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. تشکیل کمیته‌ای متشکل از نخبگان، تئوریسین‌ها و کارشناسان امور امنیتی و پلیسی؛
۲. شناسایی منابع و متون امنیتی و پلیسی مرتبط و طبقه‌بندی آنها توسط کمیته بند «۱»؛
۳. تدوین چشم‌انداز و استراتژی پلیس مطلوب؛
۴. تدوین نقشه استراتژی و تعیین مضامین استراتژیک؛
۵. تعیین اهداف کلی برای هر منظر و هر مضمون؛
۶. تعیین شاخص‌ها؛
۷. تعیین اهداف کمی شاخص‌ها؛
۸. تعیین اقدامات اجرایی و بودجه‌های آن؛
۹. پیاده‌سازی مدل طراحی شده؛
۱۰. پایش اثربخشی پیاده‌سازی مدل طراحی شده و انجام اصلاحات ضروری.

۶ نکاتی که باید در مرحله انتخاب شاخص‌ها در فرایند پیشنهادی رعایت شود

۱. شاخص‌ها باید واضح و شفاف و دارای سازگاری باشند؛
 ۲. تصور تمامی ذی‌نفعان (مردم، کارکنان و حاکمیت) از شاخص‌ها یکسان باشد (انسجام ذهنی)؛
 ۳. شاخص‌ها، استراتژی سازمان پلیس را منعکس کنند؛
 ۴. شاخص‌ها، اندازه‌پذیر باشند؛
 ۵. بهبودهای کوتاه‌مدت در شاخص‌ها با اهداف بلندمدت سازگاری داشته باشند؛
 ۶. فواصل اندازه‌گیری شاخص‌ها، مشخص شود؛
 ۷. روش‌ها و نظام‌های اندازه‌گیری شاخص‌ها دقیق و قابل اطمینان باشند؛
 ۸. افراد و واحد مسئول برای هر شاخص دقیقاً مشخص شوند.
- شایان ذکر است که براساس تجربه بیش از ۷۰ درصد استراتژی‌هایی که با شکست مواجه شده‌اند و نتوانسته‌اند چشم‌انداز را محقق کنند، نه به‌دلیل استراتژی بد، بلکه به‌دلیل اجرای بد استراتژی بوده و انتخاب شاخص‌های پلیسی مطلوب، یک پازل در فرایند اجرای استراتژی است که اگر در این انتخاب به تمامی الزامات و فاکتورهای موفقیت توجه نکنیم، امکان دارد استراتژی خوب پلیس، در مرحله عمل، با اجرای بد مواجه شود که جبران آن کم‌هزینه نخواهد بود.

۷ منابع و سرمایه‌های موجود در جمهوری اسلامی ایران برای طراحی یک

پلیس خوب در ایران ۱۴۰۴

دقت هوشمندان این واقعیت را نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران با پایه تمدنی درخشان که میراث تابناک تمدن ایرانی اسلامی را با آموزه‌های والای انسانی و توحیدی و تعالیم انبیا به‌ویژه پیامبر اعظم اسلام (ص) و مکتب تشیع به همراه دارد از منابعی غنی و حکمت‌آمیز برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

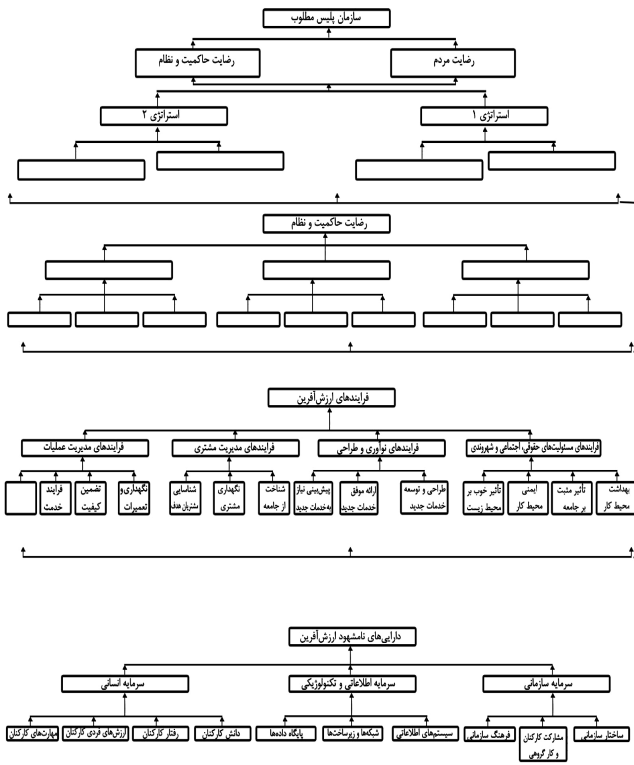
۱. تاریخ تمدن و آموزه‌های درخشان اسلامی و ایرانی (قبل و پس از اسلام در حوزه ملک‌داری و سیاست‌ورزی خردمندان)؛
۲. آرا و نظریه‌های متفکران و اندیشمندان ایرانی و مسلمان در ادوار مختلف؛
۳. تجارب حاصل از جنگ‌ها، شورش‌ها، قیام‌ها و انقلابات در ایران به‌ویژه دوران معاصر (انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی)؛

۴. تجارب نظام‌های پلیسی در ادوار مختلف در تاریخ ایران به ۳۰۰ سال اخیر؛
۵. تجارب ارزشمند پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (برای مثال تجربه ارزشمند تکوین کمیته‌های انقلاب اسلامی نمودی از یک پلیس مردمی و اسلامی است)؛
۶. تجارب نخبگان امنیتی و پلیسی و فرماندهان و مسئولان نیروی انتظامی پس از ادغام نیروی انتظامی؛
۷. تجارب ارزشمند جهانی و تحولات در رویکردهای پلیسی نوین و تئوریسن‌های پلیس جهانی؛
۸. ادبیات پلیسی تولید شده در جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه از سال‌های ۱۳۷۰ به بعد.

نتیجه‌گیری

با دقت در مواردی که در متن مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱. حرکت و تلاش در فرایند تحقق پلیس مطلوب با تأکید بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و ایرانی امری ضروری است؛
۲. زمینه‌ها و سازوکارهای تحقق پلیس مطلوب در جمهوری اسلامی ایران فراهم است؛
۳. برخی الگوها و مدل‌ها متناسب با شرایط و ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای نیل به پلیس مطلوب در جمهوری اسلامی ایران وجود دارد؛
۴. تحقق امنیت پایدار و پیدایش جامعه و اجتماع امن، پویا، شاداب و باطراوت در جمهوری اسلامی ایران در پرتو چشم‌انداز ۱۴۰۴ نیازمند وجود پلیسی مطلوب و کارآمد و اثربخش است؛
۵. ادبیات، فرهنگ، سنن و تولیدات علمی نسبتاً مناسب، منطقی و مبتنی بر عقلانیت و خردمندی در جمهوری اسلامی ایران پیرامون پلیس و الگوهای مختلف آن تولید یافته است که زمینه‌ساز جهش به سمت تشکیل پلیس مطلوب است؛
۶. برنامه‌ریزی برای گام برداشتن در مسیر رسیدن به پلیس مطلوب در ۱۴۰۴ از هم‌اکنون برای مسئولان امور امنیتی و پلیس در ایران ضرورتی بنیادین دارد.

[illegible]

۱. فرم نمونه چشم‌انداز و استراتژی برای نیل به یک الگوی پلیس مطلوب

منابع و مأخذ

- باقری، محمد (۱۳۷۴). دیدگاه‌ها و رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در مورد نیروهای انتظامی، نیروی انتظامی، معاونت آموزش.
- بیلی، دیوید (۱۳۷۹). پلیس آینده. ترجمه غلامرضا زندی، معاونت آموزش ناجا.
- ترابی، یوسف و حسین محبوبی‌منش (۱۳۸۱). «درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات پلیسی در ایران معاصر»، فصلنامه دانش/انتظامی، ش ۱.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۱ و ۱۳۸۲). «میزگردهای پلیس مطلوب»، فصلنامه دانش/انتظامی، شماره‌های ۳، ۴ و ۵.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴). نیروی انتظامی مظهر امنیت و اقتدار ملی، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، عقیدتی - سیاسی ناجا.
- خمینی، سیدروح‌الله... (۱۳۶۲). صحیفه نور، جلد‌های ۱، ۲، ۵، ۱۲، ۱۳ و ۱۷، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فونچ، وندال و اج‌بل سیسل (۱۳۸۰). مدیریت تحول در سازمان، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفاری اشراقی.
- کرایپ یان (۱۳۷۸). نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- مؤذن جامی، محمدهادی (۱۳۷۸). «درآمدی بر دکتترین انتظامی»، فصلنامه دانش/انتظامی، پیش‌شماره ۳ و ۴.
- نهج‌البلاغه، فرمان مالک‌اشتر نخعی (ره)، ۵۳.

سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در فرایند مبارزه با

مواد مخدر در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴

دکتر یوسف ترابی*

سیدحسین حسینی**

مقدمه

مواد مخدر معضلی جهانی است و طبق نظر کارشناسان و صاحب‌نظران در کنار بحران‌های مهم هزاره سوم میلادی قرن بیست‌ویکم (سلاح‌های کشتار جمعی، فقر و محیط زیست) نیازمند توجه جدی بوده و حل آن نیز نیازمند مشارکت جامعه جهانی است. در این راستا مواردی نظیر انجام معاضدت‌های قضایی، انجام همکاری‌های مؤثر بین‌المللی، همکاری‌های حقوقی دوجانبه و ... به‌منظور کسب موفقیت در مبارزه جهانی علیه مواد مخدر غیرمجاز بسیار ضروری است.

معضل مواد مخدر اعم از تولید، توزیع و سوءاستفاده از آن مضرات و آسیب‌های گسترده‌ای را بر جوامع امروزی تحمیل کرده است به‌طوری‌که رشد سریع استعمال مواد مخدر همراه با آسیب‌های مخرب اجتماعی آن در دو دهه اخیر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم باعث شده تا بسیاری از صاحب‌نظران افزایش بخش عظیمی از جرائم را در دهه‌های اخیر به مواد مخدر نسبت دهند^۱ (نشریه همبستگی، ۱۳۸۳)، که روند این افزایش در طی سال‌های آتی به‌ویژه دو دهه آینده از ابعاد خطرناک‌تری برخوردار خواهد بود.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی؛

E-mail: utorabi14@gmail.com

** همکار دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛

E-mail: shhosseini94@yahoo.com

۱. برای نمونه براساس یافته‌های یک تحقیق که در سال ۱۹۹۹ در انگلستان انجام شد، ۹ درصد از جرائم مربوط به معتادان است.

مواد مخدر علاوه بر تأثیری که بر افزایش میزان جرائم و در نتیجه کاهش امنیت شهروندان دارد، همه‌ساله بخش قابل توجهی از منابع انسانی و اقتصادی جوامع را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که حجم معاملات قاچاق مواد مخدر در جهان در ردیف معاملات بازار نفت و تسلیحات برآورد می‌شود. جدای از این مصرف مواد مخدر و اعتیاد، سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را هم تهدید می‌کند، به گونه‌ای که شیوع آن باعث می‌شود تا کارایی و خلاقیت نیروی انسانی جوامع در معرض خطر قرار گیرد و روابط اجتماعی و خانوادگی دچار آسیب و گسست شود. مواد مخدر علاوه بر خانواده، اجتماع را نیز دربرمی‌گیرد و سازوکار اجتماعی را زیر سؤال می‌برد و باعث می‌شود رفاه اجتماعی تزلزل یابد. از طرف دیگر صرف هزینه بسیار زیاد دولت‌ها به منظور مقابله با این پدیده شوم، امنیت اجتماعی را نیز زیر سؤال می‌برد. در نهایت افزایش افیونی به بسط و گسترش سازمان‌های جنایت‌کار بین‌المللی کمک کرده و باعث افزایش قدرت مالی آنها نیز می‌شود. این سازمان‌ها با استفاده از درآمد حاصله از مواد مخدر دولت‌ها را تضعیف کرده و در مسائلی غیر از مواد مخدر نیز دخالت می‌کنند.

بدین ترتیب پیامدهای مخرب مصرف مواد مخدر بر اجتماع باعث شده است تا مسئله مواد مخدر به یک مسئله اصلی اجتماعی تبدیل شود و برنامه مبارزه با آن در دستور کار دولت‌ها و نیز مجامع بین‌المللی قرار گیرد به طوری که همه‌ساله نیروی انسانی و منابع مالی هنگفتی صرف برنامه‌های مختلف مبارزه با مواد مخدر شامل کنترل عرضه (مبارزه با قاچاق) و کنترل تقاضا (آموزش و درمان) می‌شود. در مورد جمهوری اسلامی ایران بررسی‌ها حاکی از بحرانی بودن مصرف مواد مخدر است به نحوی که ایران رتبه اول مصرف تریاک را در دنیا دارد (Fanner, 2001) و هزینه‌ای که در ایران برای پیشگیری از اعتیاد پرداخت می‌شود ۴ دلار است. درحالی که در کشورهای اروپایی این رقم به ۱۵ دلار می‌رسد و برای تضمین‌های قریب به یقین شمار معتادان به مواد مخدر و افیونی به دو میلیون نفر می‌رسد. در همین خصوص براساس گزارش تحلیلی دفتر امور اجتماعی وزارت کشور طی سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۷۵) میزان متهمان به اعتیاد در کل کشور با روند افزایشی تقریباً یکنواختی روبه‌رو بوده است. به گونه‌ای که از ۱۶۸/۰۶ درصد هزار نفر به ۳۲۵/۹۳ درصد هزار نفر رسیده است.

این پژوهش درصدد است تا وضعیت مواد مخدر در ایران را با نگاهی به سایر

کشورها مورد مطالعه قرار داده و در نهایت راهکارهایی موفق، عملی و سودمند برای مبارزه و کاهش مصرف مواد مخدر در ایران را در چشم‌انداز ۱۴۰۴ ارائه کند.

جهان در دو دهه پایانی قرن بیستم با روند رو به رشد و سریعی به نام سوءاستعمال مواد مخدر روبه‌رو شده که این امر نگرانی کلیه مجامع بین‌المللی و تصمیم‌گیران ملی را برانگیخته است. بنابر گزارش دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل،^۱ در سال ۲۰۰۴ میلادی، تعداد مصرف‌کنندگان انواع مواد مخدر در جهان رقمی حدود ۱۸۵ میلیون نفر برآورد شده که ۳ درصد جمعیت جهان یا ۴/۷ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله جهان را شامل می‌شود. میزان تجارت و قاچاق این کالا نیز به همین میزان رشد داشته است. امروزه کارتل‌های مواد مخدر در اقصی نقاط دنیا و با استفاده از تکنیک‌های تجاری پیشرفته به تجارت این ماده مرگبار اشتغال دارند به‌طوری‌که هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر در وین هشدار داده است که در نتیجه همکاری تنگاتنگ میان تبه‌کاران سازمان یافته در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و آسیای مرکزی و قفقاز قاچاق، تولید و استعمال مواد مخدر در سراسر دنیا سیر صعودی داشته است (معاونت تحقیقات و کشف جرائم ناجا، ۱۳۸۵: ۴۳).

براساس ارزیابی‌های انجام شده، مشتقات شاهدانه به‌ویژه ماری‌جوانا عمده‌ترین ماده مخدر مصرفی (با ۱۵۰ میلیون مصرف‌کننده) در جهان به‌شمار می‌آید. مواد محرک از نوع آمفتامین شامل آمفتامین‌ها، مت‌آمفتامین‌ها و اکستازی با سی میلیون مصرف‌کننده، مواد افیونی شامل: هروئین، تریاک و مرفین با پانزده میلیون مصرف‌کننده و کوکائین با سیزده میلیون مصرف‌کننده در ردیف‌های بعدی قرار دارند (اداره مطالعات و تحقیقات مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا، ۱۳۸۳). همین برآوردها نشان می‌دهد که آینده بازار هروئین در جهان به وضعیت تولید در افغانستان متکی است و شواهد بر افزایش قابل توجه کشت خشخاش در افغانستان، به‌عنوان محل تولید $\frac{3}{4}$ تریاک جهان، طی سال‌های اخیر دلالت دارد. البته باید خاطرنشان کرد که تولید سطح جهانی کشت خشخاش در سال ۲۰۰۳ با ۶ درصد کاهش در مقایسه با سال قبل از آن به رقمی معادل ۱۶۹ هزار هکتار بالغ شد. در سال ۲۰۰۳ حدود ۹۰ درصد کشت خشخاش جهان در سه کشور افغانستان، میانمار و لائوس صورت گرفت. طی این سال به‌دلیل اقدامات ملی در راستای

1. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

اجرای معاش جایگزین برای کشاورزان، امحای مزارع و افزایش آگاهی کشاورزان، خشخاش، شاهد کاهش کشت در کشورهای میانمار و لائوس بودیم و در عوض سطح اراضی زیر کشت در افغانستان با ۸ درصد افزایش در سال ۲۰۰۳ در مقایسه با سال قبل از آن به ۸۰ هزار هکتار بالغ شد.

از طرفی میزان برداشت تریاک در افغانستان (۴۵ کیلوگرم در هر هکتار) در مقایسه با جنوب شرقی آسیا (سیزده کیلوگرم در هر هکتار) بسیار قابل توجه است. افغانستان با تولید ۳۶۰۰ تن تریاک در سال ۲۰۰۳ در حقیقت عرضه‌کننده $\frac{3}{4}$ تریاک جهان بود (اداره مطالعات و تحقیقات مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۵). از مجموع ۱۶۹ هزار هکتار اراضی زیر کشت خشخاش در سال ۲۰۰۳ میلادی در جهان ۴۷۶۵ تن تریاک تولید شده است (همان: ۱۶). پراکندگی کشت خشخاش نیز در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ویتنام، روسیه، اوکراین، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز، مصر، پرو و تایلند وجود دارد. این در حالی است که درخصوص کوکائین و هروئین این وضعیت ساری و جاری نیست. مثلاً بازار تقاضای هروئین جنوب غرب آسیا، آسیای میانه و اروپا عمدتاً با هروئین تولید شده در جنوب غرب آسیا تأمین می‌شود و بازار تقاضا در ایالات متحده آمریکا اساساً با هروئین تولیدی در کلمبیا و مکزیک تأمین می‌شود. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که کشت انواع مخدر در جهان افزایش خواهد داشت.

درخصوص ترانزیت و میزان کشفیات جهانی مواد مخدر باید اذعان داشت که میزان کشفیات جهانی مواد افیونی در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با سال قبل از آن ۹ درصد افزایش داشته است که این امر خود حاکی از دو برابر شدن کشفیات مرفین و در نتیجه افزایش کشت خشخاش و تبدیل تریاک طی این سال است. در سال ۲۰۰۲، کشفیات مواد افیونی در قاره آسیا ۶۵ درصد، در اروپا ۲۸ درصد و در آمریکا ۶ درصد گزارش شده است. دو کشور ایران و پاکستان به دلیل هم‌جواری با بزرگ‌ترین منبع تولید مواد افیونی، یعنی افغانستان، بیشترین کشفیات این مواد را در سال ۲۰۰۲ داشته‌اند.

طی این سال ۲۵ درصد کل کشفیات مواد افیونی جهان در جمهوری اسلامی ایران و ۱۶ درصد نیز در پاکستان گزارش شده است. اغلب محموله‌های ترانزیتی از مبدأ افغانستان به آسیای میانه را هروئین تشکیل می‌دهد. این در حالی است که محموله‌های

ترانزیتی از طریق ایران و پاکستان اغلب تریاک و مرفین هستند. حدود $\frac{1}{3}$ کشفیات هروئین نیز در کشورهای هم‌جوار افغانستان در منطقه آسیای میانه گزارش شده است و البته ۷۸ درصد از مجموع هروئین در تاجیکستان در ۱۰ ماه سال ۲۰۰۳ در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال قبل آن حدود ۸۰ درصد رشد داشته است. ارزیابی‌های سازمان ملل حکایت از آن دارد که افغانستان مبدأ اصلی حدود ۹۰ درصد از مواد افیونی موجود در اروپاست و مسیر بالکان هنوز به‌عنوان عمده‌ترین مسیر ترانزیت هروئین از مبدأ افغانستان به مقصد اروپا محسوب می‌شود.^۱ درضمن گزارش‌های واصله حکایت از وجود ده‌ها آزمایشگاه خانگی تولید هروئین در شرق و شمال شرق افغانستان و در نزدیکی نوار مرزی دارد.

باید گفت که درآمد ناشی از تولید مواد مخدر در افغانستان (تریاک و مشتقات آن) در سال ۱۹۹۹ میلادی، ۲۵ میلیارد دلار اعلام شده درحالی‌که تنها ۱۸۰ میلیون دلار آن به کشاورزان افغانی رسیده است، یعنی کمتر از یک درصد یا به‌عبارت صحیح‌تر رقمی معادل ۰/۷۲ درصد و بقیه سود ناشی از این تجارت مرگ‌بار (بیش از ۹۹ درصد) نصیب سوداگران، دلالان و باندهای مخوف مافیایی شده است.

کوکائین ماده مخدر دیگری است که به‌طور عمده نه در قاره آسیا، بلکه در آمریکای مرکزی و جنوبی تولید شده و به آمریکای شمالی و اروپای غربی قاچاق می‌شود. کوکائین تولید شده در کلمبیا، بولیوی و پرو از دو مسیر شرق اقیانوس آرام و غرب اقیانوس اطلس به‌طور عمده توسط قایق‌های تندرو و قایق‌های هدایت‌شونده از راه

۱. برای ترانزیت قاچاق مواد مخدر چندین مسیر وجود دارد که عمده‌ترین مسیر آن، مسیر بالکان است که در این مسیر، مواد مخدر از افغانستان و از طریق جمهوری اسلامی ایران به ترکیه رفته و از آنجا با استفاده از مسیر کشورهای بالکان به کشورهای اروپایی منتقل می‌شود. مسیر جدیدی که به‌تازگی مورد استفاده قرار می‌گیرد مسیر شمال افغانستان است که مواد مخدر از آن طریق به آسیای مرکزی و اروپای غربی قاچاق می‌شود. مسیر سوم، انتقال مواد مخدر به آب‌های جنوبی پاکستان و ایران و جاسازی آن در قایق‌های کوچک و آنگاه انتقال آن به کشتی‌های بزرگ‌تر در مسیرهای آبی به‌سوی اروپای غربی است. روش دیگر قاچاق نیز استفاده از هواپیماهای مسافربری و باری است استفاده از سیستم پستی به‌خصوص به‌صورت سفارشی و خدمات تجاری از دغدغه‌های دیگر قاچاق مواد مخدر است (رضا نظرآهاری، «وضعیت جهانی مواد مخدر»، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ماهنامه ۱۴۶، ۱۳۷۹، ص ۵۸ - ۵۷).

دور به سواحل شرقی و غربی آمریکا برده می‌شود. ظرف سال‌های اخیر، کوکائینی که به مقصد اروپای غربی از طریق اقیانوس اطلس قاچاق می‌شود، ابتدا به کشورهای غرب آفریقا برده شده و در آنجا انبار و سپس با روش‌های دیگری به سمت شمال یعنی کشورهای اروپایی قاچاق می‌شود. استفاده از هواپیماهای سبک برای انتقال این مواد در منطقه کارائیب از دیگر روش‌های قاچاق است. مسیر خشکی نیز برای حمل کوکائین به سمت کشورهای جنوب نظیر برزیل و دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در اینجا نیز به تازگی برای قاچاق این مواد به سوی دیگر اقیانوس اطلس یعنی آفریقا و اروپای غربی از خدمات پستی استفاده شده است (نظرآهاری، ۱۳۷۹: ۵۹).

کانابیس که حشیش از آن گرفته می‌شود، ماده مخدر دیگری است که به طور عمده در مراکش تولید شده و از طریق راه‌های زمینی به اروپای غربی قاچاق می‌شود. آلبانی نیز به طور محدود در اروپا این ماده را تولید می‌کند، اما کانابیس در قیاس با هروئین و کوکائین در قاچاق مواد مخدر حجم کمی را به خود اختصاص داده است. کانابیس از راه دریا نیز از غرب آفریقا به اروپا حمل می‌شود و از سوی دیگر از مراکش از راه‌های زمینی به جنوب آفریقا قاچاق می‌شود. مهم‌ترین انواع مواد مخدر افیونی و ترکیبات آن عبارت‌اند از (www.niksalehi.com): ۱. تریاک، ۲. کدئین، ۳. مرفین، ۴. هروئین، ۵. متادون، ۶. پتیدین (دمرول)، ۷. پیرکدان، ۸. دیلاودید، ۹. دارون، ۱۰. دیفن اکسیلات (لوموتیل)، ۱۱. هیدرومرفین، ۱۲. هیدروکدئین و ۱۳. کلیه داروهای حاوی هیدروکدئین.

۱ تلاش‌های جهانی و کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه کنترل مواد مخدر

از زمان برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی مواد مخدر در سال ۱۹۰۹ میلادی در شانگهای، کنترل مواد مخدر به عنوان یک نگرانی جهانی مطرح شد و به تدریج از سال ۱۹۲۰ نظام نظارت بین‌المللی کنترل، تحت نظارت مجموعه‌ای از کشورها و از سال ۱۹۴۶ تحت نظارت سازمان ملل متحد ایجاد شد. (نشریه کار و کارگر، ۱۳۷۸). سازمان ملل متحد برای هماهنگی تلاش‌های جامعه بین‌المللی در مقابله با مشکل مواد مخدر و نیز معضل مواد مخدر، سه ارگان ایجاد کرده و بیش از ۱۸۰ ماده را تحت کنترل بین‌المللی قرار داده است (امیرخیزی، ۱۳۷۸: ۹۵۵). درواقع تدوین قوانین بین‌المللی برای کنترل

مواد مخدر غیرقانونی از سال ۱۹۰۹ آغاز و تاکنون به‌طور مداوم ادامه داشته است. آخرین قانون بین‌المللی تدوین شده در این مورد، کنوانسیون ۱۹۸۸ میلادی است. در این بخش به مروری مختصر بر تلاش‌های جامعه بین‌المللی در زمینه مبارزه و کنترل مواد مخدر می‌پردازیم.

۱-۱ کمیسیون تریاک و کنوانسیون ۱۹۱۲

اولین اقدام‌های جامعه بین‌المللی در کنترل قاچاق مواد مخدر در سال ۱۹۰۹ بود که در آن سیزده کشور که به نام کمیسیون تریاک معروف شدند و در شانگهای چین برای اولین کنفرانس بین‌المللی کنترل مواد مخدر و تهیه یک معاهده در ایجاد محدودیت در حمل‌ونقل مواد مخدر گرد هم آمدند. نتیجه این کنفرانس، اولین معاهده بین‌المللی در کنترل مواد مخدر، به نام کنوانسیون بین‌المللی تریاک بود که در سال ۱۹۱۲ در لاهه هلند امضا و در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۱۵ لازم‌الاجرا شد.

در این کنوانسیون، از کشورهای عضو درخواست شده بود نهایت سعی خود را برای تهیه سیاست‌های ملی به‌منظور کنترل و نظارت بر تولید و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر مبذول دارند. این کنوانسیون همچنین از دولت‌های عضو خواست که تولید، استفاده و فروش مرفین برای استفاده‌های قانونی پزشکی را محدود کنند.

در سال ۱۹۲۰، اولین اجلاس جامعه ملل، کمیته مشورتی در مورد قاچاق تریاک و دیگر مواد مخدر خطرناک را ایجاد کرد. نقش این کمیته مشورتی کمک به شورای جامعه ملل بود که بتواند در زمینه کنترل مواد مخدر فعالیت کند.

۱-۲ کنوانسیون ۱۹۲۵

دومین کنوانسیون بین‌المللی تریاک معروف به کنوانسیون ۱۹۲۵ در ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۸ لازم‌الاجرا شد. براساس این کنوانسیون، هیئت دائمی مرکزی متشکل از متخصصان مستقل به‌وجود آمد و وظیفه آن نظارت بر نظام کنترل آماری بود که ازسوی این کنوانسیون آغاز شد. به‌منظور اجرای این کنوانسیون هیئت دائمی مرکزی یک نظام نظارتی وارداتی و صادراتی برای تجارت قانونی بین‌المللی مواد مخدر ایجاد کرد. نام

هیئت دائمی مرکزی در سال‌های بعد به هیئت دائمی مرکزی مواد مخدر تغییر یافت. طبق این کنوانسیون استعمال تریاک ممنوع اعلام شد.

۱-۳ کنوانسیون ۱۹۳۱ و پروتکل ۱۹۴۸

سومین کنوانسیون بین‌المللی در زمینه کنترل مواد مخدر کنوانسیون محدودیت تولید و قانونمندی توزیع مواد مخدر است که در سال ۱۹۳۱ تدوین و در ۹ جولای ۱۹۳۳ لازم‌الاجرا شد. هدف این معاهده اعمال محدودیت در تولید مواد مخدر به میزان مورد نیاز برای مقاصد علمی و پزشکی بود. این کنوانسیون یک نظام اجباری اعلام مقدار مورد نیاز قانونی مواد مخدر ایجاد کرد که توسط ارگان نظارت مواد مخدر مورد ارزیابی قرار می‌گرفت. کنوانسیون ۱۹۳۱، فهرستی از مواد مخدری که کنترل بر آنان اعمال می‌شد، مشخص کرد که عمده‌تاً شامل مواد مخدر تولید شده از گیاهان تریاک، کوکا و حشیش بود و اشاره‌ای به مواد مخدر مصنوعی شیمیایی نشده بود، ولی تولید و مصرف مواد مخدر مصنوعی شیمیایی عملاً آغاز شده و رو به گسترش بود. از این‌رو در سال ۱۹۴۸، پروتکلی برای این کنوانسیون برای گسترش کنترل بین‌المللی بر مواد مخدر مصنوعی شیمیایی تدوین یافت که در اول دسامبر ۱۹۴۹ لازم‌الاجرا شد.

۱-۴ کنوانسیون ۱۹۳۶ و پروتکل ۱۹۵۳

اقدام بین‌المللی بعدی در کنترل مواد مخدر در سال ۱۹۳۶ بود که باعث تدوین کنوانسیون تحدید قاچاق غیرقانونی مواد مخدر خطرناک برای مجازات قاچاقچیان مواد مخدر شد. این کنوانسیون در ۲۶ سپتامبر ۱۹۳۹ لازم‌الاجرا و در سال ۱۹۵۳ یک پروتکل جدید برای این کنوانسیون تدوین شد که باعث محدودیت در استفاده از تریاک صرفاً برای مقاصد علمی و پزشکی از طریق توقف تولید اضافی قانونی آن گردید. براساس این پروتکل، کشورها مقدار محدودی تریاک برای نیازهای خود نگهداری می‌کردند. همچنین مجوز برای صادرات به هفت کشور بلغارستان، یونان، هند، ایران، ترکیه، شوروی و یوگسلاوی داده شد. پروتکل محدودیت و قانونمندی کشت گیاه تریاک، تولید، تجارت بین‌المللی و استفاده از تریاک معروف به پروتکل تریاک ۱۹۵۳ در تاریخ ۸ مارس ۱۹۶۳ لازم‌الاجرا شد.

۱-۵ پروتکل ۱۹۴۶

بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه ملل منحل و در سال ۱۹۴۶، سازمان ملل متحد مسئولیت مبارزه و کنترل مواد مخدر جامعه ملل را برعهده گرفت. برای انتقال وظایف جامعه ملل در زمینه کنترل بین‌المللی مواد مخدر به سازمان ملل متحد پروتکلی در سال ۱۹۴۶ تدوین و در ۱۰ اکتبر ۱۹۶۷ لازم‌الاجرا شد.

وظایف کمیته مشورتی جامعه ملل به کمیسیون مواد مخدر ملل متحد منتقل شد. وظیفه اصلی کمیسیون مواد مخدر بررسی وضعیت جهانی مواد مخدر و کمک به شورای اقتصادی و اجتماعی^۱ در بررسی اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی کنترل مواد مخدر و تهیه موافقت‌نامه‌های جدید است. این کمیسیون اولویت ویژه‌ای برای هماهنگی منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای میان نیروهای انتظامی کشورها قائل بوده و ارگان‌های فرعی - کمیسیون فرعی در مورد قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مسائل مربوطه در خاور نزدیک و میانه و رؤسای سازمان‌های مبارزه با مواد مخدر برای منطقه آسیا و پاسفیک و آفریقا - برای این منظور ایجاد کرده است.

۱-۶ کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ و پروتکل ۱۹۷۲

در سال ۱۹۶۱، جامعه بین‌المللی تصمیم گرفت که قوانین بین‌المللی در زمینه مقابله با مواد مخدر را که از سال ۱۹۱۲ تا آن زمان ایجاد شده بود را در یک کنوانسیون واحد ادغام کند. از زمان اولین معاهده در سال ۱۹۱۲ تا سال ۱۹۶۱، ۹ موافقت‌نامه بین‌المللی در مورد کنترل مواد مخدر ایجاد شده که نظارت بر اجرای آنها را پیچیده کرده بود. براساس کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ کلیه موافقت‌نامه‌های چندجانبه موجود در زمینه مواد مخدر ادغام، نظام‌های نظارتی تسهیل و هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر ایجاد شد. این هیئت نتیجه ادغام هیئت مرکزی دائمی ایجاد شده توسط کنوانسیون ۱۹۲۵ و ارگان نظارت مواد مخدر ایجاد شده توسط کنوانسیون ۱۹۳۱ بود. کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ همچنین استعمال و خوردن تریاک، جویدن برگ کوکا و استعمال و استفاده غیرپزشکی حشیش را ممنوع کرده است.

1. Economic and Social Council (ECOSOC)

این کنوانسیون مواد مخدر را در دو فهرست براساس استفاده پزشکی و درجه اعتیاد مواد تقسیم‌بندی کرده است. مواد مخدر در فهرست یک، تحت سازوکار کنترل کنوانسیون ۱۹۶۱ است، اما مواد مخدر در فهرست دو، عمدتاً برای پزشکی تعیین شده‌اند. پروتکل الحاقی ۱۹۷۲ این کنوانسیون از دولت‌های عضو درخواست کرده که برای جلوگیری از تولید غیرقانونی، قاچاق و استفاده مواد مخدر تلاش کنند. براساس این پروتکل، هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر مسئول است که بین عرضه و تقاضای مواد مخدر برای مصارف پزشکی و علمی تعادل ایجاد کرده و از کشت، تولید، قاچاق و استفاده غیرقانونی مواد مخدر جلوگیری کند.

۷-۱ کنوانسیون مواد روان‌گردان ۱۹۷۱

بند «۱» ماده (۳۶) کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ در مورد مواد مخدر، کشت، تولید، ساخت، آماده‌سازی، فروش، توزیع، خرید و هرگونه حمل و صادرات و واردات مواد مخدر را ممنوع و محکوم به مجازات دانسته است. در این کنوانسیون مواد روان‌گردان مورد اشاره قرار نگرفته بود. درحالی‌که استفاده روزافزون این مواد موجب نگرانی جامعه بین‌المللی بوده است. بنابراین در سال ۱۹۷۱ کنوانسیون مواد روان‌گردان تصویب و در سال ۱۹۷۶ به اجرا گذاشته شد. طبق این کنوانسیون، موادی از جمله مواد توهم‌زا، آمفتامین‌ها، ال‌سی‌دی‌ها، آرام‌بخش‌ها، باربیتورها و مسکن‌های غیر از باربیتورها تحت نظارت قرار می‌گیرند. نظام کنترل کنوانسیون مواد روان‌گردان ۱۹۷۱ براساس کنوانسیون واحد ۱۹۶۱ است. در کنوانسیون ۱۹۷۱ مواد روان‌گردان به چهار فهرست براساس مفید بودن پزشکی مواد و مخاطرات بهداشت و سلامتی مردم به‌دلیل اعتیاد تقسیم شد. براساس کنوانسیون ۱۹۷۱ تبلیغ برای این نوع مواد ممنوع و کشورهای عضو موظف شده‌اند که نظام کنترل بر تولید، واردات، صادرات، توزیع و مؤسسه‌های استفاده‌کننده از این مواد ایجاد کنند معالجه، آموزش و مداوای افراد معتاد به مواد روان‌گردان نیز در این کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته و از کشورهای عضو درخواست شده که از معالجه، آموزش، نگهداری و مداوا به‌عنوان مکمل مجازات یا جایگزین آن استفاده کنند. هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر و کمیسیون مواد مخدر مسئولیت اجرای این معاهده را دارند.

۸-۱ صندوق ملل متحد برای کنترل سوءاستعمال مواد مخدر

صندوق ملل متحد برای کنترل سوءاستعمال مواد مخدر در سال ۱۹۷۱ ایجاد شده است که وظیفه آن کمک به جامعه بین‌المللی و کشورهای عضو در تأمین بودجه طرح‌ها برای کاهش عرضه و تقاضا برای مواد مخدر بوده است. در سال ۱۹۹۰ صندوق برنامه کنترل مواد مخدر ملل متحد جایگزین این صندوق شد.

۹-۱ راهبرد کنترل بین‌المللی سوءاستفاده از مواد مخدر

در سال ۱۹۸۱، با افزایش سریع در استفاده غیرقانونی از مواد مخدر و قاچاق این مواد راهبرد کنترل بین‌المللی سوءاستفاده از مواد مخدر به‌عنوان یک راهبرد جامع برای کنترل بلندمدت این مواد تدوین شد.

در این راهبرد به همکاری بین‌المللی به‌منظور پیشبرد نظام کنترل مواد مخدر، حفظ تعادل بین عرضه و تقاضای قانونی مواد مخدر و از بین بردن عرضه غیرقانونی، کاهش قاچاق، کاهش تقاضای غیرقانونی و جلوگیری از استفاده غیرمناسب از مواد قانونی مواد مخدر و مداوا و معالجه معتادین اشاره شده است. در سال ۱۹۹۰ برنامه اجرایی جهانی جایگزین این راهبرد شد.

۱۰-۱ بیانیه کنترل قاچاق و سوءاستفاده از مواد مخدر

مجمع عمومی ملل متحد، در دسامبر ۱۹۸۴، بیانیه کنترل قاچاق و سوءاستفاده از مواد مخدر را تصویب کرد. در این بیانیه آمده است که عرضه و تقاضای غیرقانونی، سوءاستفاده و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر از پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جوامع جلوگیری کرده و به‌عنوان تهدید مهم علیه امنیت و توسعه بسیاری از کشورها و مردم تلقی شده و باید از کلیه طرق قانونی و اخلاقی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی با آن مبارزه کرد. در این بیانیه از بین بردن مواد مخدر غیرقانونی به‌عنوان وظیفه جمعی کلیه کشورها تلقی شده است.

۱۱-۱ کنوانسیون بین‌المللی سوءاستعمال مواد مخدر و قاچاق غیرقانونی ۱۹۸۷

اولین کنفرانس ملل متحد در سطح وزرا در مورد سوءاستفاده از مواد مخدر و قاچاق

غیرقانونی آن از ۱۷ الی ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ در وین برگزار شد. این کنفرانس ازسوی دبیرکل ملل متحد، آقای پرزدکوئیار، با هدف ابراز اراده سیاسی کشورها در مبارزه با این مواد پیشنهاد شده بود. در این کنفرانس، نمایندگان ۱۳۸ کشور شرکت داشتند و در آن چارچوبی برای پیشگیری، کاهش تقاضا و کنترل عرضه غیرقانونی، جلوگیری از قاچاق و مداوا و معالجه معتادین به مواد مخدر تصویب شد.

۱-۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۸

در سال ۱۹۸۸ کنوانسیون ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان توسط کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار کشورها تحت نظارت ملل متحد مورد تصویب قرار گرفت. این کنوانسیون در نوامبر ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد. هدف این کنوانسیون جلوگیری از استفاده مادی و آزادی تردد قاچاقچی‌هاست. این کنوانسیون به موضوعاتی نظیر بلوکه کردن، ردیابی و توقیف منابع مالی و اموال قاچاقچی‌ها اشاره کرده و همکاری قضایی بین‌المللی و استرداد قاچاقچی‌های بزرگ را مورد تأکید قرار داده است. همچنین کشورهای عضو متعهد شده‌اند که از استفاده غیرقانونی مواد شیمیایی که در تولید غیرقانونی مواد مخدر استفاده می‌شود، جلوگیری کنند. همکاری‌های فوق شامل ضبط منافع ناشی از جرائم مواد مخدر، استرداد، همکاری‌های حقوقی، انتقال منافع، حمل کنترل شده، قاچاق غیرقانونی از دریا و ... است.

۱-۱۳ هفدهمین اجلاس ویژه مجمع عمومی ۱۹۹۰

هفدهمین اجلاس ویژه مجمع عمومی در مارس ۱۹۹۰ برای بررسی گسترش همکاری‌های بین‌المللی علیه تولید، عرضه، تقاضا، قاچاق و توزیع مواد مخدر در سازمان ملل متحد برگزار شد. بر این اساس برنامه اجرایی جهانی تصویب و دهه پایانی این سده را دهه ملل متحد علیه سوءاستعمال مواد مخدر نام‌گذاری کرد. برنامه اجرایی جهان، مصوب ۱۹۹۰، علیه تولید، عرضه، تقاضا، قاچاق و توزیع غیرقانونی مواد مخدر و مواد روان‌گردان با هدف دستیابی به جامعه بین‌المللی بدون مواد مخدر غیرقانونی و سوءاستفاده از این مواد تهیه شد که بررسی اجرای آن هرساله در دستور کار کمیسیون مواد مخدر قرار داشته است.

۱-۱۴ ایجاد برنامه بین‌المللی کنترل مواد مخدر

در سال ۱۹۹۰، مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه شماره ۴۵/۱۷۹، برنامه کنترل مواد مخدر ملل متحد را تأسیس کرد که جایگزین بخش مواد مخدر دبیرخانه ملل متحد، دبیرخانه هیئت بین‌المللی کنترل مواد مخدر و صندوق ملل متحد برای کنترل سوءاستعمال مواد مخدر شد. وظیفه این نهاد بررسی روند تولید، مصرف و قاچاق مواد مخدر و همچنین پیشبرد اجرای معاهدات کنترل مواد مخدر است. درواقع برنامه کنترل مواد مخدر ملل متحد، هدایت تلاش‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر را برعهده دارد. در سال ۱۹۹۲ مجمع عمومی، صندوق برنامه کنترل مواد مخدر را ایجاد کرد که جایگزین صندوق ملل متحد برای کنترل سوءاستعمال مواد مخدر شد. مدیر اجرایی این برنامه، معاون دبیر کل ملل متحد و مدیرکل دفتر ملل متحد در وین است که مدیریت این صندوق را نیز برعهده دارد.

۱-۱۵ ایجاد دفتر کنترل مواد مخدر و جلوگیری از جرم

دفتر کنترل مواد مخدر و جلوگیری از جرم در سال ۱۹۹۷ در وین در راستای پیشبرد ظرفیت ملل متحد در برخورد با مسائل بین‌المللی مواد مخدر و جرائم فراملی ایجاد شد. ایجاد این دفتر با ادغام برنامه کنترل مواد مخدر ملل متحد و مرکز پیشگیری از جرم بین‌المللی صورت گرفت که بر هر دو بخش نظارت کلی دارد.

۱-۱۶ بیستمین اجلاس ویژه مجمع عمومی

این اجلاس در ژوئن ۱۹۹۸ در نیویورک و با هدف ارزیابی وضعیت فعلی مواد مخدر غیرقانونی و تمرکز بر راهبرد برای قرن بیست‌ویکم شامل کلیه جوانب مشکل مواد مخدر برگزار شد. در این اجلاس ۶ موضوع اصلی برای بحث مشخص شده بود. همکاری قضایی، مواد شیمیایی تولیدکننده مواد مخدر، آمفتامین‌ها، کاهش تقاضا، تطهیر پول و از بین بردن کشت غیرقانونی مواد مخدر و کشت جایگزین. این اجلاس مسئولیت مشترک کلیه کشورها را مورد شناسایی قرار داده و نقش اساسی ملل متحد در هدایت اقدام‌های بین‌المللی در مبارزه با مشکل جهانی مواد مخدر را مورد تأکید قرار داد. همچنین در این

اجلاس بیانیه اصول کاهش تقاضای مواد مخدر مورد تصویب قرار گرفت که براساس کاهش تقاضا به‌عنوان یک بخش اصلی راهبرد جدید مورد تأکید قرار گرفت.

۲ سازمان‌های بین‌المللی کنترل مواد مخدر

جدای از کنوانسیون‌ها و تلاش‌های جامعه بین‌المللی، سازمان ملل در راستای کنترل مواد مخدر در سطح ملی و بین‌المللی کوشیده است تا با مشارکت تمامی کشورها و تشکیل سازمان‌های ذی‌ربط امکان دستیابی به این اهداف را میسر سازد. بعضی از این سازمان‌ها عبارت‌اند از:

الف. دفتر مواد مخدر و جرم سازمان ملل، مسئول برنامه کنترل بین‌المللی مواد مخدر سازمان ملل است. این سازمان رهبری و هدایت جهانیان را در مبارزه با مواد مخدر و جرائم آن به عهده دارد. درخصوص وظایف این دفتر می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- آموزش و آگاه‌سازی جهانیان از مخاطرات سوءاستفاده از مواد مخدر؛

- تقویت اهرم‌های بین‌المللی در جهت مبارزه با تولید و قاچاق و جرائم مربوط به آنها؛
- بهبود روش‌ها برای کاهش مصرف مواد مخدر به‌ویژه در میان جوانان و اقشار آسیب‌پذیر؛

- ایجاد مراکز مشارکت محلی، ملی و بین‌المللی در جهت هدفمند کردن مبارزه با مواد مخدر؛

- تهیه اطلاعات، تحلیل آنها و تخصصی کردن موضوع مبارزه با مواد مخدر.

ب. دفتر کنترل مواد مخدر و ممانعت از جرم، این سازمان دارای ۳۶۰ کارمند در سطح جهان است. اداره مرکزی آن در وین و ۲۲ اداره زیرمجموعه آن در تمام نقاط دنیا مستقر است. سازمان مذکور یک هدایت‌کننده جهانی در امر مبارزه با مواد مخدر و داروهای غیرمجاز و جرائم بین‌المللی است.^۱

ج. مؤسسه سیاستگذاری اجتماعی کارولینا، این سازمان به‌عنوان یک مرکز پیشگیری از وقوع جرائم بین‌المللی مسئولیت برنامه‌ریزی برای کنترل بین‌المللی مواد مخدر سازمان ملل را دارد. از وظایف این سازمان بهبود شیوه همکاری‌های بین‌المللی

1. Carolina's Institute for Community Policing

درخصوص پیشگیری و کنترل جرم، حمایت توسعه نظام دادرسی جنایی و یاری رساندن به اعضای سازمان‌های دارای اهداف مبارزه با جرم است.

۳ بررسی استراتژی‌های ایران در مبارزه با مواد مخدر

۳-۱ استراتژی ایران در مبارزه با مواد مخدر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

بررسی‌ها و مطالعات بیانگر این نکته مهم است که مقوله اعتیاد به مواد مخدر مانند تریاک و حشیش در دوره قاجار به‌عنوان مسئله اجتماعی^۱ تلقی نمی‌شد و مصرف‌کنندگان نیز متخلف یا مجرم تلقی نمی‌شدند در دوره رضاشاه و در ۲۶ تیر ماه سال ۱۳۰۷ قانون انحصار تریاک در شانزده ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید که به‌موجب آن کلیه معاملات، نگهداری، انبار کردن، حمل‌ونقل و صدور تریاک و شیرۀ اعم از مصرف داخلی و خارجی در انحصار دولت قرار گرفت.

شایان توجه است قانون مزبور برای استعمال تریاک و سایر مواد مخدر ممنوعیتی روشن و شفاف پیش‌بینی نکرده بود (گل‌محمدی خامنه، ۱۳۸۱: ۸۶). واقعیت حاکی از آن است که وضع قانون مزبور در مقام عمل تأثیری در فرایند مبارزه با اعتیاد در ایران نداشت و حتی ایجاد مراکزی با عنوان شفاخانه وضعیت اعتیاد را بدتر کرده و بر شمار معتادان اضافه کرد. طبق نظام‌نامه قانون فوق‌الذکر مؤسسه انحصار دولتی تریاک تأسیس و امتیاز آن به یک انگلیسی واگذار شد. قانون مجازات مرتکبان قاچاق تریاک در ۱۶ مرداد سال ۱۳۰۷ و قانون جلوگیری از قاچاق تریاک در ۷ آذر سال ۱۳۰۸ که ماده چهارم آن فک و مهر و موم کالاهای قاچاق مواد مخدر را مشمول ماده (۱۱۳) قانون مجازات عمومی می‌کرد تصویب شد.

در سال ۱۳۱۱ به دلیل عدم کارآمدی قانون انحصار تریاک اصلاحاتی در آن انجام پذیرفت و مجدداً در سال ۱۳۲۴ طبق تعهدات قطعنامه شانگهای (قانون جدید تریاک) پرداخت حق‌الکشف به مأموران مبارزه با تریاک در مجلس شورای ملی تصویب شد. در سال‌های بعد رفته‌رفته پدیده اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن که عمده‌تاً از طریق کشورهای ترکیه، افغانستان و پاکستان به ایران انجام می‌شد به یک معضل اجتماعی

تبدیل شد تا اینکه در سال ۱۳۴۷ قانون محدود شدن کشت خشخاش و صدور تریاک به تصویب مجلس رسید. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مجموع طی سال‌های ۱۲۸۹ تا ۱۳۴۷ هجری شمسی تعداد ۵۲ قانون و نظام‌نامه از سوی دولت‌های وقت در خصوص مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید (غنجدی، ۱۳۸۶: ۳۰). علی‌رغم تصویب قوانین مزبور دولت در مقام عمل، مبارزه‌ای جدی برای مقابله با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر نداشت. طبق یک تقسیم‌بندی می‌توان استراتژی‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص مواد مخدر را به سه استراتژی به‌شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. **استراتژی با رویکرد اقتصادی (۱۲۸۹-۱۳۲۴):** در این مقطع زمانی دولت به‌صورت رسمی مواد مخدر را قانوناً در انحصار نظارتی خود قرار داده بود.
۲. **استراتژی ممنوعیت کشت خشخاش (۱۳۲۴-۱۳۴۷):** در این دوران رویکرد ممنوعیت کشت خشخاش و مقابله با توزیع و مصرف مواد و انحصار غیررسمی واردات مواد از سوی برخی از ارکان وابسته به حکومت رواج داشت.
۳. **استراتژی آزادسازی کشت خشخاش (۱۳۴۷-۱۳۵۷):** در این دوران کشت خشخاش آزاد و انحصار خرید و فراوری تریاک توسط دولت و وابستگان دربار شاهنشاهی مانند اشرف پهلوی انجام می‌شد.

۲-۳ استراتژی مبارزه با مواد مخدر پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در ایران به‌عنوان یک اصل اساسی و بنیادین سرلوحه برنامه‌های دولت‌های جمهوری اسلامی قرار گرفت و برای اولین بار دولت موقت مهندس مهدی بازرگان در سال ۱۳۵۸ تصویب‌نامه‌ای را مبنی بر منع فروش تریاک به معتادان و همچنین خرید ۱۰۰ تن تریاک از هندوستان را توسط وزارت کشاورزی تصویب کرد و در مورخ ۱۳۵۹/۳/۱۹ شورای انقلاب با تصویب قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی گام بلندی را در فرایند مبارزه با مواد مخدر برداشت و در همین راستا آیت‌ا... صادق خلخالی مأموریت مبارزه با قاچاق مواد مخدر و توزیع‌کنندگان آن را در کشور عهده‌دار شد. در سوم آبان ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام قانون

مبارزه با مواد مخدر را تصویب کرد که براساس آن ستاد مبارزه با مواد مخدر به ریاست عالی‌ترین مقام قوه مجریه تشکیل شد.

جمهوری اسلامی ایران در فرایند مبارزه با قاچاق مواد مخدر اقدامات قابل توجهی را برای انسداد مرزهای شرقی که اصلی‌ترین گلوگاه و کانال ورودی مواد مخدر به کشور بود انجام داد، مانند ساخت بیش از ۲۵۰ پاسگاه مرزی، ۲۱۰ برجک دیده‌بانی، ۲۲ مانع و دیوار بتونی، حفر بیش از ۳۰۰ کیلومتر کانال به عمق و عرض ۴ متر، ساخت ۶۶۰ کیلومتر خاکریز، تعبیه ۷۸ کیلومتر سیم خاردار، احداث ۲۶۴۵ کیلومتر جاده شوسه، آسفالت و جابه‌جایی روستاهای مرزی به مکان‌های مناسب در عمق مرز (همان: ۳۳). اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راه مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن آنچنان جدی و گسترده بود که تاکنون قریب به ۳۷۰۰ نفر از مأموران فداکار نیروی انتظامی به شهادت رسیده‌اند (همان: ۳۲). نکته درخور توجه این است که بیش از ۵۰ درصد جرائم ارتكابی در ایران به نوعی با مواد مخدر مرتبط است. (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۲). طبق بررسی‌های انجام شده رابطه معناداری میان اعتیاد به مواد مخدر با سایر جرائم وجود دارد برای مثال قتل‌های عمد (۲۵ درصد)، جرائم مالی (۱۰ درصد)، جرائم منکرانی (۳۰ درصد)، قتل‌های غیرعمد (۲۴ درصد) و قاچاق کالا (۲۷ درصد) با اعتیاد مرتبط بوده‌اند.

مراحل و فرایند اقدامات جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر را به اشکال مختلف می‌توان طبقه‌بندی کرد که یکی از طبقه‌بندی‌های نسبتاً مناسب و منطقی، طبقه‌بندی این فرایند پیچیده و طولانی در ۶ مرحله مجزا از هم است که به شرح زیر و به اختصار ارائه می‌شود.

۱-۲-۳ مرحله اول (۱۳۶۰-۱۳۵۷)

مهم‌ترین اقدامات انجام شده در این مقطع عبارت‌اند از:

- تصویب‌نامه‌های دولت موقت مهندس مهدی بازرگان در منع فروش تریاک به

معتادان و خرید ۱۰۰ تن تریاک از هند توسط وزارت کشاورزی در سال ۱۳۵۸،

- تصویب لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان به جرائم مواد مخدر در ۱۳۵۹/۳/۱۹

و پایان دادن به سازوکار فروش تریاک به معتادان توسط دولت و جرم تلقی شدن اعتیاد،

- تشکیل دادگاه‌های انقلاب و برخورد جدی با معتادان و قاچاقچیان با مسئولیت مرحوم آیت‌ا... صادق خلخالی،
- تخریب مزارع کشت خشخاش (قبل از انقلاب اسلامی حدود ۳۶۰۰ هکتار از زمین‌های زراعی در کشور به کشت خشخاش اختصاص داشت)،
- برچیده شدن آزمایشگاه‌های هروئین‌سازی در کشور،
- تلاش مستمر برای شناسایی و انهدام شبکه‌های قاچاق مواد مخدر،
- تشکیل ستاد هماهنگی مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر.

۲-۳-۲ مرحله دوم (۱۳۶۷-۱۳۶۰)

- این مرحله مقارن است با افزایش کشت خشخاش در افغانستان و پاکستان، همسایه‌های شرقی کشور، و سازمان‌دهی کاروان‌های قاچاق مواد مخدر در مجاورت مرزهای شرقی که اقدامات انجام شده در این دوره عبارت‌اند از:
- واگذاری مسئولیت مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۵ به کمیته انقلاب اسلامی توسط مجلس شورای اسلامی،
 - تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۷ توسط مجلس شورای اسلامی.

۲-۳-۳ مرحله سوم (۱۳۷۰-۱۳۶۷)

- تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر به ریاست نخست‌وزیر (پس از اصلاح قانون اساسی در ۱۳۶۸ ریاست ستاد به رئیس‌جمهور واگذار شد)،
- ایجاد موانع فیزیکی و تلاش برای انسداد مرزهای شرقی کشور،
- اجرای عملیات پاک‌سازی در قالب طرح‌های والعدیات، ظفر، نجات، شفا، الصاعقه، فتح، انذار و ...،
- گسترش نیرو و تقویت مرزهای شرقی از طریق تجهیز پاسگاه‌های مرزی،
- تقویت و فعال‌سازی ایستگاه‌های ثابت و سیار بازرسی.

۲-۳-۴ مرحله چهارم (۱۳۷۵-۱۳۷۰)

- با ادغام نیروهای کمیته انقلاب اسلامی، شهربانی، ژاندارمری و پلیس قضایی در سال

۱۳۷۰ شرایط جدیدی برای مبارزه با مواد مخدر پدید آمد و مبارزه با آن تشدید یافت. مهم‌ترین شرایط و ویژگی این دوره عبارت بود از:

- افزایش چشمگیر مصرف‌کنندگان مواد مخدر در میان اقشار مرفه و ثروتمندان،
- تشکیل قرارگاه‌های عملیاتی در شرق کشور در سال ۱۳۷۳ به مرکزیت قرارگاه عملیاتی مرصاد.

۵-۲-۳ مرحله پنجم (۱۳۸۰-۱۳۷۶) (تا حمله آمریکا به افغانستان)

- ارتقای سطح آموزشی مأموران مبارزه با مواد مخدر،
- تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در ۱۳۷۶ و اصلاح آن در سال ۱۳۷۷^۱،
- تجهیز واحدهای مبارزه با مواد مخدر به سیستم‌های رایانه‌ای،
- افزایش حمل و جابه‌جایی مواد مخدر به‌ویژه هروئین در کشور،
- صدور فتوای ممنوعیت کشت خشخاش توسط ملا عمر مفتی طالبان در ۱۳۷۹/۷/۲۳ در افغانستان.

۶-۲-۳ مرحله ششم ۱۳۸۰ تاکنون

- کاهش کشت خشخاش در افغانستان به‌دلیل سلطه طالبان در مراحل بدوی،

۱. به‌موجب ماده (۳۳) قانون مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری عبارت‌اند از:

۱. رئیس‌جمهور،
۲. دادستان کل کشور،
۳. وزیر کشور،
۴. وزیر اطلاعات،
۵. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی،
۶. وزیر آموزش و پرورش،
۷. رئیس صدا و سیما،
۸. فرماندهی نیروی انتظامی،
۹. مدیریت دادگاه انقلاب اسلامی تهران،
۱۰. مدیریت سازمان زندان‌ها،
۱۱. فرمانده نیروی مقاومت بسیج،
۱۲. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- افزایش مجدد کشت خشخاش در دولت حامد کرزای،
- تلاش برای اتخاذ سیاست بیمار تلقی کردن معتادان در جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تصویب قانون عدم مجرم بودن معتادان،
- پیش‌بینی مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر در قانون برنامه چهارم توسعه اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی کشور.

از سال ۱۳۶۸ که اولین قانون برنامه توسعه کشور در جمهوری اسلامی ایران تصویب شد، در برنامه‌های دوم و سوم توسعه هیچ‌گونه پیش‌بینی درخصوص مبارزه و پیشگیری با پدیده اعتیاد به عمل نیامده بود، اما در ماده (۹۷) قانون چهارم توسعه مصوب ۱۳۸۲ مقوله پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر کنترل اعتیاد به مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان پیش‌بینی شد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۲) که حاکی از اهمیت و ضرورت اهتمام جدی به مدیریت کاهش اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن در نزد نخبگان سیاسی کشور است.

تصویب سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأیید آن از سوی مقام معظم رهبری ۱۳۸۵/۷/۱۰ به شرح زیر:
- مبارزه فراگیر و قاطع علیه کلیه فعالیت‌ها و اقدامات غیرقانونی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آنها قبل از کشت، تولید، ورود، صدور، نگهداری و عرضه؛

- تقویت، توسعه، تجهیز و استفاده فراگیر از امکانات اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و قضایی برای شناسایی و تعقیب و انهدام شبکه‌ها و مقابله با عوامل اصلی داخلی و بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان و پیش‌سازهای آن؛

- تقویت، تجهیز و توسعه یگان‌ها و مکانیزه کردن سامانه‌های کنترلی و تمرکز اطلاعات به‌منظور کنترل مرزها و مبادی ورودی کشور و جلوگیری از اقدامات غیرقانونی مرتبط با مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آنها و تقویت ساختار تخصصی مبارزه با مواد مخدر در ناجا و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط؛

- اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و روان‌گردان با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی با تأکید بر تقویت باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، هنری، ورزشی، آموزشی، تبلیغاتی در محیط

- خانواده، کار، آموزشی، تربیتی و مراکز فرهنگی و عمومی؛
- جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و پیش‌سازهای آنها جز در موارد علمی، پزشکی، صنعتی و برنامه‌های مصوب در درمان و کاهش آسیب؛
- ایجاد و گسترش امکانات عمومی تشخیص، درمان، بازتوانی و اتخاذ تدابیر علمی جامع و فراگیر با هدف:
- درمان و بازتوانی مصرف‌کنندگان،
- کاهش آسیب‌ها،
- جلوگیری از تغییر الگوی مصرف از مواد کم‌خطر به مواد پرخطر.
- اتخاذ تدابیر لازم برای حمایت‌های اجتماعی پس از درمان مبتلایان به مواد مخدر و روان‌گردان در زمینه اشتغال، اوقات فراغت، ارائه خدمات مشاوره پزشکی و حمایت‌های حقوقی و اجتماعی برای افراد بازتوانی شده و خانواده‌های آنان؛
- تقویت و ارتقای دیپلماسی منطقه‌ای و جهانی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان در راستای:
- هدفمند کردن،
- مشارکت فعال در تصمیم‌سازی‌ها به تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مربوط،
- بهره‌گیری از تجارب و امکانات فنی، پشتیبانی و اقتصادی کشورهای دیگر و سازمان بین‌المللی؛
- اتخاذ تدابیر لازم برای حضور و مشارکت جدی مردم و خانواده‌ها در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان؛
- توسعه مطالعات و پژوهش‌های بنیادی، کاربردی توسعه‌ای در امر مبارزه با مواد مخدر، روان‌گردان و پیگیری و درمان معتادان با تکیه بر دانش روز دنیا و استفاده از ظرفیت‌های علمی و تخصصی ذی‌ربط در کشور؛
- ارتقا و اصلاح ساختار مدیریت مرتبط با مبارزه مواد مخدر و روان‌گردان‌ها به‌منظور تحقق سیاست‌های کلی نظام و سرعت بخشیدن به فعالیت‌ها و هماهنگی در اتخاذ سیاست‌های عملیاتی و کلیه اقدامات اجرایی، قضایی و حقوقی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۶: ۱۰).

۴ الزامات و بایسته‌های سازمان‌ها و نهادهای درگیر با مواد مخدر

مسئله مواد مخدر جامعه جهانی و به‌ویژه مسئولان جمهوری اسلامی ایران را بر آن داشته است تا در دو سه دهه اخیر توجه خاصی به معضل مواد مخدر کرده و با تصویب کنوانسیون‌های جهانی و اجرای برنامه‌های داخلی در تلاش برای متوقف کردن سوءاستفاده از این مواد اقدام کند. توجه خاص به معضل مواد مخدر در دو سه دهه اخیر برآمده از تحولات خاصی است که سراسر جهان را درنوردیده است. وقوع پدیده جهانی شدن - به‌ویژه در بخش اقتصاد - باعث شده تا حجم عظیمی از سرمایه‌های غیرقانونی حاصل از مواد مخدر در اقتصاد جهانی گردش یابد. این حجم عظیم سرمایه، به‌دلیل سیال بودنش می‌تواند تهدیدی جدی برای اقتصاد کشورهای جهان باشد. بنابراین بسیاری از تلاش‌ها در امر مبارزه با مصرف غیرقانونی مواد مخدر، به تلاش برای دور نگه داشتن سرمایه‌های حاصل از تجارت مواد مخدر از سرمایه‌های ملی کشورها که در روند صحیح اقتصادی جریان دارند، معطوف شده است.

همچنین امروزه نقل‌وانتقال مواد مخدر از محدوده مرزهای یک کشور فراتر رفته و موادی که در شرق تولید می‌شوند در غرب به فروش و مصرف می‌رسند. ایجاد باندهای قاچاق مواد مخدر به‌صورت پدیده‌ای دامن‌گستر در عرصه جهانی درآمده است. گسترش دامنه چنین اقداماتی باعث شده تا در چارچوب سازمان ملل متحد تمهیدات کنوانسیونی تحت عنوان کنوانسیون جرائم سازمان‌یافته فراملی فراهم شود که از اهداف آن برخورد جهانی با چنین باندهای قاچاق است.

ازطرف‌دیگر شیوع بی‌رویه مواد مخدر در سطح جهان باعث شده تا بیش از پیش توانایی افراد در محیط‌های کاری و آموزشی کاهش یابد و سلامتی افراد به خطر افتد و در یک کلام نیروی انسانی که مهم‌ترین عامل تحرک و پویایی کشورها در نیل به اهدافشان است در معرض خطر قرار گیرد. بدین‌سان معضل مواد مخدر و سوءاستفاده از آن به‌صورت معضلی اساسی در برابر آینده بشریت درآمده است و کشورهایی که بتوانند خود را در برابر این‌گونه مواد مصون نگه دارند، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای پیشرفت را در دست خواهند داشت، به‌طوری‌که حتی می‌توان گفت به‌تدریج در بیست سال آینده یکی از شاخص‌های توسعه، میزان مصونیت یک کشور در برابر مواد مخدر خواهد بود و

امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران و سلامت شهروندان ایرانی تا سال ۱۴۰۴ ه. ش تا حدود زیادی در گرو چگونگی پیشگیری و مقابله با مسئله اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن در کشور است.

جمهوری اسلامی ایران شاید یکی از کشورهای نادری باشد که در مبارزه با مواد مخدر و سوء مصرف آن توانسته است در تمام جبهه‌ها و صحنه‌ها و با هماهنگی قابل توجه تمام سازمان‌ها و نهادهای اجرایی، تحقیقاتی، برنامه‌ریزی، مالی و انتظامی وارد میدان کارزار شود و به نتایج ارزشمندی برسد. سازمان‌ها، مراکز و نهادهایی که به نحوی از انجا درگیر حل معضل مواد مخدر شده‌اند، عبارت بوده‌اند از:

- ستاد مبارزه با مواد مخدر،
- نیروهای انتظامی،
- سازمان زندان‌ها،
- آموزش و پرورش و مدارس،
- شورای شهر،
- دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی دولتی و خصوصی،
- بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز بازپروری و ... ،
- سازمان تأمین اجتماعی و سایر سازمان‌های یاری‌دهنده،
- گمرکات و ادارات و
- فعالیت این نهادها و سازمان‌ها در چند جهت و جبهه به شرح ذیل تمرکز یافت:
- شناسایی، جمع‌آوری اطلاعات و پیگیری افراد مظنون،
- مطالعه و بررسی موضوع از ابعاد مختلف و اعلام مکتوب آن به سازمان‌های مسئول،
- سیاستگذاری و برنامه‌ریزی،
- اجرای تصمیمات و مصوبات در تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی،
- نظارت و کنترل با تمام امکانات فنی، آموزشی و اجرایی،
- تأمین اعتبار مالی مورد نیاز.
- آنچه که قابل توجه و یادآوری است، هماهنگی فعالیت‌ها، هدفمند کردن فعالیت‌ها،

درک مسئولیت‌ها، نظرسنجی از مردم و مطلع ساختن آنها از جریان و مسئله و شناسایی مسئله قبل از اقدام به اجرای آن بود. گسترش مصرف مواد مخدر انجام و برنامه‌های مبارزه با آن موجب دگرگونی ساختاری و کارکردی در ساختار فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، اداری و سیاسی نظام اجتماعی جمهوری اسلامی ایران شده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۴-۱ آموزش و پرورش

- تغییرات و تحولات بنیادی در نظام آموزش و پرورش،
- تغییرات و تحولات بسیار در برنامه‌های درسی،
- ورود برخی مباحث جدید به محتوای درسی مدرسه و تدریس آنها، مانند آموزش مواد مخدر، امور و مسائل جنسی، بیماری‌های مسری مانند ایدز و ...،
- آموزش مهارت‌های زندگی و پیشنهاد ارائه آن در قالب واحد درسی برای کلیه دانشجویان کشور،
- ایجاد ارتباط دوسویه بین دانش‌آموز و معلم،
- ایجاد ارتباط دوسویه بین مدرسه و خانواده.

۴-۲ دانشگاه‌ها، مراکز مشاوره‌ای و مؤسسات تحقیقاتی

- توجه به مسائل اجتماعی و تدوین دروس و رشته‌های جدید در این زمینه،
- انجام تحقیقات و مطالعات وسیع موردی در زمینه اعتیاد، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان،
- همکاری بسیار نزدیک دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی با آموزش و پرورش و مؤسسات و نهادهای مربوط به آن،
- تأسیس مراکز و مؤسسات مشاوره‌ای و خصوصی و دولتی در تمام زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اشتغال و تفریحی.

۴-۳ سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی

- گسترش فعالیت‌های تأمین اجتماعی و تأمین حقوق بیمه بیکاری، از کارافتادگی و ...،
- گسترش درمانگاه‌ها و مراکز بهداشتی در ارتباط با مسئله (اعتیاد) به‌طور رایگان و خصوصی،

- توجه به مسئله بیکاری به عنوان یک مسئله اجتماعی،
- گسترش مراکز کاربایی و آموزش مهارت‌های زندگی به افراد بیکار و جوانان،
- نظارت، هدایت و جامعه‌پذیر ساختن سایر گروه‌های قومی و فرهنگی،
- گسترش همکاری بین هتلداران و صاحبان مهمانخانه‌ها با نیروهای انتظامی و مأموران آگاهی.

۴-۴ سازمان‌ها و نهادهای انتظامی

- برخورد بسیار شدید نیروهای انتظامی با افراد مظنون به اعتیاد و مواد مخدر،
- آگاه‌سازی مردم از مخاطرات و پیامدهای نامطلوب فرهنگی، روانی، اجتماعی و مالی الکلیسم و مواد مخدر،
- کمک به مردم، نهادهای سازمان‌ها و معتادان برای جلوگیری از اشاعه مصرف مواد مخدر.

۴-۵ رسانه‌ها و مطبوعات

- انتشار نشریات تخصصی و نیمه تخصصی و عمومی برای علاقه‌مندان، متخصصان و عموم مردم،
- ارائه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در تمام زمینه‌ها و در تمام سطوح به منظور آگاه‌سازی از واقعیت‌ها، جریان‌های اجتماعی و
- آنچه از نظر برنامه‌ریزان برای برون‌رفت از یک مسئله اجتماعی حائز اهمیت است شرایط و برخورد فرهنگی، اجتماعی و روانی جامعه در مقابل رخدادها و مسائل اجتماعی است. برخورد اجتماعی، فرهنگی و روانی جامعه در قبال مسئله اعتیاد، سوء مصرف مواد مخدر و قاچاق آن از بسیاری جهات آموزنده است. برخی از این برخوردها و ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:
- سرعت عمل دست‌اندرکاران در قبال ورود مسئله مواد مخدر به اجتماع و جامعه،
- تشکیل کمیته‌ها و مراکز مشاوره برای بحث و گفت‌وگو در مدارس، ادارات آموزش و پرورش، دستگاه‌های انتظامی، گروه‌های کاری، بیمارستان‌ها و ...،
- خودمعرفی افراد معتاد در تمام سطوح سنی و فرهنگی به مؤسسات درمانی و مشاوره‌ای،

- هماهنگی سازمان‌های درگیر و برخورد بسیار جدی، مهربان و محترمانه با اشخاص معتاد از سوی افراد ذی‌ربط مانند پزشک پلیس، مددکار و ... ،
- انتشار نشریه‌های تحقیقی، مشاوره‌ای و راهنما در سطح وسیع،
- شناسایی کلیه معتادان جدید و قدیم و تشکیل پرونده برای معالجه، هدایت و راهنمایی و پیشگیری از گسترش آن از سوی مدارس، دستگاه‌های انتظامی، بیمارستان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط،
- آموزش ابعاد مختلف اعتیاد، سوء مصرف مواد مخدر در مدارس، مراکز بهداشتی و آموزش فرهنگی کشور،
- تألیف کتاب‌های آموزشی و بهداشتی در زمینه اعتیاد سوء مصرف مواد مخدر برای سنین و گروه‌های مختلف اجتماعی،
- تغییرات و دگرگونی‌های جدی و فراگیری در نظام آموزشی و مواد درسی در راستای آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت پایه و بنیان خانواده و عزت‌نفس انسانی و

۵ راهکارهای کاربردی و اجرایی پیشگیرانه برای جامعه ایران ۱۴۰۴

از مهم‌ترین نکته‌های حائز اهمیت پیرامون مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در جمهوری اسلامی ایران عدم موفقیت سیاست‌های مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر و همچنین برنامه‌های مربوط به آن است، به‌نحوی که پس از گذشت قریب به سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی مسئله اعتیاد به مواد مخدر به یک مسئله بسیار پیچیده اجتماعی در سطح ملی تبدیل شده که از نمودهای عینی آن می‌توان به کاهش سن اعتیاد، روی آوردن دختران و زنان به مصرف دخانیات و مواد مخدر صنعتی و همچنین گسترش لجام‌گسیخته قاچاق و توزیع سازمان‌یافته آن در شهرهای مختلف کشور اشاره کرد. واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد علی‌رغم وجود قوانین و مقررات، تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر و فعالیت‌های مأموران پلیس و نیروی انتظامی در فرایند مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن توفیق کامل حاصل نشده است. بنابراین تجدیدنظر در استراتژی‌های کنونی و خط‌مشی‌ها و سیاست‌های اجرایی از ضرورت‌های اساسی به‌شمار می‌رود تا در پرتو بازنگری جدی بر آنها شاهد طراحی و اجرایی شدن مدیریتی علمی و

- کارآمد برای کنترل و کاهش اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در کشور باشیم.
- با توجه به عدم موفقیت قابل قبول استراتژی‌ها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی در فرایند مدیریت کاهش اعتیاد و همچنین مدیریت مبارزه با قاچاق مواد مخدر در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ بایسته است موارد زیر مدنظر متولیان امر قرار گیرد:
۱. بازنگری جدی در سازوکارها و سیاست‌های مبارزه با قاچاق مواد مخدر در ایران توسط کمیسیون متشکل از روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، فقها و مدیران پلیس و کارشناسان زبده مبارزه با قاچاق مواد مخدر به‌منظور نقد و بررسی سیاست‌های سه دهه اخیر ایران و طراحی سازوکارهای جدید و کارآمد؛
 ۲. ترویج و گسترش سیاست مداوا با متادون و شربت تریاک به‌عنوان کم‌ضررترین ماده مخدر در مقایسه با سایر انواع مخدرها و حذف تدریجی آن؛
 ۳. شناسایی و تشکیل پرونده سلامت پزشکی برای کلیه معتادان مواد مخدر و بانک اطلاعاتی جامع؛
 ۴. توانمندسازی خانواده‌ها و جوانان از طریق گسترش و توسعه آموزش مهارت‌های زندگی و روش‌های اثربخش مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر؛
 ۵. اجرای دقیق مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۵ و سنجش نتایج حاصله از آن در دوره‌های پنج‌ساله (۴ دوره پنج‌ساله تا ۱۴۰۴) توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر؛
 ۶. ارتقای سطح اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی در محیط‌های خانواده، آموزش و پرورش (مدارس) و مربیان و وزارت علوم - تحقیقات و فناوری (دانشگاه‌های سراسر کشور)؛
 ۷. اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی اثربخش به‌منظور پیشگیری از گرایش به مصرف فراورده‌های مخدر صنعتی مانند کراک، شیشه و روان‌گردان‌های نوین؛
 ۸. تربیت مشاوران و کارشناسان و مربیان مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و بهره‌گیری از آنان در سطح مدارس - دانشگاه‌ها و سایر محیط‌های اجتماعی؛
 ۹. پیش‌بینی‌های مناسب و منطقی برای چگونگی گذراندن اوقات فراغت افراد به‌ویژه جوانان برای ارتقای سطح نشاط و سلامت؛
 ۱۰. توسعه و گسترش ورزش عمومی و ارزان برای خانواده‌ها و جوانان به‌منظور پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر؛

۱۱. بهره‌گیری از سازوکارهای محله‌گرایی و رویکرد، محله‌ای در مبارزه با مواد مخدر با استفاده از توانمندی‌های شورای محلات شهرها؛
۱۲. تغییر در سیاست‌های کنونی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشورهای همسایه به‌ویژه افغانستان و پاکستان که مجاری اصلی ورود مواد مخدر به کشور هستند؛
۱۳. بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های صدا و سیما در آموزش، پیشگیری و مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر؛
۱۴. پیش‌بینی و تعیین بنگاه‌ها و کارگاه‌های کارآفرین برای اشتغال‌زایی و مبارزه با بیکاری در جامعه؛
۱۵. تأسیس گسترده مراکز مشاوره مردمی قابل دسترس در سراسر کشور؛
۱۶. تأسیس مراکز پژوهشی و مطالعاتی مدیریت مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد؛
۱۷. گسترش و توسعه مراکز بهداشتی و درمانی رایگان معتادان؛
۱۸. ارتقای سطح هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف مرتبط با پیشگیری و مبارزه با اعتیاد؛
۱۹. حمایت و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد و مردمی مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر؛
۲۰. بهره‌گیری از نفوذ و توانمندی‌های گروه‌های مرجع اجتماعی معلمان، اساتید، علما و روحانیون برای پیشگیری و مبارزه با اعتیاد؛
۲۱. ایجاد مراکزی ازسوی دولت برای معتادان بی‌خانمان و بیکار تا بدین‌وسیله افراد ضمن برخورداری از حمایت مالی و افزایش مهارت‌های شغلی از لحاظ درمانی و معنویت (تقویت ایمان) نیز تحت پوشش قرار گیرند.
۲۲. تجدیدنظر و بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در مجلس شورای اسلامی و به‌روز کردن قوانین و مقررات کنونی.

منابع و مآخذ

- «استرالیا و مشکل مواد مخدر»، نشریه/اصلاح و تربیت، شماره ۵۰، سال ۴.
- اداره مطالعات و تحقیقات مرکز مبارزه با مواد مخدر ناجا (۱۳۸۳). «نگاهی به وضعیت قاچاق مواد مخدر و مبارزه با آن»، خبرنامه/اطلاع‌رسانی، شماره ۶.
- امیرخیزی، محمدرضا (۱۳۷۸). «اقدام‌های جامعه بین‌المللی در مبارزه با مواد مخدر»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۳.
- پژوهشکده ملی مواد مخدر ایران (۱۳۸۲). «استراتژی ملی کنترل مواد مخدر آمریکا (۲۰۰۳)، همکاری اداره کل روابط بین‌المللی ستاد، تهران، نشر دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- «تحولات نظری و عملی در عرصه مبارزه با مواد مخدر» (۱۳۸۳). نشریه همبستگی.
- دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر ریاست جمهوری، «وضعیت کلی مواد مخدر در کشور انگلستان»، نشریه/اصلاح و تربیت، شماره ۴۲، سال ۴.
- روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۸۳). «۱۰ میلیون نفر در خدمت مافیای جهانی مواد مخدر».
- رونتلو، التا (۱۳۸۰). «مواد مخدر، زندان‌ها و اصلاح و درمان»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، نشریه کانون سردفتران و دفتریاران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، قانون برنامه چهارم توسعه کشور ماده (۹۷)، (۱۳۸۲). انتشارات سالیانه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲). گزارش ملی جوانان، شماره ۱۵، «بررسی وضعیت اعتیاد به مواد مخدر جوانان».
- ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۸۷). «گزارش عملکرد چهارساله ستاد مبارزه با مواد مخدر ۱۳۸۴-۱۳۸۷».
- غنجدی، علی (۱۳۸۶). کلیات مواد مخدر، معاونت آموزش ناجا.
- کولینز، لری هلند. «پایتخت مواد مخدر اروپا»، ترجمه رضا نظرآهاری، نشریه/اصلاح و تربیت، شماره ۷۱ و ۷۲، سال ۶.
- گل‌محمدی خامنه، علی (۱۳۸۱). «اعتیاد به مواد مخدر در قوانین کیفری»، فصلنامه دانش انتظامی، سال چهارم شماره ۲.

۲۳۴ پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران

گزارش اعتیاد در اسکاتلند (۱۳۷۸). «گزارشی از روند گسترش سوء مصرف مواد مخدر و نحوه پیشگیری از آن در این کشور»، نشریه ژرفای تربیت.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی سیاست‌های مبارزه با اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق در ایران»، دفتر مطالعات سیاسی.

معاونت تحقیقات و کشف جرائم ناجا، «آفریقای جنوبی و تجارت جهانی مواد مخدر»، تلخیص و تنظیم: اداره کل مطالعات و پژوهش‌ها، نشریه/صلاح و تربیت، سال چهارم، شماره ۴۳.

نظرآهاری، رضا (۱۳۷۹). «وضعیت جهانی مواد مخدر»، نشریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، ماهنامه ۱۴۶.

«نگاهی به کنوانسیون‌های بین‌المللی کنترل مواد مخدر» (۱۳۷۸). نشریه کار و کارگر.

واحد ترجمه مرکز آموزشی و پژوهشی (۱۳۸۰). «آشنایی با سازمان‌های بین‌المللی کنترل مواد مخدر»، نشریه/صلاح و تربیت، سال ۷، شماره ۸۲.

«NGO در سرزمین چکمه‌ای: آشنایی با فعالیت برخی از سازمان‌های غیردولتی ایتالیا در چارچوب مبارزه با مواد مخدر»، نشریه پژوهاک/ایران، شماره ۱۲.

Maritn Fanner, Establishing Arrest Referral Schemes Pan London, Course Handout Department of Addictinal Behaviour, SGIIMS, London, 2001.
<http://www.mardomsaire.com>.